www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

# آشنایی با ادیان بزرگ

بسم الله الرحمن الرحیم

# آشنایی با ادیان بزرگ

نویسنده:

حسین توفیقی

ناشر چاپی:

مرکز جهانی علوم اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست ----- ۵
آشنایی با ادیان بزرگ ----- ۱۴
مشخصات کتاب ----- ۱۴
۱- کلیات ----- ۱۴
۱- تعریف دین ، مذهب ، ملت و شریعت ----- ۱۴
۲- دین از نظر جامعه شناسان ----- ۱۵
۳- مراحل دین ----- ۱۵
۴- فایده تاریخ ادیان ----- ۱۵
۵- دسته بندی ادیان ----- ۱۶
کتابنامه ----- ۱۶
۲- ادیان ابتدایی ----- ۱۶
۱- دین نزد انسان ابتدایی ----- ۱۶
۲- عناصر مشترک ادیان ابتدایی ----- ۱۷
۳- توتم ----- ۱۸
۴- تابو ----- ۱۸
۵- مانا ----- ۱۸
۶- آنیمیسم ----- ۱۸
۷- فتیشیسم ----- ۱۹
۸- اساطیر ----- ۱۹
کتابنامه ----- ۱۹
۳- ادیان ملل گذشته ----- ۱۹
۱- مصر ----- ۱۹
۲- بابل ----- ۲۰

۳- یونان ----- ۲۱
۴- روم ----- ۲۲
کتابنامه ----- ۲۲
اشاره ----- ۲۲
۴- هندوستان ----- ۲۲
مقدمه ----- ۲۲
۱- هندوئیسم ----- ۲۳
اشاره ----- ۲۳
۱-۱- مردم هند پیش از هجوم آریاییها ----- ۲۳
۱-۲- اصول دین هندو ----- ۲۳
۱-۳- خدایان ودایی ----- ۲۳
۱-۴- کتابهای مقدس ----- ۲۴
۱-۵- فرهنگ و تربیت ودایی ----- ۲۵
۱-۶- فلسفه اوپانیشادها ----- ۲۶
۱-۷- خدایان سه گانه ----- ۲۶
۱-۸- نظریه تناسخ و تصور کارما ----- ۲۷
۱-۹- فلسفه وحدت وجود حکیمان و دانشمندان هندو می گویند خدایان بی شمار آن دین همه مظاهر یک خدای واحد و بزرگند و تمام موجو
۲- آیین جین ----- ۲۸
اشاره ----- ۲۹
۲-۱- سرگذشت مهاویرا ----- ۲۹
۲-۲- فلسفه و اخلاقیات ----- ۲۹
۲-۳- اهمیسا ----- ۲۹
۲-۴- کتب مذهبی ----- ۳۰
۲-۵- پیروان ----- ۳۰

۳- بودیسم ----- ۳۰
توضیح ----- ۳۰
۳-۲- تاءسیس نظام ----- ۳۰
۳-۳- فلسفه بودا ----- ۳۰
۳-۴- اخلاقیات ----- ۳۱
۳-۵- فرقه های بودایی ----- ۳۱
۳-۶- کتب بودایی ----- ۳۲
۳-۱- سرگذشت بودا ----- ۳۲
اشاره ----- ۳۲
۴. آیین سیک ----- ۳۲
اشاره ----- ۳۲
۴-۱- سرگذشت نانک ----- ۳۳
۴-۲- تعالیم ----- ۳۳
۴-۳- آثار مذهبی ----- ۳۳
۴-۴- تاریخچه سیاسی سیکها ----- ۳۳
کتابنامه ----- ۳۴
۵- چین و ژاپن ----- ۳۴
۱- کنفوسیانیسم ----- ۳۴
۲- تائوئیسم ----- ۳۵
۳- شینتو ----- ۳۶
کتابنامه ----- ۳۷
۶- ایران باستان ----- ۳۷
۱- آیین مغان ----- ۳۷
۲- مهرپرستی ----- ۳۷

اشاره ---------- ۳۸
۲-۱- مبادی ، رسوم و عبادات ---------- ۳۸
۳-۱- سرگذشت زردشت ---------- ۳۸
۳-۲- تعالیم زردشت ---------- ۳۹
۳-۳- اوستا ---------- ۳۹
۳-۴- داستان خلقت و دو گانه پرستی ---------- ۳۹
۳-۵- خدایان ---------- ۴۰
۳-۶- آخر الزمان ---------- ۴۰
۳-۷- بقای روح ---------- ۴۰
۳-۸- وضع کنونی ---------- ۴۰
۴- مانویت ---------- ۴۰
توضیح ---------- ۴۱
۴-۱- سرگذشت مانی ---------- ۴۱
۴-۲- منابع مانوی ---------- ۴۱
۴-۳- تعالیم و مبانی ---------- ۴۱
۵- مزدک ---------- ۴۲
اشاره ---------- ۴۲
۵-۱- سرگذشت مزدک ---------- ۴۲
۵-۲- قیام مزدک ---------- ۴۲
۵-۳. دیدگاهها ---------- ۴۲
کتابنامه ---------- ۴۳
۷- یهودیت ---------- ۴۳
۱- عبرانیان ---------- ۴۳
۲- حضرت ابراهیم (ع ) ---------- ۴۳

۳-اسماعیل (ع ) و اسحاق (ع ) ----- ۴۴
۴- اسرائیل ----- ۴۵
۵- دین مردم صحرانشین ----- ۴۵
۶- تحول افکار در اقوام بنی اسرائیل ----- ۴۶
۷- حضرت موسی (ع ) ----- ۴۶
۸. تاءسیس یهودیت ----- ۴۷
۸- الواح و ده فرمان ----- ۴۷
اشاره ----- ۴۷
۹- گوساله پرستی ----- ۴۸
۱۰- تورات با تاریخ یهود ----- ۴۸
۱۱- عهد عتیق ----- ۴۹
۱۳- عقاید و احکام مذهبی ----- ۵۰
۱۴- طهور انبیا ----- ۵۱
۱۵- حکومت بنی اسرائیل ----- ۵۱
۱۶- اسارت بابل ----- ۵۲
۱۷- تجدید معبد ----- ۵۲
۱۸- پیدایش کنیسه ----- ۵۳
۱۹- تاءثیر عقاید مزدیسنی و فرهنگ پارسی ----- ۵۳
۲۰- اعیاد یهود یهود عیدهایی دارند از این قرار ----- ۵۳
۲۱- فرقه های یهودی ----- ۵۴
اشاره ----- ۵۴
۲۱-۱- فریسیان ----- ۵۴
۲۱-۲- صدوقیان ----- ۵۵
۲۱-۳- سامریان ----- ۵۵

۲۱-۴- اسنیان ----- ۵۶
۲۱-۵- قانویان ----- ۵۶
۲۱-۶- قارئون ----- ۵۶
۲۱-۷- دونمه ----- ۵۷
۲۲- انتظار ظهور مسیحا ----- ۵۷
۲۳- غلبه رومیان و انقراض یهود ----- ۵۸
۲۴- ویرانی اورشلیم و آوارگی یهود ----- ۵۹
۲۵- تلمود ----- ۵۹
۲۶- قبالا ----- ۶۱
۲۷- یهودیت در اروپا ----- ۶۱
۲۸- یهودیت در عصر جدید ----- ۶۱
۲۹- پیدایش صهیونیسم و تاءسیس دولت اسرائیل ----- ۶۱
کتابنامه ----- ۶۲
۸- مسیحیت ----- ۶۲
۱- عصر ظهور عیسی (ع ) ----- ۶۲
۲- پیشگویی ظهور عیسی (ع ) ----- ۶۳
۳- سرگذشت عیسی (ع ) ----- ۶۳
۴- یحیای تعمید دهنده ----- ۶۴
۵- قیام عیسی (ع ) ----- ۶۴
۶- عیسای انقلابی ----- ۶۵
توضیح ----- ۶۵
۶-۱- نفوذ در تشکیلات دشمن ----- ۶۵
۶-۲- تعمید در خون ----- ۶۵
۶-۳- صلیب شهادت ----- ۶۶

۶-۴- شمشیر به جای سلامت ----- ۶۶
۶-۵- دعوت به دفاع مسلحانه ----- ۶۶
۶-۶- تحقیر پادشاه ----- ۶۷
۶-۷- خدا و قیصر ----- ۶۷
۶-۸- ستیز با دین به دنیا فروشان ----- ۶۸
۶-۹- نمایش قدرت ----- ۶۸
۶-۱۰- تکمیل تورات ----- ۶۸
۷. رسولان ----- ۶۹
۸- پایه گذاری کلیسا ----- ۷۱
۹- کتاب مقدس ----- ۷۲
توضیح ----- ۷۲
۹-۱- اناجیل ----- ۷۲
۹-۲- اعمال رسولان ----- ۷۳
۹-۳- نامه های رسولان ----- ۷۳
۹-۴- مکاشفه ----- ۷۳
۱۰-۱- دیدگاه کلیسا ----- ۷۳
۱۰-۲- دیدگاه دانشمندان بی طرف ----- ۷۵
۱۰-۳- دیدگاه مسلمانان ----- ۷۶
۱۱- قرآن مجید و مساءله تحریف ----- ۷۶
۱۲- اعتقادات ----- ۷۷
اشاره ----- ۷۸
۱۲-۱- ریشه ها ----- ۷۸
۱۲-۲- خدا، خداوند و پسر خدا ----- ۸۰
۱۲-۳- تثلیث ----- ۸۲

۱۲-۴- فدا ----- ۸۲
۱۳- هفت آیین مقدس ----- ۸۳
توضیح ----- ۸۳
۱۳-۱- تعمید ----- ۸۴
۱۳-۲- تایید (یا تثبیت ایمان ) ----- ۸۴
۱۳-۳- ازدواج مسیحی ----- ۸۵
۱۳-۴- دستگذاری ، یا درجات مقدس روحانیت ----- ۸۵
۱۳-۵- اعتراف ----- ۸۵
۱۳-۶- تدهین (مالیدن روغن مقدس به بیماران ) ----- ۸۶
۱۳-۷- عشای ربانی ----- ۸۶
۱۴- علل انتشار مسیحیت ----- ۸۶
۱۵- بروز اختلافات کلامی ----- ۸۷
۱۶- مسیحیت در روم ----- ۸۷
۱۷- جدایی در کلیسا ----- ۸۸
۱۸- امپراطوری مقدس ----- ۸۸
۱۹- رهبانیت ----- ۸۹
۲۰- اصلاح مذهبی ----- ۹۰
اشاره ----- ۹۰
۲۰-۱- شورشهای قدیمتر ----- ۹۰
۲۰-۲- مارتین لوتر ----- ۹۱
۲۰-۳- مصلحان دیگر ----- ۹۱
۲۰-۴- اصلاح در انگلستان ----- ۹۱
۲۰-۵- اصلاح متقابل ----- ۹۲
۲۰-۶- واکنش کلیسای ارتدوکس ----- ۹۲

۲۰-۷- شورای واتیکانی دوم ----- ۹۲
۲۱- فرقه مسیحی ----- ۹۳
توضیح ----- ۹۳
۲۱-۱- کلیسای کاتولیک ----- ۹۳
۲۱-۲- کلیسای ارتدوکس ----- ۹۳
۲۱-۳- کلیساهای پروتستان ----- ۹۴
۲۲- دین مسیح در عصر حاضر ----- ۹۴
کتابنامه ----- ۹۵
۹- عرب قبل از اسلام ----- ۹۵
۱- دیانت اعراب عصر جاهلیت ----- ۹۵
۲- خدایان اعراب ----- ۹۶
۳- ایمان به الله ----- ۹۶
۴- ارواح آزار دهنده ----- ۹۶
۵- صابیان ----- ۹۷
۶- عقاید و آرای صابیان ----- ۹۷
کتابنامه ----- ۹۷
پی نوشتها ----- ۹۷
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۹۹

# آشنایی با ادیان بزرگ

## مشخصات کتاب

سرشناسه : توفیقی حسین ۱۳۳۰ - . عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با ادیان بزرگ/حسین توفیقی. مشخصات نشر : تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت): موسسه فرهنگی طه: مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری : ده، ۲۸۹ ص. فروست : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ؛ ۴۰۱. الهیات ( ادیان و عرفان، فلسفه و کلام) ؛ ۲۰. شابک : ۱۹۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۴۵۹-۹۳۱-۴ ؛ ۲۱۰۰۰ ریال (چاپ نهم) یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: .Hossein Tawfiqi. A companion to great religions یادداشت : چاپ هشتم. یادداشت : چاپ نهم: پاییز ۱۳۸۵. یادداشت : چاپ قبلی: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) : موسسه فرهنگی طه : مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴( ده، ۲۵۸ ص). یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : ادیان شناسه افزوده : مرکز جهانی علوم اسلامی شناسه افزوده : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) رده بندی کنگره : BL۸۰/۲/ت۹آ۵ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی : ۲۰۰ شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۳۲۳۴۹

## ۱- کلیات

### ۱- تعریف دین ، مذهب ، ملت و شریعت

با پیشرفت دانش ، معلوم شده است که درباره هیچ یک از پدیده های جهان نمی توان تعریف کاملی ارائه داد. تعریف باید جامع و مانع باشد؛ یعنی همه موارد خودی را دربرگیرد و همه موارد بیگانه را بیرون کند. در گذشته تصور می شد ارائه تعریف جامع و مانع امکان دارد، اما اکنون روشن شده است که هیچ تعریفی جامع و مانع نیست و تعریفها برخی از جوانب موضوعات را نشان می دهند. بعضی موضوعات آسانتر و بعضی دشوارتر تعریف می شوند. یکی از موضوعاتی که به سختی تعریف می شوند، دین است . علت این امر تنوع بسیار زیاد ادیان در جوامع بشری است . دانشمندان برای پیدا کردن یک یا چند وجه اشتراک در تعریف ادیان کوشیده اند، ولی کارشان به جایی نرسیده است . این امر موجب شده است که تعریفهای بی شماری برای دین ارائه شود که هیچ کدام از آنها جامع و مانع نیست . برخی گفته اند دین به معنای اعتقاد به یک امر قدسی است و برخی آن را ایمان به موجودات روحانی دانسته اند. گروهی دیگر گفته اند دین عبارت است از ایمان به یک یا چند نیروی فوق بشری که شایسته اطاعت و عبادت هستند. مذهب در گذشته به مکتبهای فکری درون یک دین (مانند مذاهب چهارگانه یا پنجگانه فقه اسلامی ) اطلاق می شد. در مغرب زمین ، واژه (Religion) به معنای مکتبهای درون یک دین و به معنای خود دین به کار می رود و حدود نیم قرن است که متجددان کشور ما تحت تاءثیر این موضوع ، کلمه (مذهب ) را به هر معنا استعمال می کنند. در این نوشته واژه (دین ) و (ادیان ) در مورد همه آیینها، اعم از صحیح ، منسوخ ، محرف و جعلی به کار می رود، همان طور که خدای متعال به کافران فرموده است : (لکم دینکم ولی دین ) (کافرون : ۶). ملت در لغت به معنای روش و آیین است و اصطلاحا به مجموعه ادیان توحیدی اطلاق می شود. در علم کلام اسلامی به پیروان ادیان توحیدی ملیین می گویند و هر گاهم یکی از اهل کتاب مسلمان شود؛ سپس از اسلام برگردد، مرتد ملی نامیده می شود. همچنین علمای اسلام واژه (ملت ) را اختصاصا برای اسلام به کار می برند. حدود یک قرن است که کلمه (ملت ) در زبان فارسی به معنای توده مردم استعمال می شود و این کاربرد احتمالا از کشور ترکیه به ایران سرایت کرده است . شریعت معمولا به معنای احکام و قوانین آسمانی است و گاهی به معنای دین به کار می رود.

## ۲- دین از نظر جامعه شناسان

اگر دین را با چیزی مانند پزشکی مقایسه کنیم ، حکم خواهیم کرد که دین یک امر اجتماعی است و پزشکی یک موضوع فردی . البته به سبب ارتباط محکم و متقابل فرد و اجتماع ، می توان هر موضوع فردی را اجتماعی و هر موضوع اجتماعی را فردی نیز نامید. جامعه شناسان دین را یک نهاد اجتماعی می دانند و به همین دلیل ، درباره آن بحث می کنند، ولی پزشکی یک نهاد نیست و جامعه شناسان با آن کاری ندارند. رویکرد جامعه شناسان به مبحث دین رویکردی علمی است . علوم در گذشته به ماوراءالطبیعه وابسته بودند و همین وابستگی موجب پدید آمدن رشته هایی مانند علوم غریبه و مانع پدید آمدن رشته هایی چون جامعه شناسی می شد. علوم غریبه (مثلا کیمیاگری ) قابل تبیین نبود و صرفا شیوه هایی را پیشنهاد می کرد و مدعی می شد که به نتیجه معینی می انجامد. در فضای فکری قدیم که رازوری حاکم بود، علم جامعه شناسی که به توضیح پدیده ها می پردازد، جایی نداشت . از اواخر قرون وسطی ، زمزمه جدایی علم از ماوراءالطبیعه پیدا شد و به تدریج این شیوه پا گرفت و از مغرب زمین به سراسر جهان سرایت کرد. از این رو، دور از انتظار نیست که جامعه شناسان هنگام سخن گفتن درباره دین ، کاری به جنبه آسمانی آن نداشته باشند و آن را ساخته ذهن بشر و تکامل یافته جادو بدانند که برای تاءمین نیازهای معیشتی ساخته شده است ؛ زیرا دیدگاه علمی هر چیز را از آسمان فرو می کشد و آن را تشریح و تبیین می کند. به نظر جامعه شناسان ، دین ، دست کم در مراحل نخستین خود، سخت به جادوی ابتدایی می ماند؛ به این معنا که جادوگر و دیندار، هر دو می کوشند تا با تدبیری هستی را بر سر مهر آورند و آسایش خود را تاءمین کنند. پس هر دو ندا در می دهند و از نیروهای مطلوب خود یاری می جویند؛ با این تفاوت که اولی نیروهای یاری رسان و راحت بخش را در طبیعت می داند، ولی دومی آنها را در ماورای طبیعت می جوید. تفاوت دیگر اینکه اولی برای دست یافتن به نیروهای دور دست غیر طبیعی ، راهی جز تضرع نمی یابد. جادوگر بر نیروهای طبیعی عمل می کند و آنها را به همراهی می خواند، اما دیندار از نیروهای غیرطبیعی می خواهد که او را در مقابل نیروهای طبیعی دریابند. جادوگر شی ء مورد عمل خود، آمرانه می گوید:(یار من باش !)، دیندار صرفا استرحام می کند.

## ۳- مراحل دین

دین مانند هر پدیده دیگر رو به تکامل بوده است و دانشمندان با پیروان ادیان در این نظر موافقند؛ جز اینکه دینداران مراحل دین را مانند کلاسهای درس رو به تکامل می دانند، ولی دانشمندان می گویند دین از جادو و پرستش طبیعت و شرک به مرحله توحید رسیده است . هم اکنون گونه هایی از ادیان اولیه در نقاط دور افتاده جهان وجود دارد و پژوهشگران برای تحقیق در مراحل دین ، آنها را مورد توجه قرار می دهند.

## ۴- فایده تاریخ ادیان

نخستین انگیزه مطالعه و بررسی هر موضوعی ارضای حس کنجکاوی است و به همین دلیل ، دانشمندان هنگام تحقیق درباره پدیده ها، ارزش اقتصادی یا سایر منافع مادی را در نظر نمی گیرند و تنها پس از به نتیجه رسیدن تحقیق است که منافع اقتصادی مورد توجه قرار می گیرد. تشویق و همکاری دولتها در چنین مواردی نیز به امید حصول نتیجه مادی است . خود دانشمندان با شور و هیجان به تحقیق می پردازد، در حالی که نمی دانند موضوع مورد بحث آنان به نتیجه می رسد یا نه . کسانی هم که در تاریخ ادیان مطالعه می کنند تا از آن برای رشته های دیگر علوم انسانی سود بجویند؛ زیرا رشته های علوم به یکدیگر پیوند دارند و این پیوند میان رشته های مشابه بیشتر است . دین به عنوان پدیده ای که هیچ گاه از انسان جدا نشده ، برای پژوهشگران اهمیت فراوانی دارد.

در این هنگام ، تاءثیر شگفت آور دین در زندگی بشر و نقش آن در رشد و شکوفایی علم و هنر روشن می شود. فایده دیگر مطالعه تاریخ ادیان ، بهره بردن از آن در برقراری ارتباط با افراد و جوامع گوناگون است . از این رو، دولتهای بزرگ برای تحمیل سیطره خود بر دولتهای کوچک ، به سراغ خاور شناسان می روند و از آگاهیهای آنان در باب روحیات و باورهای ملتها استفاده می کنند. تحقیق در تاریخ ادیان برای دینداران سود معنوی دارد و به باورهای دینی ایشان عمق می بخشد. آنان در بحث خود، کژیها و نابهنجاریهای ادیان رقیب را جستجو می کنند و در صددند درستی دین موروثی و مقبول خویش را ثابت کنند. همچنین در این رشته ، فهم درست اعتقادات دینی ملتها میسر گردد و تنها پس از آن می توان راه راست را به آنان نشان داد و کاستیهای آن ادیان را تفهیم کرد.

### ۵- دسته بندی ادیان

ادیان را می توان از جنبه های گوناگون دسته بندی کرد: ادیان ابتدایی (مانند آنچه میان اقوام ابتدایی دیده می شود)، ادیان قدیم (مانند آیینهای منقرض شده خاورمیانه ) و ادیان پیشرفته (مانند ادیان بزرگ کنونی ). ادیان ساده (مانند آنیمیسم ، توتیسم و فتیشیسم )، ادیان فلسفی (مانند هندوئیسم ، بودیسم و آیین کنفوسیوس ) و ادیان وحیانی (مانند زردشتی گری ، یهودیت ، مسیحیت و اسلام ). ادیان غیر توحیدی (مانند هندوئیسم ، بودیسم و شینتو) و ادیان توحیدی (مانند یهودیت ، مسیحیت و اسلام ). ادیان سامی (مانند یهودیت ، مسیحیت و اسلام )، ادیان آریایی (مانند ادیان ایران باستان ، هندوستان ، روم و یونان قدیم ) و ادیان خاور دور (مانند آیین کنفوسیوس ، تاتوئیسم و شینتو). ادیان شرقی (مانند هندوئیسم ، بودیسم و شینتو) و ادیان غربی (مانند یهودیت ، مسیحیت و اسلام ). دسته بندیهای دیگری نیز در منابع دین شناسی وجود دارد.

### کتابنامه

۱. الیاده ، میرچا، اسطوره ، رویا، راز، ترجمه رویا منجم ، تهران : انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵. ۲. الیاده ، میرچا، رساله در تاریخ ادیان ، ترجمه جلال ستاری ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۲. ۳. الیاده ، میرچا (ویراستار)، فرهنگ و دین ، ترجمه هیاءت مترجمان ، تهران : طرح نو، ۱۳۷۴. ۴. حکمت ، علی اصغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۵. زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۵۷. ۶. کریشنان ، رادا، ادیان شرق و فکر غرب ، ترجمه رضازاده شفق ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران : ۱۳۴۴. ۷. کریشنان ، رادها، مذهب در شرق و غرب ، ترجمه فریدون گرگانی ، تهران : سازمان کتابهای جیبی ، ۱۳۴۴. ۸. گئر، جوزف ، حکمت ادیان ، ترجمه و تاءلیف محمد حجازی ، تهران : کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۷. ۹. گئر، جوزف ، سرگذشت دینهای بزرگ ، ترجمه ایرج پزشک نیا، تهران : نشر اندیشه ، ۱۳۵۲. ۱۰. مصطفوی ، علی اصغر، اسطوره قربانی ، تهران : انتشارات بامداد، ۱۳۶۹. ۱۱. ناس ، جان بی .، تاریخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰. ۱۲, sharma, arvind (ed.), our religions, new york: harpercollins publishers ۱۹۹۳.

## ۲- ادیان ابتدایی

### ۱- دین نزد انسان ابتدایی

از نظر پژوهشگران علوم انسانی ، نخستین نشانه های موجود از دین گرایش به پرستش طبیعت است . نمونه هایی از این گرایش هم

اکنون در مناطق دور افتاده جهان ، میان انسانهای ابتدایی مشاهده می شود. در این گرایش به منظور رام کردن نیروهای طبیعت ، باید از آن نیروها تجلیل کرد و از آنها درخواست لطف و احسان داشت . انسانهای ابتدایی عصر ما مراسمی دینی دارند که در آن لباسهای عجیب و غریبی می پوشند، ماسک بر صورت می زنند و به حرکات موزونی مشغول می شوند و ضمن آن از گونه ای مناسب و به دور از طغیان و طوفان آنان را سیراب کند و به زمین می گویند برویاند و از مزارع و درختان می خواهند که محصول بهتر و بیشتری بدهند و مانند اینها.

## ۲- عناصر مشترک ادیان ابتدایی

با آنکه ادیان ابتدایی در بیغوله های جهان پراکنده شده اند و نمی توان میان آنها هیچ ارتباطی تصور کرد، شگفت آور است که آن ادیان باورهایی مشابه یکدیگر دارند. برخی از عناصر مشترک ادیان ابتدایی به قرار زیر است : ۱-۲. خدا و خدایان باید توجه داشت دینداران به خدایی بسیار والا و فوق تصور بشر عقیده دارند. آنان معتقدند علم و قدرت خدا بی نهایت است و هر گاه در متون دینی چیزی بر خلاف آن یافت شود، برای تاءویل آن تلاش می کنند. از قرآن مجید به روشنی می فهمیم که مشرکان نیز پیوسته به چنین خدایی معتقد بوده اند. به ادعای برخی مشرکان ، خدا از بس بزرگ و پاک و منزه است ، با جهان مادی ارتباطی ندارد؛ از این رو، باید برای حاجت خواستن به شرکای او مراجعه کنیم . آنان این موجودات را کارگزاران امور جهان می دانستند و رجوع به آنها را عظیم الشاءن به مردم می گفتند این شریکان از جانب خدای متعال تعیین نشده اند و به همین دلیل ، هیچ قدرتی ندارند و نباید به آنها متوسل شد. تاریخ نشان می دهد که شرک به خدای متعال سابقه ای دیرینه دارد و بشریت پیوسته به آن مبتلا بوده است . در عصر حاضر نیز تقریبا نیمی از جمعیت جهان در قالب هندوئیسم ، بودیسم ، شینتو و ادیان ابتدایی بت می پرستند (واژه (بت ) در زبان فارسی نیز از نام (بودا) گرفته شده است ). جامعه شناسان دوران شرک را مقدم بر دوران توحید معرفی می کنند، ولی پیروان ادیان توحیدی با این فرضیه به شدت مخالفند و شرک را انحراف از توحید می دانند. به زعم برخی ادیان ، خدایان در تاریخ برای انسان جلوه گر شده اند و بتان نمادی از آنها هستند. این سنخ ادیان به فرستادگان الهی یعنی انبیا (ع ) عقیده ندارند. ۲-۲. نیاکان پرستی ترس از مرگ خرافاتی را در جوامع ابتدایی پدید آورد و آن اقوام درباره ارتباط مردگان با زندگان عقایدی داشتند. برخی از مردم باستان از بازگشت اموات می ترسیدند و مردگان را کاملا با طناب می بستند و گورها را محکم می کردند تا از بازگشت آنان جلوگیری کنند. این عقاید کم کم به نیاکان پرستی تبدیل شد که در دورانهای مختلف در سراسر جهان وجود داشته است و اکنون مظاهر آن در سرزمینهایی مانند ژاپن به چشم می خورد. بتان در مواردی مجسمه نیاکان بوده اند. ۳-۲- جادو جادو در ادیان با آنچه در تصور ماست تفاوت دارد. در آن ادیان جادو عبارت است از مراسمی برای دلجویی و مددخواهی از نیروهای طبیعت . در این مراسم ، جادوگر فعالیت می کند و رهبری مراسم را بر عهده می گیرد. از آنجا که در جوامع ابتدایی علم و سواد مطرح نیست ، این افراد نیز چیزی بیش از سایرین نمی دانند و تنها اعتقاد همگان به وجود نیروهایی در این اشخاص آنان را از سایرین ممتاز کرده است . جادوگران از نیروی خود برای معالجه بیماران نیز استفاده می کنند. این گونه جادوگران معمولا شمن (shaman) نامیده می شوند. جادوگران ریاضتهایی نیز می کشند و بسیار می شود که در بدن خود نشانه هایی پدید می آورند و در مواردی خود را اخته می کنند. ۴-۲- قربانی میان اقوام سراسر جهان قربانی برای معبود انواعی داشت و از ریختن جرعه ای آب یا شراب تا اهدای گیاهان و محصولات ، ذبح حیوانات و کودکان و بزرگسالان ، همچنین به آتش افکندن کودکان را شامل می شد. آنان برخی اوقات برای آنکه جمعیت کاهش نیابد، برای تهیه قربانی به سرزمینهای دیگر یورش می بردند و افرادی را اسیر و سپس در راه خدایان خود قربانی می کردند. قربانی عفت ، یعنی فحشا دادن به احترام بتان (Hierodouleia) نیز نزد اقوام مختلف رواج داشت . اهراق جرعه به عنوان قربانی همواره یکی از رسوم میخواری بوده و در تورات کنونی (خروج ۲۹:۴۱ و موارد

دیگر) و در شعر عربی و فارسی بدان اشاره شده است : شربنا و اهرقنا علی الارض جرعهٔ فللارض من کاس الکرام نصیب اگر شراب خوری جرعه ای فشان بر خاک از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک در دورانهای بعد قربانی انسان منسوخ شد و اندک اندک قربانی به حیوانات منحصر گردید، ولی نمونه هایی از آن تا دورانهای نزدیک به ما وجود داشته است . اکنون که قوانین کشورها چنین چیزی را اجازه نمی دهد، گاهی در گزارشهای خبری می بینیم که در برخی روستاهای هندوستان و مناطق دیگر یک بت پرست به دور از چشم پلیس ، فرزند خود را در پای بتی قربانی کرده یا تصمیم داشته قربانی کند، ولی دیگران از این کار جلوگیری کرده اند. البته مرتکبین این جرم در عصر ما دستگیر و مجازات می شوند، ولی در گذشته های دور از آنان تقدیر می شده است . شاید فرمان آزمایشی خدای متعال به حضرت ابراهیم خلیل (ع ) مبنی بر قربانی کردن فرزندش برای این بوده که معلوم شود موحدان نیز در عشق و علاقه به معبود حقیقی چیزی کم ندارند.

## ۳- توتم

در ادیان ابتدایی توتم (Totem) قبیله عبارت است از نشانی که از قبیله حمایت می کند. آن نشان ممکن است یک گونه حیوان ، نبات یا جماد باشد. حیوانات گوناگونی میان اقوام مختلف احترام دارند و احیانا تصویر آنها را روی پرچم کشورها می بینیم . با مراجعه به تاریخ ملتها و مشاهده پرستش شیر در آفریقا، ببر در هندوستان ، عقاب و خرس و سگ آبی در آمریکای شمالی ، گاو نر در یونان و مصر، گاو ماده در هندوستان و آفریقا و اسکاندیناوی ، گاومیش در جنوب هندوستان و کانگورو در استرالیا، در می یابیم که حیوانات مذکور توتم آن اقوام بوده اند. هنوز هم مقدس شمردن کبوتر و مار نزد بسیاری از ملتها ادامه دارد. واژه (توتم ) از زبان سرخ پوستان آمریکا آمده است .

## ۴- تابو

تابو (Taboo) عبارت است از محرمات قبیله ، مانند مقررات ازدواج و تغذیه . ممکن است قبیله ای ازدواج درون قبیله را مجاز بداند و قبیله دیگر آن را حرام بشمارد. افراد این قبیله باید برای همسریابی به سراغ قبایل دیگر بروند. واژه (تابو) از زبان قومی ابتدایی در مجمع الجزایر پولینزی آمده است .

## ۵- مانا

در آیینهای باستانی برخی از اشیا را دارای نیرو می دانستند و مورد توجه قرار می دادند. ممکن است سنگی ، چوبی ، درختی یا حیوانی دارای خاصیت تلقی شود و از آن حاجت بخواهند و بدان تبرک بجویند. این اشیاء مانا (Mana) خوانده می شوند. بقایای این تصور نیز در ادیان و گرایشهای دیگر موجود است . واژه (مانا) نیز از زبان قومی ابتدایی در مجمع الجزایر پولینزی آمده است .

## ۶- آنیمیسم

آیین باستانی بسیاری از اقوام گذشته جان پرستی (Animism) بوده است . بر اساس این آیین همه مظاهر طبیعت روح دارند و برای بهره برداری از آنها باید به نیایش و سپاس و ستایش آنها پرداخت . پرستش زمین ، آسمان و اجرام سماوی ، آتش ، رعد، برق ، ابر، دریا، رودخانه ، طوفان ، جنگل ، گیاهان و حیوانات ، بویژه گاو ماده ، مار کبرا، همچنین پرستش توتم قبیله و روح نیاکان و بزرگان ، همراه با دلجویی از موجودات خطرناک ، مانند شیطان و جن (از ما بهتران !)، میان اقوام باستانی رواج داشته است (گرایش به عبادت جن و پناه بردن برخی افراد نادان به آنها مورد نکوهش قرآن مجید قرار گرفته است : انعام : ۱۰۰، سباء: ۴۱، جن

: ۶). جان پرستان طبیعت را دارای شعور و انسانوار می دانند و به گونه ای با آن راز و نیاز می کنند و برای آن قربانی تقدیم می دارند، گویا طبیعت تحت تاءثیر این امور قرار می گیرد. بقایای این گرایش در برخی ادیان بخصوص آیین هندو تا این زمان مشاهده می شود. برخی از بتان نماد قوای طبیعت هستند.

### ۷- فتیشیسم

فتیش (Fetish) واژه ای پرتغالی به معنای جادو است . ایمان به فتیش ، یعنی احترام به یک شی ء مادی که نیرویی جادویی در آن نهفته است ، در اقوام ابتدایی یافت می شود. این شی ء معمولا از سنگها و مواد معدنی است ، که به عقیده آن اقوام همراه داشتن آن خوشبختی می آورد

### ۸- اساطیر

بشر هنگامی که از کشف رازهای جهان احساس ناتوانی کرد، برای توضیح پدیده ها به اسطوره روی آورد و از قوه خیال کمک گرفت . اساطیر ابعاد گوناگونی داشتند و از مهمترین ابعاد آنها ترویج فضایل و کمالات بود. بنابراین اساطیر هم سازنده و هم ویرانگر بودند: سازندگی روح آدمی با فضایل و ویرانگری اندیشه آدمی در توضیح پدیده ها. همان طور که تفکر عمومیت دارد، بدل آن نیز که اسطوره باشد، در همه جوامع بشری عمومیت داشته است . نیمه اول شاهنامه فردوسی نمونه ای از اساطیر است که در آن قهرمانانی مانند رستم مطرح می شوند. رستم یک ابرمرد است که برای برانداختن کزیها و حاکم ساختن ارزشها می جنگد. از دیدگاه علمی ، فلسفه و دین تکامل یافته اسطوره هستند، ولی این ادعا در مورد دین از دیدگاه دینی مردود است و اعتقاد به آن با دینداری مناقات دارد.

### کتابنامه

۱. حکمت ، علی اصغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۲. زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۵. ۳. مصطفوی ، علی اصغر، اسطوره قربانی ، تهران : انتشارات بامداد، ۱۳۶۹. ۴. ناس ، جان بی .، تاریخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰. , Macmillan : york new religion of encyclopedia the , (ed) mirca , Elide .۵۱۹۸۶ , copany publishing :yourk new , ethics and religion of encyclopedia , (ed) james , hastings .۶ .d.n , sons scribners charles press,۱۹۷۶. ۷. parrinder , Geoffrey , religions Worlds the in Worship , sheldon : London

### ۳- ادیان ملل گذشته

### ۱- مصر

مصر یکی از کشورهای بسیار معروف جهان باستان بود. این سرزمین تمدنی بزرگ و حکومتهایی مقتدر داشت . نژاد مصریان قبطی بود و واژه (Egypt) که در زبانهای اروپایی برای مصر به کار می رود، با کلمه قبطی در ارتباط است . مصریان از مراحل مختلف ادیان ابتدایی گذر کردند و به خدایان محلی که معمولا به شکل حیوانات اهلی و وحشی بود روی آوردند. پرستش فرعونها و خدایان اساطیری نیز معمول بود. ۱-۱- پیدایش دین و گوناگونی آن در مصر قدیم مصریان قدیم به موجودات غیبی بسیاری معتقد

بودند و خدایانی با اسـما و صـفات مختلف داشتند. هنگامی که فراوانی خدایان موجب زحمت شد، از شمار آنها کاستند و حتی در دوره کوتاهی تنها به خـدای آفتاب معتقـد شدنـد. در آن دورانها اعتقاد به الوهیت حیواناتی ماننـد شـیر، تمساح و برخی پرنـدگان و جوندگان و برخی حیوانات اهلی مانند قوچ رواج یافت . پرستش گربه نیز نزد آنان بسیار اهمیت داشت . ایرانیان دوره هخامنشی در یکی از جنگهای خود با مصـریان ، تصویر گربه را روی سپرهای خود نقش کرده بودند؛ از این رو، مصریان به احترام آن تصاویر از تیرانـدازی و شمشـیرزنی خودداری کردنـد و در نتیجه ، پیروزی نصـیب ایرانیان شد. موجوداتی خیالی با سـر حیوان و تن انسان ، در اعتقادات ایشان وارد شـد و بتهایی به این شـکل ساختند و پرستیدند. هنگام مسافرت در رود نیل ، برای مصونیت از خطر تمساحهای آدمخوار، نخست به معبد بسیار شکوهمند تمساح می رفتند و با پرداخت صدقه و نذری ، به خیال خود تاءمین جانی می گرفتند. ۲-۱- اسـطوره خـدایان سه گـانه اوزیریس ، ایزیس و هوروس مصـریان قـدیم می گفتنـد اوزیریس (خـدای کشـاورزی ) بـا خواهرش ایزیس (الهه مادر) ازدواج کرد و از ایشان فرزنـدی به نام هوروس (خـدای آفتاب ) به دنیا آمـد. اوزیریس به دست برادر خود به نام ست (خدای خشـکسالی ) کشته شد. ایزیس جسد شوهر مقتول خویش اوزیریس را با زحمت فراوان به دست آورد و آن را به مصر برگرداند و پنهان کرد. هنگامی که ست از این قضیه آگاه شد جسد را پیدا کرد و آن را به چهارده قطعه پاره پاره ساخت و هر قطعه را در مکـانی در مصـر به خـاک سپرد. آن مکانها به برکت پاره های آن جسـد آباد و بارور شدنـد. هوروس که اکنون بزرگ شـده بود، به خونخواهی پـدر، بـا عموی خود جنگیـد و با آنکه یک چشم خود را از دست داد، بر عمو پیروز شـد و او را اسـیر کرد و نزد مادر خویش ایزیس آورد. ایزیس برادر شوهر خود را بخشـید. آنگاه هوروس قطعات جسـد پدر را به یکدیگر پیوند داد و به کمک خـدای حکمت او را زنـده کرد. اوزیریس از آن پس ، در جهان نمانـد و این عالم را به فرزنـدش هوروس سپرده به جهان زیر زمین رفت و فرمانروای مردگان شد. ۳-۱- پرسـتش آفتاب پرسـتش آفتاب در مناطق مختلف جهان سابقه ای دیرینه دارد و در مواردی از قرآن مجیـد (از جملـه در سـوره نمـل ، آیه ۲۴) به آن اشـاره شـده است . به راستی در میـان تمـام خـدایانی که در کنـار آفریـدگار پرستیـده می شدنـد، هیـچ یک از آنها برکات بی پایان خورشـید را نـداشت . در مصـر قدیم برای ساعات مختلف روز، خدایانی که نماینـده خورشـید بودنـد، قرار داده شد: مثلا خدای بامداد خپرع ، خدای نیمروز رع و خدای شامگاهان اتوم بود. همچنین سوسـکی که سـرگین گردان نامیده می شود، نماینده خورشـید در روی زمین به شـمار می رفت . مصریان قدیم آن حشره را بسیار مقدس می دانسـتند و تصویر او را در طلسـمات و بر سـینه و پیشانی مجسمه پادشاهان ترسیم می کردند و از آن برکت و نیکبختی می خواستند. ۴-۱- پرسـتش فرعون پرستش پادشاهان در گذشته بسیار رواج داشت و آخرین نمونه آن در مورد امپراطور ژاپن بود که به خواست خود وی در سال ۱۹۴۶ لغو شد. هم اکنون برخی از فرمانروایان مانند پادشاه تایلند مقداری از آن سنت را حفظ کرده اند. فرعونهای مصر (مانند امپراطورهای ژاپن ) خدایانی از نسل آفتاب به شمار می رفتند و پرستش آنان به این عنوان بود.

## ۲- بابل

بابل برای سالیان درازی مرکز تمـدن و علم و فرهنگ بود و نام آن در کتاب مقـدس یهودیان و مسـیحیان بسـیار آمده و قرآن مجید (در سوره بقره ، آیه ۱۰۲) از آن یاد کرده است . جبر و مثلثات و بسـیاری از مسائل ریاضـی و علمی دیگر از تمـدن بابلی به یادگار مانـده است . ۱-۲- تحول و دگرگونی دیـانت ابتـدایی دربابـل در حفاریهـایی که در اماکن مختلف عراق صورت گرفته ، مجسـمه خـدایان بی شـماری از زیر خـاک بیرون آمـده و به موزه هـای جهـان منتقل شـده است . این خـدایان صورت تکامل یافته آنیمیسـم ابتـدایی بوده انـد. بابـل نیز تحول و تکامـل دین از فتیشـیسم تا اعتقاد به خـدایان را تجربه کرد. این سـیر تقریبا چهار هزار سال طول کشـید و در پایان خدایانی که نماینده ارواح ماه و خورشید و سیارات بودند، در شهرهای مختلف مورد پرستش قرار گرفتند. مردوخ در بیشتر زمانها برترین خدا بود. ۲-۲- خدای سه گانه میان خدایان بی شمار بابلیان ، شش خدا معروف تر شدند که در دو دسته سه

تایی (تثلیث ) مورد پرستش بودند. تثلیث اول از آنو (خدای آسمان )، انلیل (خدای فضا و جنگ ) و ائا (خدای آب ) و تثلیث دوم از شمش (خدای آفتاب )، سین (خدای ماه ) و ایشتار (خدای مؤ نث ) تشکیل شده بود. این خدایان همسرانی داشتند و در زمانی خدای مؤ نث ایشتار به عنوان الهه باروری بسیار مورد توجه قرار گرفت . شوهر ایشتار تموز نامیده می شد. هنگام اوج تمدن بابل خدای بزرگی به نام مردوخ مطرح شد که تصویر او را همه جا رسم می کردند. سایر خدایان بابل زیر دست مردوخ به شمار می رفتند. ۳-۲- خدای آشور هنگامی که بابل به دست قوم شمالی آشور سقوط کرد، مردوخ جای خود را به خدای آشوریان به نام آسور داد و تصویر او را همه جا ترسیم کردند. بار دیگر بابلیان بر آشوریان پیروز شدند و مردوخ را به منزلت پیشین خود برگرداندند و با سقوط بابل به دست کورش ، آهور مزدا جای مردوخ را گرفت

## ۳- یونان

یونان شبه جزیره کوچکی در جنوب شرقی اروپاست که از گذشته های دور مرکز هنر، فرهنگ و اندیشه بوده است . این کشور در زبانهای اروپایی (Greece) خوانده می شود و کلمه عربی اغریق از اینجا می آید. نام یونان (Ionia) گرفته شده که یکی از بخشهای یونان است . یونانیان کشور خود را هلاس (Hellas) می نامند که نام افسانه ای نیای یونانیان است . از آنجا که بیشتر ادیان جهان با اندیشه و اسطوره رابطه ای تنگاتنگ دارند، باورهای دینی یونانیان در دین شناسی مهم است . ۱-۳- آیین یونانیان باستان یونانیان قدیم نیز به خدایان نرینه و مادینه معتقد بودند. بزرگترین خدای ایشان زئوس بود که گاهی وی را زئوس پاتروس یعنی زئوس پدر می نامیدند. این خدا نزد هندوان باستان دیوس پیتار و نزد رومیان قدیم ژوپیتر خوانده می شد. مجموعه خدایان مورد پرستش ایشان معمولاـ با خدایان آریایی قدیم مشترک بود. برخی خدایان یونان عبارت بودند از: آپولو(خدای آفتاب )؛ پوزیدن (خدای دریا)؛ هستیا(خدای مؤ نث و مادر خانواده )؛ دمیتر (خدای مؤ نث ، مادر کشاورزی و غلات )؛ هرمس (خدای حکمت )؛ آرس (خدای جنگ ). ۲-۳- اساطیر بشر با قدرت تخیل و تلاش همه جانبه ، در طی قرون و اعصار گذشته سعی کرده است تا خود را از سرگردانی برهاند و به همین منظور نخست اساطیر را پدید آورده تا به تصور خود برای سؤ الات خویش پاسخی بیابد. فلسفه ، ادبیات و برخی ادیان زاییده اساطیرند و اساطیر در سراسر زندگی فکری انسانها نقش دارند. مثلا در کشور ما، اساطیر شاهنامه در ذهن مردم وجود دارد و پیوسته مردم از خواندن آنها لذت می برند. یونانیان نیز خدایان اسطوره ای خود را می پرستیدند و برای آنها قربانی می کردند. نام برخی از این خدایان در بالا آمد و تهیه کردن فهرستی از خدایان اسطوره ای آنان یا سایر ملل باستانی کاری دشوار است . یونانیان مردمی هوشمند و کنجکاو بودند و از آنجا که به علم دسترسی نداشتند، با خلق اساطیر ذهن جستجوگر خود را آرام می کردند؛ همان طور که به جای پرستش آفریدگار آسمان و زمین ، به بتهای گوناگون روی می آوردند. همین قوم از اساطیر به فلسفه پرداختند و پرچمدار دانش در عصر خود شدند، در حالی که موفقیت اقوام دیگر در این راه چشمگیر نبود. ۳-۳- پیدایش فلسفه حدود پنج قرن پیش از میلاد، فیلسوفان بزرگی در یونان پیدا شدند و افکار تازه ای مطرح کردند. معروفترین آن فیلسوفان سقراط و شاگردش افلاطون و شاگرد این فیلسوف ارسطو بودند. اندیشه های ارسطو قریب دو هزار سال در مجامع علمی اروپا و جهان اسلام رواج داشت و کمتر کسی به خود اجازه می داد آنها را نقد کند. با آنکه فلسفه یونان و اندیشه های ارسطو عظمت پیشین خود را از دست داده است ، هنوز هم دانشمندان هنگام طرح مسائل فکری از اشاره به سابقه آن در یونان و آثار افلاطون و ارسطو گزیری ندارند. فیلسوفان یونان برای اندیشه های خود از اساطیر بهره زیادی برده اند و هم اکنون مجموعه آثار افلاطون از نام خدایان گوناگون انباشته است . آنان به بسیاری از سروده های حماسی قدیم که صفات ناپسند را به خدایان نسبت می دادند، اعتراض داشتند. اندیشه های افلاطون در مورد خداشناسی موجب گردید که او را افلاطون الهی (DivinePlato) بنامند. ارسطو محرک اول را مطرح کرد که به عقیده فیلسوفان موحد به خدای ادیان توحیدی نزدیک است . ۴-

۳- عقایـد عامه در همین دوره فکر توده مردم نیز تحول یافت و آنان معتقـد شدنـد که خدای زئوس بالای کوه المپ نشسـته است و سایر خـدایان گرداگرد او هسـتند. ایشان به حیات پس از مرگ عقیده نداشـتند، ولی برای سـعادت دنیوی ، بتهایی را می پرستیدند. این بتها مظهر خدایان و قهرمانان اساطیری بودند و کاهنانی داشتند.

## ۴- روم

یکی از کشورهای بسیار باشکوه و قدرتمند جهان باستان روم بود که بخش مهمی از اروپا، ترکیه و شام را شامل می شد. رومیان از گذشـته های دور تاکنون در معماری ، نقاشـی ، مجسـمه سازی ، ادبیات و فنون کشور داری سـر آمد بودند. رومیان سه قرن پس از میلاد مسیح (ع ) به مسیحیت گرویدند و برای ترویج آن ، از تمدن باستانی خود بسیار سود جستند. ۱-۴- آیین رومیان قدیم رومیان قـدیم آیینی سـاده و ابتـدایی داشـتند. همه رومیـان خـدای دیانـا را که معبـدش در کوههـای نزدیک رم بود، می پرستیدنـد و هنگام جشـنهای سالیانه به معبد او روی می آوردند. یکی از اعمال دینی آنان صرف خوراک مقدسی بود که با آتش مقدس پخته می شد و خـدای آتش در آن سـهم داشت . تهیه این غـذا و صـرف آن طبـق آیینهـای معینی بـود که شـرح آن به طـول می انجامـد (اصولا اسـتفاده از خوراک در ادیان معمول بوده و عشای ربانی در مسـیحیت باقیمانـده آن است ). ۲-۴- نوما آیین نوما (Numen) یعنی روح ، برای هر چیز از انسان و حیوانات و جانوران و جمادات و مظاهر طبیعت ، روحی می شـناخت . بعضی از این ارواح نیکوکار و برخی بـدکار بودنـد. این ارواح که بعدا جنبه الوهیت پیدا کردند، طبیعتی مبهم و نامشـخص داشـتند. رومیان در دوره های بعد برای آنها شخصیت قائل شدند و درباره آنها اساطیری ساختند. ۳-۴- خدایان رومی رومیان نیز خدایان بی شماری داشتند که نام برخی از آنهـا از این قرار است : ژوپیتر، جـانوس ، مارس ، وسـتا، نپتون ، ولکان ، ونوس ، آپولو، مینروا، هرکول . ۴-۴- ژوپیتر ژوپیتر معادل زئوس یونانیان و به معنای زئوس پـدر است . وی خـدای نور و رعـد و برق و صاعقه بود. روزهایی که ماه به شـکل بـدر می شد، به پرسـتش او اختصاص داشت . ۵-۴- مراسم دینی مراسم دینی رومیـان عبـارت بود از پرسـتش امپراطور و تقـدیم قربـانی و برگزاری جشنهایی برای خدایان .

## کتابنامه

### اشاره

۱. مصطفوی ، علی اصغر، اسطوره قربانی ، تهران : انتشارات بامداد، ۱۳۶۹. ۲. زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۵. ۳.نـاس ، جان بی .، تاریـخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصـغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰. ۴. حکمت ، علی اصـغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سـینا، ۱۳۴۵. ۵. ژیران ، ف .، فرهنـگ اساطیر یونان ، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران : ۱۳۷۵. ۶. شـی یرا، ادوارد، الواح بابل ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۵. ۷. مـک کـال ، هنریتـا، اسـطوره هـای بیـن النهرینی ، ترجمـه عبـاس مخبر، تهران : نشـر مرکز، ۱۳۷۳. ۸.دوکولانـژ، فوسـتل ، تمـدن قـدیم ، ترجمه نصـرالله فلسـفی ، تهران : ۱۳۰۹. ۹. فـاطمی ، سـعید، اسـاطیر یونـان ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران : ۱۳۷۵.

## ۴- هندوستان

### مقدمه

حدود ۳۵۰۰ سال پیش قومی که خود را آریا (Arya) یعنی نجیب و شریف می خواندند، از آسیای مرکزی به اطراف رود سند (در جنوب پاکستان کنونی ) مهاجرت کردند و با پیشروی به سوی مشرق ، سرزمینی را که بعدا هندوستان نامیده شد، در معرض تاخت و تاز خود قرار دادند. در همان روزگار دسته ای دیگر از قوم آریا به سرزمینی مهاجرت کردند که پس از آن ایران نام گرفت . دسته های دیگری از قوم آریا در اروپا منتشر شدند. اگر چه درباره زبان اصلی اقوام آریایی چیزی نمی دانیم ، اما زبانهای پس از مهاجرت آنان که زبانهای هند و اروپایی نامیده می شود، با یکدیگر قرابت دارند. زبان قوم آریایی هندوستان سانسکریت (skrita-Sam) یعنی خوش ترکیب خوانده می شود که با زبان اوستایی همچنین پارسی باستان و زبانهای اروپایی خویشاوندی دارد و این قرابت کمک زیادی به دانش زبان شناسی کرده است . مثلا حرف (ه –) در برخی از واژه های پارسی در برابر حرف (س ) در سانسکریت قرار دارد: مانند واژه (هند) در برابر (سند) (Sindhu) و مانند (هومه )، گیاه مقدس زرتشتیان که معادل (سوما) (Soma)، گیاه مقدس هندوان است .

## ۱– هندوئیسم

### اشاره

آیین هندو در قدیم دین برهمایی خوانده می شد که به برهما، خدای هندوان اشاره می کرد. هندوئیسم شکل تکامل یافته آنیمیسم است و به همین دلیل بنیانگذار آن شناخته شده نیست . این آیین گونه ای فرهنگ ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است .

### ۱–۱– مردم هند پیش از هجوم آریاییها

پیش از مهاجرت آریاییها به ایران و هند، مردم این سرزمینها قومی کوتاه قامت و سیاه چرده بودند که فرهنگ و دین و مراسم مخصوص خود را داشتند و تمدن آنان در سطح تمدن بین النهرین بود. این قوم در ایران تقریبا به طور کامل از میان رفتند، ولی در هندوستان به طرف جنوب آن کشور رانده شدند و اکنون به نام قوم دراویدی (Dravidians) شناخته می شوند و گروه بزرگی از اینها به نام نجسها(Untouchables) معروفند که درباره ایشان سخن خواهیم گفت . حفاریهای باستانشناسان در منطقه ای به نام موهنجودارو (Daro-Mohenjo) در کرانه رود سند (پاکستان )، آثار عظیمی از تمدن آنان را نشان داده است . از این کشفیات بر می آید که برخی از خدایان آیین هندو قبل از ورود آریاییان در هندوستان وجود داشته اند.

### ۱–۲– اصول دین هندو

اصول دین هندو عبارت است از اعتقاد و احترام به کتابهای باستانی و سنتهای دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج ، همچنین احترام به موجودات زنده ، مخصوصا گاو از اصول آن دین است . لفظ (ام ) (Om) به معنای آمین برای هندوان بسیار تقدس دارد و از سویی اسم اعظم الهی به شمار می رود و از این نظر به اسم اعظم یهوه در دین یهود شباهت دارد.

### ۱–۳– خدایان ودایی

هندوان به عده بی شماری از خدایان آسمانی و زمینی با اسما و صفات عجیب و غریب معتقدند و به آنها کرنش می کنند و برای هر یک بتخانه های با شکوهی می سازند. این خدایان با هم خویشاوندی سببی و نسبی دارند و ویژگیهای جسمی و روحی هر یک به تفصیل و با ذکر جزئیات در کتب مقدس و فرهنگ دینی هندوان آمده است . اعتقاد به جلوه گری خدایان به شکل انسان و حیوان در ادوار مختلف ، نیز بسیار جلب نظر می کند دسته بندی خدایان در ارتباط با طبقات اجتماعی نیز معهود است . برخی از معروف ترین خدایان هندو عبارتند از: اگنی (Agni) یعنی آتش ؛ وارونا (Varuna) یعنی آسمان ؛ ایشوار (Isvara) یعنی قادر متعال ؛ رودرا (Rurdra) یعنی وحشتناک ؛ راما (Rama) یعنی دلپذیر؛ کریشنا (Krishna) یعنی آبی پر رنگ ؛ یاما (Yama) یعنی ارابه ران معادل جم در آیین زردشت ) که خدای حاکم بر ارواح مردگان است . اشوین (Asvin) یعنی اسب سوار عنوان دو تن از فرشتگان آیین هندو است . هندوان معتقدند که این پزشکان آسمانی برای انسان تندرستی ، نیکبختی و دارایی به ارمغان می آورند. پرستندگان بت مؤ مث زشت و بد ترکیب کالی (Kali) به معنای سیاه معتقدند هدایای ویژه این بت را باید از طریق راهزنی به دست آورد و تقدیم بتخانه کرد. البته باید توجه داشت که معمولا بتان را بسیار زیبا می سازند تا آنجا که بت در شعر فارسی کنایه از محبوب زیبا است .

### ۱-۴- کتابهای مقدس

ادعیه و آیینهای هندوان در مجموعه ای به نام وداها(Vedas)به معنای دانش ، به زبان سانسکریت گرد آمده است و به آن شروتی (Sruti)یعنی وحی و الهام و علوم مقدس موروثی لقب می دهند. پژوهشگران تاریخ تصنیف وداها را بین ۱۴۰۰ تا ۱۰۰۰ ق .م . می دانند، و بر این اساس سالهای ۱۵۰۰ - ۸۰۰ ق .م . را دوره ودایی می خوانند. چهار ودا وجود دارد، به این شرح : ۱. ریگ ودا(veda-Rig)یعنی ودای ستایش ؛ ۲. یجور ودا(veda-Yajur)یعنی ودای قربانی ؛ ۳. سام ودا(veda-Sama)یعنی ودای سرودها؛ ۴. اتهرو ودا(veda-Atharva) یعنی ودای اتهروان (نام نویسنده این ودا). در زمانهای بعد برهمنان شرح و تفسیرهایی بر بوداها نوشتند؛ از این رو هر یک از وداها دارای دو بخش است : نخست : منترها(Mantaras)که عبارت است از متن اورادی در ستایش آتش ، خورشید و سایر مظاهر طبیعت و دعاهایی برای فراخی روزی ، باروری ، بخشایش گناهان و غیره . دوم : براهمناها(Brahmanas)که مناسبتهای آن اوراد را تعیین می کند. پژوهشگران سالهای ۸۰۰ ق .م . تا ۵۰۰ ق .م . را دوره برهمنی می نامند. کتابهای دینی ، فلسفی ، عرفانی و ادبی بی شماری در میراث فرهنگی هندوستان وجود دارد که به زبانهای مختلف ترجمه شده و از جمله آنها معروف کلیله و دمنه است که در سانسکریت پنچاتنتر(tantra -Panca) یعنی پنج بخش خوانده می شود. کتابهای مهابهاراتا(bharata -Maha) و رامایانا(Ramayana) با محتوای اساطیری رزمی و بزمی از احترام ویژه ای برخوردارند. کتب دینی و ادبی یاد شده به همه زبانهای زنده جهان (و از جمله فارسی ) ترجمه شده اند. کتاب بسیار معروف و جذاب بهگودگیتا (gita -Bhagavad) یعنی سرود (خدای ) مجید در بخشی از مهابهاراتاست که مستقلا مورد توجه قرار گرفته است . این کتاب گاهی به تخفیف گیتا نامیده می شود، در باب اخلاص (Bhakti) سخن می گوید و در اهمیت کتاب یاد شده همین بس که به طور مکرر به هر یک از زبانهای زنده جهان ترجمه شده و دست کم شش ترجمه فارسی از آن موجود است . است . این کتاب گاهی به تخفیف گیتا نامیده می شود، در باب اخلاص (Bhakti) سخن می گوید و در اهمیت کتاب یاد شده همین بس که به طور است . این کتاب گاهی به تخفیف گیتا نامیده می شود، در باب اخلاص سخن می گوید و در اهمیت کتاب یاد شده همین بس که به طور مکرر به هر یک از زبانهای زنده جهان ترجمه شده و دست کم شش ترجمه فارسی از آن موجود است . این رساله مکالمات کریشنا با شاهزاده ای به نام آرجونا (Arjuna) یعنی روشن را در بر دارد. رساله یاد شده ظاهرا در قرن اول میلادی در روزنامه بزرگ مهابهاراتا گنجانیده شده است و نزد هندوان از هر کتاب دینی و عقلی دیگر محبوبتر و

محترمتر به شمار می رود. نظم آن کتاب یک دست نیست ، ولی نیروی ذوق و شوقی که در طی کلمات آن نوشته اعجاب انگیز وجود دارد، هزاران تن را دلباخته و فریفته خود ساخته است . راز موفقیت گیتا در این است که می کوشد اثبات کند راه حقیقی نجات و رستگاری در طریقه اخلاص قرار دارد و برای بیان این امر از داستانی کمک می گیرد. آرجونا سوار بر ارابه سلطنتی برای جنگیدن با عموزادگان خود به سوی میدان می رود و راننده ارابه که خدای پهلوانی یعنی کریشنا است و در کنار او نشسته است ، وی را به رزم و نبرد تشویق می کند. شاهزاده دل به جنگ با خویشاوندان خود نمی دهد. در حالی که سرداران سپاه خصم یعنی عموزادگان او در شیپور جنگ می دمند، به راننده فرمان می دهد که ارابه او را در وسط رزمگاه در محلی قرار دهد که بتواند کوشش و رزم آوری هر دو سپاه را به درستی مشاهده کند، ولی همین که خویشان و عموزادگان و بزرگان قوم را در حال پیکار و خونریزی می بیند، دل او از پشیمانی و اندوه لبریز می گردد. وی درد و رنج خود را با کریشنا راننده ارابه در میان می گذارد و از گرانی اندوه ، تیر و کمان را از دست بر زمین می افکند. کریشنا او را بر این کم دلی سرزنش می کند و دوباره وی را بر جنگ و نبرد برمی انگیزاند. در این هنگام بین آن دو یک سلسله مکالمات رد و بدل می شود. در مرحله اول کریشنا او را به انجام وظایفی که در برابر صنف و طبقه خود دارد متوجه می سازد و به او خاطر نشان می کند که انجام فرائض اجتماعی بر هر کاری مقدم است و نتایج و عواقب آن هر چه باشد، باید آنها را به عمل آورد و نباید پاداش و سزایی توقع داشت . ارجونا وظیفه خود را به یاد می آورد که باید به عنوان یک شاهزاده از افراد طبقه کشاتریا جنگجویی و رزم آوری پیشه کند. آنگاه وی پای به میدان نبرد می گذارد و اعتراف می کند که تهاون و سستی در انجام این واجب صنفی و فریضه مذهبی گناهی بزرگ است . از سوی دیگر اگر به جنگ بپردازد و کشته شود روان او رستگاری یافته ، به آسمان صعود خواهد کرد، و اگر پیروز گردد، بر تخت پادشاهی خواهد نشست . علاوه بر این میدان جنگ جای تاءسف و غم خوردن برای کشتگان و قربانیان نبرد نیست ، زیرا اگر چه جسم آنان هلاک می شود، ولی روحشان جاویدان ؛ باقی و برقرار است . در یکی از قطعات گیتا سخنان زیر آمده که تعالیم اوپانیشادها را در مساءله وحدت الوهیت بیان می کند و از این نظر قابل توجه است . کریشنا می گوید: من برهما هستم ، همان خدای واحد ازلی ... قربانی منم ، دعا و نماز منم . طعام خیرات مردگان منم . این جهان بی پایان منم . پدر و مادر و نیاکان و نگاهبانان و منتهای معرفت همه منم . آنچه در زلالی آب و روشنایی آفتاب تصفیه می شود، آن کلمه (ام ) منم . و منم کتابهای ریگ ودا، سام ودا، یجور ودا، طریقت ، شریعت ، مربی ، خداوندگار و قاضی ، شاهد، صومعه و پناهگاه ، دوست و دشمن ، سرچشمه حیات و دریای زندگانی . هر آنچه بر می آید و هر آنچه فرو می رود، بذر و برزگر و فصول و درو همه منم . مرگ منم و زندگانی منم . ای ارجونا، حیات این جهان که می بینی ، و حیات آن جهان که نمی بینی ، همه منم و بس ...

### ۱-۵- فرهنگ و تربیت ودایی

حدود قرن ۶ ق .م . در اوج اقتدار روحانیان هندو، که برهمن (Brahmana) نامیده می شوند، نظام طبقاتی شدیدی پذیرفته شد که مدت ۲۵۰۰ سال سایه سهمگین خود را بر کشور پهناور هندوستان افکنده بود و هنوز هم بقایای آن وجود دارد. پژوهشگران طبقات اجتماعی را کاشت (Caste) می خوانند که واژه ای پرتغالی و به معنای نژاد است . در این نظام چهار کاشت اصلی وجود داشت : ۱. برهمان (Brahmanas)، طبقه روحانیون ؛ ۲. کشاتریاها (Kshatrias)، طبقه شاهان ، شاهزادگان و جنگاوران ؛ ۳. ویشیاها (Vaisyas)، طبقه بازرگان و دهقانان ؛ ۴. شودراها (Sudras)، طبقه کارگران . معاشرت افراد یک طبقه دیگر شرعا و عرفا ممنوع بود، به خصوص طبقه اخیر که هر گونه تماس ، حتی نگاه کردن افراد طبقات بالا به این گروه ، گناه کبیره شمرده می شد. فروتر از این چهار طبقه ، گروهی از بومیان غیرآریایی هندوستان بودند که نجسها (Untouchables) نامیده می شدند. افراد این طبقه به هیچ وجه حق نداشتند در محله های آن طبقات چهارگانه تردد کنند و هر گاه از باب ضرورت برای حمل زباله و

کناسی به اماکن آنان می رفتند، موظف بودند با صدای بلند حضور خود را اعلام کنند که مبادا نگاه افراد طبقات بالا به این گروه بیفتد. در این صورت ، بیننده باید با غسل خود را طاهر کند داد و ستد نیز از راه دور، با گذاشتن پول در مکانی و تقاضای متاع با فریاد و اختفای کامل انجام می گرفت ... گوش دادن به تلاوت کتابهای مقدس نیز بر آنان حرام بود و اگر فردی از ایشان در این مورد استراق سمع می کرد، برای مجازات ، سرب مذاب در گوش او می ریختند. عجیب تر اینکه افراد طبقه نجسها به این وضع خو گرفته ، آن را حق می پنداشتند و باور داشتند که این تیره بختی زاییده بدکرداری آنان در زندگانی پیشین است که از طریق تناسخ آن را دریافت کرده اند. هر گونه اقدامی برای کم کردن فاصله طبقات چهارگانه (و حدود ۲۰۰۰ طبقه فرعی که به تدریج در ضمن آن چهار طبقه پدید آمده ) و دفاع از نجسها، خلاف شرع و غیرمقبول بود. البته این سنت اجتماعی در سال ۱۹۵۵ رسما لغو شد و تنها جلوه هایی از آن باقی است . رود خروشان و پر برکت گنگ (Ganga) به معنای تندرو که در بخش بزرگی از هندوستان جریان دارد، از تقدس بالایی برخوردار است و غسل کردن در آن ، به خصوص درشهر بنارس (Benares)، عبادتی مهم شمرده می شود. نیلوفر (Padma) نیز بسیار مقدس است . قربانی و بویژه قربانی اسب (medha – Asva) که قبلا به عنوان یک عمل عبادی میان آنان معمول بود، بعدا به منظور برآورده شدن حاجات انجام می گرفت . اهیمسا (hinsa – A) به معنای پرهیز از آزار جانداران اصل مهمی است که در زمانهای بعد، تحت تعالیم مهاویرا مورد توجه قرار گرفت و تاکنون به شدت رعایت می شود. این آموزه خوردن گوشت حیوانات را عملی غیر اخلاقی می داند و این مساءله اثر عجیبی بر شیوه زندگی هندوان باقی گذاشته است . هندوان جسد مردگان خود را می سوزاند و خاکستر آن را بر روی گنگ بر باد می دهند. قبلا سنت مذهبی این بود، که هنگام سوزاندن جسد مرد متوفی ، همسر وی نیز به نشانه وفاداری میان توده های هیزم می خوابید و همراه شوهر می سوخت و برای تشویق زنان به این امر به وی لقب ستی (Sati) به معنای بانوی وفادار و بافضیلت عطا می شد. (این واژه سانسکریت در فارسی و عربی برای تجلیل از بانوان بسیار برجسته به کار می رود.) اگر احیانا زنی تاب و تحمل این فداکاری را در خود نمی یافت پس از مرگ شوهر موی سر خود را می تراشید و جلای وطن می کرد. زنده سوزاندن زوجه را انگلیسیها پس از استعمار هندوستان در سال ۱۸۲۹ م . ممنوع کردند و از این منع کمتر تخلف شده است . صائب تبریزی در اشاره به این سنت می گوید: چون زن هندو کسی در عاشقی مردانه نیست سوختن بر شمع خفته کار هر پروانه نیست

### ۱–۶– فلسفه اوپانیشادها

در دوره برهمنی (سالهای ۸۰۰ ق .م . تا ۵۰۰ ق .م .) آیین قربانی به افراط گرایید و با توسعه آن مسائل عمیق دینی به فراموشی سپرده شد. قربانی اسب و چیزهای دیگر آسیب شدیدی به اقتصاد کشور وارد آورد و خزانه پادشاه را تهی کرد. از این رو، برهمنان چاره کار را در اصلاح دین دیدند و بدین منظور براهمناها را پدید آوردند که مشتمل بر دو بخش است : الف ) آرنیاکاها (Aranyakas) یعنی جنگل نامه ، مشتمل بر مسائل مورد نیاز اهل ریاضت ؛ ب ) اوپانیشادها (Upanishads) به معنای نزدیک نشستن ، کنایه از آموختن اسرار دین . اوپانیشادها شهرت زیادی پیدا کرد. این کتاب را برای نخستین بار شاهزاده دانشمند، هنرمند و عارف ، داراشکوه عرفان اسلامی و هندویی ، در ۱۰۶۷ ه .ق . به زبان فارسی ترجمه کرد و آن را سراکبر نامید. (نخستین آشنایی غریبان با اوپانیشاد از طریق همین ترجمه بود.) اوپانیشاد به نام ودانتا (Vedanta) به معنای پایان وداها نیز خوانده می شود. این کتاب بطون وداها را می شکافد و توجه مردم را از آداب و رسوم ظاهری به اسرار درونی و مفاهیم باطنی جلب می کند. کتاب یاد شده شهرت جهانی دارد، تا آنجا که برخی مطالب توحیدی آن در المیزان نوشته علامه طباطبایی آمده است .(۱)

### ۱–۷– خدایان سه گانه

آریاییان هندوستان مانند سایر مشرکان به خدای حقیقی جهان نیز معتقد بودند و او را برهما (Brahman) به معنای قائم بالذات و ازلی و ابدی می نامیدند. آنان در آغاز بت و بتخانه نداشتند و مراسم عبادی خویش را در فضای باز می دادند و به خدایانی مذکر که معمولا نماد اجرام آسمانی بودند، عقیده داشتند. در دورانهای بعد بتهایی بی شمار و بتخانه هایی باشکوه و گوناگون ساختند و خدایانی مانند الهه مادر، الهه زمین ، مار کبرا و غیره را به مجموعه خدایان خود می افزودند. خدایان تثلیث هندو (Trimurti Hindu) عبارتند از: ۱. برهما (Brahman)، خدای ایجاد کننده (که قبلا اشاره شد)؛ ۲. شیوا (Siva) خدای فانی کننده که مجسمه چهار دست و در حال رقص او فراوان است . رقص شیوا نقش او را در ایجاد و انهدام نشان می دهد؛ ۳. ویشنو (Vishnu) خدای حفظ کننده . جلوه های دهگانه این خدا برای مردم در طول تاریخ عبارت است از: ماهی ، لاک پشت ، گراز، موجود نیمه آدم و نیمه شیر، کوتوله ، راما (Rama)ی تبر به دست ، راما، کریشنا (Krishna)، بودا (Buddha) و کلکی (۲) .(Kalki) آیین هندو فرقه های بی شماری دارد که با یکدیگر در صلح و صفا به سر می برند. پیروان هر یک از این فرقه ها بر جنبه خاصی از دین تاءکید می کنند و معمولا به یکی از خدایان روی می آورند. طرفداران هر یک از شیوا و ویشنو جمعیت بزرگی را تشکیل می دهند. شیواپرستان عورت شیوا را نیز می پرستند و آن را لینگا (Linga) می نامند. مجسمه های لینگا و معابد آن نیز فراوان است . از جمله ۱۲ بتخانه بزرگ و باشکوه که به افتخار لینگا و برای پرستش آن بنا کرده بودند، معبد سومنات (Somanatba) است . ثروت هنگفت و خیال انگیز آن بتخانه که چهارده گنبد طلا داشت ، سلطان محمود غزنوی را تحریک کرد تا به سال ۴۱۶ هجری قمری به سوی آن لشکر کشد و خزائن انباشته از زر و سیم و گوهرهای گرانبهای آن را که طی قرنها گرد آمده بود، تاراج کند. هندوان حمله های سابق وی به بتخانه های دیگر را به علت خشم گرفتن بت معبد سومنات به آن معبد توجیه می کردند. سلطان محمود با سپاهی انبوه به عنوان بت شکنی به سومنات حمله کرد و پس از کشتن گروهی بی شمار از هندوان ، گرزگران خود را بر فرق مجسمه لینگا کوبید. وی برای نشان دادن فتح نمایان خود قطعه ای از آن را به مکه معظمه و بغداد و بلاد اسلامی دیگر فرستاد.(۳) افرادی از شیواپرستان ، به نام لینگاوات (vat - Linga) یعنی حاملان لینگا، که مسلکشان در قرن دوازدهم میلادی پایه گذاری شده است ، پیوسته مجسمه ای از لینگا را که داخل کیف کوچکی است به گردن آویخته دارند. چیزهایی شگفت آوری مانند قربانی انسان و نوشیدن شراب در کاسه سر مردگان به برخی از فرقه های شیوایی نسبت داده می شود. فرقه های شکتی (Sakti) به معنای نیرو، معتقدند قوه الهی در جنس لطیف قرار دارد. از اینجاست که در معابد شکتی زنانی جوان می رقصند. برخی از این فرقه ها رقصهای وحشیانه ، آوازهای گوش خراش و حرکات جنون آمیز را برای تکامل روحی لازم می دانند.

### ۱-۸- نظریه تناسخ و تصور کارما

بر اساس قانون کارما (Karman) به معنای کردار، آدمی نتیجه اعمال خود را در دوره های بازگشت مجدد خود در این جهان می بیند. کسانی که کار نیک انجام داده اند، در مرحله بعد زندگی مرفه و خوشی دارند و آنان که کار بد می کنند، در بازگشت با بینوایی و بدبختی دست به گریبان خواهند بود و چه بسا به شکل حیوان بازگشت کنند. به عقیده برخی تناسخیان ، بازگشت انسانها ممکن است به یکی از چهار صورت زیر باشد که تصادفا به ترتیب الفبا از جمادات تا انسانها را شامل می شود: ۱. رسخ ، یعنی حلول شخص متوفی در جمادات ؛ ۲. فسخ ، یعنی حلول شخص متوفی در نباتات ؛ ۳. مسخ ، یعنی حلول شخص متوفی در حیوانات ؛ ۴. نسخ ، یعنی حلول شخص متوفی در انسانها (تناسخ ). سمسارا (Samsara) به معنای تناسخ در بسیاری از ادیان و مذاهب جهان (حتی نزد برخی فرقه های انحرافی جهان اسلام ) با عناوین گوناگون وجود داشته و دارد،(۴) اما این عقیده در آیین هندو از اهمیت بیشتری برخوردار است . هندوان معتقدند آدمی همواره در گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر رنج گرفتار است .

تنها راه رهایی انسان از گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر درد و بلا پیوستن به نیروانا (Nirvana) است . این کلمه در لغت به خاموشی و آرامش و در اصطلاح به (فنای فی الله ) دلالت می کند. نیروانا مورد توجه بوداییان واقع شده است .

**۱-۹- فلسفه وحدت وجود حکیمان و دانشمندان هندو می گویند خدایان بی شمار آن دین همه مظاهر یک خدای واحد و بزرگند و تمام موجودات بخشهایی از کالبد عظیم الوهیت به شمار می روند. از دیدگاه آنان این جهان و همه اجزای آن در حقیقت خیالی بیش نیست . این خیال را مایا (Maya) یعنی فریب و وهم ، می نامند. به عقیده آنان تمام این صورتهای وهمی سرانجام نابود می شوند و تنها برهما که ثابت و پایدار است ، باقی می ماند.**

در قرون اخیر عرفان هندویی غربیان را مسحور کرده است ، همان طور که عرفان اسلامی نیز در جلب کردن غربیان به اسلام سهم زیادی دارد. قوانین اخلاقی ، تصوف و اندیشه های لطیف آیین هندو از روزگار کهن جذابیت داشته است و تاءثیر تفکرات هندو بر اهل تصوف در مسیحیت و اسلام دیده می شود. اصول ایمان هندوان چهار چیز است : ۱. الوهیت روح ؛ ۲. وحدت موجودات ؛ ۳. وحدت خدایان ؛ ۴. وحدت مذاهب و ادیان . آیین هندو با خود محوری میانه ای ندارد و یک هندو می تواند علاوه بر آیین خود به هر یک از ادیان جهان بگرود. با این وصف ، شدیدترین تعصبها را می توان میان هندوان یافت . کافی است به یاد بیاوریم که مهاتما گاندی به سبب اعتقاد به برابری هندوان و مسلمانان ، مورد دشمنی گروهی از هندوان قرار گرفت و یکی از ایشان او را با گلوله کشت . ملی گرایی هندویی در دوره های اخیر بسیار شدت یافته است و یکی از تازه ترین و خشن ترین مظاهر آن تخریب مسجد بابری و کشته شدن تعداد بی شماری از مسلمانان و هندوان در این حادثه بود. مستمسک آنان در ارتکاب این عمل این بود که مکان مسجد بابری زادگاه بت راما بوده است . آنان با این سخن ادعا می کنند که ویشنو (یکی از خدایان تثلیث هندو) در آنجا به شکل بت راما جلوه کرده و به همین دلیل ، هندوان در آن مکان بتخانه ای ساخته بوده اند که به مسجد تبدیل شده است . آنان به همین بهانه بتهای خود را بر ویرانه های مسجد نصب کردند و آنها را پرستیدند. هندوان تصمیم دارند ساختمان بتخانه را در فرصت مناسب آغاز کنند. ۱۰-۱- فلسفه یوگی یا روش جوکیان به عقیده هندوان ، دستیابی به حقیقت یا اتحاد با خدای توانا از طریق یوگا (Yoga) یعنی یوغ نهادن حاصل می شود. یوگا به ریاضتهای سخت و طاقت فرسا دلالت می کند و معمولا با نشستن آرام و پیوسته به شکل چهار زانو و همراه با تاءمل انجام می گیرد، اما شیوه هایی دیگر نیز معمول است ، مانند ایستادن ، وارونه ایستادن ، خم شدن و آویختن دستها و زیستن بر روی تختی که در سراسر آن میخهای تیزی سر بر آورده است . این عملیات چه بسا برای دهها سال ادامه یابد و با مشقتهایی دیگر مانند در پیش رو نهادن آب و تشنه به سر بردن همراه باشد.(۵) با آنکه هدف از ریاضت وصول به حقیقت است ، گاهی کشف و کراماتی را پدید می آورد. یوگی (Yogin) معمولاـ آن امور را مانع کمال خود می داند و بسیار می شود که به آن خوارق عادت ابدا توجهی نکند و از اظهار آن روی بگرداند. حبس دم به گونه ای است که بر اثر تمرینهای سخت تنفس کاهش می یابد و یوگی در طول سال به چند نفس بسنده می کند. همچنین ضربان نبض و سایر کارهای بدن را می توان با یوگا در اختیار گرفت . در همه این حالات بدن شیوه های نوی را بر می گزیند و زنده می ماند. چه بسا یک یوگی را به مدت شش ماه دفن کنند و پس از این مدت قبر او را بشکافند و او را بیرون آورند و وی با یک بار تنفس زندگی را از سر گیرد. تواناییهای دیگری نیز برای برخی از آنان میسر می گردد، مانند رهایی از جاذبه زمین ، متوقف کردن قطار، به جوش آوردن آب با یک نگاه و غیره . (۶) دانشمندان مغرب زمین به تکرار، آزمایشهای علمی گوناگونی روی یوگیان انجام داده و واقعی بودن این حالات را به اثبات رسانده اند. از جمله یک هیاءت علمی فرانسوی به رهبری دکتر بروس (Brosse) در ۱۹۳۶ تحقیقات و آزمایشهایی در باب یوگیان انجام داد و دستاوردهای خود را منتشر کرد.(۷)

## ۲- آیین جین

## اشاره

آیین هندو مانند درخت کهنسالی است که شاخه های نسبتا جوان خود را در سرزمینهای بزرگی گسترده است . برخی از این شاخه ها در اوج اقتدار بر همنان و به عنوان اعتراض به سخت گیریهای آنان پدید آمده است .از جمله شاخه های هندوئیسم آیین جین (Jaina) به معنای پیروز است که پنج قرن قبل از میلاد پایه گذاری شد

## ۲-۱- سرگذشت مهاویرا

به اعتقاد جینها بنیانگذار این آیین مهاویرا (vira - Maha) یعنی بزرگ قهرمان ، نامیده می شود که بیست و سه پیشوا طی هزاران سال قبل از وی برخاسته اند و او بیست و چهارمین پیشواست . مهاویرا در قرن ششم قبل از میلاد در یک خانواده اشرافی هندوستان متولد شد. وی در سی سالگی دنیا را ترک کرد و پس از ریاضتهای طولانی به حقیقت دست یافت . او پس از گستردن آیین خود به سال ۵۲۶ ق .م . قالب تهی کرد و به نیروانا پیوست .

## ۲-۲- فلسفه و اخلاقیات

شگفت آورترین سنت این قوم این است که پوشیدن لباس را حرام می دانند و معتقدند معاویرا در حال ریاضت و ترک تعلقات نفسانی ، پس از مشاهده تعلق خاطر خود به حیا، همه لباسهای خود را بیرون آورد و تا آخر عمر برهنه به سر برد. در حدود سال ۷۹ ق .م . میان پیروان این مذهب در مورد حدود برهنگی اختلاف و دودستگی پدید آمد: فرقه آسمان جامگاهان (- amhbra Dig) هیچ لباسی را نپذیرفتند، در حالی که فرقه سفید جامگان (Svetambara) گفتند استفاده از اندکی پارچه جایز است . گاندی رهبر انقلاب هندوستان تحت تاءثیر این آیین لباسهای دوخته ایام جوانی را کنار نهاد و تنها از مقداری پارچه سفید استفاده می کرد. ویل دورانت در جلد اول تاریخ تمدن که در زمان حیات تاءثیر آن مذهب از طریق خودکشی به عمر خود پایان دهد. اما، همان گونه که گذشت ، وی با گلوله یک هندوی متعصب کشته شد و برای اثبات یا ابطال حدس این مورخ فرزانه فرصتی پیش نیامد. دریوزگی و خواری از فضائل محسوب می شود. به عقیده آسمان جامگان زنان راهی به کمال ندارند و برای این امر باید به انتظار مرد شدن در دوره های بعدی تناسخ باقی بمانند.

## ۲-۳- اهمیسا

آیین جین ، علاوه بر پذیرش معارف هندویی ، مسائل تازه ای را مطرح می کند و بر قواعد اخلاقی شدیدی اصرار می ورزد. به عقیدمه جینها رستگاری بر دو اصل استوار است یکی ریاضت کشی و دیگری اهمیسا یا پرهیز از آزار جانداران که تا نباتات و جمادات پیش می رود و کندن زمین برای کشاورزی ممنوع شمرده می شود. با آنکه خوردن میوه درختان مجاز است ، استفاده از محصولات زیر زمین مانند چغندر، هویج ، شلغم و سیب زمینی که معالجه حیوانات اهلی و وحشی دایر کرده اند و معمولا پارچه ای بر دهان می بندند، که مبادا حیوان ریزی ناخواسته به دهانشان وارد شود و نابود گردد. آنان آب را قبل از نوشیدن صاف می کنند که مبادا کرمی وارد دهان شود و جان بدهد. همچنین جاروبی از پر طاووس در دست می گیرند و حشرات ریز را از مسیر خود دور می کنند. خودکشی از طریق ترک طعام و شراب فضیلتی بسیار بزرگ به شمار می آید و خود مهاویرا نیز به این شیوه در گذشته است .

### ۲-۴- کتب مذهبی

این قوم نیز فرهنگ دینی مکتوب دارد و تعداد ۳۹ کتاب دینی به آنان نسبت داده اند. از جمله یادگارهای آنان در مساءله شناخت حقیقت وجود، داستان فیلی است که آن را در جای تاریکی قرار داده بودند و مردم می خواستند با دست مالیدن از شکل فیل آگاه شوند و هر کدام قضاوتی نادرست در این باب می کردند.(۸)

### ۲-۵- پیروان

هم اکنون حدود دو میلیون پیرو آیین جین در هندوستان وجود دارد که روزگار بر تن آنان لباس کامل پوشانده و به جای گدایی سرگرم تجارت هستند و وضع اقتصادی خوبی دارند. آنان آیین خود را نوسازی کرده اند و تنها قدیسان و اندکی از ایشان در زندگی به آن روشهای عجیب و غریب روی می آورند.

## ۳- بودیسم

### توضیح

آیین بودا از شاخه های کیش هندوست . این آیین از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را در نوردیده است و به علت داشتن اندیشه های عرفانی لطیف و گسترش در مناطق پرجمعیت جهان ، پیروان زیادی دارد و اخیرا به اروپا و آمریکا نیز سرایت کرده است .

### ۳-۲- تاءسیس نظام

اندیشه های اصلاحی بودا در مخالفت با تعصب های برهمنان بود و اختلافات طبقاتی را باطل می شمرد. تعالیم اخلاقی وی در مجموعه هایی مانند تری پیتکا (Tri-pitaka) یعنی سه سبدگرد آمده است . این تعالیم که بر آیین هندو پایه گذاری شده است ، ترک دنیا، تهذیب نفس ، تاءمل ، مراقبه و تلاش برای رهایی از گردونه زندگی پر رنج این جهان را توصیه می کند و برای وصول به نیروانا اهمیت زیادی قائل است و مفهوم آن را توسعه می دهد. آیین بودا در قرون بعدی بخش عمدمه ای از خاک هندوستان را تسخیر کرد و در کشورهای همسایه نیز گسترش یافت . در قرون هشتم و نهم میلادی ، دو تن از دانشمندان آیین هندو را نوسازی کردند و بر اثر آن ، آیین بودا اندک اندک از هندوستان برچیده و آیین هندو جانشین آن شد، اما اشکال گوناگون آن در خاور دور و مناطق دیگر گسترش یافت .

### ۳-۳- فلسفه بودا

هنگامی که بودا به حقیقت دست یافت ، ابتدا به شهر بنارس رفت تا پنج تن از راهبان را که از وی روی برتافته بودند، بیابد. او می اندیشید که این پنج تن مانند وی در جستجوی حقیقتند و تعلیم دادن ایشان از سایر مردم آسانتر است . و چون به بنارس پا نهاد آن پنج تن را دید که در میان بیشه ای نزدیک شهر نشسته اند و با هم سخن می گویند. هنگامی که چشم آنان به بودا افتاد، به یکدیگر گفتند: (این سیدارتاست که می آید؛ همان که دست از رهبانیت کشید؛ خوب است به او کاری نداشته باشیم .) اما چون بودا به

آنـان نزدیک شـد به وی سـلام کردنـد و از او خواسـتند در کنارشان بنشـیند. آنگاه از وی پرسـیدند: (سـرانجام ، حقیقتی را که می جستی ، یـافتی ؟) بودا گفت : (آری ، آن را یـافتم .) راهبـان گفتنـد: (پس به مـا بگو حقیقت و حکمت و راز هستی چیست ؟) بودا پرسـید: (آیا شـما به کارما یعنی قانون کردار ایمان داریـد؟) گفتنـد: (آری .) بودا گفت : (پس بدانیـد که همان سـرآغاز حکمت و آگاهی از حقیقت است . از نیکو نیکو پدیـد می آیـد و از بد بد. این نخستین قانون زندگی است و همه چیزهای دیگر بر این قانون اسـتوار است .) گفتنـد: (این که تازگی ندارد.) گفت : (اگر چنین است قربانی ، دعا و تضـرع به درگاه خدا عاقلانه نیست .) راهبان پرسـیدند: (چگونه ؟) بودا پاسـخ داد: (زیرا آب همیشه سراشـیبی می رود، آتش همیشه داغ است و یـخ همواره سـرد. اگر برای همه خدایان هندوسـتان هم دعا کنیم ، آب هرگز سـربالا نمی رود و آتش سرد و یخ گرم نمی شود. زیرا در زندگی قانونهایی یافت می شود که همه چیز بر آنها اسـتوار است . از این رو، کاری که انجام گرفت ، قابل ابطال نیست و دعا و قربانی برای خـدایان نیز سودی نـدارد.) آنـان بـا این سـخن موافقت کردنـد و بودا افزود: (اگر این سـخن درست است ، کتـاب وداهـا که به مردم راه و رسم دعـا و قربـانی را می آموزد، درست نیست و برخلاـف گفته پیشوایـان دینی ، من اعلاـم می کنم که وداهـا مقـدس نیسـتند.) راهبـان از این جراءت بسـیار شـگفت زده شدنـد و از بودا پرسـیدند: (تو می گویی برهما هنگام آفریدن جهان مردم را به طبقات گوناگون تقسـیم نکرده است ؟) پاسـخ داد: (اصـلا من باور نـدارم برهما چیزی را آفریـده باشد تا جهان آفریده او باشد.) آنان پرسـیدند: (پس جهان سـاخته کیست ؟) بودا پاسـخ داد: (به نظر من جهـان ابـدی است و آغـاز و انجامی نـدارد. دو چیز است که بایستی از آن پرهیز کرد: یکی زنـدگانی پر از لذت که زاییده خودخواهی و فرومایگی است و دیگر زندگی پر از رنج و خود آزاری که آن نیز سودی ندارد و هیچ یک از این دو به نیکبختی منجر نمی شود.)

### ۳-۴- اخلاقیات

سرانجام راهبان از بودا پرسـیدند: (پس راه درست کدام است ؟) پاسخ داد: (راه میانه ، میان لذت و رنج است که از راه هشـتگانه به دست می آیـد. راه هشـتگانه هشت قانون بزرگ زندگی را می آموزد: ۱. پرهیز از آزار جانـداران ؛ ۲. پرهیز از دزدی ؛ ۳. پرهیز از بی عفتی ؛ ۴. پرهیز از دروغ ؛ ۵. پرهیز از مسـتی ؛ ۶. پرهیز از بـدگویی ؛ ۷. پرهیز از خودخـواهی ؛ ۸. پرهیز از نادانی ؛ ۹. پرهیز از دشمنی .

### ۳-۵- فرقه های بودایی

آیین بـودا سه فرقه دارد: ۱. مهایانا (yana-Maha) یعنی چرخ بزرگ ، آیـین شـمالی که در چین رواج دارد. این شـعبه ای آیین بـودا بـا طیفهـایی از اعتقـادات و سـنن کنفوسـیوس و لاـئوتسه در چیـن و شـینتو در ژاپـن در آمیخته است . یکی از آداب آن که به سانسکریت دهیانا (Dhyana) یعنی تاءمل ، به چینی (Chang) و به ژاپنی زن (Zen) خوانده می شود، شهرت جهانی دارد. ۲. هینایانا (yana-Hina) یعنی چرخ کوچک ، آیین جنوبی که در سـری لانکا (سیلان ) و کشورهای جنوب شرق آسیا مشاهده می شود. پیروان چرخ کوچک آیین خود را تراوادا (Theravada) یعنی آیین نیاکان و بزرگان می خوانند و کتب دینی آنان به زبان پالی است . ۳. وجریانا (yana-Vajra) یعنی چرخ المـاس . این فرقه در تبت وجود دارد و آیین بودا را با سـحر و کهانت و توتم پرستی در آمیخته و تشـکیلاتی نیرومنـد برای خود پدیـد آورده است . آیین مذکور لامائیسم (Lamaism) نیز خوانـده می شود و عنوان رهبر مـذهبی مقتدر آن دالائی لاما (Lama Dalai) به معنـای رئیس دریـاگونه است . از چیزهای جالب توجه این فرقه آن است که هنگامی که رهبر مذهبی آن وفات یابد، راهبان برای پیدا کردن جانشـین وی به جستجوی کودکی می پردازد که در لحظه

درگذشت رهبر به دنیا آمده باشد. سپس این کودک را با توجهات ویژه پرورش می دهند. وی پس از فراگیری دانش و گذراندن مراحل مختلف به مقام مورد نظر نائل می آید. دالائی لامای عصر ما پس از سرایت کمونیسم چینی به تبت رهسپار هندوستان شده و در آنجا به ارشاد و رهبری مشغول است . اخیرا وی ، برخلاف سنت ، پسر بچه ای را برای جانشینی خود تعیین کرد و به خاطر این مساءله مورد انتقاد قرار گرفت .

## ۳-۶- کتب بودایی

قدیمی ترین کتاب مقدس بوداییان تری پیتاکایعنی سه زنبیل نامیده می شود که دارای سه بخش است : ۱. قواعد رهبانیت ؛ ۲. وسیله رستگاری ؛ ۳. مفهوم فلسفی و روانشناسی . فرقه های مختلف بودایی نیز کتابهای مخصوص به خود دارند.

## ۳-۱- سرگذشت بودا

### اشاره

بودا (Buddha) به معنای بیدار لقب گوتاماشاکیامونی (Gautamamuni -Sakya) بنیانگذار مکتب اصلاحی بودیسم است . به عقیده بوداییان وی که فرزند پادشاه شهر کاپیلاوستو (vastu-Kapila) در شمال هندوستان بود، در حدود سال ۵۶۳ ق .م . به دنیا آمد و در آغاز سیدارتا (Siddhartha) یعنی کامیاب نامیده می شد. ستاره شناسان پیشگویی کرده بودند که این شاهزاده پس از مشاهده نمونه های بیماری ، پیری و مرگ و برخورد با یک ریاضت کش دنیا را ترک خواهد کرد و به ریاضت روی خواهد آورد. بدین سبب پدرش دستور داده بود وی را به دور از ناملایمات زندگی بشری و در ناز و نعمت پرورش دهند و مراقب رفتار و کردار او باشند. شاهزاده با دختر عمویش یشودهرا (Yasodhara) ازدواج کرد و دارای پسری به نام راهولا (Rahula) شد. وی در ۲۹ سالگی پس از مشاهده موارد مذکور، شبانه از کاخ و تنعمات آن گریخت و تحت ارشاد فردی به نام آلارا (Alara) زندگی راهبان را برگزید و پس از شش سال ریاضتهای سخت و سنگین در جنگلها سرانجام هنگامی که از وصول به حقیقت از طریق ریاضت نومید شد، ریاضت را کنار گذاشت و به تاءمل و تفکر و مراقبت معنوی روی آورد. جهاد اکبر او نیز شش سال طول کشید و پس از آن با هفت هفته توقف زیر درختی که بعدا درخت بیداری نامیده شد، با مارا (Mara) یعنی شیطان ویرانگر مبارزه کرد و در نهایت به حقیقت دست یافت و بودای دوره کنونی شد. به عقیده بوداییان در دورانهای پیشین جهان نیز تعدادی بودا آمده اند. هر یک از این بوداها قبل از ظهورشان بودی ستو (sattva-Bodhi) خوانده می شود، یعنی کسی که به معرفت کامل دسترسی دارد یا بودای بالقوه است . بودا در مدت ۴۰ سال با مسافرتهای فراوان ، آیین خود را در سراسر هندوستان تبلیغ کرد و بر اثر ملاقات با افراد مختلف ، به اصلاح نفوس و تربیت شاگردانی همت گماشت که برجسته ترین آنان پسر عمویش آنندا (Ananda) بود. وی سرانجام در هشتاد سالگی در حدود سال ۴۸۳ ق .م . به نیزوانا پیوست . داستان زندگی شگفت آور بودا از قدیم الایام جذابیت داشته و به همین دلیل این داستان دینی به زبانهای گوناگون ترجمه و در سراسر جهان منتشر شده است . نقل عربی آن با اضافاتی از فرهنگ سریانی ، به عنوان داستان بلوهر و یوذاسف بین مسلمانان رواج پیدا کرد.(۹)

## ۴. آیین سیک

### اشاره

انشعابات تازه تری نیز در آیین هندو وجود دارد که آیین سیک (Sikh) یعنی شاگرد، معروفترین آنها است . برخورد اسلام و هندوئیسم در هندوستان در دورانهای گوناگون مذاهب التقاطی چندی را پدید آورده است . یکی از عرفای بزرگ مسلمان به نام کبیر (۱۴۴۰–۱۵۱۸) توحید اسلامی را با برخی عقاید هندویی در آمیخت و مریدان بی شماری گردآورد. یکی از شاگردان وی نانک (Nanak) بود که پایه گذار بود که پایه گذار آیین سیک و نخستین گورو (Guru) یعنی معلم است . پس از وی نه گوروی دیگر، یکی پس از دیگری ، آمده اند. این فرقه اندک اندک قوت گرفت و به گروهی سیاسی مذهبی تبدیل شد.(۱۰) سیکها به تجارت گرایش دارند و افرادی از آنان به سراسر جهان مهاجرت کرده و به بازرگانی مشغولند. همچنین افرادی از ایشان به زاهدان و تهران آمده اند و در این دو شهر معبد (گورودواره ) دارند.

### ۴–۱– سرگذشت نانک

بنیانگذار آیین سیک به نام گورو نانک به سال ۱۴۶۹ در خانواده ای از طبقه کشاتریاها در یکی از روستاهای لاهور به دنیا آمد. او از عرفای مسلمان و هندو استفاده کرد. سپس به کشورهای اسلامی و زیارت مکه معظمه رفت و سرانجام آیین سیک را که آمیزه ای از هندوئیسم و اسلام است ، تاءسیس کرد و در سال ۱۵۳۹ در گذشت . پس از گورو نانک ۹ گوروی دیگر یکی پس از دیگری برخاستند و اینک فهرست اسامی ۱۰ گوروی سیکان و تاریخ تولد و وفات ایشان : ۱. گورو نانک (۱۴۶۹–۱۵۳۹)؛ ۲. گورو انگد (۱۵۰۴–۱۵۵۲) ؛ ۳. گورو امر داس (۱۴۷۹–۱۵۷۴)؛ ۴. گورو رام داس (۱۵۳۴–۱۵۸۱)؛ ۵. گورو ارجن (۱۵۶۳–۱۶۰۶)؛ ۶. گورو هر گوبیند (۱۵۹۵–۱۶۴۴) ؛ ۷. گورو هررای (۱۶۳۰–۱۶۶۱) ؛ ۸. گورو هری کریشن (۱۶۵۶–۱۶۶۸) ؛ ۹. گورو تیغ بهادر (۱۶۲۱–۱۶۷۵)؛ ۱۰. گورو گوبیند سینگ (۱۶۶۶–۱۷۰۸).

### ۴–۲– تعالیم

نانک خدای یکتای جهان را حق نامید. وی می گفت خدا به هر نامی که خوانده شود فقط او قادر متعال و حق است . سعادت و وصول به نیروانا همان استغراق در ذکر حق است . وی مایا یا صورت وهمی جهان را که در دین هندو آمده است ، پذیرفت و گردونه تناسخ و قانون عمل و عکس العمل را تا حدودی قبول کرد. نانک خوردن گوشت را برای پیروانش مباح دانست ، ریاضت و بت پرستی را ممنوع کرد، نظام طبقاتی و تعدد زوجات را هم حرام شمرد.

### ۴–۳– آثار مذهبی

پنجمین رهبر سیکان که گورو ارجن خوانده می شود، معبدی از طلاـ در شهر امریتسار هندوستان بنا کرد و کتابی به نام گرانت صاحب (GranthSahib ) نوشت که مهمترین کتاب مقدس آیین سیک است .

### ۴–۴– تاریخچه سیاسی سیکها

سیکها در زمان دهمین رهبر خود به نام گورو گوبیند سینگ بیعتهایی را برای امور سیاسی مرسوم کردند و افرادی جنگجو شدند و از آن هنگام نام خالصه یعنی بی آلایش ، بر خود نهادند. آنان برای خود پنج شعار قرار دادند که هر یک در زبان پنجابی با حرف (ک ) شروع می شود: ۱. کس : باقی گذاشتن موی سر و صورت ؛ ۲. کونکا: همراه داشتن شانه ؛ ۳. کاچک : پوشیدن زیر شلواری کوتاه ؛ ۴. کارا: داشتن دستبند (النگوی ) آهنین ؛ ۵. کاندا: حمل شمشیر یا خنجر فولادین . سیکها با یکدیگر بسیار متحدند و برای

تشکیل کشور مستقل به شدت مبارزه می کنند. ترور خانم گاندی نمونه ای از فعالیتهای سیاسی این قوم است . آنان تبلیغات مذهبی نیز دارند و کتبی هم در این باب به زبانهای دیگر و از جمله فارسی منتشر کرده اند.

## کتابنامه

۱. الـدنبرگ ، هرمان ، فروغ خاور، ترجمه بـدر الدین کتابی ، تهران : انتشارات اقبال ، ۱۳۷۳. ۲. اوپانیشادها. ۳. بهار، مهرداد، ادیان آسـیایی ، تهران : نشـر چشمه ، ۱۳۷۵. ۴. بهگود گیتا. ۵. پاشـایی ، ع .، بـودا، تهران : کتابخـانه طهوری ، ۱۳۴۷. ۶. حکمت ، علی اصـغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۷. زرین کوب ، عبدالحسـین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۵. ۸. شایگان ، داریوش ، کتاب ادیان و مکتبهای فلسفی هند، تهران : انتشارات دانشگاه تهران : ۱۳۴۶. ۹. گرانت صاحب . ۱۰. نـاس ، جان بی .، تاریـخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصـغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسـلامی ، ۱۳۷۰. ۱۱. وداها. ۱۲. هیوم ، رابرت ای .، ادیان زنـده جهان ، ترجمه عبـدالرحیم گواهی ، تهران : دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی ، ۱۳۷۳. : York New Brothers, ۱۹۵۹. ۱۳. Conze, Edward, Buddhism: Its Developement and Essence, للّـه Harper Press, ۱۹۰۶. ۱۹۷۶. ۱۴. Dubois, Abbe, Manners Hindu, Ceremonies and Customs, Oxford University

## ۵– چین و ژاپن

### ۱– کنفوسیانیسم

کنفوسیوس (Confucius) حکیـم و سیاسـتمدار چینی آیـین تـازه ای برای مردم چین آورد که بـا وجـود مقبـولیت عـامه ، پس از چنـدی از رونق افتاد و جای خود را به آیین بودا داد. ۱–۱–سرگذشت کنفوسیوس در حدود سال ۵۵۱ ق .م . در ایالت لو (Lu) در چین ، در خاندان کونگ (Kung) فرمانروای تسو (Tsow) کودکی به دنیا آمد که او را چیو (Chiu) نامیدند. وی در سه سالگی پدر خود را از دست داد و این در حالی بود که آن فرمانروا هیچ میراثی برای زن و یگانه فرزند خود باقی نگذاشـته بود. کودک نزد مادر رشـد کرد و آموزگارانش هوش او را می سـتودند و آینـده درخشانی را برای او پیش بینی می کردند. نوزده ساله بود که وزیر اعظم آن منطقه سـرپرستی مزرعه هـا را به او سپرد. وی در کنار این منصب دولتی به مطالعات و تحصـیل هنر ادامه داد و دانشـمندان برای کسب علم و کمال نزد او حاضـر می شدند. مردم او را کونگ فوتسه (futze-Kung) یعنی کونگ فیلسوف می نامیدند که مـا آن را کنفوسـیوس تلفـظ می کنیم . کنفوسـیوس زنـدگی پر ماجرایی داشت و علاوه بر تعلیم شاگردان ، به کارهای حکومتی نیز می پرداخت و در پنجاه سالگی به وزارت دست یافت و مقام او در زمانی کوتاه بالا رفت و وزیر اعظم شـد. توانایی وی در مدیریت کشـور حسـادت رقیبـان را برانگیخت . از این رو، پس از چنـدی از منـاصب حکومـتی کنـاره گیری کرد و تنهـا به تربیت شـاگردان پرداخت . سـرانجام هنگـامی که به سال ۴۷۹ ق .م . مرگ به سـراغ وی آمـد، از عـدم مـوفقیت کامـل خویش انـدوهگین بود، ولی شاگردان و یارانی از خود باقی گـذاشت که پیام او را به همه رساندنـد. ۲–۱– آثار کنفوسـیوس در سالهای آخر عمر خود کتابهایی نوشت که جزء ادبیات کلاسیک چین شد. کتابهای وی عبارتند از: ۱. شوچینگ (کتاب تاریخ )؛ ۲. شی چینگ (کتاب شعر)؛ ۳. لی چی (کتاب شعائر)؛ ۴. ای چینگ (کتاب تبـدیلات )؛ ۵. چون چیو (سالنامه بهار و پاییز). چهار کتاب نخست گزیـده ای از سـخنان پیشـینیان را نیز در بردارد، ولی سراسـر کتـاب پنجم از خود اوست . ۳–۱– تعـالیم تعالیم کنفوسـیوس ترکیبی بود از اصول اخلاقی ، سیاست مـدن و مقـداری مسائل دینی . وی معتقـد بود که اجـداد مردم طبق قاعده لی (Li) زنـدگی می کردنـد و از این رو، از انواع

نیکیها و برکات برخوردار بودند، ولی مردم زمان وی بر اثر رها کردن آن شیوه ، از آن امور محروم مانده اند. لی از دیدگاه کنفوسیوس معانی مختلفی داشت و برای پاکی ، ادب ، تشریفات و عبادت به کار می رفت . وی معتقد بود با پیروی از لی هر چیزی بسامان می آید و جامعه آرمانی تشکیل می شود. ۴-۱- اصول اخلاقی وی پنج رابطه را مطرح کرد که هرگاه درست باشند، همه چیز درست می شود: ۱. مهربانی در رابطه میان پدر و پسر؛ ۲. لطف برادر بزرگتر به برادر کوچکتر و تواضع برادر کوچکتر در مقابل برادر بزرگتر؛ ۳. عدالت شوهر با زن و اطاعت زن از شوهر؛ ۴. علاقه مندی زبردستان به زیردستان و اطاعت زیردستان از زبردستان ؛ ۵. مهربانی فرمانروایان به رعایا و وفاداری رعایا به فرمانروایان . کنفوسیوس در مورد آرمانشهر و رابطه شهریار با رعایا تعلیم می داد که هرگاه کشور نیز مطیع قانون می شوند. وی درباره انسان کامل نیز سخن گفت و صفات پنجگانه وی را چنین نشان داد: عزت نفس ، علو همت ، خلوص نیت ، شوق به عمل و خوش رفتاری . ۵-۱- مناسک گر چه کنفوسیوس قبل از هر چیز یک معلم اخلاق بود و بیش از این ادعایی نداشت ، مردم در تعالیم او روح معنویتی مشاهده کردند که وی را مثل اعلای دینداری به حساب آوردند. دینی که او مطرح می کرد بسیار ساده و به دور از مسائل ماوراءالطبیعه بود و بیشترین سعی وی در آن بود که خود را با عبادات و مناسک موجود زمان خویش وفق دهد. او می گفت خاقانهای اعصار گذشته مردمی سعید و نیکبخت بوده اند؛ زیرا اولاد و اعقابی چند از ایشان بر جای مانده بودند که مراسم قربانی و عبادت و احترام را درباره آنها بعد از وفات به دقت انجام می دادند. ۶-۱- پیروان و رقیبان شاگردان کنفوسیوس که گفته می شود هفتاد تن بودند، به سراسر کشور چین رفتند و به تعلیم حاکمان و صاحب منصبان مشغول شدند و گروهی از آنان نیز گوشه گیری را برگزیدند. تعالیم این حکیم به وسیله شاگردانش تا یکی دو نسل پس از وی گسترش یافت . با ضعیف شدن نظام سلطنتی فئودال و پدید آمدن مکاتب فلسفی رقیب ، نشر اندیشه های وی با مشکل روبرو شد. هر یک از این مکاتب به گونه ای اندیشه های حکیم را مورد حمله قرار می داد. در این گیر و دار، پیروزی گاهی از آن مکتب کنفوسیوس و گاهی از آن مکاتب رقیب بود تا اینکه با ورود آیین بودا به چین ، نزاع به نفع این آیین پایان یافت و اندیشه های کنفوسیوس تا اندازه ای در حاشیه قرار گرفت . با این وصف ، شهرت و عظمت وی پیوسته در چین حضور داشته است . ۷-۱- دین رسمی فرمانروایان چین در دورانهای مختلف همواره کنفنوسیوس را حرمت می نهادند و رسما او را بزرگترین حکیم می شناختند و به روان او ادای احترام می کردند. قربانی کردن نزد آرامگاه او از زمان شاگردانش معمول بود، ولی نخستین پادشاهی که به این کار اقدام کرد کائوتسو نامیده می شد که در سال ۱۹۵ ق .م . پس از زیارت آرامگاه وی ، قربانی گذارند.پس از وی ، پادشاهان دیگر این رسم را ادامه دادند و قربانیها و هدایایی تقدیم روح حکیم کردند. از سال ۱۹۱۱ ادای احترام رسمی و دولتی به روح کنفوسیوس به تدریج ترک شد. پس از چندی ، دولت چین برای احیای افکار وی به عنوان یک متفکر در ردیف نیوتون و پاستور اقدام کرد، ولی پس از انقلاب کمونیستی چین به سال ۱۹۴۵، مبارزه شدیدی با اندیشه های وی آغاز شد و کمونیستها او را کسی معرفی کردند که در مقابل توده های زحمتکش ، از طبقه اشراف حمایت کرده است .

## ۲- تائوئیسم

مکتب تائو / دائو (Taoism)به لائوتسه (tse_lao) حکیم (متوفای ۵۱۷ ق .م ) منسوب است . در اینکه آیا وی وجود خارجی داشته است یا صرفا یک شخص افسانه ای است ، میان دانشمندان اختلاف وجود دارد. به گونه ای که از سنت به دست می آید وی در سال ۶۰۴ ق .م . در چین به دنیا آمد و مدتی در دربار پادشاه سمت بایگان داشت . وی پس از چندی شغل خود را رها کرد و برای پرداختن به صفای روح از همه امور حتی کسب علم دست کشید و در خانه خود ماند. مردم درباره او کنجکاو شدند و برای آگاهی از انیشه های وی به دیدار او شتافتند. گفته می شود کنفوسیوس نیز به دیدار وی رفت . وی از مراجعات مردم خسته شد و بدین جهت از سرزمین خود مهاجرت کرد. یکی از دروازه بانان شهر او را در حال عزیمت دید و از خواهش کرد که به وی چیزی

بیاموزد. لائوتسه در کناری ایستاد و رساله ای را به او املاء کرد که تاکنون باقی است و نام آن تائوته چینگ یعنی رساله تائو و خاصیت آن ، است . این رساله شامل سخنان کوتاهی است که معنای بعضس از آنها روشن نیست . رساله را به دروازه بان داد و از آنجا عبور کرد و دیگر خبری از او باز نیامد. برخی گفته اند وی در سال ۵۱۷ ق .م . درگذشت . کسانی که لائوتسه را شخصی افسانه ای می دانند، می گویند فلسفه منسوب به وی از زمان کنفوسیوس قدیمتر است و رساله یاد شده نیز قبلا وجود داشته است . ۱-۲- لائوتسه و فلسفه تائوته چینگ رساله منسوب به لائوتسه محصول اندیشه یک تن نیست ، بلکه در طول قرون حک و اصلاحاتی در آن صورت گرفته است ، اما بیشتر محتویات آن از قرن چهارم قبل از میلاد است . از دیدگاه فیلسوفان قدیم چین هر گونه فعل و انفعالات جهان تحت تاءثیر نظامی است که تائو نامیده می شود. تائو در زبان چینی به معنای راه است و در اصل به بستر رودخانه اطلاق می شده است . می شده است . پیروان این فلسفه برای تحولات جهان قانونی ثابت مانند بستر رودخانه قائل بودند و می گفتند تائو آغاز و انجامی ندارد و پس از پدید آمدن جهان مادی ، تائو نیز برای ایجاد تناسب ، در آن جریان یافته است . از این رو، واژه تائو به کاسموس (cosmos) یونانی که به معنای تناسب است ، نزدیک می شود. یونانیان جهان را کاسموس می نامیدند. در رساله تائوته چینگ آمده است که هر گاه اشیاء در بستر طبیعی خود سیر کنند با کمال تناسب حرکت خواهند کرد؛ زیرا این حرکت با تائو هماهنگ است ، ولی هر گاه چیزی از بستر طبیعی منحرف شود تناسب خود را از دست می دهد. هدف نهایی انسان باید آن باشد که خود را با تائو هماهنگ کند. ۲-۲- چگونه تسه و مقالات او چوانگ تسه پس از لائوتسه ، معروفترین فیلسوف تائوئیسم است و گفته می شود وی در قرن چهارم قبل از میلاد تعالیم استاد فرضی خود، لائوتسه را نشر داده است . به این حکیم سی و سه مقاله نسبت داده اند که بسیاری از آنها قطعا از اوست . وی تحولات جهان را به شکل دورانی ترسیم می کرد و معتقد بود که اضداد بر یکدیگر تاءثیر می گذارند و از میان می روند. او معتقد به نیست خیر و شر بود و برای بیان اندیشه های خود از تمثیلهای بسیاری استفاده می کرد. ۳-۲- دین رسمی برای نخستین بار در سال ۱۶۵ م . یکی از پادشاهان چین معبدی به نام لائوتسه بنا کرد و هدایای تقدیم داشت ، ولی تائوئیسم پیشرفت چندانی نکرد تا آنکه در قرن هفتم میلادی این آیین در چین رسمیت یافت . در آن زمان آیین بودا و مکتب کنفوسیوس در چین پیشرفت کرده بودند. افرادی به این عنوان که آیین بودا از کشور هندوستان به چین سرایت کرده و یک آیین بومی نیست ، به ترویج تائوئیسم پرداختند. آنان آداب و رسومی را بنا نهادند و برای چیزهای مختلف خدایانی را مطرح کردند. با این حال ، این آیین در چین پیروان اندکی داشت و کم کم از صحنه بیرون شد. با آنکه دولت کمونیستی چین با افکار مذهبی شدیدا مبارزه می کند، هنوز هم افرادی به جنبه های جادویی این آیین علاقه دارند.

## ۳- شینتو

شینتو(Shinto)یعنی طریقه خدایان ، آیین باستانی ژاپن است . این آیین الهه خورشید به نام اماتراسو(Amaterasu) را نگهبان سرزمین اجدادی می داند و خاندان سلطنتی را از نسل این خدا و تجسم وی می شمارد. ۱-۲-سابقه اجتماعی آیین مهایانای بودایی در حدود سال ۵۵۲ م . به ژاپن وارد شد و پس از برخورد با شینتو، سرانجام بسیاری از عناصر بودایی را به مذهب شینتو منتقل کرد. پرستش خدایان ملی و امپراطور، کرنش و قربانی برای مردگان و وطن پرستی از آداب این آیین است . نوعی فتوت به نام بوشیدو(Bushido)یعنی طریقه دلاوران که تا اندازه ای از آیین زن الهام می گرفت ، جوانمردی و مقاومت برای شرف را الزام می کرد. بر این اساس سربازان هنگام شکست ، طی مراسمی با یک خنجر مخصوص که در سراسر عمر آن را همراه داشتند، شکم خود را پاره می کردند و شهید راه وطن شدند. آیین شینتو نیز بارها نوسازی شده است و پرستش امپراطور از سال ۱۹۴۶ توسط خود وی منسوخ گردیده است . اکنون در ژاپن این آیین در کنار آیین بودا به حیات خود ادامه می دهد. ۲-۳- کتابهای شینتو در آیین شینتو کتابهایی یافت می شود که آداب و سنن گذشتگان را در بر دارد. این کتابها در زمانهای مختلف تهیه شده و یکی از آنها که در

سال ۸۰۶ م . نوشته شده ، داستانهای کهن را در دفاع از طبقه روحانیون نقل می کند. کتاب دیگری از قرن دهم است که فهرستی از عبادات و مناسک و رسوم شینتو، بویژه آداب پرستش امپراطور را شرح می دهد. ۳-۳- ریوبو سرانجام ، آیین بودا در ژاپن در قرن هشتم میلادی کاملا رواج یافت و مقامات کشور آن را پذیرفتند. در آن زمان لازم شد که میان آیین بومی و قدیم شینتو از یک سو و آیین بیگانه و نورسیده بودایی از سوی دیگر تلفیقی صورت گیرد. در آن هنگام برخی از روحانیون بودایی اعلام کردند در مکاشفات خود دانسته اند که خدایان باستانی ژاپن در حقیقت هر کدام بودی ستو بوده اند و آنجا ظهور کرده اند. همچنین گفتند اماتراسو یعنی خدای خورشید همان ظهور کامل بودا در کشور ژاپن بوده است . این مکتب را ریوبو، یعنی شینتوی ترکیبی نامیدند و به تبلیغ آن پرداختند. بدین شیوه آیین شینتو نوسازی شد و احیا گردید. ۴-۳- دین رسمی حدود نه قرن بعد، در قرن هفدهم برخی از رهبران دینی گفتند خوب است آیین شینتوی قدیم احیا گردد و سرانجام در سال ۱۸۶۸ تحول تازه ای در حیات اجتماعی مردم ژاپن پیش آمد و با تردد مسافرانی از آمریکا به ژاپن ، در این کشور به روی جهانگردان باز شد. چندی بعد امپراطور ژاپن شینتو را دین رسمی اعلام کرد و دستور داد نشانه های آیین بودا را از آن آیین بزدایند. این کار در آغاز با فشار انجام گرفت ؛ زیرا مردم هنوز هم به آیین بودا علاقه مند بودند. سرانجام در قانون اساسی سال ۱۸۸۹ حق آزادی مطلق دین برای تمام مردم ژاپن به رسمیت شناخته شد، ولی دولت جانب آیین شینتو را می گرفت . آیین دولتی شینتو تا سال ۱۹۴۵ که آمریکا ژاپن را بمباران اتمی کرد و این کشور به اشغال آمریکا در آمد، ادامه داشت و تعالیم آن به گونه ای بود که جوانان را در مقابل نفوذ تمدن غربی مقاوم می ساخت . از سال ۱۹۴۵ به بعد، انجام دادن مراسم این آیین اختیاری شده است .

## کتابنامه

۱. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی ، تهران : ۱۳۷۱. ۲. حکمت ، علی اصغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۳. زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۵. ۴. کنفوسیوس ، مکالمات ، ترجمه کاظم زاده ایرانشهر، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۰. ۵. ناس ، جان بی .، تاریخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰. ۶. هیوم ، رابرت ای .، ادیان زنده جهان ، ترجمه عبدالرحیم گواهی ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۳.

## ۶- ایران باستان

### ۱- آیین مغان

قبل از ظهور زردشت ، یعنی پیش از پادشاهی مادها، بومیان غیر آریایی ایران یعنی داشتند که آیین مغان نامیده می شود. کلمه مغ (مگوش ) در زبان قدیم ایران به معنای خادم بوده است . به نظر می رسد مغان سکنه بومی ایران بوده اند و مانند دراویدیان هندوستان ، پس از ورود آریاییان سرزمین خود را تسلیم آنان کرده اند. واژه المجوس که در زبان عربی به زردشتیان اطلاق می شود، از همین کلمه مگوش می آید. برخی از پژوهشگران معتقدند که دوگانه پرستی یعنی ایمان به خدای خیر و خدای شر در دین زردشتی از مغان قدیم ایران آمده است ؛ زیرا در کتاب گاتها که قدیمترین بخش اوستا و دارای صبغه ایرانی است ، چیزی در مورد دو گانگی یافت نمی شود، ولی از کتابهای تاریخی بر می آید که مغان قدیم دو گانه پرست بوده اند. مغان به رستاخیز نیز ایمان داشتند.

### ۲- مهرپرستی

### اشاره

به عقیده مهرپرستان ، خدای مهر روزی به صورت انسانی در یک غار ظهور کرد و شبانانی که در آن مکان به چرانیدن گوسفند مشغول بودند، به وی ایمان آوردند. آنگاه خدای مهر، گاو نری را کشت و خون او را بر روی زمین افشاند. هر جا که قطره ای از خون او افتاد، سرسبز و بارور شد. وی پس از چند سال به آسمان رفت و روان او پیوسته برای کمک به بندگان خود در زمین آماده است . از آنجا که به عقیده مهرپرستان ، خدای مهر در آغاز در غاری ظاهر شد، آنان معابد خود را در غارها می ساختند و درون آن به پرستش مهر می پرداختند. برخی از آن معابد متروکه اکنون در بخشهایی از اروپا یافت می شود.

### ۲-۱- مبادی ، رسوم و عبادات

کسانی که به دین مهرپرستی روی می آوردند، لازم بود از هفت مرحله بگذرند و در هر مرحله به وی نامی می دادند. مثلا ـ در مرحله پنجم او را پارسی و در مرحله ششم آفتاب و در مرحله هفتم پدر می نامیدند، سپس مراسم نان و عسل که یادآور مراسم نان و شراب مسیحیت است ، انجام می شد و سرانجام وی را با خون گاو تعمید می دادند. گفته می شود بسیاری از اعتقادات و آیینهای مسیحیت از مهرپرستی گرفته شده است . دین زردشت هنگامی که چند قرن بر ورود آریاییان به ایران گذشت این قوم اندک اندک به شهر نشینی روی آوردند و این مساءله در جهان بینی ایشان تاءثیر گذاشت . در آن روزگار انسان اصلاح گری بر خاست و آریاییان را که خواستار ترک خرافات قدیم بودند، به آیین تازه ای دعوت کرد و آیین مغان را برانداخت . این پیامبر مصلح که خود را فرستاده خدای خوبی و روشنایی معرفی می کرد، زردشت نام داشت . وی مدعی بود آیین خود را از آهورمزدا دریافت کرده تا جهان را از تیرگیها پاک کند و آن را به سوی نیکی و روشنایی رهنمون شود. زردشتیان به نامهایی چون گبر و مجوسی و پارسی خوانده می شوند. کلمه (گبر) در زبان سریانی به معنای کافر از از جانب دیگران به آنان اطلاق گردیده و واژه (المجوس ) در دستور زبان عربی ، اسم جنس جمعی و مفرد آن مجوسی است . (المجوس ) در قرآن کریم (حج :۱۷) در کنار پیروان ادیان دیگر یافت می شود. اکثر علمای اسلام زردشتیان را اهل کتاب دانسته اند. احادیثی نیز در این باب موجود است . آیین زردشت حدود یک قرن قبل از میلاد تحول یافت و آن صورت تحول یافته را آیین مزدیسنی می نامند. مزدیسنا در لغت به معنای ستایش مزداست .

### ۳-۱- سرگذشت زردشت

دانشمندان در مورد وجود تاریخی پیامبر ایران باستان شک دارند، اما بیشتر آنان وجود وی را نفی نمی کنند. زردشت ، زرتشت ، زرادشت ، زراتشت ، زردهشت و کلماتی از این قبیل از واژه (زرثوشتر)(Zarathushtra) در گاتها (بخشی از کتاب آسمانی زردشت ) می آید که طبق نظریه صحیحتر معادل زرد اشتر یعنی دارنده شتر زرد است . نام پدرش پوروشسب یعنی دارنده اسب پیر، نام مادرش دغدو یعنی دوشنده گاو ماده و نام خاندان وی سپیتمه یعنی سپید نژاد بود. طبری مورخ مشهور اسلام و پیروان او زردشت را از فلسطین می دانند و می گویند وی از آنجا به ایران آمده است ، اما قول صحیح و معروف آن است که وی ایرانی و اهل آذربایجان بوده است و محل برانگیختگی او را کوهی نزدیک دریاچه ارومیه می دانند.(۱۱) درباره زمان زردشت نیز اختلاف است و زمان وی حتی به ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد نیز برده شده است . اما بر اساس نظریه مشهور، وی در سال ۶۶۰ قبل از میلاد به دنیا آمد و در ۶۳۰ قبل از میلاد (در سن ۳۰ سالگی ) به پیامبری مبعوث شد. وی در سال ۵۸۳ ق .م . در سنن ۷۷ سالگی در آتشکده ای در بلخ (افغانستان ) توسط لشکر قومی مهاجم به شهادت رسید. گر چه بعثت زردشت در شاهنامه فردوسی آمده است ،

اما متاءسفانه آن حادثه در قسمت افسانه ای آن کتاب مذکور است ، به طوری که درباره گشتاسب (پادشاهی که زردشت او را دعوت می کند و به آیین خود در می آورد) اختلاف است . برخی او را با ویشتاسب پدر داریوش هخامنشی برابر دانسته اند. از سوی دیگر از نظر تاریخی مسلم است که ویشتاسب نه یک پادشاه ، بلکه استانداری بوده است .

### ۳-۲- تعالیم زردشت

در آیین زردشت سه اصل عملی گفتار نیک ، پندار نیک ، کردار نیک وجود دارد که مانند آن را در ادیان مختلف می یابیم . از جمله در اسلام آمده است : (الایمان قول باللسان و اقرار بالجنان و عمل بالارکان .) احترام به آتش به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و افروخته نگه داشتن آن و انجام مراسمی خاص در اطراف آن در معابدی به نام آتشکده مشخصترین ویژگی این آیین است . همچنین آبادانی ، کشاورزی دامداری و شهرنشینی مورد ستایش قرار گرفته است . احترام به حیوانات ، مخصوصا سگ و گاو، همچنین خوشرفتاری با مردم نیز جایگاهی به حیوانات ، مخصوصا سگ و S...□همچنین خوشرفتاری با مردم نیز جایگاهی ویژه دارد. برخی از آداب و رسوم سرزمین ما از قبیل مراسم چهارشنبه سوری و سوگند خوردن به روشنایی چراغ و چیزهای دیگر با تعالیم زردشتی ارتباط دارد. همچنین برخی زندیقان قرون نخست اسلام گرایشهای زردشتی داشتند.

### ۳-۳- اوستا

کتاب آسمانی زردشتیان اوستا نام دارد که به معنای اساس و بنیان و متن است . این کتاب به خط و زبان اوستایی نوشته شده است که به ایران باستان تعلق دارد و با زبان پهلوی و سانسکریت همریشه است . به عقیده بسیاری از محققان ، خط اوستایی در دوره ساسانیان (۲۲۶ - ۶۴۱ م .) پدید آمد و اوستا که قبلا در سینه ها بود، به آن خط کتابت شد و به قولی این کار پس از ظهور اسلام صورت گرفته است . زردشتیان و پژوهشگران بر این مساءله اتفاق دارند که اوستا در اصل بسیار بزرگتر بوده است که به عقیده برخی روی ۱۲۰۰۰ پوست گاو نوشته بود. اوستای کنونی دارای ۸۳۰۰۰ کلمه است و احتمالا- اصل آن دارای ۳۴۵۷۰۰ کلمه (یعنی چهار برابر) بوده است . اوستای اصلی به ۲۱ نسک (کتاب یا بخش ) تقسیم می شد و اوستای کنونی نیز ۲۱ نسک است . اوستا ۵ بخش دارد: ۱. یسنا (یعنی جشن و پرستش )؛ قسمتی از این بخش گاتها نامیده می شود (به معنای سرود). این بخش که مشتمل بر ادعیه و معارف دینی و معروفترین قسمت اوستاست ، به خود زردشت نسبت داده می شود، در حالی که سایر قسمتهای اوستا را به پیشوایان دین زردشت نسبت می دهند؛ ۲. ویسپرد (یعنی همه سروران ) مشتمل بر نیایش ؛ ۳.وندیداد (یعنی قانون ضد دیو) درباره حلال و حرام و نجس و پاک ؛ ۴. یشتها (یعنی نیایش سرود و تسبیح )؛ ۵. خرده اوستا (یعنی اوستای کوچک ) درباره اعیاد و مراسم مذهبی و تعیین سرودهای آنها زردشتیان ، علاوه بر اوستا، تفسیری به نام زنداوستا و کتب مقدس دیگری به زبان پهلوی دارند.

### ۳-۴- داستان خلقت و دو گانه پرستی

کسی نمی داند گرایش زردشتیان به خدایان دو گانه (خدای نیکی و خدای بدی یا خدای روشنایی و خدای تاریکی ) در چه عصری آغاز شده است . در قسمت گاتها (از یسنای اوستا) که به خود زردشت نسبت داده می شود، اهریمن در برابر خرد مقدس صف آرایی می کند و نه در برابر آهورمزدا که خدای واحد و فوق پروردگاران روشنایی و تاریکی است . همچنین گروهی از زردشتیان به نام زروانیان در عصر ساسانی پدید آمدند که معتقد به خدای یکتا به نام زروان بودند و او را از خدای روشنایی و تاریکی برتر می شمردند. این فرقه پیروان بسیاری در ایران آن روز داشته است .(۱۲)

### ۳-۵- خدایان

با مطالعه در آیین زردشت معلوم می شود که وی در میان ایرانیان به اصلاح دینی قیام کرده و خرافات مذهب باستانی آریاییان را مورد حمله قرار می داده است . از جمله آنکه وی از آهور مزدا تبلیغ می کرده و خدایان قوم خود را که دئوه (یعنی دیو) خوانده می شده اند، باطل می دانسته و آنها را خدای دروغ دوستان می نامیده است . در آیین زردشت ، آهور مزدا ۶ دستیار دارد که به منزله فرشتگان ادیان ابراهیمی هستند. آن دستیاران را امشاسپندان یعنی جاویدان مقدس می نامند. آنها رهبری دارند به نام سپنتامئنیو یعنی خرد مقدس و نامهای خودشان از این قرار است : ۱. وهومن (Vohuman)؛ ۲. اشه وهیشته (vahishta-Asha)؛ ۳. خشتره وائیریه (vairya-Xshathra)؛ ۴. سپنته ارمئیتی (armaiti-Spenta)؛ ۵. هئورتات (Haurvartat)؛ ۶. امرتات (Ameretat). پس از آنها یزتها قرار دارند که ۳۰ عدد از آنها معروفند. اینها تشکیلات خرد مقدس هستند. در مقابل ، اهریمن هم تشکیلاتی دارد.(۱۳) طبق آیین زردشت دوره کهن کنونی جهان ۱۲۰۰۰ سال است . خدای نیکی مدت ۳۰۰۰ سال بر جهان حکمرانی می کرد و در این مدت خدای بدی در تاریکی به سر می برد. پس از این مدت خدای بدی از تاریکی بیرون آمد و با خدای نیکی روبرو شد. خدای نیکی به وی ۹۰۰۰سال مهلت داد که با او مقابله کند. وی اطمینان داشت که سرانجام خود او به پیروزی خواهد رسید. در این زمان هر دو به آفریدن نیک و بد آغاز کردند و بدین گونه با یکدیگر به مبارزه برخاستند. پس از ۳۰۰۰ سال زردشت آفریده شد و از این زمان به بعد توازن قوا به نفع خدای نیکی گرایید و به سیر صعودی خود ادامه داد.

### ۳-۶- آخر الزمان

در هزاره گرایی زردشتی (Millennialism Zoroastrean)انتظار ظهور سه منجی از نسل زردشت مطرح است . این منجیان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد. ۱. هوشیدر، ۱۰۰۰ سال پیش زردشت ؛ ۲. هوشیدرماه ، ۲۰۰۰ سال پس از زردشت ؛ ۳. سوشیانس (یا سوشیانت )، ۳۰۰۰ سال پس از زردشت که با ظهور او جهان پایان می یابد.

### ۳-۷- بقای روح

زردشتیان به جاودانگی روح عقیده دارند. آنان می گویند روان پس از ترک جسم تا روز رستاخیز در عالم برزخ می ماند. همچنین آنان به صراط، میزان اعمال ، بهشت و دوزخ معتقدند. بهشت آیین زردشت چیزی مانند بهشت اسلام است ، ولی به خاطر مقدس بودن آتش ، دوزخ زردشتی جایی بسیار سرد و کثیف است که انواع جانوران در آن ، گناهکاران را آزار می دهند.

### ۳-۸- وضع کنونی

بیش از هزار سال است که زردشتیان ایران به بمبئی هندوستان کوچیده اند و اکنون حدود صد و پنجاه هزار نفر از آنان در آن سامان زندگی خوبی دارند و پارسی نامیده می شوند حدود پنجاه هزار نفر از ایشان نیز در یزد، کرمان و تهران سکونت دارند. افراد برجسته ای در گذشته از این اقلیت کوچک برخاسته اند، مانند ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده زردشتیان در مجلس شورای ملی در عصر شهید مدرس (ره ). وی که که صندوقدار مجلس بود به درستکاری و بی آلایش شهرت داشت . شهید مدرس (ره ) یک بار در مجلس گفته بود: (در این مجلس فقط یک مسلمان وجود دارد و آن هم ارباب کیخسرو است !.)(۱۴) زردشتیان قومی تحصیل کرده و با فرهنگ هستند و همواره رفتارشان با دیگران خوب بوده است .

## ۴- مانویت

### توضیح

مانویت در فاصله میان ظهور مسیحیت و اسلام پدید آمد و در مدت کوتاهی فراگیر شد و پیروانی پرشور و با اخلاق گرد آورد. این ترکیبی است از اعتقادات صابیان ، بوداییان ، زردشتیان و مسیحیان . اصول عرفانی و انسانی این آیین به گسترش آن شتاب داد و آن را در شرق تا چین و در غرب تا مرکز اروپا پیش برد. حاکمان ایران و روم و سرزمینهای دیگر با مانویان از در خصومت در آمدند و دسته دسته آنها را کشتند و سرانجام ، محکمه تفتیش اروپا آخرین گروه مانویان را در سیزدهم میلادی نابود کرد.

### ۴-۱- سرگذشت مانی

مانی در یک خانواده ایرانی در شهر بابل به سال ۲۱۶ م . متولد شد. پدرش پاتک نامیده می شد که از همدان به بابل رفته و آیین صابیان را پذیرفته بود. مانی در سال ۲۲۸ م . ارعای رسالت کرد و برای تبلیغ آیین خود به سرزمینهای مختلف رفت . وی به سال ۲۴۳ م . هنگام تاجگذاری شاپور اول نزد او آمد و وی را به دین خود دعوت کرد. شاه از او استقبال کرد او نیز کتابی به پهلوی ساسانی نوشت و آن را شاپورگان نامید. وی برای تبلیغ دین خود به آسیای میانه نیز سفر کرد و پس از بیست سال در زمان بهرام اول به ایران بازگشت . این پادشاه با مانی دشمنی کرد و او را در سال ۲۷۴ م . کشت . پیروان مانی پس از او مانویت را تبلیغ کردند و حتی آن را به قسمتهایی از اروپا و چین گسترش دادند. بیشتر مانویان در آسیای میانه بودند. این آیین بر اثر فشار زردشتیان و مسیحیان ضعیف شد و پس از چندی با گسترش اسلام تقریبا از میان رفت . اقلیتهایی از مانویان در مناطقی مانند بوسنی هرزگوین تا قرنها باقی ماندند و سرانجام نابود شدند. برخی از نهضتهای ملی ایرانیان در قرون نخست اسلام از مانویت الهام می گرفت همچنین برخی زندیقان قرون نخست اسلام گرایشهای مانوی داشتند.

### ۴-۲- منابع مانوی

بسیاری از منابع مانوی قرنها پس از ظهور اسلام وجود داشته و مطالبی از آنها در کتب تاریخی قدیم نقل شده است . این کتابها اندک اندک از میان رفت تا اینکه اخیرا مقدار زیادی از آثار مانوی در شهر تورفان در ترکستان چین از خاک بیرون آمد و بر اطلاعات ما در باب مانویت افزود. یکی از نوآوریهای مانی این بود که با در نظر گرفتن بیسوادی عموم مردم ، از نقاشی استفاده می کرد و علاوه بر نوشتن مطالب دینی ، آنها را نقاشی می کرد و مجموعه ای به نام ارژنگ پدید آورده بود که بقایای آن اخیرا کشف شد. برخی از کتابهای دیگر او و پیروانش نیز مصور بودند. شش کتاب زیر قطعا توسط مانی نوشته شده است : ۱. شاپورگان که به زبان پهلوی بوده و قطعاتی از آن در تورفان کشف شده است ؛ ۲. انگلیون (انجیل ) این کتاب مصور بوده و احتمالا ارژنگ همان است ؛ ۳. گنجیه زندگان شامل احکام ؛ ۴. پراگماتیا (کتاب جامع )؛ ۵. کتاب رازها؛ ۶. کتبا دیوها؛

### ۴-۳- تعالیم و مبانی

مانی می گفت : (حکمت و حقیقت الهی را پیامبران در زمانهای مختلف و سرزمینهای گوناگون نشر دادند. روزگاری بودا در هندوستان ، زمانی زردشت در ایران ، هنگامی عیسی در فلسطین و اکنون من ، مانی پیغمبر خدا هستم و برای نشر حقایق در سرزمین بابل ماءموریت دارم .) بیشتر تعالیم مانی بر مسیحیت و زردشتی گری استوار است و در این آیین جنگ نور و ظلمت نقش مهمی بر عهده دارد. مانویان جامعه را به پنج طبقه دینی تقسیم می کردند: ۱. فریستگان یا فریشتگان که دوازده تن بودند و جانشینان مانی شمرده می شدند؛ ۲. ایسپاساگان یا اسقفان که هفتاد و دوتن بودند؛ ۳. مهیشتگان یا کشیشان که سیصد و شصت نفر بودند؛ ۴.

ویزیدگان یا گزیدگان که شمارشان بسیار بود و دین مانی را تبلیغ کردند؛ ۵. نغوشاکان یا نیوشندگان که عامه پیروان مانی بودند و شمارشان از همه بیشتر بود. مانویان ، تحت تاءثیر آیین زردشت ، سه اصل اخلاقی را رعایت می کردند و آن ها را سه مهر می نامیدند؛ ۱. مهر دهان (پرهیز از گفتار زشت )؛ ۲. مهر دست (پرهیز از کردار زشت )؛ ۳. مهر دل (پرهیز از پندار زشت ). پیروان مانی گیاهخوار بودند و طبقات اول تا چهارم حق ازدواج و مال اندوزی نداشتند. مانویان نماز و روزه داشتند و معبد خود را خانگاه می نامیدند که همان خانقاه صوفیان دوران اسلام است .(۱۵)

## ۵- مزدک

### اشاره

بحرانهای اجتماعی در پدید آمدن باورهای دینی نقش مهمی دارند و دینهایی که در زمان و مکانی بحرانی تاءسیس می شوند، گسترشی عمومی می یابند. آیین به شدت اجتماعی مزدک یکی از شواهد این مدعاست . فردوسی در شاهنامه هنگام سخن گفتن از پادشاهی قباد، شرح مفصلی از ظهور مزدک می دهد. وی می گوید مزدک حکیمی بود که مردم را در زمان تنگی برانگیخت تا به انبار غله هجوم برند و از این راه شهرت وی بالا گرفت

### ۵-۱- سرگذشت مزدک

مزدک پسر بامداد در زمان قباد (۴۸۸-۵۳۱ م .) از میان دانایان و دانشمندان از شهر مازیارا در کنار دجله که اکنون کوت العماره خوانده می شود، برخاست . تاریخ نگاران ، حتی آنان که با وی مخالف بوده اند، به خرد و منطق و صفات برجسته او اشاره کرده اند. می گویند او مردی پرهیزکار بود و لباس ساده ای بر تن می کرد. مزدک هیچ گاه ادعای پیامبری نداشت و خود را پیرو شخصی به نام بوندوس می دانست که در حدود سال ۳۰۰ م . اصلاحاتی در مانویت پدید آورده بود و در ایران و روم پیروانی داشت .

### ۵-۲- قیام مزدک

در شاهنامه فردوسی می خوانیم که مزدک مردی خردمند و سخنور بود. روزی دید مردم گرسنه و بینوای کشور در اطراف کاخ پادشاه آمده اند و از او نان می خواهند. مزدک که در دربار منصبی داشت ، از پادشاه پرسید: (اگر کسی را مار گزیده و در حال مردن باشد، ولی دوست یا همسایه او نوشدارویی داشته باشد و از دادن آن مضایقه کند، با این شخص چه باید کرد؟) قباد پاسخ داد: (سزای او مرگ است .) مزدک پرسید: (اگر مردم نیازمند نان باشند و کسی که نان دارد، به ایشان ندهد، سزای او چیست ؟) قباد پاسخ داد: (سزای او مرگ است .)

### ۵-۳. دیدگاهها

اندیشه های مزدک در کتابی به نام مزدک نامه گرد آمده بود که پس از ظهور اسلام ابن المقفع به عربی ترجمه شد و قرنها وجود داشت ، ولی اکنون یافت نمی شود. مزدک از جهاتی با کنفوسیوس و افلاطون قابل مقایسه است ؛ زیرا مکتب وی کاملا سیاسی و اجتماعی است . مزدک گونه ای اسبراک در اموال را تبلیغ می کرد و برای برانداختن اختلاف طبقات می کوشید. ازدواج میان اشراف و غیراشراف را جایز می دانست و آنچه معروف است که وی معتقد به اشتراک جنسی بود، صحت ندارد.

## کتابنامه

۱. اوستا. ۲. آلبری ، سی . آر. سی .، زبور مانوی ، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران : انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵. ۳. آموزگار، ژاله و تفضلی ، احمد، اسطوره زندگی زردشت ، تهران : نشر چشمه و آویشن ، ۱۳۷۵. ۴. الیاده ، میرچا، آیین گنوسی و مانوی ، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران : انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳. ۵. اوشیدری ، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران : شرکت نشر مرکز، ۱۳۷۱. ۶. بویس ، مری ، تاریخ کیش زرتشت ، ترجمه همایون صنعتی زاده ، تهران : انتشارات توس ، ۱۳۷۴. ۷. تقی زاده ، سید حسن ، مانی و دین او، (با ضمائم )، تهران : انجمن ایران شناسی ، ۱۳۴۷. ۸. حکمت ، علی اصغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۹. خسروی ، خسرو، مزدک ، تهران : ۱۳۵۹. ۱۰. رئیس نیا، رحیم ، از مزدک تا بعد، تهران : انتشارات پیام ، ۱۳۵۸. ۱۱. زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۵. ۱۲. زنر، آر. سی .، زروان ، ترجمه تیمور قادری ، تهران : انتشارات فکر روز، ۱۳۷۴. ۱۳. زنر، آر. سی .، طلوع و غروب زردشتی گری ، ترجمه تیمور قادری ، تهران : انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵. ۱۴. طاهر رضوی ، س . م .، پارسیان اهل کتابند، ترجمه م . ع . مازندی ، بمبئی ، انجمن ایران لیک ، ۱۹۳۶. ۱۵. کریستنسن ، آرتور امانوئل ، سلطنت قباد و ظهور مزدک ، ترجمه احمد بیرشک ، تهران : کتابخانه طهوری ، ۱۳۷۴. ۱۶. گیمن ، دوشن ، دین ایران باستان ، ترجمه رؤ یا منجم ، تهران : انشارات فکر روز، ۱۳۷۵. ۱۷. ناس ، جان بی .، تاریخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰. ۱۸. ورمازرن ، مارتن ، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران : نشر چشمه ، ۱۳۷۲. ۱۹. ویدن گرن ، گئو، دینهای ایرانی ، ترجمه منوچهر فرهنگ ، تهران : انتشارات آگاهان ایده ، ۱۳۷۷. ۲۰. هیوم ، رابرت ای .، ادیان زنده جهان ، ترجمه عبدالرحیم گواهی ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۲.

## ۷- یهودیت

### ۱- عبرانیان

یهودیان مانند اعراب و آشوریان ، از نژاد سامی هستند. زبان ، ادبیات ، فرهنگ ، آداب ، رسوم و اعتقادات این اقوام چنان به یکدیگر نزدیک است که دانشمندان معتقد شده اند اصل آنها به یک جا می رسد و برای بررسی و تحقیق در زمینه فرهنگ سایر اقوام سامی انداخت . مثلا اگر به بررسی ادبیات عرب مشغول باشیم ، با مطالعه و تحقیق در زبانهای عبری ، سریانی و حبشی در کار خود موفقیت بیشتری کسب خواهیم کرد. از سابقه تاریخی قوم عبرانی اطلاع دقیقی در دست نیست . برخی دانشمندان معتقدند که نام (عبرانی ) را که کنعانیان پس از ورود حضرت ابراهیم (ع ) به سرزمین کنعان به او داده اند و وی را عبرانی خوانده اند که بعدها جزو القاب او شد و لقب مذکور در خاندان وی باقی ماند؛ زیرا عبرانی از ماده (ع ب ر) به معنا گذر کردن از نهر می آید، به اعتبار این که حضرت ابراهیم (ع ) از ورود فرات عبور کرد و وارد کنعان شد. برخی نیز معتقدند که عبرانی منسوب به عابر نیای حضرت ابراهیم (ع ) است . همچنین کسانی با توجه به نام آزر پدر (یا عموی ) آن حضرت ، گفته اند اصل خاندان وی آریایی است . اما دانشمندان این نظریه را تاءیید نمی کنند؛ زیرا از معنای لغوی واژه آزر در قرآن کریم و متون اسلامی اطلاع درستی نداریم . نام پدر ابراهیم (ع ) در تورات تارح است .

### ۲- حضرت ابراهیم (ع )

عظمت حضرت ابراهیم خلیل (ع ) به حدی است که وی همواره موجب نزاع یهودی و مسیحیت و اسلام بوده است و هر یک ، آن

حضرت را از خود می داند. از این رو، خدای متعال فرموده است : (ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین ) (آل عمران : ۶۷). وی حتی میان مشرکان مکانی بلند داشت و آثار وی در مکه مکرمه مورد زیارت و تقدیس آنان قرار می گرفت . نسب حضرت ابراهیم (ع ) تا حضرت آدم (ع ) در تورات آمده است . نسب نامه های تورات به کتب اسلامی نیز راه یافته و بدون دقت در اصل و منشاء آن پذیرفته شده است . به عقیده اهل کتاب (در نتیجه جمع بندی حوادث کتاب مقدس ) حضرت ابراهیم (ع ) حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، یعنی حدود ۴۰۰۰ سال پیش در شهر اور به دنیا آمد و به گفته تورات در آغاز ابرام (یعنی پدر بلند مرتبه ) نامیده می شد. خدای متعال نام وی را در سن نود و نه سالگی به ابراهیم (یعنی پدر اقوام ) تبدیل کرد. شهر اور نزدیک یک قرن پیش در عراق در ساحل فرات از زیر خاک بیرون آمد و آثار باستانی بسیاری در آنجا یافت شد. به گفته تورات پدر حضرت ابراهیم (ع ) که تارح نامیده می شد، پسر خود ابراهیم (ع ) و همسر وی ساره و نوه خویش حضرت لوط (ع ) را برداشت و به سرزمین کنعان در غرب فلسطین عزیمت کرد. آنان در بین راه از ادامه سفر منصرف شدند و در شهر حران سکونت گزیدند. این شهر در جنوب ترکیه فعلی و در مرز سوریه قرار دارد. پدر حضرت ابراهیم (ع ) در تورات تارح خوانده می شود، ولی قرآن مجید وی را آزر بت پرستی معرفی کرده است (انعام : ۷۴). پدر حضرت ابراهیم (ع ) در سلسله اجداد حضرت رسول اکرم (ص ) قرار می گیرد. علمای شیعه معتقدند همه پدران آن حضرت تا حضرت آدم (ع ) یکتا پرست بوده اند، و به همین دلیل گفته اند آزر عموی آن حضرت بوده و استعمال (اب ) به جای (عم ) در زبان عربی صحیح است ، از آن جمله در قرآن کریم (بقره : ۱۳۳) چنین چیزی دیده می شود. تورات می گوید حضرت ابراهیم (ع ) در ۷۵ سالگی به امر خدا از شهر حران عازم کنعان شد. وی همسر خود ساره و برادر زاده اش حضرت لوط (ع ) و چند نفر از مردم حران را برداشت و همگی به کنعان رفتند و در آنجا روی کوهی در شرق بیت ایل خیمه زدند. حضرت ابراهیم (ع ) پس از چندی در حبرون (الخلیل ) ساکن شد و تا آخر عمر در آنجا بود و اکنون مقبره خانوادگی وی در آن مکان است . حضرت لوط (ع ) به شهر سدوم و شهرهای مجاور آن رفت . مردم آن شهرها به سبب نافرمانی و بی اعتنایی به پیام وی به امر خداوند نابود شدند. این حادثه در قرآن مجید نیز آمده است . دو موضوع بسیار مهم در تاریخ حضرت ابراهیم (ع ) وجود دارد که در تورات کنونی اشاره ای به آنها نشده است : یکی جریان بت شکنی و به آتش افکندن وی و دیگری داستان بنای کعبه . قرآن مجید (در سوره های انبیا و صافات ) داستان بت شکنی و به آتش افکندن او را آورده است . همچنین قرآن کریم از بنای کعبه به دست آن حضرت و به کمک حضرت اسماعیل (ع ) سخن می گوید (بقره : ۱۲۷). از آنجا که این فرزند در پیری به او عطا شد (ابراهیم : ۳۹)، بنای کعبه در اواخر عمر شریف وی صورت گرفته باشد. تورات داستان ذبح فرزند را می آورد و می گوید حضرت ابراهیم (ع ) ماءموریت یافت حضرت اسحاق (ع ) را قربانی کند، ولی این مساءله را با وی در میان نگذاشت و به او گفت : (می خواهم گوسفندی قربانی کنم و آن گوسفند را خداوند برایم خواهد فرستاد.)... اما در قرآن مجید آمده است : (فلما بلغ معه السعی قال یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری قال یا ابت افعل ما تؤ مر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین ) (صافات : ۱۰۲). همان طور که می دانیم فرزند از مرگ نجات یافت و خداوند قوچی را فدیه او قرار داد...

## ۳-اسماعیل (ع ) و اسحاق (ع )

درباره حضرت ابراهیم (ع ) در تورات می خوانیم : (۱) بعد از این وقایع ، کلام خداوند در رؤ یا به ابرام رسیده ، گفت : (ای ابرام مترس من سپر تو هستم و اجر بسیار عظیم تو.) (۲) ابرام گفت : (ای خداوند یهوه مرا چه خواهی داد و من بی اولاد می روم و مختار خانه ام این العاذار دمشقی است .) (۳) و ابرام گفت : (اینک مرا نسلی ندادی و خانه زاده ام وارث من است .) (۴) در ساعت کلام خداوند به وی رسیده ، گفت : (این وارث تو نخواهم بود بلکه کسی که از صلب تو درآید وارث تو خواهد بود.) (۵) و او را بیرون

آورده ، گفت : (اکنون به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار هر گاه آنها را توانی شمرد.) پس به وی گفت : (ذریت تو چنین خواهد بود.)... (۱۸) در آن روز خداوند به ابرام عمهد بست و گفت : (این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات به نسل تو بخشیده ام .) (پیدایش ۱۵: ۱ – ۱۸). سپس تورات عهد یاد شده را به حضرت اسحاق (ع )، نیای بنی اسرائیل اختصاص می دهد و در همان سفر پیدایش می گوید: (۱۸) و ابراهیم به خدا گفت : (کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند.) (۱۹) خدا گفت : (به تحقیق زوجه ات ساره برای تو پسری خواهد زایید و او را اسحاق نام بنه و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت تا با ذریت او بعد از عهد ابدی باشد (۲۰) و اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم . دوازده رییس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم (۲۱) لیکن عهد خود را با اسحاق استوار خواهم ساخت که ساره او را بدین وقت در سال آینده برای تو خواهد زایید.) (پیدایش ۱۷: ۱۸–۲۱). به گفته تورات ، خداوند بارها به حضرت ابراهیم (ع ) وعده نسل فراوان داده بود. کنیز آن حضرت به نام هاجر پسری را به دنیا آورد که اسماعیل (یعنی خدا می شنود) نامیده شد. پس از چهارده سال ساره فرزندی به دنیا آورد که او را اسحاق (یعنی می خندد) نامیدند. کتاب تورات در این قسمت به کوتاهی سخن می گوید و فقط اشاره ای می کند که حضرت اسماعیل (ع ) در فاران ساکن شد و مادرش برای او زنی از مصر گرفت . سایر مسائل مربوط به وی در تورات به فراموشی سپرده شده است و حتی یک جمله درباره بنای کعبه در این کتاب دیده نمی شود. پیدا شدن آب برای اسماعیل (ع ) نیز که طبق احادیث اسلامی در مکه بوده و اکنون هم به نام زمزم باقی است ، به گفته تورات در مکانی به نام بئرشبع بوده است ! از نظر تورات ، حضرت اسحاق (ع ) جانشین حضرت ابراهیم خلیل (ع ) گردید و دو فرزند تواءم برای او به دنیا آمد. آنکه نخست دیده به جهان گشود، عیسو نامیده شد. این کلمه در لغت به معنای پرمو است . به گفته تورات این کودک در هنگام تولد موهای بسیاری بر تن داشت . تواءم دیگر یعقوب (یعنی تعقیب می کند) خوانده شد؛ زیرا هنگام تولد، کودک قبلی را تعقیب کرد و پس از او به دنیا آمد.

## ۴– اسرائیل

حضرت یعقوب (ع ) دوازده پسر داشت و به اسرائیل ملقب بود. اهل کتاب این اسم مرکب را چنین معنا می کنند: کسی که بر خدا مظفر شد، ولی اصل معنای آن در عبری چنین است : کسی که بر قهرمان پیروز شد. به گفته تورات ، کشتی گرفتن حضرت یعقوب (ع ) با خدا که به پیروزی او بر خدا انجامید، علت ملقب شدن وی به اسرائیل است (پیدایش ۳۲: ۲۴–۳۲). اهل کتاب از زمانهای قدیم گفته اند که مقصود از خدا در این داستان ، یکی از فرشتگان خداست (رک .: هوشع ۱۲:۳–۴). پس از چندی حادثه مفقود شدن حضرت یوسف (ع ) پیش آمد و سرانجام این موضوع موجب شده که بنی اسرائیل در مصر اقامت کنند. مطالب سفر پیدایش تورات به اینجا خاتمه می یابد. در آغاز سفر خروج تورات می خوانیم که دوازده پسر حضرت یعقوب (ع ) در مصر زندگانی خوبی داشتند و نسل ایشان در آن سرزمین منتشر شد. مدت توقف آنان در مصر چهارصد و سی سال بود (خروج ۱۲: ۴۰). دوازده قبیله بنی اسرائیل که در اصطلاح بسیط نامیده می شوند، در علوم و فنون پیشرفت کردند و همین امر موجب حسادت مصریان شد. علاوه بر این ، مصریان می ترسیدند بنی اسرائیل با نیروی خود زمام امور را به دست گیرند؛ از این رو، به استضعاف آنان اقدام کردند و کارهایی دشوار و جانکاه به عهده ایشان گذاشتند. همچنین مقرر شد که قابله های مصری نوزادان پسر بنی اسرائیل را برای کشتن معرفی کنند و فقط داشتن دختر برای آنان مجاز باشد.

## ۵– دین مردم صحرانشین

عبرانیان در آغاز قومی صحرانشین بودند و نخستین اقامت آنان در شهرها در زمان حضرت یوسف (ع ) بود.(۱۶) صحرانشینی در

اعتقادات و مراسم دینی آن تاثیر فراوانی داشت . هنگامی که حضرت موسی (ع ) آنان را از دست فرعون نجات داد، مجبور شدند مدت چهل سال در صحرای سینا بمانند، ولی پس از آن پیوسته در شهرها به سر می بردند و تمدنی را پایه گذاری کردند که میراث گرانبهای قوم یهود شد. مسیحیت نیز زاییده همین تمدن است .

## ۶- تحول افکار در اقوام بنی اسرائیل

تحت افکار ملتها امری عادی و طبیعی است و عبرانیان در خلال کوچ و جابه جایی تحت تاءثیر اندیشه های ملل گوناگون قرار می گرفتند. در سوره اعراف ، آیه ۱۳۸ آمده است که بنی اسرائیل هنگام خروج از دریا و نجات از دست فرعون ، به گروهی بت پرست برخوردند. آنان از حضرت موسی (ع ) تقاضا کردند برای ایشان نیز بتی قرار دهد و این خواسته به شدت رد شد. همچنین هنگامی که در مصر مستقر بودند، باورهای مصریان در آنان تاءثیر گذاشته بود، به گونه ای که پس از ترک آن سرزمین ، به تقلید مصریان که گاو را مقدس می دانستند، آنان نیز گوساله ای ساختند و به عبادت آن مشغول شدند.

## ۷- حضرت موسی (ع )

در باب دوم سفر خروج تورات می خوانیم که یک تن از بنی اسرائیل (۱۷) با یکی از دختران قبیله خود ازدواج کرد و دارای پسری شد. مادر نوزاد به منظور نجات وی از چنگال ماءموران فرعون او را مدت سه ماه پنهان کرد. از آنجا که مخفی نگه داشتن کودک برای همیشه ممکن نبود، مادرش صندوقی تهیه کرد و منافذ آن را با قیر اندود و کودک زا در آن نهاد و در میان نیزارهای رود نیل رها کرد. خواهر وی در آن حوالی ایستاد تا ببیند چه بر سر او خواهد آمد. اندکی پس از آن ، دختر فرعون که برای شستشو به سوی نیل آمده بود، صندوق را مشاهده کرد و یک تن از کنیزان خود را به دنبال صندوق فرستاد. هنگامی که صندوق را برای وی آوردند، آن را گشود و دید کودکی در آن گریه می کند. دل او بر آن کودک سوخت و گفت معلوم می شود این کودک از بنی اسرائیل است . در آن حال خواهر کودک جلو آمد و پیشنهاد کرد زنی را برای شیر دادن وی بیاورد. دختر فرعون پذیرفت و خواهر کودک مادر خود را نزد آنان آورد. دختر فرعون به او گفت این کودک را با خود ببر و شیر بده ، من نیز مزد تو را خواهم داد. پس از چند سال وقتی کودک بزرگ شد مادرش او را نزد دختر فرعون برد. دختر فرعون او را به پسری پذیرفت و نام موسی (موشه در عبری یعنی : از آب کشیده شده ) را بر او نهاد. این داستان با آنچه خداوند متعال در سوره قصص فرموده است ، بسیار نزدیک است . بر اساس برخی محاسبات تاریخی ، این حادثه در حدود ۱۲۵۰ ق .م . رخ داده است . به هر حال حضرت موسی (ع ) امور قوم خود را سامان داد و آنان را برای مبارزه با کافران آماده کرد و احکام خدا را به آنان تعلیم داد. وی قوم بنی اسرائیل را برکت داد و در صد و بیست سالگی در مکانی به نام موآب ، حوالی دریای میت ، درگذشت و بنی اسرائیل برای او سی روز عزاداری کردند. این جریان در آخر سفر تثنیه یافت می شود و تورات بدان پایان می یابد: (۵) پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب برحسب قول خداوند مرد (۶) و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعور در دره دفن کرد (۱۸) و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است (۷) و موسی چون وفات یافت ، صد و بیست سال داشت و نه چشمش تار و نه قوتش کم شده بود (۸) و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت (۹) و یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود، چون که موسی دستهای خود را بر او نهاده بود و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند و بر حسب آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود عمل کردند (۱۰) و نبیی مثل موسی تا به حال در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را روبرو شناخته باشد (۱۱) در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا آنها را در زمین مصر به فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش بنماید (۱۲) و در تمامی دست قوی و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه اسرائیل نمود (تثنیه ۳۴: ۵ - ۱۲).

## ۸. تاءسیس یهودیت

در باب سوم سفر خروج می خوانیم که حضرت موسی (ع ) در بیابان حوریب در دامته کوه ، صدای خدای متعال را از میان آتشی از بوته خار شنید که با او سخن می گوید. در قرآن مجید نخستین سخن خداوند از درختی در بیابان طوی چنین آمده است : فلما اءتاها نودی یا موسی . انی اءنا ربک فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی . و اءنا اخترتک فاستمع لما یوحی . اننی اءنا الله لا اله الا اءنا فاعبدنی و اءقم الصلوة لذکری . ان الساعة آتیه اءکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی . فلا یصدنک عنها من لا یومن بها و اتبع هواه فتردی (طه : ۱۱ – ۱۶). تورات می گوید خداوند به حضرت موسی (ع ) وعده داد بنی اسرائیل را از دست مصریان نجات دهد و سرزمین کنعان و حدود آن را که اماکن پر برکتی بودند، به ایشان عطا کند. از این رو، حضرت موسی (ع ) رسالت یافت نزد فرعون برود و از او بخواهد که بنی اسرائیل را رها کند. وی با معجزاتی عازم مصر شد و مقرر گردید حضرت هارون (ع ) به وی کمک کند. به گفته تورات ، خدای متعال به حضرت موسی (ع ) قدرت داد تا به اعجاز، عصای خود و برادرش را به اژدها تبدیل کند و نیز از دست خود نور سفیدی ساطع نماید. فرعون جمعی از جادوگران را گرد آورد تا با حضرت موسی (ع ) مسابقه بدهند. اژدهای مزبور تمامی آلات و ادوات آنان را بلعید و آنان دانستند که کار آن حضرت جادو نیست . به فرموده قرآن مجید آنان بدون ترسی از فرعون به حضرت موسی (ع ) ایمان آوردند. پس از این معجزات چند عذاب بر مصریان فرود آمد و هر بار فرعون قول می داد بنی اسرائیل را مرخص کند، اما به قول خود عمل نمی کرد. تورات ده نوع عذاب را برشمارد: ۱. تبدیل شدن آبهای مصریان به خون ؛ ۲. زیاد شدن قورباغه میان آنها؛ ۳. زیاد شدن پشه ؛ ۴. زیاد شدن مگس ؛ ۵. مرگ حیوانات مصریان بر اثر وبا؛ ۶. مبتلا شدن مصریان و چارپایان آنان به دمل ؛ ۷. فرود آمدن تگرگ بر آنان و تلف شدن مقدار زیادی از حیوانات و مزارع ؛ ۸. زیاد شدن ملخ ؛ ۹. تاریک شدن مساکن مصریان تا سه روز؛ ۱۰. هلاک شدن نخست زادگان انسان و حیوان همه مصریان حتی نخست زاده خود فرعون . قرآن مجید نشانه های حضرت موسی (ع ) را نه عدد می داند (اسراء: ۱۰۱) و ظاهرا مقصود تنها نشانه هایی است که برای فرعون آورده بوده و گرنه به صریح قرآن کریم و تورات معجزات آن حضرت بیش از این عدد بوده است . برخی از این عذابها در قرآن مجید به گونه ای مذکور است (اعراف : ۱۳۰ و ۱۳۳). به گفته تورات ، فرعون سرانجام تسلیم شد و حضرت موسی (ع ) و هارون (ع ) را شبانه طلبید و به آنان گفت با بنی اسرائیل به هر جا که می خواهید بروید. پس آنان به سوی دریای سرخ در شرق مصر کوچ کردند و آنجا اردو زدند. قوم موسی از دور آمدن فرعونیان را مشاهده کردند. در آن هنگام حضرت موسی (ع ) دست خود را به طرف دریا دراز کرد و دریا شکافته شد و خشک گردید و بنی اسرائیل به آسانی از آن عبور کردند.(۱۹) آنگاه لشکریان فرعون وارد شدند و حضرت موسی (ع ) به امر خداوند با اشاره دست ، آنان را غرق کرد. تورات درباره غرق شدن شخص فرعون چیزی نگفته است . از قرآن مجید و احادیث اسلامی بر می آید که بنی اسرائیل به امر خدا از مصر خارج شدند، نه به اذن فرعون (شعراء:۵۲). همچنین به صریح قرآن کریم ، حضرت موسی (ع ) به فرمان الهی عصای خود را به دریا زد، نه اینکه دستش را به سوی دریا دراز کند. بنی اسرائیل در حوالی شبه جزیره سینا توقف کردند و در آنجا برای آنان از آسمان چیزی مانند شبنم و نیز مرغ بلدرچین که به عربی سلوی نامیده می شود، فرود می آمد و آنان آنها را می خوردند. این جریان تا چهل سال یعنی در تمام مدت سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان ادامه داشت . تورات می گوید آن غذای شبنم گونه من نامیده شد؛ زیرا بنی اسرائیل با دیدن آن به زبان عبری پرسیدند: (مان هوء) یعنی آن چیست

## ۸– الواح و ده فرمان

### اشاره

هنگامی که سه ماه از خروج بنی اسرائیل از مصر گذشته بود، حضرت موسی (ع ) ماءموریت یافت برای گفتگو با خداوند به بالای طور سینا (یعنی کوه سینا) برود. وی در آنجا دو لوح دریافت کرد که فرمانهای خداوند بر آنها نقش بسته بود. قرآن کریم از (ابواح ) به صیغه جمع نام می برد، (اعراف : ۱۴۵). از جمله آن فرمانها ده حکم بسیار مهم است که به ده فرمان معروف شده است : ۱. برای خود خدایی جز من نگیرد؛ ۲. به بت سجده نکنید؛ ۳. نام خدا را به باطل نبرید؛ ۴. شنبه را گرامی بدارید؛ ۵. پدر و مادر را احترام کنید؛ ۶. کسی را به قتل نرسانید؛ ۷. زنا نکنید؛ ۸. دوری نکنید؛ ۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید؛ ۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید. پس از آن ، تفصیلاتی درباره این احکام در باب ۲۱ به بعد سفر خروج آمده است .

## ۹- گوساله پرستی

تورات می گوید وقتی بنی اسرائیل مشاهده کردند حضرت موسی (ع ) در مراجعت از طور سینا تاءخیر کرد، نزد حضرت هارون (ع ) رفتند و از او درخواست کردند تا برای آنان خدایانی بسازد و آن حضرت موضوع را به حضرت موسی (ع ) اطلاع داد و خواست آنان را هلاک کند، اما بر اثر شفاعت وی از آن صرف نظر کرد. حضرت موسی (ع ) آن دو لوح را برداشت و به سوی بنی اسرائیل آمد. هنگامی که وی کار زشت آنان را مشاهده کرد، لوحها را بر زمین زد و به مؤ اخذه برادرش پرداخت و گوساله را سوزاند و خرد کرد و آن را در آب ریخت و به بنی اسرائیل نوشاندو سپس امر کرد شمشیرهای خود را بردارند و به مدت نصف روز یکدیگر را بکشند. قرآن مجید داستان مذکور را تقریبا به همین وضع در موارد مختلف نقل کرده است ، جز اینکه ساحت مقدس حضرت هارون (ع ) را از چنین کار ناروایی پاک دانسته است (طه : ۹۰). سازنده گوساله در قرآن کریم فردی به نام سامری است . اهل کتاب به کلمه (سامری ) در قرآن کریم اعتراض کرده و گفته اند چنین کسی وجود نداشته است ؛ زیرا سامری به شهر سامره در فلسطین منسوب است و آن شهر را پادشاهی به نام عمری که سالها پس از حضرت موسی (ع ) می زیسته ، ساخته است (کتاب اول پادشاهان ۱۶:۲۴). مرحوم علامه بلاغی پاسخ داده است که در بنی اسرائیل فردی به نام شمرون بن یساکار بن یعقوب وجود داشته که خاندان وی شمرونی نامیده می شود (پیدایش ۴۶:۱۳ و ۲۶:۲۴). شمرونی در تلفظ عربی سامری شده است . (۲۰) تورات می گوید خداوند به حضرت موسی (ع ) دستور داد وی دو لوح سنگی مانند لوحهای خرد شده بتراشد تا خداوند وصایای مذکور را بر آنها بنویسد. قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره کرده است (اعراف : ۱۵۴).

## ۱۰- تورات با تاریخ یهود

تورات واژه ای عبری و به معنای قانون است ؛ زیرا در کتاب تورات احکام و قوانین زیادی وجود دارد. نام دیگر تورات شریعت است . متخصصین کتاب مقدس تورات چهار منبع اساسی برای تورات قائلند: ۱. منبع الوهیمی E ؛ ۲. منبع یهوهی J ؛ ۳. منبع کاهنی P ؛ ۴. منبع سفر تثنیه D (که منبعی ویژه است ). یکی از قدیمی ترین و معروفترین نقدهای تورات و کتاب مقدس را دانشمند و فیلسوف هلندی باروخ (بندیکت ) اسپینوزا ۸ (۱۶۳۲-۱۶۷۷) در کتابی به نام رساله ای در الهیات و سیاست (به زبان لاتینی ) انجام داده است . اسپینوزا در کتاب خود با ذکر دلیلهایی اثبات می کند که برای بررسی اعتبار کتاب مقدس باید به شواهد تاریخی و انتقادی آن پرداخت و متاءسف است که پیشینیان این شناخت را متروک داشته اند و یا اگر چیزی در باب آن نگاشته اند از دسترس ما به دور مانده است . وی می افزاید اکنون ما در شرایطی زیست می کنیم که مسائلی تعصب آمیز به نام دین معروف شده است و مردم برای عقل در اعتقادات خود سهمی قائل نیستند. از این رو من با نومیدی نسبی پای در این راه می نهم و در نخستین گام به بررسی نویسندگان کتاب مقدس (و قبل از همه به مؤ لف اسفار پنجگانه تورات ) می پردازم : تقریبا همه (اهل کتاب ) معتقدند که موسی تورات را تاءلیف کرده است ، به گونه ای که فرقه فریسیان از یهود در تاءکید بر این عقیده ، مخالف آن را مرتد دانسته اند.

به همین دلیل ابن عزرا که دانشمندی نسبتا آزاد اندیش بود، برای اظهار نظر خویش در این باب جراءت نکرد و تنها با اشاراتی مبهم ، اشتباه بودن این اعتقاد عمومی را متذکر شد. اما من بدون ترس و واهمه پرده ابهام را از روی سخنان ابن عزرا برخواهم داشت و حقیقت را برای همه آفتابی خواهم کرد.(۲۱)

## ۱۱- عهد عتیق

عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید به کتاب یهودیان داده اند. مسیحیان به هر دو عهد عقیده دارند. عهد عتیق به زبان عبری و اندکی از آن به زبان کلدانی نوشته شده است . این دو زبان مانند عربی از زبانهای سامی هستند. کتاب تورات در آغاز عهد عتیق قرار دارد. همچنین نسخه ای از عهد عتیق به زبان یونانی وجود دارد که از روی نسخه عبری ترجمه شده و آن را ترجمه سبعینیه (یا ترجمه هفتاد) می نامند. گفته می شود این ترجمه حدود سال ۲۵۸ ق .م . به امر بطلمیوس فیلادلفوس پادشاه مصر، توسط ۷۲ تن انجام گرفته است . این نسخه تفاوتهایی با اصل عبری دارد و از همه مهمتر آنکه بخشها اپوکریفا ۸ یعنی پوشیده ، نام دارد و از قدیم الایام مورد شک بوده است ، اما مسیحیان معمولا آن را می پذیرفته اند. حدود پنج قرن پیش ، در جریان نهضت اصلاح دین ، اعتبار این قسمتها مورد سوءظن جدی مسیحیان پروتستان واقع شد. پس از مدتی ، به سال ۱۸۲۶ جمعیت بریتانیایی و جمعیت آمریکایی طبع و نشر کتاب مقدس به طور رسمی آنها را از کتاب مقدس کردند. کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس با این عمل مخالفند و قسمتهای مذکور را بخشی از عهد عتیق می شمارند. اینک سخنی پیرامون ارجاع به کتاب مقدس : همه ما با شیوه ارجاع به قرآن کریم آشنا هستیم و می دانیم به جای ذکر صفحه از نام سوره و شماره آیه استفاده می شود. پرهیز از ذکر صفحه در صدها کتاب باستانی و مشهور معمول است ، مانند آثار افلاطون ، ارسطو، هومر، هرودت ، شکسپیر و غیره . برای ارجاع به این آثار تمهیدهایی اندیشیده اند و ابواب و فصول و شماره هایی ساخته اند تا ارجاع به چاپهای خاصی محدود نشود و برای همه کارساز باشد. هنگام ارجاع به کتاب مقدس ، نخست نام کتاب ، آنگاه شماره باب و سرانجام شماره فقرات ذکر می شوند؛ مثلا (پیدایش ۱:۲۷) یعنی سفر پیدایش ، باب ۱، بند ۲۷. عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد که از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می شوند: ۱. تورات و بخش تاریخی عهد عتیق ؛ ۲. حکمت ، مناجات و شعر؛ ۳. پیشگوییهای انبیا. ۱-۱۱- بخش تاریخی عهد عتیق بخش تاریخی عهد عتیق با تورات و تورات با سفر پیدایش آغاز می شود. آفرینش جهان ، آدم و حوا و خوردن معرفت نیک و بد همچنین اخراج آنان از باغ عدن ، داستان فرزندان آدم ، طوفان نوح ، حوادث مربوط به حضرت ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و یوسف در این سفر آمده است . چهار سفر بعدی سیره حضرت موسی (ع ) و تاریخ بنی اسرائیل را شرح می دهد. این سیره تولد، بعثت ، هجرت (خروج از مصر در حدود ۱۲۹۰ ق .م .)، تشکیل حکومت و رحلت آن حضرت را در بردارد. مقدار زیادی از احکام و قوانین ، ضمن عباراتی منسوب به وحی ، در این چهار سفر وجود دارد. به عقیده یهودیان و مسیحیان ، مؤ لف اسفار پنجگانه تورات حضرت موسی (ع ) است . تاریخ بنی اسرائیل از زمان حضرت یوشع (ع ) به بعد در دوازده کتاب بعدی ادامه می یابد. این بخش مشتمل بر ۱۷ کتاب است : ۱. سفر پیدایش (آفرینش جهان ، داستانهای حضرت آدم ، نوح ، ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و یوسف )؛ ۲. سفر خروج (تولد و بعثت حضرت موسی ، خروج بنی اسرائیل از مصر به سینا و احکام )؛ ۳. سفر لاویان (احکام کاهنان یعنی روحانیون یهودی که از نسل هارون و از خاندان لاوی هستند)؛ ۴. سفر اعداد (آمار بنی اسرائیل در عصر حضرت موسی ، شریعت و تاریخ ایشان )؛ ۵. سفر تثنیه (تکرار احکامی که در اسفار پیشین آمده است و تاریخ بنی اسرائیل تا رحلت حضرت موسی )؛ مجموع این پنج سفر تورات خوانده می شود. ۶. صحیفه یوشع (تاریخ و سیره یوشع بن نوح جانشین حضرت موسی )؛ ۷. سفر داوران (تاریخ قاضیان بنی اسرائیل ، قبل از نصب پادشاهان )؛ ۸. کتاب روت (شرح حال زنی به نام روت ، از جدات حضرت داوود)؛ ۹. کتاب اول سموئیل (تاریخ سموئیل نبی و تعیین شائول - یعنی طالوت - به سلطنت )؛ ۱۰. کتاب دوم

سموئیل (پادشاهی حضرت داوود)؛ ۱۱. کتاب اول پادشاهان (ادامه پادشاهی داوود و پادشاهی حضرت سلیمان و جانشینان او)؛ ۱۲. کتاب دوم پادشاهان (ادامه تاریخ پادشاهان بنی اسرائیل تا حمله بخت نصر و جلای بابل )؛ ۱۳. کتاب اول تواریخ ایام (نسب نامه بنی اسرائیل و تکرار تاریخ ایشان تا وفات داوود)؛ ۱۴. کتاب دوم تواریخ ایام (تاریخ پادشاهی حضرت سلیمان و ملوک بعدی تا جلای بابل )؛ ۱۵. کتاب عزرا (نوسازی اورشلیم یعنی بیت المقدس ) آزادی یهودیان همراه عزیر)؛ ۱۶. کتاب نحمیا (نوسازی اورشلیم و بازگشت یهودیان از زبان نحمیا اردشیر اول پادشاه هخامنشی )؛ ۱۷. کتاب استر (رفع خطر نابودی از یهود با وساطت استر، همسر یهودی خشایارشا، مدفون در همدان ). ۲-۱۲. حکمت ، مناجات و شعر این بخش مشتمل بر ۵ کتاب است : ۱. کتاب ایوب (ابتلاء بی صبری و صبر آن حضرت !)؛ ۲. کتاب مزامیر یعنی زبور داوود (مجموعه ۱۵۰ قطعه مناجات )؛ ۳. کتاب امثال سلیمان نبی (کلمات حکمت آمیز)؛ ۴. کتاب (اسم مستعار حضرت سلیمان ، مشتمل بر نگرش بدبینانه به جهان )؛ ۵. کتاب (اشعار عاشقانه ). ۳-۱۲. پیشگوییهای انبیا بخش پیشگوییهای انبیا مشتمل بر هشدارها و تهدیداتی پیرامون سرنوشت بنی اسرائیل است . برای فهمیدن این پیشگوییها خواننده باید از جریانات آن زمان کاملا آگاه باشد. این بخش مشتمل بر ۱۷ کتاب است : ۱. کتاب اشعیا (طولانی ترین و معروفترین کتاب پیشگویی در عهد عتیق )؛ ۲. کتاب ارمیا (پیشگویی )؛ ۳. کتاب مراثی ارمیا (نوحه سرایی آن حضرت بر خرابی اورشلیم )؛ ۴. کتاب حزقیال (پیشگویی )؛ ۵. کتاب دانیال (پیشگویی و شرح مجاهدات حضرت دانیال نبی مدفون در شوش )؛ ۶. کتاب هوشع (پیشگویی )؛ ۷. کتاب یوئیل (پیشگویی )؛ ۸. کتاب عاموس (پیشگویی )؛ ۱۰. کتاب یونس (پیشگویی و داستان رفتن وی در شکم ماهی )؛ ۱۱. کتاب میکاه (پیشگویی )؛ ۱۲. کتاب ناحوم (پیشگویی )؛ ۱۳. کتاب حبقوق (پیشگویی حضرت حبقوق نبی مدفون در تویسرکان )؛ ۱۴. کتاب صنیفا (پیشگویی )؛ ۱۵. کتاب حجی (پیشگویی )؛ ۱۶. کتاب زکریا (پیشگویی )؛ ۱۷. کتاب ملاکی (پیشگویی ). ۲-۱۱- اپوکریفای عهد عتیق اینک برای آشنایی با اپوکریفای عهد عتیق نامهای آن کتب را می آوریم . لازم است اشاره کنیم که نسخه هایی از کتاب مقدس که دارای اپوکریفاست ، هم از نظر تعداد کتب اپوکریفا و هم از نظر ترتیب ، با یکدیگر اختلاف دارند. منبع بیشتر این کتابها ترجمه سبعینه است . تاکنون اپوکریفا به زبان فارسی دیده نشده است ، اما نسخه هایی از آن به عربی و انگلیسی و زبانهای دیگر وجود دارد. یک مجموعه اپوکریفا در ۲۴۱ صفحه به زبان عربی ، مشتمل بر ۱۰ کتاب زیر است : طوبیا، یهودیت ، استر (یونانی )، حکمت ، یشوع بن سیراخ ، باروک ، نامه ارمیا، دانیال (یونانی )، مکابیان اول و مکابیان دوم .

## ۱۳- عقاید و احکام مذهبی

علام دینی ، پزشک و فیلسوف یهودی ، موسی بن میمون (۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م .) به آیین یهود لباسی نو پوشاند و سیزده اصل برای آن ترتیب داد، به این شرح : ۱. وجود خدا؛ ۲. یگانگی او؛ ۳. مجرد بودن او؛ ۴. نداشتن زمان ؛ ۵. حکمت او در امور؛ ۶. عدالت ؛ ۷. قابل تقرب بودن از راه عبادت . اینها مربوط به خدا بود، اما سایر امور: ۸. اعتقاد به نبوت ؛ ۹.برتر بودن حضرت موسی (ع )؛ ۱۰. اعتقاد به آسمانی بودن تورات ؛ ۱۱. عدم جواز نسخ احکام ؛ ۱۲. آمدن مسیحای موعود؛ ۱۳. قیامت و جاودانگی نفس آدمی . ۱-۱۳- خدا در یهودیت یهودیت (مانند اسلام و مسیحیت ) از آغاز بر توحید استوار شده است و همه انبیای یهود، از حضرت موسی (ع ) تا انبیای پرشمار بعدی ، با شرک مبارزه کرده اند. بدیهی است که پیروان ادیان توحیدی نیز در مواردی از دین خود غافل می شوند و به گونه هایی از شرک روی می آورند. این مساءله هیچ گاه نظر پژوهشگران را نسبت به اصل این ادیان تغییر نداده است . آنان با قطع نظر از لغزشهای پیروان یک دین ، از تحقیقات خود دانسته اند که ادیان دو گونه اند: الف ) ادیانی که مردم را از شرک بر حذر می دارند، مانند ادیان ابراهیمی ؛ ب ) ادیانی که شرک را به مردم تعلیم می دهند، مانند ادیان شرقی . نام خاص خدا در دین یهود یهوه یعنی باشنده (موجود) است . این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت تورات حرام است .

بر اثر این تحریم ، کسی تلفظ حقیقی آن را نمی داند و گاهی در کتابهای علمی مغرب زمین ، از باب احتیاط آن را بدون حرکت (YHWH) ثبت می کنند. اما گروهی از محققان برآنند که تلفظ حقیقی آن یهوه است . هنگامی که معبد سلیمان بر پا بود، بالاترین مقام مذهبی یهود حق داشت سالی یک بار در روز عاشورای تقویم یهودی (دهم ماه تشری ، در اوایل پاییز)، در قدس الاقداس آن معبد، نام یهوه را بر زبان آورد و دعا کند. هنگام تلاوت تورات نام مزبور به ادونای به معنای آقای من تبدیل می شود و حرکات همین کلمه را روی آن می گذارند؛ از این رو، گاهی آن را یهوه ضبط کرده اند.(۲۲) یکی دیگر از نامهای خدا اهیه اشر اهیه است به معنای هستم آنچه هستم . این نام در سفر خروج ۳:۱۴ و در برخی ادعیه اسلامی (مانند دعای شب عرفه ) آمده است و بر اثر نسخه برداری افراد کم اطلاع ، به آهیا شراهیا تبدیل گردیده است .

## ۱۴- ظهور انبیا

یهودیان به نبوت معتقدند و در مورد آن بحثهای کلامی گسترده ای دارند. همچنین برای نبوت معنای ویژه ای قائلند که پیشگویی است و پیامبران بزرگی همچون اشعیا، ارمیا، حزقیال و هوشع به عنوان نبی یعنی پیشگو شهرت دارند. پیامبران بسیاری در کتاب عهد عتیق مطرح شده اند. (۲۳) اشعیا، ارمیا، عاموس با بیانات شیوای خود به بنی اسرائیل هشدار می دادند و آنان را از عاقبت کارهای زشت و ناروایشان بر حذر می داشتند و متذکر می شدند که اسارت ذلت باری در پیش دارند. اما آنان به این گفتارها کمترین توجهی نمی کردند و از سوی دیگر به قتل و حبس و آزار پیامبران خود کمر می بستند (قرآن مجید از این امور بسیار سخن گفته است ). هفده کتاب پایان عهد عتیق که کتابهای نبوت نام دارد، مشتمل بر این پیشگوییهاست . از ۲۶ پیامبر مذکور در قرآن کریم ۲۰ تن به اهل کتاب مربوط می شوند: آدم ، نوح ، ابراهیم ، لوط، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، یوسف ، موسی ، هارون ، داوود، سلیمان ، الیاس ، الیسع ، عزیز (عزرا)، ایوب ، یونس ، زکریا، یحیی و عیسی . از آن انبیا ۶ تن به اهل کتاب ربطی ندارند: ادریس (مگر به نام اخنوخ در سفر پیدایش ۵:۲۴)، شعیب (مگر به نام رعوئیل در سفر خروج ۲:۱۸ یا به نام یترون در سفر خروج ۳:۱)، ذوالکفل ، هود، صالح و محمد.

## ۱۵- حکومت بنی اسرائیل

پس از حضرت موسی (ع )، حضرت یوشع بن نون (ع ) به امر خدا به رهبری قوم برخاست . وی از رود اردن که از شمال به جنوب فلسطین کشیده شده است ، گذشت و بلاد کنعان و حدود آن را فتح کرد. به ادعای عهد عتیق سکنه بومی آن مناطق قتل عام شدند و آن سرزمین به بنی اسرائیل اختصاص یافت . جریان این جنگها در ششمین کتاب عهد عتیق ، به نام صحیفه یوشع موجود است . پس از حضرت یوشع (ع ) مردان بزرگی در بنی اسرائیل به رهبری مردم اشتغال داشتند که داوران بنی اسرائیل نامیده می شوند. آنان عموما سمت پیامبری یا پادشاهی نداشتند. تاریخ این رهبران در سفر داوران آمده است . آخرین داور بنی اسرائیل حضرت سموئیل (ع ) دو پسر داشت که شایستگی رهبری قوم را نداشتند. از این رو، مردم از آن حضرت درخواست کردند که پادشاهی برای آنان برگزیند. در واقع بنی اسرائیل در آن زمان پادشاهی نداشتند. سموئیل پس از اصرار زیاد مردم ، از طرف خدا جوانی را به پادشاهی آنان نصب کرد. نخستین پادشاه بنی اسرائیل حدود ۱۰۳۰ سال قبل از میلاد انتخاب شد. نام این پادشاه در عهد عتیق (کتاب اول سموئیل ، باب ۹به بعد) شائول و در قرآن کریم طالوت است (بقره : ۲۴۷). پس از انتخاب نخستین پادشاه ، جنگ مهمی میان بنی اسرائیل و فلسطینیان آن زمان رخ داد و پیروزی نصیب بنی اسرائیل گردید. مهمترین قهرمان این قوم جلیات بود که در قرآن کریم جالوت نامیده شده است . وی به دست حضرت داوود (ع ) کشته شد و لشکر وی گریخت . حضرت داوود (ع ) جانشین حضرت طالوت شد (حدود ۱۰۱۵ سال قبل از میلاد) و حضرت سلیمان (ع ) به جای پدرش حضرت داوود (ع ) نشست و

مهمترین و با شکوهترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد. وی معبد بسیار بزرگی در شهر اورشلیم (یعنی شهر سلامت ) ساخت که به نام هیکل سلیمان معروف شد. (هیکل در زبان عبری به معنای ساختمان بلند است ). این معبد بعدا یک بار حدود ۵۸۷ ق .م . به دست بختنصر و بار دیگر در سال ۷۰ م . به دست شاهزاده رومی ، تیتوس (Titus) خراب شد. اهل کتاب بر مبنای محتویات دروغین عهد عتیق (کتاب اول پادشاهان ، باب ۱۱) معتقدند که حضرت سلیمان (ع ) بر اثر وسوسه همسران بت پرست خویش ، در آخر عمر بت پرست و خطاکار شد! قرآن کریم با تمجید فراوان از آن حضرت ، ساحت قدس وی را پاک کرده است . پس از رحلت حضرت سلیمان (ع )، فرزندش رحبعام زمام امور مملکت بنی اسرائیل را در کف گرفت و چون وی به ستمکاری پرداخت گروهی از مردم از فرمان او بیرون رفتند و تنها دو سبط یهودا و بنیامین در سرزمین یهودا (به نام یکی از فرزندان حضرت یعقوب ) که بخش نسبتا کوچکتری بود، برای او باقی ماند. این قسمت که شامل شهر اورشلیم (قدس ) نیز می شد، اهمیت بسیاری داشت و نام (یهودی ) از اینجا می آید. ده سبط دیگر حکومت مستقلی به نام اسرائیل به رهبری فردی به نام یربعام بن ناباط در شمال فلسطین تشکیل دادند. یربعام یکی از استانداران حضرت سلیمان (ع ) بود. تجزیه کشور مبداء ضعف و بدبختی آنان بود. پادشاهان یهودا و اسرائیل نیز عموما گنهکار بودند و مردم را به گناه و بت پرستی دعوت می کردند.

## ۱۶- اسارت بابل

به هر حال پیشگوییهای انبیای بنی اسرائیل تحقق یافت (۲۴) و پس از چندی آشوریها که در شمال بابل در عراق و سوریه کنونی حکمرانی داشتند و پایتخت آنان شهر نینوا بود به اسرائیل تاختند و عده کثیری را به اسیری بردند. چند سال بعد، پادشاه بابل بختنصر که در عهد عتیق نبوکدنصر (یعنی بت (نبو) تاج را نگهداری می کند) نامیده می شود، به اورشلیم حمله کرد و مردم یهودا را کشت و عده ای را به اسارت به بابل برد که تا مدتی طولانی در آنجا بودند. اسیر شدن مردم اسرائیل و یهودا موجب پراکندگی آنان در خاورمیانه و سرزمینهای دیگر شد. این اسارت اهمیت ویژه ای داشت ؛ زیرا گروهی از مردم اسرائیل نیز که در حمله پیشین توسط آشوریها از اسارت معاف شده بودند، در این یورش همراه با ساکنان یهودا به بابل کوچ داده شدند. این موضوع جلای بابل نامیده می شود. یهودیان در زمان اسارت ، برخی آداب و اخلاق مشرکان را پذیرفتند و کمتر کسی در بین آنان از جلای وطن و اسیری و دشواری پرستش خدا رنج می برد. باید توجه داشت که انحصار طلبی و خود بزرگ بینی خوی و خصلت جدانشدنی قوم کوچک یهود است و سایر اقوام جهان در واکنش به این صفات ، با یهودیان از در دشمنی و ستیز در آمده و به تحقیر آنان پرداخته اند. شاید نخستین ویرانی شهر قدس و گرفتار شدن بنی اسرائیل به دست بابلیان در حدود شش قرن قبل از میلاد نیز به همین علت بوده است . ارمیای نبی از جانب خدای متعال پیام آورده بود که بنی اسرائیل نباید در برابر آن دشمن مقاومت کنند. ایشان این پیام را به چیزی نگرفتند و آن پیامبر را زندانی کردند. پس از سقوط شهر قدس ، ارمیا آزاد شد (ارمیا ۳۹:۱۴).

## ۱۷- تجدید معبد

هنگامی که کورش (یعنی خورشید) بنیانگذار سلسله هخامنشی بابل را فتح کرد، یهودیان آزاد شدند و اجازه بازگشت به سرزمین خود را یافتند. اما بسیاری از آنان حاضر نبودند بابل را ترک کنند و در بابل و اطراف آن پراکنده شدند. اعلامیه کورش در مورد آزادی یهود حدود سال ۵۳۸ ق .م . صادر شد. کورش با این کار در میان یهود محبوبیت زیادی به دست آورد. گروهی از یهودیان نیز به فلسطین بازگشتند و به بازسازی شهر قدس آغاز کردند. در آن دوران همسایگان آن سرزمین احساس خطر کردند و مانع بر پایی یک حکومت مقتدر یهودی بر خاک فلسطین شدند. پس از آن حکومتهای ناتوانی در مناطق مختلف فلسطین بر پا شد و پس از چند قرن آشفتگی ، شهر قدس برای بار دوم به دست رومیان ویران شد و این ویرانی یهودیان را در جهان پراکنده ساخت . از آن

پس ، یهودیـان در کشورهـای بیگـانه زنـدگی سـختی را می گذراندنـد و انـواع خواری و سـرکوفتگی را در جسم و جـان خود می چشیدند.

## ۱۸- پیدایش کنیسه

پس از بازگشت یهود از بابل ، جامعه دینی نظام تازه ای یافت و معابدی ساخته شد که بعدا کنیسه (synagogue) نامیده شد.این معابد مانند سایر معبدها معماری خاصـی داشـتند و در آنها قربانگاه و اماکن ویژه دیگری وجود داشت . هم اکنون نیز معبد یهودیان کنیسه نامیـده می شود. قبله یهود معبد سـلیمان (مسـجد اقصـی ) است . فقط سامریان قبله را کوه جرزیم در نزدیکی شـهر نابلس می داننـد. آنان روزی سه بار نماز می خواننـد: نماز صـبح ، نماز عصـر و نماز مغرب . در صورتی که دست کم ده مرد در کنیسه وجود داشته باشد نماز برگزار می شود و در این حال یک نفر که معمولا پیرتر از سایرین است و عبری را خوب می داند، جلو می ایستد و قسـمتهایی از تورات یـا دعاهـایی به عبری می خوانـد و در مواردی رکوع می کننـد. معروفترین عبـارتی که خوانـده می شود، شـمع (یعنی بشـنو) نام دارد که از تورات گرفته شده است : (۴)ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است (۵) پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما(تثنیه ۶:۴-۵).

## ۱۹- تاءثیر عقاید مزدیسنی و فرهنگ پارسی

یهودیان نیز مانند سایر اقوام تحت تاءثیر محیط قرار داشتند و پس از تماس با برخی تمدنهای باستانی ، خواسته یا ناخواسته ، بسیاری از مفاهیم و اعمال آنها را وام گرفتنـد، ولی باید توجه داشت که آنان پیوسـته و در تمام موارد، مسائل یاد شده را به رنگ اخلاقیات توحیـدی خـاص خویش در می آوردنـد. مثلاـ داسـتان طوفـان نوح ، خواه از بابلیهـا اقتباس شـده باشـد یا نه ، آن گونه که در سـفر پیدایش آمده است ، از خدای واحد، مهربان و درسـتکار سـخن می گوید. این داستان به داستان پر- نپیشتیم (napishtim-Per) که روی الواح میخی حـک شـده است و علاوه بر شـرک صـریح ، خـدایانی خودخواه ، ستیزه جو، احساساتی و حسود را مطرح می کنـد، چندان شـباهتی ندارد. این تمایز در سایر داسـتانها و قوانین و باورهایی که گفته می شود یهود از اقوام دیگر اقتباس کرده اند، نیز مشهود است . در تورات تقریبا ذکری از قیامت نیست (مگر یکی دو اشاره مبهم ، مثلا تثنیه ۸:۱۶). از نظرات تورات (لاویان باب ۲۶ و تثنیه باب ۲۸) دینداری و بی دینی در جلب نعمتهای این جهان و سلب آنها تاءثیر مستقیم و قطعی دارند. از سوی دیگر، کتاب تلمود از قیامت بسـیار سخن گفته است . یکی از باورهای اصیل یهودیت که به تصور پژوهشگران ، از بیگانگان گرفته شده ، اعتقاد به رسـتاخیز مردگان است . این اعتقاد با آرمان مسـیحایی گره خورده و چیزی ماننـد اعتقاد به رجعت را پدیـد آورده است . ایرانیان باسـتان می گفتنـد در زمـان آینـده ، پس از آنکـه آهـورمزدا بر همـاورد خـود انگرو مئنیـو پیروز شـود و او را نـابود کنـد، مردگـان برخواهند خاست ، ولی شـکل عالی و معنوی این آموزه دسـتاورد اصیل الهامات یهود است و با اعتقاد خشک و بی روح مغان ایران زمین شـباهتی نـدارد. به گفته پژوهشـگران ، اعتقاد به جاودانگی روح از قـدیم میان بنی اسـرائیل وجود داشـته و در چندین مورد از کتاب مقـدس بدان اشاره شده است ، ولی آن باور پس از بازگشت از بابل ، با عقیده به جاودانگی قوم و قیام مسـیحا پیوند خورد و اعتقاد به رسـتاخیز مردگان را پدید آورد. این نظریه با قرآن مجید تعارض دارد؛ زیرا از داسـتان برانگیخته شدن حضرت موسی (ع ) در اوایل سوره طه بروشنی می فهمیم که اعتقاد به رستاخیز در نخستین پیام او وجود داشته است .(۲۵)

## ۲۰- اعیاد یهود یهود عیدهایی دارند از این قرار

۱. روز شـنبه : در این روز افراد خانواده دسـته جمعی غـذا می خورنـد و طی آن ، بزرگ خانواده جام شـرابی بر دست می گیرد و با

خوانـدن دعـا، آن را تبرک می کنـد و افراد خـانواده از آن شـراب می خورنـد. تعطیـل شـنبه یکی از ده فرمـان است (خروج ۸:۲۰-۱۱).(۲۶) ۲. عید اول ماه : به عبری به آن روش حودش می گویند که به معنای آغاز ماه است . ۳. سال هفتم یا سال انفکاک : طبق تورات هر هفت سال یک بار باید وامها را بخشید و کارهایی انسانی از قبیل آزاد کردن بردگان اسرائیلی و مانند آن انجام داد (تثنیه ۱۵). نام عبری این سال شـمیطا به معنای رها کردن است . ۴. سال یوبیل :این عیـد هر پنجاه سال یک بار می آید که اعمال انسانی و اخلاقی بسیاری در آن انجام می شود (لاویان باب ۲۵). ۵. عیـد فصـح : در لغت به معنای چشم پوشـی کردن است که به مناسـبت چشم پوشـی خداونـد از قتـل نخست زادگان بنی اسـرائیل در حین نزول این بلا به فرعونیان چنین نامی به آن داده شـده است ). این عید هفت روز طول می کشد و آغاز آن چهاردهم ماه نیسان در فصل بهار است و مراسم آن در تورات (خروج باب ۱۲) آمده است . این عید مهمترین عید است و مسیحیان نیز به خاطر تقارن آن با خاک سپاری حضـرت عیسـی (ع ) آن را گرامی می دارند. از دو سه قرن پیش تـاکنون گـاهی یهودیـان متهم شـده انـد که یـک کودک یا بزرگسال مسیحی را کشـته و از خون آنان در مراسم عید فصح اسـتفاده کرده اند. کتابهایی نیز در این باب نوشته شده است . ۶. عید هفته ها: این عید پنجاه روز پس از عید فصح به مناسـبت گذشـتن هفت هفته و آمـاده شـدن محصول برگزار می شود. نام عبری آن شاووعوت یعنی هفته هاست . ۷. عیـد اول سال : این عید که به عبری روش هشانا (راءس السـنهٔ ) نامیـده می شود در اوایل مهر (اعتدال خریفی ) قرار دارد. در آن روز به نشانه آمادگی برای ده روز ایام توبه بوق می نواختند. روز دهم اهمیت خاصـی داشت و به آن یوم ها کیپور می گفتند. ۸. یوم کیپور: یعنی روز کفاره ؛ این عید مهم در دهمین روز ماه تشری واقع است و آن را (عاسور) یعنی عاشورا می نامند. یهودیان از غروب روز قبل تا شبانگاه این روز، به منظور کفاره گناهان ، روزه می گیرنـد و از خوردن ، آشامیدن ، اسـتحمام و کار پرهیز می کنند و در کنیسه ها به عبادت و اسـتغفار مشـغول می شونـد. در آن روز، یهودیـان بنیـادگرا لباس ویژه ای بر تن می کننـد و از پوشـیدن کفش چرمی خودداری می کنند. ۹.عید سایبانها: در روز بیست و دوم ماه تشـری به نشانه زندگی کردن بنی اسـرائیل در خیمه های تیه در عصـر حضرت موسی (ع ) مـدت یک هفته در خیمه زندگی می کنند نام این عید به زبان عبری سـکوت یعنی سایبانهاست . ۱۰. عید گشایش : در عبری حنوکـا نامیـده می شود؛ یادبود پیروزی یهود بر اسـتعمارگران یونانی در سال ۱۶۸ ق .م . است . در این روز معبـد سـلیمان به دسـت یهود از پلیدیها و خرابیهای دشمن تطهیر شد.این عید یک هفته پس از عید سایبانهاست . ۱۱. عید قرعه ها: در عبری پوریم نام دارد. این روز به مناسـبت رفع خطر قتل عام یهودیان به توطئه هامان وزیر خشایارشا عیـد قرار داده شـده است . شـرح مفصل این ماجرا در کتـاب استر در عهـد عتیق آمـده است . وجه تسـمیه این روز آن است که هامـان برای تعیین روز اعلاـم تصـمیم خود به پادشاه قرعه کشیده بود. مزبور در ماه اسفند قرار دارد.

## ۲۱- فرقه های یهودی

### اشاره

همه دینها پس از انـدک زمانی فرقه های متعـدد پیـدا می کنند. مسائل اجتماعی و تنوع مشـربها، فرقه ها را پدید می آورد. برخی از این فرقه ها نیرومند و برخی ناتوانند، همچنین فرقه هایی پرجمعیت و فرقه هایی کم جمعیت هسـتند. فرقه های شناخته شده یهود پس از بازگشت از بابل پدید آمده اند و درباره فرقه های قدیمتر اطلاع چندانی در دست نیست .

### ۲۱-۱- فریسیان

کلمه فریسـی در عبری به معنای عزلت طلب است . این لقب بر جـدایی و امتیاز آنان دلالت دارد. این فرقه دو قرن قبل از میلاد پدید

آمد و تاکنون هم اکثریت یهود از آن هستند. اصل این فرقه به فرقه حسیدیم (به معنای پارسایان ) بر می گردد. فرقه حسیدیم سه یا چهار قرن قبل از میلاد برای زدودن آثار بت پرستی و انحراف میان یهودیان پدید آمد. آنان در جنگهای مکابیان شرکت داشتند و در راه دین جانبازی کردند و شهید شدند. در قرن هجدهم نیز موج تازه ای به نام حسیدیم میان یهودیان شرق اروپا پیدا شد که از این حرکت الهام می گرفت . فریسیان یک قرن قبل از میلاد از میان حسیدیم برخاستند. آنان از نظر فکری با صدوقیان تضاد و مخالفت روشنی داشتند. این فرقه خدا را از جسم و صفات جسمانی منزه می دانست . همچنین در مسائل مربوط به اراده آدمی راه میانه ای را پذیرفته بود و نیز رستاخیز مردگان و دادگاه عدل الهی را می پذیرفت و به عبادات از قبیل نماز و غیره اهمیت می داد. فریسیان در جامعه یهود موقعیت خوبی به دست آوردند و اکثریت تابع آنان شدند. فریسیان علاوه بر عهد عتیق که تورات مکتوب نامیده می شد، به تورات شفاهی نیز معتقد شدند. تورات شفاهی گفته های حکیمانه دانشمندان یهود است که به عقیده آنان نسل به نسل از زمان حضرت موسی (ع ) برای قوم یهود باقی مانده است . این گفته ها در فاصله قرن دوم تا پنجم میلادی ، در کتابی بسیار بزرگ به نام تلمود جمع آوری شده و زیربنای فکر و اعتقاد بنی اسرائیل قرار گرفته است . پس از این ، در باب آن سخن خواهیم گفت . فریسیان دارالعلمهای مختلفی تشکیل دادند و اوقات خود را صرف مطالعه در دقایق تورات کردند و نکته های تازه ای به دست آوردند. به عقیده آنان در تورات حتی یک حرف کم یا زیاد یا بی مورد و فاقد معنا و مقصود نیست ، بلکه درون هر حرف و کلمه ای اسراری نهفته و رموزی خفته است . امور داخلی یهود در فاصله بازگشت از بابل تا خرابی دوم شهر قدس در دست حاخامهای فریسی و گاهی صدوقی بود. همچنین آنان با حضرت عیسی مسیح (ع ) بسیار مخالف بودند و برای تصلیب او تلاش کردند. نام فریسیان به تکرار، در اناجیل چهارگانه آمده است .

### ۲۱-۲- صدوقیان

نام این فرقه به صادوق بن اخیطوب که از طرف حضرت داوود (ع ) به کهانت منصوب شده بود، مربوط می شود (کتاب دوم سموئیل ۸:۱۷ و ۱۵:۲۴). این منصب در عصر حضرت سلیمان (ع ) نیز برای صادوق باقی ماند(کتاب اول پادشاهان ۲:۳۴). کاهنان بنی صادوق در کتاب حزقیال مورد تعریف و تمجید قرار گرفته اند و امانت داری آنان ستوده شده است (حزقیال ۴۴:۱۵). صدوقیان به جای نماز، برای قربانی اهمیت ویژه ای قائل بودند. بسیاری از کاهنان هیکل سلیمان و حاخامهای سنهدرین از این فرقه برخاستند. روابط آنان با والیان رومی نیز خوب بود. صدوقیان بر خود لازم می دیدند سنتهای گذشته را حفظ کنند و با تجدید نظر و تفسیر به راءی فریسیان و آداب و عادات آنان مخالفت می ورزیدند. آنان قائل به جسمانیت خدا بودند و می گفتند قربانی و هدایایی که در راه خدا می دهیم ، مانند چیزهایی است که به یک پادشاه یا حاکم بشری داده می شود. صدوقیان جاودانگی نفس و قیامت را انکار می کردند و می پنداشتند سزای نیکی و بدی در همین دنیا داده می شود و در مورد اراده انسانی به اختیار مطلق معتقد بودند. صدوقیان مانند فریسیان با حضرت مسیح (ع ) مخالفت بودند و نام آنان به تکرار در اناجیل چهارگانه آمده است . پس از خرابی اورشلیم در سال ۷۰ م . دیگر اثری از این فرقه باقی نماند.

### ۲۱-۳- سامریان

نام سامریان از منطقه ای به نام سامره می آید که در زمان تجزیه سرزمین فلسطین پس از حضرت سلیمان (ع ) ، مرکز کشور اسرائیل بود. این فرقه پس از بازگشت از اسیری بابل پدید آمد و برخی معتقدند که نژاد آنان اسرائیلی نیست و احتمالا مخلوطی از اسرائیلی و آشوری است . این فرقه بسیار کوچک تنها پنج سفر تورات و کتاب یوشع را می پذیرد و ۳۳ کتاب دیگر عهد عتیق را رد می کند. همچنین تورات این فرقه با تورات رایج اندکی اختلاف دارد و زبان سامری نیز با زبان عبری متفاوت است که البته این تفاوت

انـدک آن را از عبری بودن خارج نمی کنـد. سامریها به قداست کوه جرزیم در نزدیکی شـهر نابلس اعتقاد دارند و آن را قبله خود می داننـد و می گوینـد قبله حضـرت موسـی (ع ) نیز همـان بوده است ، ولی حضـرت داوود (ع ) از پیش خود، مکان معبـد سـلیمان (مسجد اقصی ) را قبله معرفی کرده است . این فرقه به مسائل مذهبی توجه مخصوصی دارد و مراسم ویژه ای انجام می دهد.

## ۲۱-۴- اسنیان

ریشه کلمه اسـنی احتمالا به معنای شـفا دهنـده است ،به این معنا که آنان در انـدیشه شـفای روان خود بوده اند. در وجه تسـمیه این کلمه ،احتمالا دیگری (ماننـد تعمیـد دهنده ) نیز وجود دارد. این گروه حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمدند و با خراب شدن اورشـلیم ، آنان نیز مانند صدوقیان و بعضی فرقه های دیگر از بین رفتند و جز نامی از ایشان باقی نماند،تا اینکه نیم قرن پیش به سال ۱۹۴۷ ،برخی آثار مکتوب آنان همراه با نسـخه هایی از عهد عتیق که تحریر کرده بودند، در غارهای فلسـطین در کرانه بحرالمیت به دست آمـد و مقـداری از نقـاط ابهام مربوط به اعتقادات و جامعه آنان حل شـد. اسـنیان مالکیت فردی را قبول نداشـتند و به ازدواج روی خوشـی نشان نمی دادنـد. در روز چندین بار غسل می کردند و به این منظور حوضـهای بزرگی ساخته بودند که در اکتشافات اخیر آنهـا را از زیر خـاک بیرون آورده انـد. هنگـام طلوع فجر از خواب بر می خاسـتند و پس از عبـادت تا ظهر به کار مشـغول می شدند،سـپس دست از کار می کشـیدند و به طور دسـته جمعی ناهار می خورند و همین طور شام آنان دسته جمعی بود. روز شنبه به طور کلی از کـار دست می کشـیدند و عبارت و تفکر و مطالعه تورات می پرداختنـد. گفته می شود قبله آنان خورشـید بود، نه معبد سلیمان و ظاهرا آن را از میتراپرستان گرفته بودند. سطح معلومات آنان در زمینه تفسیر و عرفان بالا بود و افرادشان نیز در حدود قرن اول میلادی ۴۰۰۰ نفر گزارش شـده است که بـا در نظر گرفتن محـدودیتهای عضـوگیری در آن جـامعه ، عـددی بزرگ به نظر می آید. به عقیده برخی دانشـمندان ، افکار این فرقه زیر بنای مسـیحیت فعلی گردید. حتی ممکن است اعضای این فرقه همگی مسیحی شـده باشـند. گفته می شود یحیی بن زکریـا (تعمیـد دهنـده ) نیز از آنان بوده است . بیابان گردی آن حضـرت به قول اناجیل (و نیز احادیث اسلامی ) می تواند شاهدی بر این موضوع باشد.

## ۲۱-۵- قانویان

کلمه قـانونی که در لغت به معنای غیور و متعصب است ، بر گروهی اطلاق می شـد که با شـدت تمام با استیلای رومیها بر فلسـطین مخالفت می کردنـد. آنان معمولا خنجری در زیر لباس خود مخفی می کردنـد و در فرصت مناسب هواخواهان رومیان را از پای در می آوردند. بیگانگان آنان را از فرقه های دیگر مشـخص می کردند و خطر آنان را جدی می گرفتند. چنین به نظر می رسد که این عده از نظر سایر اعتقادات خود با فریسیان تفاوتی نداشتند.

## ۲۱-۶- قارئون

قارئون از کلمه (قراء) در عربی و عبری می آیـد که در مقابل تفسـیرهای تکلف آمیز فریسـیان ، به قرائت کتب آسـمانی اشاره دارد. این فرقه که پس از ظهور اسلام پدید آمده است ، با تلمود (تورات شفاهی ) مخالفت می کند و بر معنای ظاهری تورات تعصب می ورزد و همواره با فریسیان درگیری داشته است . رهبر آنان در ابتدا یک ربانی یهودی به نام عنان بود که با ابوحنیفه معاشرت داشت و اصطلاحات فقه اسلامی را از وی آموخت . وی در عصر منصور دوانیقی در بغداد این فرقه را بنیاد نهاد. سپس فردی به نام بنیامین نهاونـدی آن مکتب را در ایران آن روز ترویج کرد و تغییراتی در آن داد و نام قارئون (در عبری قرائیم یعنی قرائت کنندگان ) را به جای عنانیه بر آن نهاد. در قرون گذشته اکثر قارئون در جهان اسلام زندگی می کردند. اکنون آنان در اسرائیل ، روسیه ، اوکراین و

کشورهای دیگر به سر می برند. نام شبه جزیره کریمه (Crimea) در اوکراین از عنوان فرقه قرائیم گرفته شده است . دانشمندان بزرگی از قارئون برخاسته اند که مباحث آنان در الهیات یهودی توجه محققان را به خود جلب کرده است . آنان در مباحث خود از اصطلاحات اصول فقه حنفی بهره می گیرند.

## ۲۱-۷- دونمه

نام فرقه دونمه به ترکی استانبولی به معنای مبدل شده است و در بعضی اوقات به آنان شبتین می گویند که به شبتای صبی مؤ سس گروهشان نسبت داده می شود. نامبرده به سال ۱۶۲۶ در شهر ازمیر (غرب ترکیه ) به دنیا آمد و پس از مطالعه و بررسی الهیات و عرفان یهودی کم کم مدعی شد که مسیحای یهود است و برای نجات آنان آمده است . برخی یهودیان اروپا و ترکیه و خاورمیانه دعوتش را پذیرفتند و گروه بی شماری نزد او گرد آمدند. وی که خود را نخستین فرزند خدا می نامید، گفت در سال ۱۶۶۶ قیام خواهد کرد. وی قبل از رسیدن موعد مذکور به اورشلیم و قاهره رفت . در آن ایام یهودیان از خوشحالی به جشن و شادی پرداختند و شعار می دادند: (زنده باد مسیح پادشاه ) و (زنده باد سلطان صبی .) شبتای صبی در سال ۱۶۶۶ به جای آنکه به اورشلیم مسافرت کند، به استانبول رفت و بلافاصله از طرف پادشاه عثمانی دستگیر شد و در روز ۱۶ سپتامبر ۱۶۶۶ او را به حضور پادشاه آوردند و از او خواستند مسلمان شود. وی پس از پذیرفتن اسلام ، نام خود را به محمد افندی تغییر داد و با یک بانوی مسلمان ازدواج کرد. وی همچنین بسیاری از پیروان خود را به پذیرش اسلام ترغیب نمود، ولی باز هم بسیاری از یهودیان او را مسیحا می دانستند. آنان در توجیه این مساءله می گفتند که تنها شبحی از شبتای مسلمان شده و خود او برای یافتن ده قبیله گم شده بنی اسرائیل به آسمان رفته است و به زودی ظهور خواهد کرد. یکی از فعالان این مرام می گفت : همان گونه که موسی در کاخ فرعون پرورش یافت ، لازم بود که مسیحا در کاخ سلطان عثمان بماند تا بتواند نفوس گم گشته اسلام را نیز نجات دهد. شبتای صفت مسیحایی خویش را نگه داشت و مجاز بود به عنوان تبلیغ اسلام میان یهودیان ، با آنان تماس بگیرد. وی فرقه ای پدید آورد که اعضای آن بی درنگ به رسم مسلمانان عمامه بر سر گذاشته ، پیرو آداب اسلامی شدند و به بازگشت سریع شبتای به عنوان منجی حقیقی بنی اسرائیل امیدوار ماندند. مرگ وی به سال ۱۶۷۶ اتفاق افتاد و برادرش اتباع او را دور خود جمع کرد. پس از آن ، اتباع این فرقه در ظاهر به سنن اسلامی و در باطن به سنن یهودی عمل می کردند. اکنون چند هزار نفر از آنان در ترکیه یافت می شوند.

## ۲۲- انتظار ظهور مسیحا

اندیشه انتظار مسیحا ماهیتا یهودی است . اقوام عصر قدیم ، بر اثر نومیدی از وضع موجود و بی توجهی به آینده ، به گذشته خویش می بالیدند و کمال شادکامی اجتماعی و ملی را در آن می دیدند. گونه ای از این گذشته گرایی را چکامه سرایان یونانی و رومی ، هزیود (Hesiod) و اوید (Ovid) ماهرانه ترسیم و توصیف کرده اند. این دو تن برای جهان پنج دوره و پنج نژاد پیاپی قائل شدند و گفتند: انسانها در نخستین دوره که عصر زرین نامیده می شود، شادمان و به دور از درد و رنج ، بی کشت و کار از محصولات زمین بهره می بردند. مردن ایشان نیز به شکل خواب بی رؤ یایی بود که طی آن به بزم فرشتگان نگهبان جهان پر می کشیدند. در سوی دیگر این طیف ، واپسین دوره یا عصر آهنین وجود داشت که از همه آشفته تر بود و آن دو چکامه سرا در آن دوره روزگار می گذراندند. یهودیان نیز به عنوان قومی دیندار و معتقد به اینکه جهان را موجودی خوب و کامل آفریده است ، کمال را در آغاز آفرینش قرار می دادند و می گفتند نخستین انسان که مستقیما به دست خدا آفریده شده است ، لزوما باید کامل و کامروا باشد. با این وصف ، یهودیان کامیابی و فضیلت را نه در دوران طلایی گذشته ، بلکه در آینده و واپسین روز می جویند. این عبارت کتاب مقدس میان یهودیان رایج بود: (اگر چه ابتدایت صغیر بود، عاقبت تو بسیار رفیع می گردد)(ایوب ۸:۷). یهودیان پس از نخستین

ویرانی شهر قدس ، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برگرداند. شخصیت مورد انتظار ماشیح (مسح شده ) خوانده می شد. ماشیح لقب پادشاهان بنی اسرائیل بود؛ زیرا بر اساس یک سنت ، پیامبران در حضور جمع ، اندکی روغن بر سر آنان می مالیدند و بدین شویه نوعی قداست برای ایشان پدید می آمد. این لقب در زمانهای بعد به پادشاه آرمانی یهود اطلاق شد. دلهای بنی اسرائیل از عشق به مسیحای موعود لبریز بود و در مقابل ، حاکمان ستمگر همواره در کمین چنین رهبر رهایی بخشی بودند. در باب دوم انجیل متی می خوانیم که هیرودیس کبیر، پادشاه فلسطین پس از زاده شدن حضرت عیسی در صدد قتل او بر آمد، اما چون وی را به فرمان الهی به مصر بردند خطر را از سر گذراند. واژه فارسی (مسیحا) از روی کلمه عبری (ماشیح ) با توجه به تلفظ لاتینی آن (Messiah) ساخته شده است . مهمترین مژده مسیحایی در کتاب اشعیای نبی آمده است : (۱) نهالی از تنه یسّی (پدر داوود) بیرون آمده ، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت (۲) و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت ، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند (۳) خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤ یت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سع گوشهای خویش تنبیه نخواهد نمود (۴) بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. جهان را به عصای دهان خویش زده ، شریران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت (۵) کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت (۶) گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند (۷) گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد (۸) و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت (۹) و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آبهایی که دریا را می پوشاند (اشعیا ۱:۱۱-۹). شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز یهودیت و مسیحیت موج می زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رهاند و فرمانروای جهان گرداند. در سراسر تاریخ بنی اسرائیل کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گرد آوردن برخی افراد ساده لوح بر مشکلات آنان افزودند. در این میان حضرت عیسی بن مریم (ع ) ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی ، دین بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بی شماری را به ملکوت آسمان رهنمون شد، ولی بیشتر یهودیان او را رد کردند. در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست بر پای خاسته و با اشغال فلسطین ، در صدد بر آمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را بر افکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است . درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم ، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده اند، ولی سواد اعظم یهودیت آن را از جان و دل پذیرفته و آن را رهگشای عصر مسیحا دانسته اند. هم اکنون صهیونیستهای اشغالگر فلسطین ، علاوه بر دعاهای مسیحایی روزانه ، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایّار عبری )، پس از دمیدن در شیپور عبادت ، این گونه دعا می کنند: اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.

## ۲۳- غلبه رومیان و انقراض یهود

پس از نوسازی اورشلیم مستقر شدن یهودیان در آن مشکلاتی پدید آمد و مبارزه با پادشاهان ستمگر و بت پرست سوریه آغاز شد جنگهای مکابیان با استعمارگران سوریه به پیروزی یهود انجامید که در کتابهای اپوکریفا شرح داده شده است . در این دوران غالبا بنی اسرائیل زیر فرمان مشرکان بودند و ظهور حضرت مسیح (ع ) نیز در همین دوران بود که شرح آن به طور مفصل خواهد آمد.

همچنین در این عصر احکام و قوانینی از طرف علمای یهود صادر می شد و نمایندگان دول استعمارگر فرمان می راندند. علمای یهود در مجمعی به نام سنهدرین اجتماع می کردند و درباره امور مذهبی تصمیم می گرفتند.(۲۷)

## ۲۴- ویرانی اورشلیم و آوارگی یهود

در سال ۷۰ م . تیتوس ، پسر امپراطور روم ، اورشلیم را محاصره و ویران کرد و مردم بی شماری را از دم شمشیر گذراند. وی سنهدرین را نیز از بین برد. پس از این حادثه ، یهودیان در کشورهای مجاور در اروپا و آفریقای شمالی پراکنده شدند و با گذشت زمان عده ای به مدینه منوره که یثرب نامیده می شد، رفتند و در آنجا سکنی گزیدند. به گفته منابع اسلامی ، انگیزه این گروه از یهودیان در انتخاب مدینه برای سکونت ، انتظار مقدم مبارک حضرت رسول خاتم (ص ) بود. بعدها، در عصر خلیفه دوم ، مسلمانان شهر قدس را با مذاکره از مسیحیان تحویل گرفتند. به نوشته طبری (در حوادث سال ۱۵ هجری ) مسلمانان هنگام تحویل گرفتن قدس ، در صلحنامه خود در برابر مسیحیان متعهد شدند که هیچ گاه به یهودیان اجازه سکونت در آن شهر را ندهند.(۲۸)

## ۲۵- تلمود

کلمه (تلمود) به معنای آموزش از فعل ثلاثی عبری (لمد) (یعنی یاد داد) می آید و با واژه (تلمیذ) و مشتقات آن که در زبان عربی رباعی هستند ارتباط دارد. تلمود به کتابی بسیار بزرگ که احادیث و احکام یهود را در بر دارد اطلاق می شود. زمانی که یهودیان به بابل تبعید شدند گروهی به نام سوفریم (یعنی کاتبان ) میان آنان پدید آمد. کاتبان کسانی بودند که به کتابت تورات و مضامین مذهبی اهتمام داشتند. مهمترین سوفر عزرا (عزیر) بود که در قرن پنجم قبل از میلاد می زیست و شاید پس از موسی (ع ) بزرگترین شخصیت یهود باشد. عزرا تصمیم گرفت شریعت موسی (ع ) را بارور سازد و از عبارات کتاب عهد عتیق نیازهای جامعه یهود را بر آورد. اقدام وی سرآغاز سنت شفاهی یهود بود. پس از عزرا روشی در تفسیر و تاءویل متون مذهبی رایج شد که میدراش نامیده می شود و اختراع آن را به وی نسبت می دهند. واژه (میدراش ) به معنای جستجو است ؛ زیرا دانشمندان از خلال میدراش به جستجوی معانی نهفته می پرداختند و می خواستند همه مسائل روزانه زندگی را از تورات استخراج کنند. پس از تاءسیس مجمع کبیر برای رسیدگی به امور مذهبی ، کم کم این فکر رواج یافت که تفسیر تورات پس از حضرت موسی (ع ) نسل به نسل به دست اعضای آن مجمع رسیده است . سپس پنج زوج دانشمند به توالی به تفسیر و وضع قوانین جدید پرداختند که دو زوج آخر آنان به نام هیلل و شمعی (شمای ) بسیار معروف شدند. این دو تن در حدود سال ۱۰ م . در گذشتند. در این دوره ، یکی از دو زوج ناسی یعنی رئیس و دیگری آوبت دین یعین رئیس دادگاه نامیده می شد. تمام این قضایا میان فریسیان جریان داشت و صدوقیان با آن مخالف بودند و تنها به ظاهر تورات اهتمام می ورزیدند. هیلل و شمعی هر کدام مکتبی را بنیاد نهادند و شاگردان آنان در هفتاد سال اول تاریخ میلادی به نشر افکار و اندیشه های ایشان پرداختند و سرانجام ، موفقیت نصیب هیلل شد. گفته می شود اختلافات این دو رهبر از ۳۰۰ مورد تجاوز می کرد و شمعی در برداشتهای خود از هیلل سختگیرتر بود. هیلل اولین فرد از سلسله تنّائیم است . دومین فرد این سلسله که حلقه ارتباط بین هیلل و دانشمندان بعدی محسوب می شود، یوحانان بن زکای است . هنگامی که لشکر تیتوس در سال ۷۰ م . به ویران کردن اورشلیم مشغول بود، یوحانان پیوسته یهودیان را به آرامش دعوت می کرد؛ زیرا از نابودی یهودیان نگران بود. یهودیان سخن او را نپذیرفتند؛ از این رو، وی به انتقال مرکز علمی و مذهبی اقدام کرد. او برای این هدف ، نخست خبر بیماری و سپس مرگ خود را شایع کرد و پیروانش وی را در تابوتی نهاده ، به عنوان خاک سپاری از شهر خارج کردند. از آنجا که او شخصیتی ممتاز بود، سربازان تیتوس (که بر دروازه های اورشلیم با سرنیزه جنازه ها را آزمایش می کردند) به جسد وی کاری نداشتند. یوحانان در خارج شهر خود را به فرمانده کل لشکر رساند و از او تقاضا کرد که شهرک یاونه در فلسطین

را در اختیار وی قرار دهد. این خواهش پذیرفته شد و او در آنجا کار علمی خود را تعقیب کرد و بدین وسیله علوم هیلل و دیگر دانشمندان گذشته را به نسلهای آینده انتقال داد. پس از یوحانان فردی به نام ایشماعل بن الیشع به تفسیرهای تلمودی پرداخت و کار عمده وی آن بود که هفت اصل تفسیری هیلل را به سیزده اصل رساند. همچنین فردی به نام عقیبا بن یوسف در همین عصر از اهمیت ویژه ای برخوردار است . این دانشمند بر تلمود حق بزرگی دارد. زیر بنای تلمود به شکلی که می بینیم تا اندازه زیادی مرهون زحمات اوست . با این وصف ، افتخار تدوین متن تلمود به عقیده بسیاری از دانشمندان نصیب شخصی به نام یهودا هناسی شد. وی در سال ۱۳۵ م . (سه سال پس از در گذشت عقیبا) به دنیا آمد و پس از آگاهی بر تفسیرهای عقیبا و دیگر دانشمندان تصمیم بر کتابت آنها گرفت . این و پس از آگاهی بر تفسیرهای عقیبا و دیگر دانشمندان تصمیم بر کتابت آنها گرفت . این دانشمندان میان قوم خود موقعیت خوبی پیدا کرد و بیش از پنجاه سال ناسی یعنی رهبر بود. یهودا هناسی برای تورات شفاهی نام میشنا را برگزید که در عبری به معنای مکرر و مثنی است ، در مقابل میقرا به معنای خواندنی و مقروء. تلمود، میشنا نامیده می شود، زیرا مثنای تورات است ، ولی تورات میقرا است . زبان میشنا عبری عامیانه است که به ارزش ادبی عبری عهد عتیق نیست . میشنا شش بخش دارد که هر فصل سدر نامیده می شود و مجموع آن ۶۳ رساله در ۵۲۳ فصل است به این شرح : ۱. سدر زراعیم (بخش بذرها، احکام محصولات و نتاج حیوانات ) ۱۱ رساله ۲. سدر موعد (بخش عید، درباره روزهای یادبود) ۱۲ رساله ۳. سدر ناشیم (بخش نسوان ، احکام زناشویی ) ۷ رساله ۴. سدر نزیقین (بخش زیانها، احکام اموال و زیان به نفوس ) ۱۰ رساله ۵. سدر قداشیم (بخش مقدسات ، مقدسات دین یهود) ۱۱ رساله ۶. سدر طهاروت (بخش طهارتها، احکام پاک و ناپاک ) ۱۲ رساله جمع: ۶۳ رساله تفسیر میشنا، گمارا نامیده می شود. این واژه به معنای تکمیل است و نویسندگان این تفاسیر ادعا می کردند مطالب آنان باقی مانده سخنان دانشمندان گذشته است که کتاب میشنا را تکمیل می کند. در گمارا نخست یک مقطع از عبارت میشنا نقل می شود و پس از آن به تفسیر و تحلیل و آوردن شواهدی برای آن مقطع می پردازند. دو نوع گمارا برای میشنا نوشته شده است : یکی گمارای فلسطینی به دست دانشمندان یهودی فلسطین و دیگری گمارای بابلی که مبسوطتر و جالب تر است و به دست گروهی از دانشمندان یهودی که در بابل مانده بودند، نوشته شده و از گمارای فلسطینی مفصل تر است . تلمود به اعتبار این دو گمارا دو گونه است : تلمود فلسطینی و تلمود بابلی . در تلمود به دو عنصر اساسی برخورد می کنیم : یکی هلاخا به معنای راه و روش که عبارت است از دستورهای دینی برای زندگی صحیح و دیگری اگادا به معنای روایت که عبارت است از داستانها و شواهدی از پیشوایان یهود یا بزرگان اقوام مختلف که به منظور تاءیید موضوع نقل می شود. مقدار زیادی از مطالب تلمود در کتب اسلامی پراکنده شده و برخی از مسلمانان تعدادی از آنها را بی چون و چرا پذیرفته اند و کسی به دنبال اصل و منشاء آنها نرفته است . این گونه روایات را اسرائیلیات می نامند. البته مطالب صحیحی نیز در تلمود یافت می شود که در پاره ای موارد با آیات و احادیث اسلامی مطابقت دارد. تلمود به عنوان دائرة المعارف پر محتوای یهودیت محافظت از این آیین را بر عهده داشته و منبع قوانین فقه یهود بوده است . مسیحیان به علت بدگویی این کتاب از حضرت عیسی مسیح (ع ) همواره با آن مخالف بوده اند. رهبران کلیسا در قرن ششم میلادی مخالفت خود را با آن اعلام کردند، ولی این کتاب تا قرنها مساءله ای نیافرید و جوامع یهودی مراقب بودند که احساسات مسیحیان را نسبت به آن تحریک نکنند. در سال ۱۲۳۹ م . یک یهودی که به مسیحیت روی آورده بود، پاپ را به سوزاندن آن کتاب تشویق کرد و تلمود سوزی را بنیاد نهاد. پس از آن تاریخ ، ارابه های پر از نسخه های تلمود به میدانهای شهر برده می شد و به کام آتش می رفت و یا برای استفاده از چرم آن به سازندگان کفش سپرده می شد. اکنون چند نسخه خطی از تلمد بابلی در کتابخانه های جهان یافت می شود و تنها نسخه کتابخانه شهر مونیخ در آلمان کامل است . اولین و معروفترین چاپ متن عبری تلمود به دست فردی به نام دانیال بومبرگ در شهر ونیز (ایتالیا) صورت گرفت (تلمود بابلی در سالهای ۳- ۱۵۲۰ و تلمود فلسطینی در سالهای ۴- ۱۵۲۳). تعداد صفحات تلمود بابلی در این چاپ ۵۸۹۴ صفحه است که در چاپهای مختلف رعایت می شود تا برای

ارجاع به آن کتاب عظیم مورد استفاده قرار گیرد. تلمود به برخی زبانهای اروپایی ترجمه و منتشر شده و ترجمه انگلیسی آن در ۱۸ جلد بزرگ در لندن به چاپ رسیده است . خلاصه ای از آن کتاب نیز به زبان فارسی ، به نام گنجینه ای از تلمود در سال ۱۳۵۰ ه .ش . در تهران انتشار یافته است .

## ۲۶- قبالا

عرفان (یا تصوف ) در ادیانگ واکنشی به شریعت و تعقل (فقه و فلسفه ) است . عرفان از ذوق بر می خیزد، قابل نفی یا اثبات نیست و با هنر رابطه ای تنگاتنگ دارد. عرفان همچون آتش لطیف است و هر چیز را به کام خود می کشد و به جلو می رود. ادیان هند و خاور دور سراسر عرفانی اند و در عصر ما با اندکی تبلیغ ، بسیاری از مردم آمریکا و اروپا را به سوی خود کشیده اند. عرفان و علوم اعلای یهودی قبالا- (یعنی مقبول ) نامیده می شود. عرفان یهودی مکتبی زایا و بارور است و در حیات معنوی بنی اسرائیل بسیار تاءثیر داشته و دارد. آثاری در این باب یافت می شود که از همه مهمتر کتابی است به نام زوهر (یعنی درخشان ). درباره مؤ لف واقعی این کتاب سخن بسیار است . در دانش قبالا پیرامون عرش الهی ، اسم اعظم ، حوادث آخر الزمان ، ظهور مسیحا، رجعت و قیامت بسیار بحث می شود. در این فن ، علم حروف نقش مهمی را بر عهده دارد.

## ۲۷- یهودیت در اروپا

یودیان در سرزمینهای اسلامی زندگی خوبی داشتند و شماری از آنان به مقامات اجتماعی بلندی نائل شدند. این در حالی بود که یهودیان مقیم کشورهای اروپایی مجبور بودند در اماکن خاصی به نام گتو (Ghetto) با ذلت تمام زندگی کنند. همچنین بسیار اتفاق می افتاد که مسیحیان آنان را به زور به آیین خود در می آوردند. این گونه افراد در ظاهر مسیحی می شدند، ولی در باطن یهودی می ماندند و تعبیر یهودیان مسیحی نما (Marranos) به چنین افرادی دلالت دارد که در اصطلاح یهودیان ایران ، آنوس خوانده می شوند. یهودیان اندلس در دوران فرمانروایی مسلمانان در آن سامان زندگی خوبی داشتند. هنگامی که به سال ۱۴۹۲ اندلس به طور کامل از دست مسلمانان خارج شد، یهودیان نیز از آن سرزمین تبعید شدند. آنان به کشورهای اسلامی شمال آفریقا روی آوردند، ولی تنها اندکی از ایشان در آن ورطه هولناک از چنگال دزدان دریایی و ناخدایان آزمند رهیده ، به ساحل امن و امان رسیدند و در دامان پر مهر اسلام قرار گرفتند. منش نیک و رفتار انسانی مسلمانان با بیگانگان زبانزد تاریخ نگاران یهودی و مسیحی است .

## ۲۸- یهودیت در عصر جدید

یهودیان اروپا بر اثر فشارهایی که برای آنان به وجود آمده بود، نمی توانستند بین مسیحیان و اقوام دیگر زندگی کنند و تبعیدهای پیاپی هر چه بیشتر آنان را به فکر وطن مستقل می انداخت . اندیشه پدید آوردن کشوری مستقل برای یهود سابقه ای طولانی دارد با این وصف ، زندگی میان ملتهای غیر یهودی از نظر اقتصادی برای عموم یهودیان بسیار بهتر بود و به همین دلیل ، پس از تاءسیس کشور اسرائیل ، یهودیان حاضر به مهاجرت به آن نبودند؛ از این رو، برای تشویق آنان به مهاجرت ، در تمامی سرزمینهای یهودی نشین اروپا و آسیا و آفریقا سازمانهایی به وجود آمد. دستگاههای تبلیغاتی اسرائیل نیز باغ سبزی را به یهودیان نشان می دادند. گروهی از یهود پس از مهاجرت ، به وطن قبلی بازگشتند و به برنامه های پیشین خود میان اقوام دیگر ادامه دادند.

## ۲۹- پیدایش صهیونیسم و تاءسیس دولت اسرائیل

یهودیت تبلیغ نـدارد، زیرا یهودیـان دین خود را نعمتی الهی می داننـد که مخصوص نژاد بنی اسـرائیل است . بـا این وصف هر گـاه کسـی بخواهـد یهودی شود بایـد ذلتهـای این قوم را به او تفهیم کرد تـا اگر مرد این میـدان نیست ، پـا در آن نگـذارد. (۲۹)تحمیل یهـودیت به نـدرت وجود داشـته است . (۳۰)یهودیـان معمولاـ مردم را به صـهیونیسم دعـوت می کننـد. در اواخر قرن نوزدهم گروه بزرگی از یهودیان روسـیه اخراج شدند. عده ای از آنان غرب اروپا ساکن شدند و گروهی هم به فلسطین رفتند و در مکانی نزدیک دریای مـدیترانه ساکن شدند و نام صـهیون را برای آنجا برگزیدند. فلسـطین در آن شـکوفایی دولت بنی اسـرائیل در عصـر داوود و سلیمـان (ع ) مرکز نظـامی بوده است . این نـام همواره یادآور اقتـدار آن قوم بوده و در کتابهای انبیای متاءخر بسـیار از آن یاد شـده است . در همان زمان ، یهودیان اروپا و روسـیه با نادیده گرفتن سـنت انتظار، برای کسب اسـتقلال و عزت برخاستند و صهیونیسم را بنیاد نهادند و به دنبال آن ، خطرناک دانسـتند و مسـلمانان را از همکاری با مهاجران بر حذر داشتند.(۳۱) مسلمانان هنگامی از عمق فاجعه آگاهی یافتند که راه چاره بسـته شده بود. اسـتکبار جهانی به سـرکردگی انگلستان و آمریکا به پشتیبانی همه جانبه برخاست . صهیونیسـتها با اتکا به آن حمایتها و با بهره برداری از ضـعف و زبونی رهبران کشورهای اسـلامی ، موقعیت خود را محکم کردند و وضـعی را پیش آورنـد که اکنون با تلخکامی شاهـد آن هستیم . در نیم قرنی که از تشـکیل رژیم صـهیونیستی می گـذرد، غاصـبان فلسـطین از هیـچ جنـایتی فروگـذار نکرده انـد و با شـیوه های گوناگون به گسترش سـلطه ظالمانه خود ادامه داده انـد. همچنین آنان قطعنامه ها و بیانیه های مجامع بین المللی را به چیزی نگرفته اند. کسانی هم که صـلح طلبی صهیونیسـتها را باور کرده اند، در اندک زمانی به دورویی و ناجوانمردی آنان پی برده اند.

## کتابنامه

۱. ترجمه تفسیری کتاب مقدس ، انگلستان ، انجمن بین المللی کتاب مقدس ، ۱۹۹۵. ۲. حکمت ، علی اصغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۳. رامیار، محمود، بخشـی از نبوت اسـرائیلی و مسیحی ، تهران . ۴. زرین کوب ، عبدالحسـین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سـروش ، ۱۳۷۵. ۵. کتاب مقدس ، لندن ، ۱۹۰۴. ۶. کهن ، ای .، گنجینه ای از تلمـود، تهران : ۱۳۵۰. ۷. گرینسـتون ، جولیوس ، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی ، قم : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ، ۱۳۷۷. ۸. مصـطفوی ، علی اصـغر، اسـطوره قربانی ، تهران : انتشارات بامداد، ۱۳۶۹. ۹. نـاس ، جـان بی .، تاریـخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصـغر حکمـت ، تهران : انتشـارات و آمـوزش انقلاـب اسـلامی ، ۱۳۷۰. ۱۰. هـاکس آمریکـایی ، قـاموس کتـاب مقـدس ، تهران : انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷. ۱۱. هیوم ، رابرت ای .، ادیان زنده جهان ، ترجمه عبدالرحیم گواهی ، تهران : دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی ، ۱۳۷۳. d.n, ۱۹۶۹. ۱۲. arbrry ,j.a (ed), the in religion east middle, cambridge university press, middlesex: england: ۱۳. epstein ,i (tr), the babylonian talmud, the soncino press: london, penguim books, ۱۹۷۴. ۱۴. epstein, isidor, judaism: a historical representation,

## ۸– مسیحیت

### ۱– عصر ظهور عیسی (ع )

حضـرت عیسـی مسـیح (ع ) در نقطه ای ازجهان متولـد شـد که به تازگی زیر سـلطه رومیان درآمـده بود و فلسـطین یکی از آخرین سرزمینهـایی بود که به دست رومیـان تسـخیر شـد. در آن عصـر، یهودیان به شـکل نامطلوبی زیر یوغ بیگانگان قرار د.....و فشار دولت روم غیر قابل تحمل بود. نهضـتهای بی فرجامی در گوشه و کنار فلسطین برخاست ، ولی بی رحمانه شکست خورد، ولی بعدا

شاگردان و پیروان او با عزمی استوار به نشر آیین وی پرداختند. این آیین بازماندگان نهضتهای پیشین را به خود جلب کرد.

## ۲- پیشگویی ظهور عیسی (ع)

در جهان چند مجموعه دینی یافت می شود؛ مثلا ادیان ابراهیمی یک مجموعه و ادیان هند و چین مجموعه دیگری یا تشکیل می دهند. هر دینی که متاءخر است ، ادعا می کند که ظهور آن در ادیان قبلی مجموعه خودش پیشگویی شده است . از این رو، مسیحیان از گذشته های دور در تلاش بوده اند پیشگویی ظهور حضرت عیسی (ع ) را در عهد عتیق یعنی کتاب یهودیان پیدا کنند. از آنجا که در هیچ جای کتاب عهد عتیق نام عیسی بن مریم (ع ) نیامده است ، مسیحیان برای نیل به این مقصود دست به تاءویلاتی زده اند تا پیشگوییهای دیگری را که در آن کتاب یافت می شود، به آن حضرت ربط دهند. این شیوه در انجیل متی فراوان است و به همین دلیل ، گفته می شود که انجیل متی برای ارشاد یهودیان نوشته شده است . مسیحیان مقدار زیادی از این پیشگوییها را به مصلوب شدن حضرت عیسی (ع ) مربوط می کنند که از دیدگاه قرآن کریم اشتباهی بیش نیست (نساء: ۱۵۷).

## ۳- سرگذشت عیسی (ع)

پیروان ادیان الهی به برکت اعتقادات دینی نسبت به وجود تاریخی فرستادگان خداوند از اطمینان و آرامش قلبی برخوردارند، ولی یکی از دغدغه های دانشمندان غیر متدین به وجود تاریخی انبیاء (ع ) مربوط می شود، مورخ بزرگ مغرب زمین ، ویل دورانت تاریخچه ۲۰۰ سال تشکیک پیرامون وجود تاریخی حضرت عیسی (ع ) را چنین گزارش می دهد: آیا عیسی وجومد داشته است ؟ آیا تاریخ زندگی بنیانگذار مسیحیت حاصل غم و اندوه مردم و تخیل و امید آنان و در واقع افسانه ای مانند افسانه های خدایان مشرکان نبوده است ؟ از مدتی پیش ، یعنی در قرن هجدهم ، به طور خصوصی درباره احتمال اسطوره بودن عیسی بحث می کردند. دانشمندی به نام ولنی در کتاب ویرانه های امپراطوری به سال ۱۷۹۰ همین شک را ابراز می داشت . هنگامی که ناپلئون در سال ۱۸۰۸ با یک نویسنده نامدار آلمانی به نام ویلند ملاقات کرد، درباره سیاست یا جنگ چیزی از او نپرسید، بلکه سؤ ال کرد آیا وی به تاریخی بودن عیسی معتقد است یا نه ؟(۳۲) به نقل متی و لوقا، عیسی در بیت لحم زاده شد. این شهر در هشت کیلومتری اورشلیم واقع شده است و حدود هزار سال قبل از میلاد، داوود پادشاه در آن به دنیا آمده و بزرگ شده بود. سال ولادت حضرت عیسی (ع ) او تقریبا آغاز تاریخ میلادی است ، ولی تعیین سال ولادت او به طور دقیق و قطعی ، دشوار می نماید و شاید چهار تا هشت سال قبل از مبداء تاریخ میلادی بوده است . مادرش ، مریم نامزد نجاری از شهر ناصره به نام یوسف بود. داستان تولد عیسی در آغاز هر یک از انجیلهای متی و لوقا آمده است . مرقس و یوحنا که این داستان را نیاورده اند، از بیت لحم حرفی نمی زنند و فقط به ناصره اشاره می کنند (مرقس ۱:۹ و یوحنا ۱:۴۵-۴۶، رک .:یوحنا ۷:۴۲). در انجیل متی می خوانیم : (۱۸) اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آنکه با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند (۱۹) و شوهرش یوسف چون که مردی صالح بود، نخواست او را عبرت نماید؛ پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند (۲۰) اما چون او در این چیزها تفکر می کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده گفت : (ای یوسف پسر داود از گرفتن زن خویش مریم مترس زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است (۲۱) و او پسری خواهد زائید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید.) (۲۲) و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد (۲۳) که اینک باکره آبستن شده ، پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است : خدا با ما (۲۴) پس چون یوسف از خواب بیدار شد چنان که فرشته خداوند بدو امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت (۲۵) و تا پسر نخستین خود را نزایید، او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد (متی ۱:۱۸-۲۵). پس از تولد، نام یشوع بر او نهاد و معنای آن

نجات خداست . یونانیان و رومیان آن را به یسوس ۸ تبدیل کردند و در زبان عربی عیسی شد. از احوال حضرت عیسی در دوره بلوغ و آغاز جوانیش در اناجیل و روایات رسمی چیزی مذکور نیست . اینکه در حدود سی سالگی برای دریافت تعمید نزد حضرت یحیی (ع ) رفت ، نشان می دهد که احتمالا وی پیش از آن با فرقه اسنی و زاهدان آشنا بوده است . در اناجیل ، ذکری از برادران و خواهران عیسی به میان آمده است . به عقیده مسیحیان کاتولیک و ارتدوکس ، مریم تا آخر عمر، باکره بود و در نتیجه ، محال است عیسی برادرانی به معنای دقیق کلمه داشته باشد. ایشان کلام انجیل را تاءویل می کنند. ولی مسیحیان پروتستان به تفسیر لفظی این عبارات گرایش دارند و می گویند: درست است که عیسی از مریم باکره به دنیا آمد، ولی مریم و یوسف نجار پس از تولد وی ، زندگی زناشویی طبیعی داشته اند و از این طریق ، فرزندانی برای ایشان به دنیا آمده اند. عبارتی از انجیل متی که قبلا گذشت ، این نظر را تاءیید می کند. قرآن مجید به برخی از معجزات عیسی در کودکی ، از قبیل زنده کردن پرنده هایی که از گل ساخته بود و سخن گفتن در گهواره ، اشاره می کند. این موارد در برخی انجیلهای اپوکریفایی آمده است .

## ۴- یحیای تعمید دهنده

اندکی پیش از برانگیخته شدن حضرت عیسی مسیح (ع )، حضرت یحیی بن زکریا (ع )، پیامبر جوان و پرآوازه بنی اسرائیل در سرزمین یهودیه قیام کرد و به موعظه مردم پرداخت . این پیامبر به مردم می گفت : (توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است ) (متی ۳:۲، ۱:۴، لوقا ۳:۳). از دیدگاه بنی اسرائیل ، ملکوت آسمان گونه ای حکومت الهی بود که آرمان مقدس آنان به شمار می رفت . به همین دلیل (به گفته اناجیل در موارد مختلف ) یحیای تعمید دهنده در دعوت خود موفقیت چشمگیری به دست آورد و تاءثیر عمیقی بر مردم گذاشت به طوری که همه طبقات اجتماعی ، گروه گروه ، نزد او می آمدند و توبه می کردند و وی آنان را غسل تعمید می داد. اندک اندک حضرت یحیی با هیرودیس تیتراخ ، پادشاه فاسد و ستمگر ایالت جلیل به مخالفت برخاست و پس از چندی به فرمان وی سر او را در زندان بریدند (متی ۱۴:۱-۱۲، مرقس ۶:۱۴-۲۹، لوقا ۹:۷-۹). هنگامی که حضرت عیسی خبر دستگیری حضرت یحیی را شنید، شهر خود، ناصره را ترک کرد و به شهر کفرناحوم در کنار دریاچه جلیل آمد. (۲۳) و عیسی در تمام جلیل می گشت و در کنایس ایشان تعلیم داده ، به بشارت ملکوت موعظه همی نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا می داد (۲۴) و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند و ایشان را شفا بخشید (۲۵) و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اردن در عقب او روانه شدند (متی ۴:۲۳-۲۵، مرقس ۱:۱۴-۱۵، لوقا ۴:۱۴-۱۵) حضرت عیسی (ع ) نیز مانند حضرت یحیی (ع ) تا زمانی که به عنوان یک پیامبر در مورد نزدیک شدن ملکوت آسمان پیشگویی می کرد، مشکلی با مردم نداشت و پذیرش پیام امو چشمگیر بود. بسیاری از کسانی که به آن حضرت ایمان می آوردند، یقین داشتند که وی به زودی پادشاه یک آرمانشهر خدایی خواهد شد. رهبران یهود هنگامی با حضرت عیسی به مخالفت برخاستند که مشاهده کردند وی آرزوی آنان برای قیام یک مسیح فاتح را برنمی آورد و از سوی دیگر او بر ضد ناهنجاریهای اخلاقی و رفتارهای ناپسند آنان به ستیز برخاسته است .عیسی مسیح (ع ) به تکرار، حضرت یحیی (ع ) را ستوده و در گفتگو با مخالفان خود با استناد به سیرت پسندیده آن پیامبر از نام نیک وی بهره برده است (متی ۲۱:۲۳-۲۷، مرقس ۱۱:۲۷-۳۳، لوقا ۲۰:۱-۸).

## ۵- قیام عیسی (ع )

حضرت عیسی (ع ) دنباله کار حضرت یحیی (ع ) را گرفت و به مژده فرارسیدن ملکوت خداوند آغاز کرد. وی ارشاد و رهبری مؤ منان و شاگردان را بر عهده گرفت و در کنیسه های نواحی مجاور به ایراد موعظه پرداخت . لوقا می گوید: به جلیل برگشت و در

کنیسه ها به موعظه پرداخت : روح خداوند بر من است زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کوبیدگان را آزاد سازم (لوقا ۴:۱۸). هنگامی که عیسی به سی سالگی رسید، به بشارت دادن آغاز کرد. تعلیم اساسی وی دو بخش داشت : ۱. توبه کنید؛ یعنی از گناه دست بردارید و به سوی خدا برگردید؛ ۲. ولایت و سرپرستی خدا (ملکوت آسمان ) را بر زندگی خود پذیرا شوید. عیسی ، علاوه بر وعظ و تعلیم ، امور زیر را انجام می داد: ۱. اجرای معجزات و شفای بیماران به قدرت خدا؛ ۲. جنگ با شیاطین و دیوان و راندن آنها؛ ۳. بخشودن گناهان به نام خدا؛ ۴. تسلی دادن بیماران ، ماتمیان و بینوایان ؛ ۵. همنشینی با گناهکاران ؛ ۶. انتقاد شدید از بزرگان یهود و علمای شریعت ؛ ۷. پیشگویی یک گرفتاری جهانی که در آن پیروزی از آن خدا خواهد بود؛ ۸. بنیانگذاری گروهی از شاگردان که مانند او سلوک کنند و پیام او را به دیگران ابلاغ نمایند. این گروه از دوازده شاگرد و سایر رسولان تشکیل شد.

## ۶- عیسای انقلابی

### توضیح

با مطالعه اناجیل به آسانی می توان دریافت که حضرت عیسی (ع ) یک فرد انقلابی بوده و برای پیروز کردن ستمدیدگان بر ستمکاران تلاش می کرده است . البته نباید فراموش کرد که مسیحیان تقریبا از همان آغاز، پیوسته می گفتند که هدف وی مسائلی ملکوتی بوده و کشته شدن او برای کفاره شدن گناهان بشر اتفاق افتاده است . این دیدگاه با اناجیل هماهنگی زیادی ندارد، ولی با نوشته های پولس موافق است . اینک نمونه هایی از کارهای انقلابی و سیاسی وی :

### ۶-۱- نفوذ در تشکیلات دشمن

حضرت عیسی مسیح (ع ) با آنکه بارها از پیروان خود خواسته بود خود را با او نزد مردم آشکار کنند، باز هم در مسیر اهداف والای رسالت به یک تن از شاگردان خویش اجازه داد تا به طور ناشناس در شورای یهود (سنهدرین ) شرکت کند. گر چه کسی نمی داند نقش این شاگرد که انکار ظاهری حضرت مسیح (ع ) را ایجاب می کرده است چه بوده ، اما طبیعی به نظر می رسد که او توطئه های شورا و خیانت یهودای اسخریوطی را به آن حضرت گزارش داده باشد. سرانجام هنگامی که عیسی مسیح (ع ) در ظاهر دستگیر و مصلوب شد، در آن شرایط هراس انگیز که همه شاگردان از ترس گریخته بودند، او نزد حاکم رفت و به ظاهر جسد عیسی مسیح (ع ) را از وی تحویل گرفت و آن را با تحلیل زیاد به خاک سپرد. انجیل نویسان او را این گونه معرفی کرده اند: شخص دولتمند از اهل رامه ، یوسف نام که او نیز از شاگردان عیسی بود (متی ۲۷:۵۷-۶۰). یوسف نامی از اهل رامه که مردی شریف از اعضای شورا و نیز منتظر ملکوت خدا بود (مرقس ۱۵:۴۳). یوسف نامی از اهل شورا که مردی نیکو و صالح بود که در راءی و عمل ایشان مشارکت نداشت و از اهل رامه ، بلدی از بلاد یهود بود و انتظار ملکوت خدا را می کشید (لوقا ۲۳:۵۰-۵۳). یوسف که از اهل رامه و شاگرد عیسی بود، لیکن مخفی به سبب ترس یهود (یوحنا ۱۹:۳۸).

### ۶-۲- تعمید در خون

حضرت مسیح (ع ) در گفتاری شوق آمیز واژه مقدس تعمید را برای بیان آرزوی شهادت در راه خدا - که تعمید در خون است - به کار می برد (مانند وضوی خون در ادبیات اسلامی ). همچنین در مرقس ۱۰:۳۸-۳۹، تعمید به معنای شهادت آمده است . در اناجیل ، علاوه بر تعمید با آب ، تعمید با آتش و روح القدس نیز به چشم می خورد (متی ۲:۱۱، مرقس ۱:۸، لوقا ۳:۱۶). تعبیر صبغهٔ

الله در قرآن کریم (بقره ۱۳۸) نیز به نظر گروهی از مفسران به معنای تعمید الهی است . (۴۹) من آمده ام تا آتشی در زمین افروزم ، پس چه می خواهم اگر الآن در گرفته است (۵۰) اما مرا تعمیدی است که بیابم و چه بسیار در تنگی هستم تا وقتی که آن به سر آید (۵۱) آیا گمان می برید که من آمده ام تا سلامتی بر زمین بخشم ، نی بلکه به شما می گویم تفریق را (۵۲) زیرا بعد از این پنج نفر که در یک خانه باشند، دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد (۵۳) پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر و دختر از مادر و خارسو از عروس و عروس از خارسو مفارقت خواهند نمود (لوقا ۱۲:۴۹-۵۳).

### ۶-۳- صلیب شهادت

مسیحیان به نشانه مصلوب شدن عیسی مسیح (ع ) در راه گناهان بشر نشان صلیبی به گردن می آویزند. حضرت عیسی بارها به تاءکید گفته است که پیرو واقعی او کسی است که صلیب خود را بردارد وبه دنبال او برود. از این سخن می توان به روشنی دریافت که سابقه آویختن نشان صلیب به دوران زندگی آن حضرت باز می گردد و نباید آن را نشانه مصلوب شدن او دانست . این سنت باید به (انکار خویشتن ) و اعلام آمادگی برای شهادت در راه خدا تفسیر شود. همان گونه که مردم ایران در تظاهرات انقلاب اسلامی به نشانه آمادگی برای شهادت در راه خدا کفن می پوشیدند. همچنین دعبل بن علی خزاعی شاعر اهل بیت (ع )، در اشاره به جانبازیهای خود، گفته است : (من پنجاه سال است که چوبه دارم را بر دوش دارم ، اما تاکنون کسی را نیافته ام که مرا بر آن بیاویزد.)(۳۳) (۲۵) و هنگامی که جمعی کثیر همراه او می رفتند روی گردانیده بدیشان گفت : (اگر کسی نزد من آید و پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران ، حتی جان خود را نیز دشمن ندارد، شاگرد من نمی تواند بود (۲۷) و هر که صلیب خود را برندارد و از عقب من نیاید نمی تواند شاگرد من گردد.) (لوقا ۱۴:۲۵-۲۷). (۳۴) پس مردم را با شاگردان خود خوانده گفت : (هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته مرا متابعت نماید (۳۵) زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به جهت من و انجیل بر باد دهد، آن را برهاند.) (مرقس ۸:۳۴-۳۵، متی ۱۰:۳۷-۳۹ و ۱۶:۲۴-۲۶ ، لوقا ۹:۲۳-۲۵)

### ۶-۴- شمشیر به جای سلامت

مردم آسایش طلب تصور نادرستی از مسیحای موعود داشتند. حضرت عیسی مسیح (ع ) به منظور تصحیح اندیشه های آنان ، هدف رسالت خویش را به روشنی اعلام کرد: (۳۴) گمان مبرید که آمده ام تا سلامتی بر زمین بگذارم ؛ نیامده ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را (۳۵) زیرا که آمده ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم (۳۶) و دشمنان شخص اهل خانه او خواهند بود (متی ۱۰:۳۴-۳۶).

### ۶-۵- دعوت به دفاع مسلحانه

هنگامی که تعقیب و دستگیری حضرت مسیح (ع ) قطعی و نزدیک شد و دانست که با وی همچون یک مجرم رفتار خواهند کرد، برای دفاع مسلحانه آخرین تلاش خود را کرد، اما پاسخ مساعدی نشنید: (۳۶) پس به ایشان گفت : (...کسی که شمشیر ندارد جامه خود را فروخته ، آن را بخرد (۳۷) زیرا به شما می گویم که این نوشته (یعنی پیشگویی ) در من باید به انجام رسد یعنی با گناهکاران محسوب شد زیرا هر چه در خصوص من است انقضا دارد (یعنی واقع می شود).) (۳۸) گفتند: (ای خداوند اینک دو شمشیر.) به ایشان گفت : (کافی است .) (لوقا ۲۲:۳۶-۳۸). از آنجا که یاران عیسی به سبب تصور نادرست خود از مسیحای موعود برای او خطری احساس نمی کردند، فرمان مؤکد وی را برای خریدن شمشیر جدی نگرفتند. اما هنگامی که (جمعی کثیر با

شمشیرها و چوبها) به او هجوم آوردند، آنان هم به اهمیت حمل سلاح پی می بردند. ولی به علت فقدان آمادگی قبلی ، استفاده از شمشیر در آن وضعیت بحرانی بی نتیجه بود و موجب قصاص می گردید. از این رو، حضرت مسیح (ع ) در آن شرایط آنان را از این کار منع کرد:(۳۴) (۵۱) ناگاه یکی از همراهان عیسی (یعنی شمعون پطرس ) دست آورده ، شمشیر خود را از غلاف کشیده ، بر غلام رئیس کهنه زد و گوشش را از تن جدا کرد (۵۲) آنگاه عیسی وی را گفت : (شمشیر خود را غلاف کن زیرا هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک شود.) (متی ۲۶:۵۱-۵۲، مرقس ۱۴:۴۷، لوقا ۲۲:۵۰-۵۱، یوحنا ۱۸:۱۰-۱۱).

### ۶-۶- تحقیر پادشاه

حضرت عیسی مسیح (ع ) هیرود پادشاه منطقه جلیل را روباه نامید و از ستمگری و سنگدلی او که قاتل حضرت یحیی (ع ) بود، هیچ باک و پروایی نداشت : (۳۱) در همان روز چند نفر از فریسیان آمده ، به وی گفتند: (دور شو و از اینجا برو زیرا که هیرودیس می خواهد تو را به قتل رساند.) (۳۲) ایشان را گفت : (بروید و به آن روباه گویید اینک امروز و فردا دیوها را (از دیوانگان ) بیرون می کنم و مریضان را صحت می بخشم و در روز سیم (در انجام وظیفه ) کامل خواهم شد (۳۳) لیکن می باید امروز و فردا و پس فردا (برای انجام رسالت ) راه می روم زیرا که محال است نبیی بیرون از اورشلیم کشته شود.) (لوقا ۱۳:۳۱-۳۳). برخورد حضرت مسیح (ع ) با پادشاه ایالت جلیل چنین بود. ولی پس از وی پولس اطاعت از فرمانروایان را توصیه کرد: (۱) هر شخص مطیع قدرتهای برتر بشود زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است (۲) حتی هر که با قدرت مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد و هر که مقاومت کند، بر خود آورد (۳) زیرا از حکام عمل نیکو را خوفی نیست ، بلکه عمل بد را. پس اگر می خواهی که از آن قدرت ترسان نشوی ، نیکویی کن که از او تحسین خواهی یافت (۴) زیرا خادم خداست برای تو به نیکویی ، لیکن هرگاه بدی کنی بترس ؛ چون که شمشیر را عبث برنمی دارد؛ زیرا او خادم خداست وبا غضب ، انتقام از بدکاران می کشد (۵) لهذا لازم است که مطیع او شوی نه به سبب غضب فقط به سبب ضمیر خود نیز (۶) زیرا که به این سبب باج نیز می دهید؛ چون که خدام خدا و مواظب در همین امر هستند (۷) پس حق هر کس را به او ادا کنید: باج را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت (رساله پولس رسول به رومیان ۱۳:۱-۷).

### ۶-۷- خدا و قیصر

گفته می شود که در اناجیل آمده است : (کار قیصر را به قیصر واگذارید و کار خدا را به خدا.) باید دانست که (اولا) عبارت مذکور در اناجیل به این شکل است : (مال قیصر را به قیصر رد کنید و مال خدا را به خدا)، (ثانیا) این سخن به چیزی دلالت نمی کند، زیرا حضرت مسیح (ع ) هنگام گفتن آن در شرایط تقیه بوده است : (۲۰) و مراقب او بوده ، جاسوسان فرستادند که خود را صالح می نمودند تا سخنی از او گرفته ، او را به حکم و قدرت والی بسپارند (۲۱) پس از او سؤ ال نموده گفتند: (ای استاد می دانیم که تو را به راستی سخن می رانی و تعلیم می دهی و از کسی روداری نمی کنی ، بلکه طریق خدا را به صدق می آموزی (۲۲) آیا بر ما جایز هست که جزیه به قیصر بدهیم یا نه ؟ (۲۳) او چون مکر ایشان را درک کرد بدیشان گفت : (مرا برای چه امتحان می کنید؟) (۲۴) دیناری به من نشان دهید (آنان دیناری را نزد او آوردند و او پرسید) صورت و رقمش از کیست ؟) ایشان در جواب گفتند: (از قیصر است .) (۲۵) او به ایشان گفت : (پس مال قیصر را به قیصر رد کنید و مال خدا را به خدا.) (۲۶) پس چون نتوانستند او را به سخنی در نظر مردم ملزم سازند، از جواب او در عجب شده ، ساکت ماندند (لوقا ۲۰:۲۰-۲۶، متی ۲۲:۱۵-۲۲، مرقس ۱۲:۱۳-۱۷).

### ۶-۸- ستیز با دین به دنیا فروشان

حضرت عیسی مسیح (ع ) رهبران دینی خودپسند، ریاکار و دنیاپرست را به شدت سرزنش می کرد. همین امر آنان را برانگیخت تا برای نابودی آن حضرت توطئه و اقدام کنند. برخی از سخنان او در این باب چنین است : (...(۱۳) وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می بندید زیرا خود داخل آن نمی شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می شوید (۱۴) وای بر شماای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه های بیوه زنان را می بلعید و از روی ریا نماز را طویل می کنید؛ از آن رو عذاب شدیدتر خواهید یافت (۱۵) وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا که بر و بحر را می گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست تر از خود پسر جهنم می سازید...(۲۹) وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیا را بنا می کنید و مدفنهای صادقان را زینت می دهید (۳۰) و می گویید اگر در ایام پدران خود می بودیم ، در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی شدیم (۳۱) پس برخود شهادت می دهید که فرزندان قاتلان انبیا هستید، پس شما پیمانه پدران خود را لبریز کنید (۳۳) ای ماران و افعی زادگان چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد...) (متی ۲۳:۱-۳۶، لوقا ۱۱:۳۹-۵۴).

### ۶-۹- نمایش قدرت

حضرت عیسی مسیح (ع ) گفت : (۲۷) (زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد (۲۸) هر آینه به شما می گویم که بعضی در اینجا حاضرند که تا پسر انسان را نبینند که در ملکوت خود می آید ذائقه موت را نخواهند چشید.) (متی ۱۶:۲۷-۲۸، مرقس ۹:۱، لوقا ۹:۲۶-۲۷). سرانجام آن حضرت در واپسین روزهای زندگی خود در میان استقبال پرشور منتظران ملکوت آسمانی در حالی که بر کوه الاغی سوار بود وارد شهر قدس شد. از جمله شعارهایی که در آن جمع به گوش می رسید، این بود: (مبارک باد پادشاه اسرائیل که به اسم خداوند می آید.) (۳۹) آنگاه بعضی از فریسیان از میان بدو گفتند: (ای استاد شاگردان خود را نهیب نما.) (۴۰) او در جواب ایشان گفت : (به شما می گویم اگر اینها ساکت شوند هر آینه سنگها به صدا آیند.) (لوقا ۱۹:۳۹-۴۰). وی با شکوه و جلال فراوان به معبد پا نهاد و آن مکان مقدس را از کسانی که به خرید و فروش مشغول بودند، پاکسازی کرد. شاید برخی مردم انتظار داشتند مسیحای موعود بر اسب سوار شود و تخت پادشاهان ستمکار را واژگون سازد، اما تنها کاری که حضرت عیسی مسیح (ع ) در آن شرایط انجام داد این بود که بر کره الاغی عاریتی سوار شد و پس از ورود به معبد، (تختهای صرافان و کرسیهای کبوتر فروشان را واژگون ساخت ) (متی ۲۱، مرقس ۱۱، لوقا ۱۹ و یوحنا ۱۲). در واقع حضرت مسیح (ع ) با کار خود جامعه بنی اسرائیل را آزمایش کرد و پس از مشاهده مخالفت آشکار فریسیان با اقدامات اصلاحی او در معبد، دانست که شرایط برای انقلاب فراهم نیست . از این رو، پس از عتاب فراوان ، شهر قدس را مخاطب قرار داد و گفت : (۳۷) (ای اورشلیم ، اورشلیم ، قاتل انبیا و سنگسار کننده مرسلان خود، چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم ، مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال خود جمع می کند و نخواستید (۳۸) اینک خانه شما برای شما ویران گذارده می شود (۳۹) زیرا به شما می گویم از این پس مرا نخواهید دید تا بگویید مبارک است او که به نام خداوند می آید.) (متی ۲۳:۳۷-۳۹، لوقا ۱۳:۳۴-۳۵).

### ۶-۱۰- تکمیل تورات

حضرت عیسی مسیح (ع ) در موعظه بر روی کوه ، رسالت خود را چنین شرح داد: (۱۷) گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم ، نیامده ام تا باطل بنمایم ، بلکه تا تمام کنم (۱۸) زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل

نشود همزه ای با نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا همه واقع شود (۱۹) پس هر که یکی از این احکام کوچکترین (یعنی جزئی ترین حکم تورات ) را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده خواهد شد؛ اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خواندهم خواهد شد...(۳۸) شنیده اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی (۳۹) لیکن من به شما می گویم با شریر مقاومت مکنید، بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز به سوی او بگردان ...) (متی ۵:۱۷-۴۸). برخی از افراد عبارت فوق را به معنای تسلیم در برابر ستمکاران و پذیرش ستم آنان دانسته اند، اما می توان گفت که این سخن یک توصیه اخلاقی مبالغه آمیز است و تنها به عفو و بخشایش در امور شخصی دلالت می کند. دستورهای اکید و فراوانی مانند آن ، مبنی بر صبر و عفو بدکاران و سلام دادن به افراد بی فرهنگ و بزرگواری ورزیدن برابر ناهنجاریهای ایشان در قرآن مجید و احادیث اسلامی یافت می شود و سیره اولیای الهی بر آن گواهی می دهد.(۳۵) حضرت امیرالمؤ منین علی (ع ) یکی از صفات پسندیده انسان تقواپیشه را این می داند که از کسی که به او ستم روا داشته ، گذشت می کند: (یعفو عمن ظلمه و یعطی من حرمه و یصل من قطعه .) (۳۶) همچنین آن حضرت در نامه به امام حسن مجتبی (ع ) به اموری از این قبیل سفارش می کند و می افزاید: (نباید این دستور العمل را در غیر مورد آن ، یا نسبت به کسی که شایسته آن نیست ، اجرا کرد.) (۳۷) در روایتی نیز می خوانیم که امام جعفر صادق (ع ) همین عبارت مربوط به طپانچه زدن را به حضرت مسیح (ع ) است . (۳۸)در موردی دیگر از انجیل می خوانیم : (۲۱) آنگاه پطرس نزد او آمده ، گفت : (خداوندا چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می باید او را آمرزید آیا تا هفت مرتبه ؟) (۲۲) عیسی بدو گفت : (تو را نمی گویم تا هفت مرتبه ، بلکه تا هفتاد هفت (۷۰*۷) مرتبه ) (متی ۱۸:۲۱-۲۲، لوقا ۱۷:۳-۴). به گفته یوحنا، هنگامی که حضرت عیسی مسیح (ع ) را دستگیر کردند، یکی از دشمنان به او طپانچه زد. آن حضرت فورا اعتراض کرد و گفت : (برای چه می زنی ؟) (یوحنا ۱۸:۲۲-۲۳). همچنین ، با آنکه حضرت مسیح (ع ) عدم مقاومت در برابر شریر را توصیه کرده ، شاگردان و پیروان وی این سفارش را مربوط به امور شخصی می دانستند و در برابر زورگویان کاملا مقاومت می کردند (شرح این مقاومتها در کتاب اعمال رسولان آمده است ). آنان برای اینکه بتوانند در برابر پادشاهان و دشمنان دین ایستادگی کنند به درگاه الهی چنین دعا کردند: (۲۴) (خداوندا، تو آن خدا هستی که آسمان و زمین و دریا و آنچه را در آنهاست آفریدی ... (۲۷) زیرا که فی الواقع بر بنده قدوس تو عیسی که او را مسح کردی ، هیرودیس و پنطیوس پیلاطس با امتها و قومهای اسرائیل با هم جمع شدند (۲۸) تا آنچه را که دست و راءی تو از قبل مقدر فرموده بود، بجا آورند (۲۹) الآن ای خداوند به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گویند.) (اعمال رسولان ۴:۲۴-۲۹). هنگامی که بزرگان یهود دیدند تعالیم عیسی منافع آنان را مورد تهدید قرار می دهد، برای کشتن او توطئه کردند. یکی از شاگردان او به نام یهودای اسخریوطی به وی خیانت کرد. آنگاه عیسی که به اتهام توطئه براندازی حکومت استعماری روم ، تحت تعقیب قرار گرفته بود، به مقامات رومی سپرده شد. به نوشته اناجیل ، وی در آخرین شب زندگی ، عشای ربانی را با شاگردان خود صرف نظر کرد. پس از شام آخر، مقامات رومی او را دستگیر کردند و به محکمه بردند و در آنجا به اعدام محکوم شد. طبق تعلیم اناجیل ، عیسی مصلوب شد، روی صلیب مرد و او را دفن کردند. پس از سه روز، خدا او را از مرگ برخیزاند. وی چندین بار برای شاگردان خود ظاهر شد، سپس به آسمان رفت . در روز عید گلریزان (پنحاهه ، پنطیکاست ) روح القدس در رسولان حلول کرد و پس از ایشان جماعتی را پدید آورد که در طی قرون و اعصار، رسالت عیسی (ع ) را به دوش داشتند و چون او عمل می کردند.

## ۷. رسولان

حضرت عیسی مسیح (ع ) در آغاز قیام خویش ، یارانی را برگزید تا به نشر دعوت وی کمک کنند. این موضوع در پایان سوره

صف آمـده است و در اناجیـل می خوانیم : (۱۸) و چون عیسـی به کناره دریای جلیل می خرامید، دو برادر یعنی شـمعون مسـمی به (پطرس ) و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می اندازد؛ زیرا صیاد بودند (۱۹) بدیشان گفت : (از عقب من آیید تا شما را صیـاد مردم گردانم ) (۲۰) در سـاعت دامهـا را گـذارده ، از عقب او روانه شدنـد (مـتی ۴:۱۸–۲۰؛ مرقس ۱:۱۶–۱۸). این یـاران را معمولاـ (شـاگردان ) عیسـی می نامنـد. او دوازده تن از آنـان را برگزیـد و آنان را (رسول ) نامیـد (لوقا ۶:۱۳). قرآن مجیـد رسولان حضرت عیسی (ع ) را (حواری ) می نامد که در زبان حبشی به همین معنی است . او می خواست هنگامی که پیروزمندانه بر کرسی جلاـل می نشـیند، آنـان نیز بر دوازده کرسـی بنشـیند و بر دوازده بسـط بنی اسـرائیل داوری کننـد (مـتی ۱۹:۲۸). نـام دوازده رسول حضـرت عیسی (ع ) در اناجیل (متی ۱۰:۲–۴؛ مرقس ۳:۱۶–۱۹؛ لوقا ۶:۱۴–۱۶؛ اعمال رسولان ۱:۱۳) از ایـن قرار است . ۱. شمعون (پطرس )؛ ۲. اندریاس (برادر پطرس )؛ ۳. یعقوب (پسر زجبدی )؛ ۴. یوحنا (برادر یعقوب )؛ ۵. فیلیپس ؛ ۶. برتولما؛ ۷. توما؛ ۸. متی ؛ ۹. یعقوب (پسر حلفی )؛ ۱۰. تدی (به گفته لوقا: یهودا برادر یعقوب )؛ ۱۱. شمعون غیور؛ ۱۲. یهودای اسخریوطی . به گفته اناجیل ، همـان طور که عیسـی پیشـگویی کرده بود، همه رسولاـن در مورد او لغزش خوردنـد و هنگام دسـتگیری وی ، او را رها کردنـد و گریختند. یهودای اسخریوطی نیز قبلا با مراجعه به بزرگان یهود، برای کمک به دستگیری عیسی اعلام امادگی کرده بود و به همین منظور، وی را به آنان نشان داد و در مقابل آن پولی گرفت . پس از رفتن حضـرت عیسی ، یازده رسول دیگر با انتخاب فردی به نام (مقیاس )به جای یهودای اسـخریوطی ، عدد دوازده را کامل کردند (اعمال رسولان ۱:۱۵ – ۲۶). بزرگترین رسول شمعون است که حضرت عیسی (ع ) وی را (پطرس )یعنی (صخره )نامید و او را سنگ زیر بنای کلیسا یعنی جامعه مسیحیت قرار داد: (۱۸) (و من نیز تـو را می گـویم که تـویی پطرس وبر این صـخره ، کلیسـای خود را بنـا می کنم و ابواب جهنم بر آن استیلاـ نخواهـد یـافت (۱۸) و کلیدهای ملکوت آسـمان را به تو می سـپارم و آنچه در زمین ببندی ، در آسـمان بسـته گردد و آنچه در زمین گشایی ، در آسـمان کشاده شود.)(متی ۱۶: ۱۸ – ۱۹؛ ۲۱: ۱۵ – ۱۹). یوحنا در خردسالی رسول شده (یوحنا ۱۳:۲۳ – ۲۵ و ۲۱: ۲۰) و به عقیده مسیحیان ، انجیل خود را در سن پیری ، در پایان قرن اول نوشته است . متای رسول نیز یکی از اناجیل را نوشته است . همچنین برخی از رساله های عهد جدید به پطرس یوحنا و رسولان دیگر منسوب شده است . چندین انجیل و رساله اپوکریفایی را به رسولان نسبت داده اند و بعضـی از جوامع مسـیحی سابقه کلیسای خود را به برخی از رسولان می رسانند. با آنکه حضرت عیسی (ع ) پطرس را به جانشینی خود برگزیـده بود، رسول دیگری به نـام (پولس )عملاـ موقعیت بهتری پیـدا کرد و معمار مسـیحیت کنونی شـد. نام این شـخص در آغاز، (شاؤ ول )بود که از نامهای عبری است و تلفظ یونانی آن (سـتولس )می شود .او پس از قبول مسیحیت ، نام خود با به (پولس ) تغییر داد که ترجمه یونانی واژه (شاؤ ول )و به معنای (کوچک )است . وی با آنکه یک یهود متعصب بود، تابعیت رومی داشت و پس از رفتن حضـرت عیسـی (ع )، به آزار مسـیحیان مشـغول بود تا اینکه مدعی شد هنگامی که برای دسـتگیری برخی مسـیحیان از شهر قدس به دمشق می رفته است ، نور عیسی را در راه دیده و به دستور او مسیحی شده است (اعمال رسولان ۹: ۱ – ۳۱). پولس با شور و نشاط فراوان به تبلیغ مسـیحیت آغاز کرد و در این راه بسـیار رنج کشید. او که مدعی رسالت از جانب حضرت مسیح بود، به مناطق مختلف سـفر کرد و مسیحیت را به اطراف دریای مدیترانه گسترش داد. رساله هایی نیز به تازه مسیحیان آن مناطق نوشت و به آنان رهنمود داد. برخی از این رساله ها در کتاب عهد جدید گرد آمده است . اندیشه های تازه پولس میان رسولان تنش می آفرید و درگیریهای وی با پطرس و سایر رسولان ، در کتاب اعمال رسولان و رساله های خود او منعکس شـده است . وی می نویسد: (اما چون پطرس به انطـاکیه آمـد، او را روبرو مخـالفت نمودم ؛ زیرا که مسـتوجب ملامت بود.)(رساله به غلاطیان ۲: ۱۱). پولس هنگام برشـمردن فضائـل خـویش و خطرهـایی که در راه تبلیغ مسـیحیت بر خـود هموار کرده است ، به (برادران کـذبه )اشـاره می کنـد و مقصود او رسولانی است که با اندیشه های او مخالفت می کرده اند: (۲۲) آیا عبرانی هستند، من نیز هستم . اسرائیلی هستند، من نیز هستم . از ذریت ابراهیم هستند، من نیز می باشم (۲۳) آیا خدام مسیح هستند، چون دیوانه حرف می زنم من بیشتر هستم . در محنتها

افزونتر، در تازیانه ها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرر (۲۴) از یهودیان پنج مرتبه ، از چهل یک کم ، تازیانه خوردم (۲۵) سه مرتبه مرا چوب زدند، یک دفعه سنگسار شدم ، سه کرت شکسته کشتی شدم ، شبانه روزی در دریا به سر بردم (۲۶) در سفرها بارها، در خطرهای نهرها، در خطرهای دزدان ، در خطرهای از قوم خود، در خطرها از امتها، در خطرها در شهر، در خطرها در بیابان ، در خطرها در دریا، در خطرها در میان برادران کذبه (۲۷) در محنت و مشقت ، در بیخوابیها بارها، در گرسنگی و تشنگی ، در روزها بارها، در سرما و عریانی (۲۸) بدون آنچه علاوه بر اینهاست ، آن باری که هر روزه بر من است یعنی اندیشه برای همه کلیساها (۲۹) کیست ضعیف که من ضعیف نمی شوم ؟ که لغزش می خورد که من نمی سوزم (۳۰) اگر فخر می باید کرد، آنچه به ضعف من تعلق دارد، فخر می کنم (۳۱) خدا و پدر عیسی مسیح مسیح خداوند که تا به ابد متبارک است ، می داند که دروغ نمی گوید (۳۲) در دمشق ، والی حارث پادشاه ، شهر دمشقیان را برای گرفتن من محافظت می نمود (۳۳) و مرا از دریچه ای در زنبیلی از باره قلعه پایین کردند و از دستهای وی رستم (رساله دوم به قرنتیان ۱۱: ۲۲ – ۳۳). گفته می شود که پولس در حدود سالهای ۶۴ – ۶۷ در رم درگذشته است . از نظر مسیحیان جمعی از رسولان مانند پطرس و پولس شهید شده اند. آرامگاه پطرس در تپه واتیکان شهر رم بسیار اهمیت دارد و از دیر باز مرکز مسیحیت کاتولیک بوده است . کلیسای (سنت پیتر)و کاخها و باغهای اطراف آن از زیباترین آثار هنری جهان است . در کتابهای تاریخی مستقل هیچ چیز درباره رسولان یافت نمی شود.

## ۸– پایه گذاری کلیسا

هر یک از چهار انجیل زندگینامه و مقداری از سخنان حضرت عیسی (علیه السلام ) را می آوردند، ولی عمده اهتام آنها به پیام رسانی آن حضرت مربوط می شود. همچنین داستان مصلوب شدن وی در پایان هر چهار انجیل آمده است . به طوری که از اناجیل به دست می آید، آن حضرت زاهدی پرشور بود که برای اصلاح جامعه پوسیده و فرسوده فلسطین در عصر خود برنامه گسترده ای داشت و برای اجرای آن نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد، ولی موفقیت وی در آن زمان بسیار ناچیز بود. اما به خاطر پایه گذاری کلیسا یعنی جامعه مسیحی که از چند شاگرد تشکیل شده بود، پس از رفتن وی و با گذشت سالیان دراز،اندک اندک دینی که به وی منسوب بود، پاگرفت . از نظر تاریخ نگاران نقش پولس که پس از وی مسیحی شد، در ترویج مسیحیت بسیار مهم است . ولی مسیحیان نقش روح القدس را در این کار مهم می دانند. جامعه مسیحیت که توصیف آن در کتاب عهد جدید آمده است ، کلیسای رسولان نامیده می شود و مقصود از آن ، جامعه رسولان و نسل اول مسیحیت است . این جامعه از نظر زمانی به تقریب ، فاصله سالهای ۳۰ تا ۱۰۰، یعنی از عید گلریزان تا تدوین آخرین بخش کتاب مقدس را در بر می گیرد. جامعه مسیحی نخستین این گونه بود: (۴۲) (تازه مسیحیان ) در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند (۴۳) همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت (۴۴) همه ایمانداران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند (۴۵) و املاک و اموال خود را فروخته ، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می کردند (۴۶) هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک به خوشی و ساده دلی می خوردند (۴۷) و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گشتند (اعمال رسولان ۲:۴۲– ۴۷). این عزت با گذشت زمان ، نخست از جانب یهود و سپس از جانب امپراطوری روم به دشمنی مبدل شد. در اورشلیم جامعه ای از مسیحیان یهودی الاص به رهبری یعقوب رسول پایه گذاری شد و تعداد افراد آن در همان شهر و سپس در سایر مناطق فلسطین گسترش یافت . فرستادگانی نیز مانند پولس و برنابا بشارت را به اقوام غیریهودی رساندند. به دنبال این قضیه ، نخستین مورد از مشکلاتی که پیش روی کلیسا قرار داشت ، پدید آمد و این سؤ ال مطرح شد که آیا بت پرستان تازه مسیحی ، پیش از آنکه به مسیحیت پذیرفته شوند، باید به دین و شریعت یهودی گردن نهند یا خیر؟ عقیده پولس که مورد قبول پطرس و یعقوب نیز واقع شد، این بود که خدا عیسی را از مردگان برخیزاند و با این عمل راه برای

دوره جدیدی از نجات گشوده شد و بر این اساس مسیحیان از این پس به پیروی از شرع یهود ملزم نیستند. آنگاه مسیحی شدن بت پرستان به برکت تبلیغ و تبشیر رسولان در همه مناطق امپراطوری روم افزایش یافت و افرادی که از غیریهودیت به مسیحیت راه یافته بودند، در کلیسای مسیحی اکثریت یافتند. جوامع کوچک مؤ منان نیز در شهرهای امپراطوری از سوریه تا مصر و پس از آن در آناتولی و یونان و سرانجام در ایتالیا به وجود آمدند. بر اساس منقولات سنتی ، پطرس نخست در اورشلیم ، سپس در انطاکیه و سرانجام در رم به رهبری جامعه رسولان برگزیده شد و اعدام وی در عهد نرون در شهر رم رخ داد.

## ۹- کتاب مقدس

### توضیح

کتاب مقدس مسیحیان دو بخش دارد: عهد جدید و عهد عتیق . علت این نامگذاری آن است که مسیحیان معتقدند خدا با انسان دو پیمان بسته است : یکی پیمان کهن ، به وسیله پیامبران پیش از عیسی مسیح . در این پیمان مرتبه ای از نجات از طریق وعد، و عید، قانون و شریعت به دست می آید. دیگری پیمان نو، توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح . در پیمان نو نجات از طریق محبت حاصل می شود. به این معنا که طبق اعتقاد آنان ، خدای پسر به شکل انسان مجسم می شود، گناهان بشر را برخود می گیرد و با تحمل رنج صلیب ، کفاره گناهان می شود. تا آنجا که تاریخ نشان می دهد، این عقیده ، با وجود دوری آن از عقل و منطق ، زیربنای مسیحیت بوده است . در انجیل یوحنا چنین می خوانیم : (۱۶) زیرا خداوند جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد (۱۷) زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد (یوحنا ۳:۱۶ - ۱۷). آن قسمت از کتاب مقدس که درباره پیمان کهن سخن می گوید عهد عتیق ، و آن قسمت که درباره پیمان نو سخن می گوید عهد جدید نامیده می شود. در حقیقت عهد عتیق کتاب آسمانی یهودیان است که مسیحیان برای آن احترام قائل شده ، آن را در آغاز خود قرار داده اند. عهد جدید به زبان یونانی نگارش یافته است . چهار انجیل در آغاز عهد جدید وجود دارد. کلمه (انجیل ) در زبان یونانی به معنای مژده است : مژده به فرا رسیده ملکوت آسمان یا پیمان تازه . تمام عهد جدید مورد قبول همه مسیحیان است و اپوکریفا بین آنها وجود ندارد. البته کتابهای اپوکریفایی عهد جدید از اپوکریفای عهد عتیق بیشتر بوده است ؛ اما در همان دو سه قرن نخست ، مسیحیان اندک اندک بر کتابهای موجود عهد جدید اتفاق کرده اند. ترجمه های بسیار زیادی از کتاب مقدس به زبانهای گوناگون انجام گرفته است و سازمانهای متعددی مخصوص انتشار آنها در سراسر جهان وجود دارد. از جمله آنها انجمن کتب مقدسه است که در سال ۱۸۰۶ در لندن تاءسیس شد و شعبه هایی در بیشتر کشورها دارد.(۳۹) مجمع کتابهای عهد عتیق و عهد جدید ۶۶ کتاب است : عهد عتیق ۳۹ کتاب است که فهرست آنها در بخش یهودیت گذشت و عهد جدید ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می شوند: ۱. اناجیل ؛ ۲. اعمال رسولان ؛ ۳. نامه های رسولان ؛ ۴. مکاشفه .

### ۹-۱- اناجیل

گروه زیادی از یاران و پیروان حضرت عیسی (ع ) به نوشتن سیره آن حضرت اقدام کردند و نوشته هایی به وجود آوردند که بعداانجیل خوانده شد. اندک اندک چهار انجیل از این انجیلها رسمیت یافت و اناجیل دیگر متروک شد.(۴۰) نویسندگان انجیل اول و انجیل چهارم از حورایون و نویسندگان دو انجیل دیگر از حورایون حواریون معرفی می شوند. میان سه انجیل اول هماهنگی وجود دارد و به این دلیل آنها را اناجیل همنوا می نامند. این بخش مشتمل بر ۴ انجیل است : ۱. انجیل متی (سیره و مواعظ مسیح با

اشاره به پیشگوییهای عهد عتیق )؛ ۲. انجیل مرقس (قدیمترین و کوتاهترین کتاب سیره و مواعظ مسیح )؛ ۳. انجیل لوقا (سیره و مواعظ مسیح با تکیه بر جزئیات )؛ ۴. انجیل یوحنا( متاءخرترین کتاب سیره و مواعظ مسیح با تاءکید بر مافوق بشر بودن او).

### ۹-۲- اعمال رسولان

در قرن اول ، کتابهای زیادی پیرامون سیره رسولان مسیحیت نوشته شد، اما تنها یکی از آنها رسمیت یافت . این بخش تنها مشتمل بر یک کتاب است به نام : اعمال رسولان (نوشته لوقا، مؤ لف سومین انجیل در شرح حال رسولان بویژه پولس ).

### ۹-۳- نامه های رسولان

برخی از رسولان مسیحیت نامه هایی به جوامع و افراد مسیحی عصر خود نوشته اند. آن نامه ها اندک اندک اهمیت پیدا کرد و به عهد جدید راه یافت . سیزده نامه از پولس است که در آنها رهنمودها، ادعاها و مشاجرات خود را نوشته است . نویسنده نامه چهاردهم نامعلوم و نویسنده نامه پانزدهم شخصی به نام یعقوب است (وی به مکتب پولس انتقاد می کند). نامه های بعدی به دو تن از حواریون به نامهای پطرس و یوحنا نسبت داده می شود و نویسنده آخرین نامه فردی به نام یهود است . این بخش مشتمل بر ۲۱ نامه است :(مردم روم )؛ ۱. رساله پولس رسول به رومیان ۲. رساله اول پولس رسول به قرنتیان (مردم قرنتس )؛ ۳. رساله دوم پولس رسول به قرنتیان (مردم قرنتس )؛ ۴. رساله پولس رسول به غلاطیان (مردم غلاطیه )؛ ۵. رساله پولس رسول به افسسیان (مردم افسس )؛ ۶. رساله پولس رسول به افسسیان (مردم افسس )؛ ۷. رساله پولس رسول به کولسیان (مردم کولسی )؛ ۸. رساله اول پولس رسول به تسالونیکیان (مردم تسالونیکی )؛ ۹. رساله دوم پولس رسول به تسالونیکیان (مردم تسالونیکی )؛ ۱۰. رساله اول پولس رسول به تیرکمان (نام شخص )؛ ۱۱. رساله پولس رسول به تیموتاءوس (نام شخص )؛ ۱۲. رساله پولس رسول به تیطس (نام شخص )؛ ۱۳. رساله پولس رسول به فلیمون (نام شخص )؛ ۱۴. رساله به عبرانیان (نامه پولس یا فردی دیگر به یهودیان )؛ ۱۵. رساله یعقوب (برای عموم مسیحیان )؛ ۱۶. رساله اول پطرس (برای عموم مسیحیان )؛ ۱۷. رساله دوم پطرس (برای عموم مسیحیان )؛ ۱۸. رساله اول یوحنا (برای عموم مسیحیان )؛ ۱۹. رساله دوم یوحنا (برای عموم مسیحیان )؛ ۲۰. رساله یهودا (برای عموم مسیحیان ).

### ۹-۴- مکاشفه

قبل از آمدن حضرت مسیح (ع )، مکاشفه نامه های متعددی میان یهودیان رواج داشت که کتاب دانیال در عهد عتیق نمونه ای از آنهاست . مسیحیان نیز کتابهای مکاشفه ای تازه ای نوشتند، همچنین برخی از کتابهای مکاشفه یهودیان را دستکاری کرده ، با آرمانهای مسیحیان هماهنگ ساختند. کتاب مکاشفه یوحنا در پایان عهد جدید برای مسیحیان بسیار اهمیت دارد. یوحنا که به اعتقاد مسیحیان ، یک حواری کم سن و سال حضرت عیسی (ع ) بود، رؤ یای خود را در این اثر شرح می دهد. این کتاب که پیشرفت مسیحیت را نوید می دهد، در پایان عهد جدید قرار دارد. این بخش تنها مشتمل بر یک کتاب است به نام : مکاشفه یوحنای رسول . ۱۰- اعتبار کتاب مقدس اعتبار کتاب مقدس را از سه دیدگاه می توان بررسی کرد: ۱. دیدگاه کلسیا؛ ۲. دیدگاه دانشمندان بی طرف ؛ ۳. دیدگاه مسلمانان

### ۱۰-۱- دیدگاه کلیسا

مسیحیان نسبت به کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) نظری کاملا موافق دارند و تمام القاب و احترامات شایسته یک کتاب آسمانی را نسبت به آن روا می دارند و تعبیراتی مانند کتاب خدا و وحی در مورد آن کتب معمول است . دانشمند معاصر، توماس

میشل می نویسد: مسیحیان معتقدند که خداوند کتابهای مقدس را به وسیله مؤ لفانی بشری نوشته است و بر اساس این اعتقاد می گویند که کتابهای مقدس یک مؤ لف الهی و یک مؤ لف بشری دارند. به عبارت دیگر، مسیحیان معتقدند که خدا کتاب مقدس را به وسیله الهامات روح القدس پدید آورده و برای این منظور مؤ لفانی از بشر را برای نوشتن آنها بر انگیخته و آنان را در نوشتن به گونه ای یاری کرده که فقط چیزهایی را که او می خواسته است ، نوشته اند. مسلمانان توجه می کنند که اعتقاد مسیحیان در این باب با عقیده اسلامی اختلاف دارد. از نظر مسیحیان خدا مؤ لف نهایی کتاب مقدس است ، جز اینکه این عمل را از طریق مؤ لفان بشری که کارگزاران وی بوده اند، به انجام رسانده است . مؤ لفان بشری که کارگزاران وی بوده اند، به انجام رسانده است . مؤ لفان بشری کتاب مقدس هر یک در عصری خاص می زیسته و به رنگ زمان خود در آمده بوده اند. همچنین این مؤ لفان ، مانند دیگر انسانها با محدودیتهای زبان و تنگناهای علمی دست به گریبان بوده اند. اصولا مسیحیان نمی گویند که خدا کتابهای مقدس را بر مؤ لفان بشری املاـ کرده ، بلکه معتقدند که او به ایشان برای بیان پیام الهی به شیوه خاص خودشان و همراه با نگارش مخصوص و سبک نویسندگی ویژه هر یک توفیق داده است .(۴۱) یهودیان و مسیحیان تورات را نوشته خود حضرت موسی (ع ) می دانند همچنین کتب هر یک از پیامبران دیگر عهد را تاءلیف پیامبری می دانند که نام وی در عنوان آن کتاب آمده است . مسیحیان درباره چهار انجیل معتقدند که آنها سالها پس از حضرت عیسی (ع ) نگارش یافته اند و به گفته آنان در آغاز مسیحیت تنها کتابهای عهد عتیق به عنوان کتاب خدا مطرح بودند، ولی کتب عهد جدید اندک اندک در مجامع مسیحی جنبه الهی پیدا کرد. همه مسیحیان ، همیشه و همه جا معتقد بوده و هستند که اناجیل کنونی زندگینامه و سخنان حضرت عیسی (ع ) است که متی ، مرقس ، لوقا، و یوحنا آنها را نوشته اند. در آغاز انجیل لوقا چنین آمده است : (۱) از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند به سوی تاءلیف حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید (۲) چنان که آنانی که از ابتدا نظارگان و خادمان کلام بودند، به ما رسانیدند (۳) من نیز مصلحت چنان دیدم که همه را من البدایه به تدقیق در پی رفته ، به ترتیب به تو بنویسم ای تیوفلس عزیز (لوقا ۱:۱-۳). این نکته نیز قابل توجه است که اناجیل کنونی تنها سخنان (یا احادیث ) آن حضرت را می آورند، و هرگز چیزی از معارف و کلمات حکمت آمیز خود را به وحی نسبت نمی دهند (بر خلاف تورات کنونی که علاوه بر سیره و سخنان حضرت موسی ، عباراتی از وحی را نیز می آورد). روشن است که طبق نص صریح قرآن مجید، انجیل حقیقی بر حضرت عیسی (ع ) نازل و به او عطا شده است (آل عمران : ۳و۶۵،مائده : ۴۶-۴۷، مریم : ۳۰ و حدید: ۲۷) و آن کتاب هیچ گونه سنخیتی با این اناجیل ندارد. تا آنجا که تاریخ نشان میدهد مسیحیان هرگز برای حضرت عیسی (ع ) به کتابی قائل نبوده اند و اناجیل را صرفا بیانگر زندگی و سخنان وی می دانسته اند. (۴۲) همچنین توماس میشل می نویسد: پیش از نوشته شدن اناجیل ، یک سنت شفاهی وجود داشت . عیسی به عقیده مسیحیان در حدود سال ۳۰ وفات یافت و کسانی که از او پیروی کرده ، وی را شناخته ، کارهایش را دیده و سخنانش را شنیده بودند، خاطرات خویش از او را در حافظه نگه می داشتند. هنگامی که مسیحیان نخستین برای عبادت گرد می آمدند، آن خاطرات نقل می شد. اندک اندک این منقولات شکل مشخصی یافت و بر حجم آنها افزوده شد.(۴۳) کتاب نداشتن حضرت عیسی (ع ) معمولاـ در جایی ذکر نمی شود؛ زیرا این مساءله برای مسیحیان بدیهی است و هرگز وجود کتابی برای او به ذهن یک مسیحی خطور نمی کند. ولی به ندرت به مناسبت بحث با مسلمانان این مساءله مطرح می شود و آنان وجود این عقیده را در جامعه خود انکار می کنند. توماس میشل می افزاید: مسیحیان هرگز نمی گویند عیسی کتابی به نام انجیل آورد. آوردن وحی توسط عیسی به گونه ای که مسلمانان در مورد قرآن و پیامبر اسلام معتقدند در مسیحیت جایی ندارد. مسیحیان عیسی را تجسم وحی الهی می دانند و به عقیده آنان ، وی نه حامل پیام ، بلکه عین پیام بوده است . بدین سبب ما مسیحیان خواستار انجیلی نیستیم که عیسی آن را نوشته یا به شاگردانش املا کرده باشد. اکنون که روشن شد مسیحیان عیسی را مجسم شدن کلمه یا پیام خدا می دانند، باید توجه کنیم که بر اساس عقیده آنان انجیلیها حاصل تلاش شاگردان اوست که از طریق الهام ، ایمان خود به مسیح و

مفهوم این ایمان در جامعه پیروان وی را اعلام کرده اند. هر یک از انجیلهای چهارگانه شهادتی مشخص و مخصوص از مسیح می دهد و انجیلها، با آنکه در دیدگاه و جزئیات با یکدیگر متفاوت هستند، همگی در باب هویت عیسی و ماهیت پیام الهی که به واسطه او به پیروان وی رسیده است ، اتفاق نظر دارند. از اینجاست که مسیحیان حاضر نیستند یک انجیل را بگیرند و سایر انجیلها را رها کنند؛ زیرا ایمان آنان بر تعالیم مجموع چهار انجیل استوار و تنظیم شده است . به عقیده آنان ، دست برداشتن از هر یک از انجیلها نقص ایمان ایشان را در پی خواهد داشت . این مساءله ما را به تفاوت دیگری در مفهوم وحی بین مسیحیان و مسلمانان رهنمون می شود. مسیحیان فقط به چهار انجیل ، نه کمتر و نه بیشتر، عقیده دارند و اعتراف می کنند که تنها این چهار انجیل صحیح هستند، نه غیر آنها؛ زیرا جامعه مسیحیان نخستین آنها را از جانب خدا می دانست . بدیهی و مسلم است که ایمان مسیحیت بر ایمان رسولان و شاگردان عیسی استوار است و همانطور که قبلا گفتیم ، مسیحیان نخستین عقیده داشتند که روح خدا هدایت را برای جامعه آنان (یعنی کلیسا) فراهم کرده است . از این مساءله می فهمیم که خدا در ۳۰ سال سرنوشت سازی (۳۰ – ۶۰ م .) که انجیل مکتوب وجود نداشت ، بلکه سخنان و کارهای عیسی به طور شفاهی نقل می شد، آن جامعه را هدایت می کرد. این روح القدس بود که از طریق الهام ، نویسندگان اناجیل را برای نوشتن این کتب و ثبت برگزیده سخنان و کارهای بسیار زیاد عیسی در آنها رهنمون شد. یکی از اموری که روح القدس مخصوصا به آن اقدام کرد، این بود که دیدگاه کلامی انجیل نگاران را در مورد آنچه خدا می خواست از طریق زندگی ، مرگ و رستاخیز عیسی به مردم منتقل شود، هدایت نمود و سرانجام جامعه مسیحیان نخستین با راهنمایی روح القدس از میان نوشته های مسیحی بی شمار، به ۲۷ کتاب که اناجیل چهارگانه نیز جزو آنهاست ، اقرار کرد و پذیرفت که آنها با الهام الهی نگارش یافته اند. این نوشته ها عهد جدید نامیده شدند و در طول زمان مرجع اساسی ایمان مسیحی به شمار می رفته اند. این درک مسیحیت از رابطه کتابهای مقدس و وحی با درک اسلام از آن رابطه تفاوت دارد. مسلمانان امتی هستند که به مقتضای تعالیم قرآن پدید آمده اند. آنان عقیده دارند که خدا پیامبر اسلام را فرستاد و قرآن را به او وحی کرد و امت اسلامی به دنبال آن پدید آمد. ولی مسیحیان می گویند که جامعه مسیحیت به ارشاد روح القدس ، ایمان ویژه و کتابهای خویش را که از وحی خدا در عیسی می گویند، پدید آورد. به همین شیوه ، جامعه مقرر کرد که کتابهای مقدس مسیحیت مجموع ۴۶ (۴۴) کتاب عهد عتیق یهود و ۲۷ کتاب عهد جدید باشد، نه چیز دیگر. این توافق پیرامون کتابهای مقدس از طریق نوعی اجماع حاصل شد. این اجماع بسیار زود به دست آمد و فهرست نخستین کتابهای مقدس بین سالهای ۱۵۰–۲۰۰ تهیه شد و پس از چند قرن ، کلیسا به طور رسمی روشن ساخت که چه کتابهایی را باید مقدس شمرد (همان طور که شورای ترنت در سال ۱۵۴۶ چنین کاری را انجام داد). البته تصمیم گیریهای متاءخر پیرامون کتابهای مقدس جز تاءیید عقیده سنتی مسیحیان در این باب ، چیزی دیگر نبود.(۴۵) اعتقاد اهل کتاب در مورد کتابهای آسمانی به گونه ای در قرآن کریم آمده است : و ما قدروا الله حق قدره اذقالوا ما انزل الله علی بشر من شی ء قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا و هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا و علمتم مالم تعلموا انتم و لا آباؤ کم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون ؛ آنها خدا را درست نشناخته اند که گفتند: (خدا هیچ چیز بر هیچ انسانی نفرستاده است .) بگو: (چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد که برای مردم ، نور و هدایت بود؛ اما شما آن را به صورت پراکنده قرار می دهید؛ قسمتی را آشکار و قسمت زیادی را پنهان می دارید و مطالبی به شما تعلیم داده شده که شما و پدرانتان از آن با خبر نبودید.) بگو: (خدا!) سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت آمیزشان رها کن ، تا بازی کنند (انعام : ۹۱). تفسیر نمونه آیه را با در نظر گرفتن دیدگاه اهل کتاب درباره تورات وانجیل توضیح داده است .

### ۱۰–۲– دیدگاه دانشمندان بی طرف

از آنجا که دانشهای عصر ما ارتباط خود را با ادیان قطع کرده اند و اعتقاد به ماورای طبیعت در علوم مختلف همچون تاریخ ،

جامعه شناسی و باستان شناسی جایی ندارد، دانشمندان کتاب مقدس را صرفا نوشته ای قدیمی می دانند که به دست انسانهایی پدید آمـده است . این افراد ارتباطگیری آفریـدگار با انسان را از مقوله های علمی بیرون می دانند و می گویند معجزه را نمی توان با علم ثـابت کرد. از این رو، ایشان در مورد مفاهیم دینی تشـکیک می کننـد و حتی در مورد وجود خارجی انبیا(ع ) (به دلیل ذکر نشـدن آنـان در منابع تاریخی مسـبقل ) القای شـبهه می کننـد. دانشـمندان بی طرف برای عهـد عتیق ۲۵۰۰ سال قـدمت قائلنـد و برای عهد جدید تاریخی نزدیک به تاریخ سنتی کلیسا یعنی ۱۹۰۰ سال را معتقدند.

### ۱۰-۳- دیدگاه مسلمانان

یکی از مسائل مورد نزاع میان کلام اسـلامی و کلام مسـیحی مساءله تحریف است . قرآن مجید در دهها آیه به نازل شدن تورات و انجیـل (و نه اناجیل ) تصـریح می کنـد: (...و ما انزل التوراة و الانجیل من قبل للناس و انزل الفرقان ...) (آل عمران : ۳-۴). مسلمانان از دیرباز معتقـد بوده انـد تورات و انجیل که خـدا نازل کرده است ، دسـتخوش تحریف قرار گرفته و مسائلی ماننـد بشارت به ظهور حضـرت ختمی مرتبت (ص ) از آنها حـذف و خرافاتی چون جسـمانیت خـدای متعال به آن افزوده شـده است . اهل کتاب تحریف کتاب خود را نمی پذیرند و از این ادعا خشـمگین می شوند. آنان با اشاره به نسخه های خطی حدودا ۲۰۰۰ ساله عهد عتیق و نسخه های خطی حدودا ۱۶۰۰ ساله عهد جدید که در موزه ها و کتابخانه های مهمجهان نگاهداری می شود، می پرسند تحریف تورات و انجیـل در چه زمان و چه مکان و با چه انگیزه ای انجام گرفته است ؟ علما و محققان اسـلامی پاسـخهایی می دهنـد، ولی پاسـخهای مـذکور بر اعتقاد به نزول تورات و انجیل اسـتوار است . این عقیـده برای مسـیحیان غرابت دارد و نمی خواهنـد بپذیرند که حضـرت عیسـی (ع ) کتابی داشـته است . با یک مراجعه به تورات و اناجیل به آسانی می توان دریافت که آن کتب فعلا به شکل قرآن کریم نیست و به یک کتاب تاریخ شباهت دارد. در تمام چهار انجیل یک سطر عبارت منسوب به وحی وجود ندارد. سخنان حکمت آمیز منقول در اناجیل نیز به شـخص عیسی منسوب گشته و در واقع احادیث آن حضرت است . آن کتب به گونه ای نوشته شده است که اگر عنوان (انجیـل ) از صـفحات آن محو شود و برای مطـالعه در اختیـار مسـلمانی قرار گیرد، ذهن وی ابـدا به کتـاب انجیـل معهود متوجه نخواهد شد. خود مسیحیان آن کتابها را نوشته انسانها می دانند، ولی براساس معیارهای کلامی خویش به آن ارزش الهی می دهند و به مسـلمانان می گویند کتاب آسـمانی بیش از این نیست . پس قبل از هر چیز باید مواظب باشیم که به اصطلاح معروف (از پـاپ کاتولیکتر نشویم !) حقیقت این است که مسـیحیان هنگامی که چهار انجیل را به دست ما می دهنـد و از ما می خواهنـد آن را بپـذیریم ، نمی گوینـد این کتـاب از حضـرت عیسـی (ع ) است ، بلکه همان طور که دیـدیم ، مسـیحیان به طور عادی معتقدنـد این کتـاب پس از آن حضـرت و برای بیـان رسـالت وی تنظیم شـده است . در اسـلام پیـامبر مبین قرآن مجیـد است ، ولی در مسـیحیت اناجیل مبین حضرت عیسی (ع ) هستند.

### ۱۱- قرآن مجید و مساءله تحریف

ممکن است گفته شود که مساءله تحریف تورات و انجیل در قرآن مجیـد آمده است . اما می توان گفت که قرآن کریم از تحریف تورات و انجیل صریحا سخن نگفته است . آیاتی که برای اثبات تحریف تورات و انجیل مورد استناد واقع می شود، به قرار زیر است : آیه اول : افتطمعون ان یومنوا لکم و قـد کـان فریق منهم یسـمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعـد مـا عقلوه و هم یعلمون ؛ آیا انتظار داریـد شـما را باور کنند با اینکه عده ای از آنان سـخنان خدا را می شـنیدند و پس از فهمیدن ، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و اطلاع داشـتند؟ (بقره : ۷۵) آیه دوم : و ان منهم لفریقـا یلوون السـنتهم بالکتاب لتحسـبوه من الکتاب و ما هو من الکتاب و یقولون هو من عنـدالله و ما هو من عنـدالله و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون ؛ در میان آنها (یهود) کسانی هسـتند که به هنگام

تلاوت کتاب زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید از کتاب (خدا) است ؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست و می گویند: (آن از طرف خداست .) با اینکه از طرف خدا نیست ، و به خدا دروغ می بندند، در حالی که می دانند (آل عمران : ۷۸). آیه سوم : من الذین هادوا یحرفون الکم عن مواضعه و یقولون سمعنا و عصینا و اسمع غیر مسمع و راعنا لیا بالسنتهم و طعنا فی الدین و لو انهم قالوا سمعنا و اطعنا و اسمع و انظرنا لکان خیرا لهم و اقوم ولکن لعنهم الله بکفرهم فلا یؤ منون الا قلیلا؛ بعضی از یهود، سخنان را از جای خود تحریف می کنند؛ و هم می گویند: (شنیدیم و مخالفت کردیم ) و (بشنو که هرگز نشنوی !) و (راعنا) تا با زبان خود حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند، ولی اگر آنها می گفتند: (شنیدیم و اطاعت کردیم ) و (سخنان ما را بشنو) و (انظرنا)، به نفع آنها بود و با واقعیت سازگارتر، ولی خداوند آنها را به خاطر کفرشان از رحمت خود دور ساخته و از این رو، جز عده کمی ایمان نمی آورند (نساء:۴۶). آیه چهارم و پنجم : فبما نقضهم میثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسیهٔ یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظا مما ذکروا به لا تزال تطلع علی خائنه منهم الا قلیلا منهم فاعف عنهم واصفح ان الله یحب المحسنین ؛ ولی به خاطر پیمان شکنی ، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم ؛ و دلهای آنها را سخت و سنگین نمودیم ؛ سخنان را از موردش تحریف می کنند و بخشی را از آنچه به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند و هر زمان از خیانتی (تازه ) از آنها آگاه می شوی ، مگر عده کمی از آنان ، ولی از آنها در گذر و صرف نظر کن که خداوند نیکوکاران را دوست دارد (مائده : ۱۳ و مانند آن در ۴۱). پیش از آنکه به آیات فوق نظری کلی بیفکنیم ، باید این نکته را یادآور شویم که در این آیات ، عمل تحریف به یهود نسبت داده شده که فقط به تورات مربوط می شود و البته بسیار دشوار است که به مسیحیان بگوییم یهودیان انجیل شما را تحریف کرده اند! به نظر می رسد که قرآن مجید درباره تحریف کتابهای یهودیان و مسیحیان چیزی نگفته است ؛ زیرا: اولاـ هیچ یک از آیات بالا نمی گوید که تورات و انجیل تحریف شده است ، بلکه همان طور که دیدیم در یک مورد تعبیر (کلام الله ) وجود دارد که به گفته عموم مفسران به عمل پیشینیان یهود در عصر حضرت موسی (ع ) اشاره می کند و با تحریف کردن تورات و انجیل پس از بعثت حضرت رسول اکرم (ص ) ارتباطی ندارد. شاید هم آیه مذکور رفتار ناپسند یهودیان صدر اسلام در مورد کلام الله ، یعنی قرآن مجید را یادآوری می کند که آیاتی از قرآن را می شنیدند، ولی آن را به صورتی محرف برای دیگران نقل می کردند تا از اعتبار قرآن بکاهند. (۴۶) در سه مورد نیز تعبیر (کلم ) آمده است که به زودی با الهام گیری از آیه ۴۶ سوره نساء، پیرامون آن توضیح خواهیم داد. ثانیا: تحریف در آیات یاد شده به صورت گفتاری و شنیداری است : (یسمعون کلام الله ثم یحرفونه )، (یلؤ ون السنتهم بالکتاب )، (لیا بالسنتهم ). گفته شد که قرآن کریم در سه آیه از تحریف کلم سخن گفته است . نمونه هایی از واژه های تحریف شده همراه شکل صحیح آنها در آیه ۴۶ سوره نساء آمده است : ۱. (سمعنا و عصینا) به جای (سمعنا و اطعنا). برخی یهودیان با سوءاستفاده از لفظ عبری (عینو) به معنای (انجام می دهیم )، از روی طنز می گفتند: (عصینا) به معنای (عصیان می کنیم ). ۲. (اسمع غیر مسمع ) به جای (اسمع ) تنها. ۳. (راعنا) به جای (انظرنا).(۴۷) (راع ) در زبان عبری به معنای بدکار است و (راعنا) یعنی (بدکار ما). بازی با کلمات و درهم ریختن آنها برای اهدافی خاص ، یکی از عادات ناپسند یهود است و نمونه هایی بی شماری از آن در کتاب تلمود وجود دارد.. همچنین به نقل کتابهای سیره ، برخی یهودیان هنگام سلام دادن به حضرت رسول اکرم (ص )، می گفتند: (السام علیک ) یعنی (مرگ بر تو!) آن بزرگوار پاسخ می داد: (علیک ). دانستیم که قرآن کریم صریحا نمی گوید تورات و انجیل تحریف شده اند، بلکه از تحریف کلم سخن رفته است و این تحریف در چند کلمه محاوره ای صورت گرفته است و ربطی به تورات و انجیل ندارد. تحریف یاد شده از مرحله گفتن و شنیدن تجاوز نکرده و به قلم نیامده است . آیات تحریف نیز ناظر به تورات و انجیل کنونی نیست و درباره آنها باید با صرف نظر از این آیات داوری کرد.

## ۱۲– اعتقادات

## اشاره

علم لاهوت (یا الهیات ) نزد مسیحیان به تمام مظاهر تلاش آنان برای فهم ایمان مسیحی اطلاق می شود. علمای الهی بنیادگرا بر این مساءله تاءکید می کنند که ما نمی توانیم شناختی از خدا داشته باشیم ، مگر آنچه را که خود او بر ما مکشوف سازد، و بر این اساس ، علم الهیات به معنای دقیق آن ، علم وحی است . الهیات نزد مسیحیان ، زمینه هایی از مطالعات دینی را شامل می شود که از علم کلام در سنت اسلامی گسترده تر است . از جمله چیزهایی که در محدوده علم الهیات می گنجد، موضوعات زیر است : - مطالعه در باب تعالیم کتاب مقدس ؛ - تلاش برای فهم حقایق ، در پرتو تعالیم مسیحی ؛ - تحولات تارخی در عبارات بیان کننده ایمان مسیحی در طی قرون ؛ - توضیح آنچه تنها با عقل می توان درباره خدا دانست ؛ - بیان معنای قداست مسیحی و راههای دست یافتن به آن ؛ - بنیادهای اخلاق و تاءثیر عملی تعالیم مسیحیت در زندگی مسیحیان . مسیحیت با شرک میانه ای ندارد و مسیحیان هر گاه مشاهده کنند که منابع دینی قدیم ایشان مانند تورات و انجیل ، درباره خدا چیزی گفته که سزاوار ذات مقدس او نیست ، آن موارد را توجیه می کنند و از ظاهر الفاظ آن دست بر می دارند. باید توجه داشته باشیم که هنگام سخن گفتن از خدا و جهان معنا، با کمبود جدی الفاظ روبرو هستیم و از این رو، نمی توان به آن کتابها خرده گرفت . ولی از سوی دیگر، چون آن کتابها ساخته دست بشر است ، ما مسلمانان برای توجیه آن عبارات وظیفه ای نداریم . اما هر مسلمانی باید راه انصاف را بپیماید، بویژه اینکه قرآن مجید فرمان می دهد در گفتگو با اهل کتاب از بهترین شیوه پیروی کنیم (عنکبوت : ۴۶). همچنین باید توجه داشت که احیانا تعبیراتی شبیه آنها در قرآن کریم نیز یافت می شود (مانند نسبت دادن مکر، کید، خدعه و انتقام به خدای متعال ) با این تفاوت که این تعبیرات از خود خداوند صادر شده و توجیه آنها وظیفه عقلی و شرعی هر مسلمانی است . درحالی که اهل کتاب معتقدند کتاب آسمانی آنان از بشرهای ناتوان و خطاکاری صادر شده و کاستیهای آن کتاب به همین علت است . البته این اعتقاد هیچ گاه سبب نمی شود که اهل کتاب آن سخنان را به حال خود واگذارند، بلکه برعکس ، همه ایشان پیوسته برای توجیه این عبارات شبهه انگیز تلاش کرده اند. برخی از مسائل بسیار دقیق و ظریف عرفانی در میراث دینی اهل کتاب یافت می شود و یکی از زیباترین آنها الهیات سلبی است که می کوشد هر صفت بشری را از خدای متعال سلب کند، به گونه ای که سرانجام می گوید با آنکه خدا قطعا وجود دارد، استفاده از کلمات (وجود) و (موجود) برای او کار شایسته ای نیست . ما مسلمانان باید از این تلاشها برای تنزیه خدای متعال خوشحال باشیم و یکی از شرایط لازم برای همکاری با اهل کتاب همین است .(۴۸)

## ۱۲-۱- ریشه ها

در قرآن کریم می خوانیم : ( ... و قالت النصاری المسیح ابن الله ذلک قولهم بافواههم یضاهئون الذین کفروا من قبل قاتلهم الله انی یؤ فکون ؛ و نصارای گفتند: (مسیح پسر خداست ) این سخنی است (باطل ) که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده اند شباهت دارد. خدا آنان را بکشد؛ چگونه (از حق ) بازگردانده می شود؟)(توبه : ۳۰). در قرون اخیر عده ای از دانشمندان غربی مشاهده کرده اند که بین عقاید مسیحیان و ادیان هندی تشابه عجیبی وجود دارد. آنان در مطالعات خود متوجه شدند که عقاید تثلیث ، فدا، تصلیب و سایر مسائل اعتقادی مسیحیان عینا در مذاهب بت پرستان وجود داشته و در اعتقادات بنی اسرائیل سابقه ای نداشته است . دانشمندان محقق ، حتی در برابر جمله هایی از انجیل ، عبارتهای مشابهی در کتابهای هند و بودایی یافتند که حیرتشان را برانگیخت . آنان دیدند که حتی لقبهای گوسفند خدا، فرزند خدا، بردارنده گناهان ، فدا شونده و غیر اینها که به مسیح (ع ) اطلاق می شود، در آن مذاهب نیز هست و چون سابقه تاریخی آن ادیان بیشتر است ، دانشمندان نظر دادند که اعتقادات و اصطلاحات مسیحیان در این باب باید از آن ادیان گرفته شده باشد. در سال ۱۹۴۷ در بیابانهای فلسطین ، در غارهایی بر کرانه بحرالمیت ، طومارهایی کشف شد که یک جنبش فکری را در باب مسیحیت پدید آورد.ین طومارها که شامل بخشهایی از

کتاب مقدس و تفاسیر و ادعیه است ، حدود ۲۰۰۰ سال قدمت دارد یعنی خط آنها در حدود عمر حضرت مسیح (ع ) نوشته شده است . دانشمندان پس از مطالعه طومارها فهمیدند که آنها به فرقه ای از یهودیان به نام اسنیان مربوط می شود که در بخش یهودیت به آنان اشاره شد. این فرقه در صحراها زندگی می کردند و افکاری عرفانی داشتند و انتظار مسیحای بنی اسرائیل را می کشیدند. آنان نوشته های خود را در کوزه کردند و در غارهایی در کناره بحرالمیت به ودیعت نهادند و پس از آن به سرنوشت نامعلوم گرفتار شدند و خبری از ایشان باز نیامد. کشف این طومارها انعکاس عجیبی در محافل علمی جهان داشت . در ابتدا برخی آنها را جعلی می پنداشتند، ولی پس از آزمایشهای فنی ، اعتبار آنها ثابت شد. برخی دانشمندان گفتند: طومارهای کشف شده دیدگاه علمی ما را نسبت به حضرت مسیح (ع ) و آغاز مسیحیت تغییر خواهد داد. تاکنون چند هزار کتاب درباره این طومارها نوشته شده است ، از آن جمله کتابی است به نام مفهوم طومارهای بحرالمیت نوشته یک روحانی آزاد اندیش مسیحی به نام ای . پاول دیویس که بسیار جالب توجه است . در این کتاب پس از تحقیق محتویات طومارهای مذکور چنین آمده است : نظریه ای که یک تن مسیحی عامی درباره پدیدآمدن مسیحیت اتخاذ می کند این است که مسیح بشارت خود را تبلیغ کرد، به عنوان مسیح و منجی مرد، از مردگان برخاست و کلیسای مسیحی را تاءسیس کرد که در سراسر جهان با فعالیت حواریان گسترش یافت ... همچنین یک مسیحی عامی اظهار می دارد که عیسی یک تن یهودی بود که سنن و فرهنگ یهودی را به ارث برده بود.علاوه بر این اظهار می کند که رسولان برداشتهایی از بشارت عیسی داشتند و تعالیم او را بسط دادند و می گویند که رسولان بر اثر تجربیات شخص خویش دریافتند که او منجی و خداوندگار بشر و پسر خدا بوده است . به هر حال ، یک عامی اعتقاد مسیحی را چنین بیان می کند و ابدا به ذهنش خطور نمی کند که مقدار زیادی از آن اعتقادات پیش از مسیحیت وجود داشته است ...و نمی داند که پایه و اساس بسیاری از آن اعتقادات در کتاب مقدس یافت نمی شود. چیزی که عامی نمی داند، اما دانشمند می داند این است که در عصر مسیح و پس از آن بت پرستان برای خدایان خود باورهایی داشتند و نامهایی می گفتند که عین آنها در عقیده مسیحی اظهار شده است . میترا منجی بشریت بود، و همین طور تموز، ادونیس و اوزیریس . اعتقاد به فادی بودن مسیح که سرانجام در مسیحیت وارد شد، یک اعتقاد یهودی نبود و مسیحیان نخستین در فلسطین نیز آن را باور نداشتند. مسیحای مورد انتظار یهودیان و مسیحیان یهودی الاصل پسر خدا نبود، بلکه پیامبری از طرف خدا بود. او بنا نبود با خون خویش کفاره گناهان دیگران شود، بلکه قرار بود که از راه ایجاد حکومت مسیحایی بر روی زمین ، مردم را نجات دهد. مسیحیان یهودی الاصل به نجاتی که به ایشان اجازه دخول در آسمان دهد، چشم ندوخته بودند؛ بلکه به نجاتی که نظام جدیدی روی زمین تاءسیس کند، اعتقاد داشتند و این مطلوب آنان بود، گر چه به فناپذیری روح و جاودانگی جان معتقد بودند. عقیده مسیحی هنگامی میان بت پرستان رواج یافت که عقیده به عیسی به عنوان خدای نجات بخش پدید آمد. این عقیده کاملا بر آنچه پیش از آن بود، به ویژه میترا، منطبق می شد. همچنین روز ۲۵ دسامبر (انقلاب شتوی ) سالروز تولد میترا بود که توسط مسیحیان ، سالروز تولد عیسی شد و حتی روز سبت (شنبه ) یعنی هفتمین روز یهودیان که توسط خداوند در شریعت موسی (تورات ) مشخص شده و خداوند آن را تقدیس کرده بود... تحت تاءثیر اندیشه های میترایی به روز اول (یکشنبه ) که روز خورشید فاتح است ، تبدیل شد. در زمان گسترده شدن مسیحیت ، در حوزه مدیترانه منطقه ای نبود که فکر مادر باکره و فرزند او که باید (در راه گناهان ) بمیرد، وجود نداشته باشد. اصولا زمین الهه ای بود که در هر بهار باکره می شد. فرزند وی میوه زمین بود که برای مردن به دنیا می آمد، و همین بود که می مرد در زمین دفن می شد تا تخم میوه بعدی باشد و دوره تازه ای را به وجود آورد. این افسانه رستنی بود که داستان غم انگیز خداوند رهاننده و مادر غمدیده را به گونه ای ماهرانه پدید آورد. گردش فصول روی زمین به گردشی مانند آن در آسمانها مربوط می شد. این عقیده نیز وجود داشت که الهه باکره همان برج سنبله است که درست هنگامی که ستاره شعرای یمانی در مشرق ، تولد تازه خورشید را اعلام می کند، این برج در قسمت شرقی آسمان طالع می شود. قرار گرفتن خط افق در میان سنبله رمز پذیرفته شدن مادر باکره بود که توسط خورشید

عطا می شد. افسانه زمین به این گونه با افسانه آسمان در آمیخت و این دو با افکار قهرمانان واقعی و غیر واقعی عهد باستان مخلوط شدند و داستان قهرمان فدا شونده پدید آمد. غاری که زادگاه عیسی محسوب شد، از پیش زادگاه هوروس بود که پس از بزرگ شدن ، اوزیریس گردید و مقرر بود برای رهایی قوم خود بمیرد. ایزیس مادر غمدیده بود. تعداد زیادی از این مسلکهای معتقد به فدا وجود داشت که توسط نویسندگانی چون فریزر در کتاب شاخه زرین و دانشمند متخصص ادبیات یونان و روم استاد ژیلبر موری شرح داده شده است . در این مسلکها آیینهایی وجود داشت که پس از این ، آیینهای مسیحی نامیده شد. شام آخر (عشای ربانی ) به میترا پرستی تعلق داشت که از آن عاریت گرفته شد و با شام مسیحیت فلسطینی ترکیب شد. به تنها آیینها، بلکه یک مجموعه اعتقادات از قبیل خون بره (یا ثور، گاو نر) نیز از میتراپرستی گرفته شد. نه تنها اعتقادات مذهبی ، بلکه شماری از تعالیم اخلاقی نیز از مسلک کسانی که به مسیحیت می گرویدند، جذب شد. به علاوه تعالیمی اخلاقی نیز وجود دارد که از غیر آن مسلکها گرفته شده است ، مانند تعالیم رواقیان . ارتباط مسیحیت با بت پرستی به اندازه ای زیاد است که اگر اصولا یک هسته مسیحیت یهودی الاصل نیز در کار باشد، مسیحیت کنونی از آن بهره اندکی دارد. باید به خاطر داشت که پس از عیسی به ندرت به او معلم گفته شد. وی مسیح و نجات دهنده و خداوندگار مسیحیان شده بود.(۴۹) نویسنده کتاب می افزاید: یک عامل اصیل برای فاتح ساختن مسیحای یهود در رقابت مسلکهای معتقد به فدا، پولس ترسویی است که یونانی مآب و قدیس ملهم یهودی با درکی ژرف از مسلک بت پرستی بود. او برای ترکیب و به هم پیوند دادن ، استادی ماهر بود و هم او نخستین کسی است که اندیشه پیوند دادن اسرائیل را به آتن و معبد اورشلیم را به قربانگاه میترایی و یهوه فرقه اسنی را به خدای ناشناخته تپه اروپاگوس در سر پروراند. دانشمندان مغرب زمین کتابهایی مستند و بی شماری در این باب نوشته اند. خلاصه ای از مباحث ایشان در کتاب افسانه های بت پرستی در آیین کلیسا نوشته محمد طاهر تنیر آمده است (در این کتاب تصاویری از قبیل تصویر یکی از بتان آیین هندو که به نشانه تثلیث سه سر دارد، به چاپ رسیده است .) یکی از القاب حضرت عیسی کلمه (Logos) است که از فلسفه های قدیم یونان گرفته شده است . مسیحیان ، به خصوص با استناد به انجیل یوحنا، ایمان دارند که عیسی انسانی است که کلمه خدا در او زیست می کند؛ یعنی پیام ازلی که خدای حکیم هر چیز را به وسیله آن آفرید، با تجسم یافتن در عیسای انسان ، در میان بشر خیمه خویش را برافراشت . پیام ازلی با قرار گرفتن در عیسی ، به شکل انسانی زیست می کرد که مانند همه مردم برای تحصیل لقمه ای می کوشید، می خورد و می نوشید، دوستان و خویشاوندانی داشت ، رنج کشید و مرد.

### ۱۲-۲- خدا، خداوند و پسر خدا

استعمال واژه خدا در دین مبین اسلام اهمیت و محدودیتی دارد که ادیان دیگر از آن بی خبرند. مثلا در تورات کنونی چنین آمده است : (و خداوند به موسی گفت : ببین تو را بر فرعون خدا ساخته ام و برادرت هارون نبی تو خواهد بود)(خروج ۷:۱).(۵۰) آنچه گفتیم مخصوص لفظ (خدا) بود، اما لفظ (خداوند) (معادل (رب ) در عربی و (Lord)در انگلیسی ) اعم از خالق و مخلوق است ، و به همین دلیل حضرت یوسف (ع ) آن را در مورد پادشاه مصر به کار برده است : (یا صاحبی السجن اما احدکما فیسقی ربه خمرا...و قال للذی ظن انه ناج منهما اذکرنی عند ربک فانساه الشیطان ذکر ربه ...)(یوسف : ۴۲-۴۱ و ۵۰). این کلمه به معنای مولی ، مالک و صاحب است .(۵۱) لقب تشریفی (پسر خدا) در ادیان گوناگون به انبیا و مؤ منین اطلاق شده است . در مورد حضرت سلیمان (ع ) از قول خدا چنین می خوانیم : (او را برگزیده ام تا پسر من باشد و من پدر او) (کتاب اول تواریخ ایام ۲۸:۶) و درباره بنی اسرائیل (خداوند چنین می گوید: اسرائیل پسر من و نخست زاده من است ) (خروج ۴:۲۲) و در اناجیل چهارگانه و سایر کتب عهد جدید این اصطلاح به تکرار، آمده است . مثلا سخن زیر از حضرت عیسی (ع ) نقل شده است : من به شما می گویم که دشمنان خود محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما

فحش دهـد و جفا رسانـد دعای خیر کنیـد تا پدر خود را که در آسـمان است پسـران شوید؛ زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طـالع می سـازد و باران بر عادلان و ظالمان می بارانـد (متی ۴۴:۵-۴۵) یوحنا، نویسـنده انجیل چهارم نیز درباره مؤ منان به حضـرت عیسـی (ع ) چنین می گویـد: و اما به آن کسانی که او را قبول کردنـد قـدرت داد تا فرزنـدان خـدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد (یوحنا ۱:۱۲). در قرآن کریم نیز می خوانیم (و قـالت الیهود و النصاری نحن اءبناء الله و اءحبّاؤ ه ...) (مائـده : ۱۸).(۵۲) اسلام با وجود پذیرفتن برخی القاب تشریفی مانند (یدالله ) و (بیت اللعه )، استعمال عنوان (پسر خدا) را تحریم کرده است ؛ زیرا این عنوان موجب گمراهی اهل کتاب شـده است . این تحریم عنوان ثانوی دارد، ماننـد تحریم جمله (راعنا) در سوره بقره ، آیه ۱۰۴. در کتاب عهـد جدید نصـی که بر تثلیث دلالت کند وجود ندارد و عباراتی نظیر (پدر و پسـر و روح القدس ) (متی ۲۸:۱۹) برای کسی که بـا ذهن خـالی با این عبارت برخورد می کنـد، چنین مفهومی را نمی آفرینـد و نمی توانـد هزاران شاهـد دیگر عهـد عتیق و عهد جدیـد را در تاءکیـد بر توحید مخدوش سازد، همان طور که کنار هم قرار گرفتن خدا و رسول و ملائکه در آیات قرآن مجید نشانه تثلیث نیست . یافت نشـدن نصـی بر تثلیث در عهـد جدید برخی جاهلان را تحریک کرد تا آن کتاب بشـر ساخته را تحریف کنند و تثلیث را در آن جا دهند. آنان نتوانسـتند برای این خیانت ، به اناجیل که محتویات معروفی داشتند، دستبرد بزنند؛ از این رو، به سراغ رساله اول یوحنا (۷:۵-۸) رفتنـد و متنی را مبنی بر وحدت پدر و کلمه و روح القدس به آنجا افزودند. علاوه بر این محققان غربی با بررسـی نسخه های خطی واجد و فاقد این عبارت اثبات کرده اند که عبارت مذکور تنها در نسخه های خطی متاءخر یافت می شود. فقدان نص بر تثلیث و محدودیت و اجمال عبارات مربوط به الوهیت عیسی ، مسیحیان را بر آن داشت که اصطلاح (پسر خدا) را در مورد آن حضـرت توسـعه دهنـد و این اصـطلاح را از معنـای تشـریفی به معنـای حقیقی متحول کننـد. البته آنـان تـا سه قرن در باب الوهیت عیسـی اختلاف داشـتند. هنگامی که اوایل قرن چهارم اسقفی برجسته به نام آریوس بر ضد اعتقاد به الوهیت عیسی قیام کرد و مجادلات بالا گرفت ، قریب ۳۰۰ اسـقف به دعوت قسطنطین ، نخستین قیصر مسیحی ، در شهر نیقیه آسیای صغیر به سال ۳۲۵ م . شورایی تشکیل دادند. در این شورا قول به الوهیت عیسی با اکثریت قاطع پذیرفته شد و نظر آریوس مردود اعلام گردید. در قطعنامه آن شورا که به نام قانون نیقاوی معروف است در مورد عیسی چنین می خوانیم : عیسی مسیح پر خدا، مولود از پدر، یگانه مولود که از ذات پدر است ، نور از نور، خدای حقیقی ، که مولود است نه محلوق ، از یک ذات با پدر،... او به خاطر ما آدمیان و برای نجات مـا نزول کرد و مجسم شـده ، انسـان گردیـد... لعنت باد بر کسانی که می گوینـد زمانی بود که او وجود نـداشت و یا اینکه پیش از آنکه وجود یابد نبود، یا آنکه از نیستی به وجود آمد و بر کسانی که اقرار می کنند وی از ذات یا جنس دیگری است و یا آنکه پسر خـدا خلق شـده یا قابل تغییر و تبـدیل است .(۵۳) به ارشـاد ائمه طـاهرین و علمای اسـلام و به گفته محققان غربی ، مسـلم شـده که اعتقـادات کنونی مسـیحیان محصول فعالیتهـای پولس است . درست است که وی در رسـاله به کولسـیان ۱:۱۵ عیسـی مسیح (ع ) را نخست زاده تمامی آفریدگان خوانده است ، اما در رساله به فیلیپیان ۲:۱-۱۱ می گوید: (عیسی ) با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن صورت غلام را پـذیرفت و در شـباهت مردمـان شـد؛ خویشـتن را فروتن ساخت ، و تا به موت ، بلکه تا به موت صـلیب مطیع گردیـد... شـرح احوال و افکـار پولس در کتاب اعمال رسولان و نامه های او موجود است ؛ همچنین در آغاز و انجام انجیل برنابا از وی به شدت انتقاد شده است .(۵۴) برخی احادیث اسلامی نیز پولس را مسئول گمراهی مسیحیان می دانند.(۵۵) در گذشت پولس در حدود ۶۴ تا ۶۷ م . بوده است . به اعتقاد مسـیحیان و محققان اناجیل همنوا چنـد دهه بیش از انجیل یوحنا نوشـته شده اند. انجیل یوحنـا قریب سال ۱۰۰ م . نوشـته شـده است ، یعنی ۳۰ سـال بعـد از مرگ پولس ، زمـانی که افکـار وی مسـلط بوده است . با یک مقـایسه اجمـالی بین محتویات سه انجیل همنوا از یک سو و انجیل یوحنا از سوی دیگر، بروشـنی معلوم می شود که اناجیل همنوا از یک سو و انجیل یوحنا از سوی دیگر، بروشـنی معلوم می شود که اناجیل همنوا در مورد حضـرت عیسی (ع ) چندان غلو نمی کنند، اما در سراسر این انجیل اخیر مطالب غلوآمیزی مانند الوهیت آن حضرت وجود دارد. مثلا می گوید علت مخالفت یهودیان با عیسی

آن بود که وی خود را خدا می خواند (یوحنا ۱۰:۳۱ – ۳۸). در سخنانی که از حضرت عیسی مسیح (ع ) در اناجیل چهارگانه ثبت شده ، آن حضرت بارها با تعبیر (خدای من ) از خدای عزوجل یاد کرده است . مثلا در یوحنا ۲۰:۱۷ می خوانیم : (نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما می روم .) همچنین نماز و عبادت و التجای وی به درگاه خدا را آورده اند. مخصوصا اینکه وی پیش از دستگیری ، طی چندین مرحله به درگاه خدا تضرع کرده است و در متی ۲۷:۴۶ و مرقس ۱۵:۳۴ می خوانیم که آخرین سخن عیسی بر دار این بود که فریاد زد: (الهی الهی ، چرا مرا واگذاردی ؟.)

## ۱۲–۳– تثلیث

کلمه (تثلیث ) هرگز در کتاب مقدس مسیحیان وارد نشده است و نخستین کاربرد شناخته شده آن در تاریخ مسیحیت به سال ۱۸۰ م . باز می گردد. البته به تصور مسیحیان ، ریشه های مفهوم سه گانگی در عهد جدید احساس می شود و عبارت اعطای حق تعمید در پایان انجیل متی ، آن را صریحا بیان کرده است : (ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید.) نویسندگان عهد جدید عادت دارند خدا را پدر بنامند. این اصطلاح از یهودیت آمده است . به گزارش انجیلها، عیسی به شاگردان خود تعلیم داد که در دعاهای خویش ، خدا را پدر آسمانی بخوانند (متی ۶:۹). همچنین عیسی گفت : (نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما می روم ) (یوحنا ۲۰:۱۷). نویسندگان مسیحی عرب برای فهمیدن رابطه عیسی و خدا و بیان این رابطه از مفهوم حلول و اتحاد در آثار صوفیان بهره می گیرند. به علت وجود همین رابطه ویژه ، عیسی پسر خدا خوانده شده است که البته مسیحیان از آن تولد جسمانی نمی فهمند؛ زیرا اندیشه فرزند داشتن خدا در اسلام و مسیحیت به یک اندازه ممنوع است . غالبا، عهد جدید روح القدس را روح خدا می نامد. مفهوم روح القدس در مسیحیت با مفهوم آن در اسلام تفاوت دارد. از دیدگاه سنت مسیحی و کتابهای مقدس ، روح القدس جبرئیل فرشته خدا یا آفریده ای از آفریدگان و جدای از خدا نیست . به عقیده مسیحیان وی خود خداست که در قلوب مردم و در جهان زیست می کند و به عمل اشتغال دارد. او وجود توانا و فعال خدا در جهان است و عیسی به وسیله همین روح القدس در شکم مادر قرار گرفت و توسط او، کمی قبل از آغاز بشارت ، برای تجربه شدن به بیابان برده شد. همچنین انجیلها روح القدس را به شکل کبوتری ترسیم کرده اند که پس از غسل تعمید در رود اردن بر عیسی فرود آمد و در او استقرار یافت . روح القدس جامعه مسیحیت را ارشاد می کند، تعلیم میدهد، رازهای خدا را می گشاید و به نویسندگان کتابهای مقدس الهام می بخشد. وی در عهد جدید به این نامها خوانده شده است : تسلی دهنده ، روح حکمت و ایمان ، روح شجاعت ، محبت و شادی . با گذشت زمان و در طول تاریخ کلیسا مسیحیان مدعی شدند که طبیعت سه گانه خدا یک راز است و نمی توان آن را با تعابیر بشری بیان کرد. با آنکه نویسندگان ، عارفان و متکلمان مسیحی به کمک کتاب عهد جدید، برای دست یافتن به برخی از آنچه به ذات خدا مربوط می شود، کوشیده اند، ولی همگی به نافرجامی کوششهای خود برای توجیه تثلیث اعتراف دارند. اندیشمندان مسیحی در طول نسلها، برای بیان راز خدای سه گانه ، به مفاهیم و مکاتب فلسفی زمان خود متوسل شده اند. پاپها و شوراهای کلیسایی برخی از این بیانها را درست و برخی دیگر را نادرست اعلام کرده اند. از آنجا که مسیحیان معتقدند روح القدس پیوسته کلیسا را ارشاد می کند، آنان از روی ایمان خود می گویند که فهمیدن راز تثلیث پیوسته به کمک پاپها، شوراها، اندیشمندان و عارفان ، به رشد و پیشرفت خود ادامه خواهد داد. نخستین شوراهای کلیسایی اعلام کردند که خدا یکتا، ولی دارای سه اقنوم است . کلمه اقنوم از ریشه یونانی و به معنای راه وجود است . بر این اساس ، اقانیم سه گانه سه راه یا سه حالت برای وجود خدا و عمل اوست . نویسندگان مسیحی عرب زبان برای رساندن مفهوم تثلیث ، از واژه یونانی الاصل (اقنوم ) و از کلمه (صفت ) (به معنای مظهر) استفاده کرده اند. معادل لاتینی کلمه (اقنوم ) persona (به معنای نقاب ) است .

## ۱۲–۴– فدا

به عقیده مسیحیان ، عواقب گناه در بیرون طبیعت آدمی باقی نمی ماند. در زبور داوود بارها این دعا آمده است : (مرا از عصیانم به کلی شستشو ده و از گناهم طاهر گردان ) (مزامیر ۵۱:۲). مردم به خاطر فرو رفتن در حالات جامعه گناهکار بشری خود را آلوده و ناپاک می یابند و در بیشتر ادیان ، شستن بدن نشانه اعتراف به آلودگی گناه و سرایت آن و نشان دهنده نیاز انسان به تطهیر روح از طریق توبه است . آنان معتقدند که اثر وضعی تجاوز به ساحت الهی ، جهان آفرینش و نظام اخلاقی پس از توبه نیز همچنان باقی است . این قضیه شخص گناهکار را پشت سر می گذارد و همه نژاد بشر را آلوده می سازد و موجب می شود که احساس آلودگی کنیم و خود را نیازمند پاک شدن مجدد بدانیم . در مسیحیت ، نادیده گرفتن زیانی که گناه بر نظام اخلاقی وارد می کند و تاءکید بر جنبه شخصی و فردی گناه ، کوچک شمردن آمرزشی است که خدا عطا می کند و می تواند به منزله سبک شمردن کارهای بد تلقی گردد. همان طور که همه مردم در آسیب وضعی گناه شرکت دارند، یک نماینده از بشریت می تواند کفاره این گناه باشد. به عقیده مسیحیان ، عیسی کفاره آن آسیب را یک بار و برای همیشه محقق ساخت و معتقدند که وی با تسلیم شدن کامل و اطاعت مطلق ، دیواری را که گناه بین خدای بی نهایت شایسته و انسان متمرد قرار داده بود، منهدم کرد. این انهدام و کفاره شدن را کسی نمی تواند انجام دهد، مگر آن کس که خود کاملا بی گناه و متحد با حکمت الهی باشد. برخی اوقات ، شماری از واعظان مسیحی عمل کفاره شدن عیسی را به تسکین خاطر خدای خشمناکی تفسیر کرده اند که خواستار مرگ فرد برگزیده خود بود. بیشتر علمای مسیحی این اندیشه را رد کرده اند. برخی اوقات مسیحیان می گویند: عیسی قربانی شد. این اندیشه از قربانیهای فراوان یهودیت گرفته شده است . مسیحیان عمل قربانی را لازم نمی دانند و عیسی را قربانی همیشگی می شمارند. کاتولیکها نان و شراب عشای ربانی را (قربانی ) می نامند. کاهنان یهود هنگام انجام مراسم قربانی مقداری از خون آن را به مذبح – به نشانه خدا – و به قوم می پاشیدند. این عمل به معنای آن بود که قربانی میان خدای متعال و قوم بنی اسرائیل اتحاد پدید می آورد. قربانی با پیمان برابر بود؛ زیرا با قربانی و پیمان ، خدای متعال خدای آنان می شد و آنان قوم او! از نظر مسیحیان ، مرگ عیسی عهد جدیدی را میان خدا و تمام بشریت ، و نه فقط قوم یهود، منعقد کرد. به ادعای انجیلهای موجود، عیسی هنگام شام آخر، نان و شراب به جدید که در راه شما و بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می شود.) به عقیده مسیحیان ، زندگی تازه ای که از فدا شدن عیسی پدید آمد، به گونه ای است که اثر عینی و اجتماعی گناه نمی تواند در آن مانعی ایجاد کند و نوع بشر، از طریق نماینده خویش یعنی عیسای مصلوب ، با خدای عزوجل از در مصالحه وارد می شود.

## ۱۳– هفت آیین مقدس

### توضیح

به عقیده مسیحیان ، مسیح که از مردگان برخاست ، در جامعه مسیحی زیست می کند و همراه آن است . همچنین وی پیوسته همان کارهایی را انجام می دهد که در طول حیات خود در فلسطین انجام میداد؛ مانند: تعلیم ، دعا، خدمت ، شفا دادن بیماران ، غذا دادن به گرسنگان ، عفو بدکاران و تحمل رنج و مرگ . کارهای غیر آشکار مسیح در زندگی کلیسایی به وسیله آیینها آشکار می شود؛ به دیگر سخن ، هنگامی که یک مسیحی در مراسم مربوط به یکی از آیینها شرکت می کند، ایمان دارد که با این عمل به ملاقات مسیح که از مرگ برخاسته و فیض خدای نجات بخش را به وی بخشیده است ، میرود. تقریبا همه مسیحیان اتفاق نظر دارند که دو آیین اصلی عبارتند از تعمید و عشای ربانی . مسیحیان کاتولیک و ارتدوکس پنج آیین دیگر بر اینها می افزایند و مجموع آیینها را به هفت می رسانند. فرقه های پروتستان در تعداد آیینها اختلاف دارند، ولی اکثریت قاطع آنان دو آیین اول یعنی تعمید و عشای ربانی را قبول دارند. برخی کلیساهای پروتستان ، مانند کویکرها و سپاه نجات هیچ یک از آیینها را نمی پذیرند.

### ۱۳-۱- تعمید

نخستین و اصلی ترین آیین که برای همه ضرورت دارد، تعمید است . انسان با تعمید به جامعه مسیحیت وارد می شود و رسالت دائمی کلیسا را بر عهده می گیرد. این رسالت عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات بخش خدا به وسیله عیسی . به عقیده هر مسیحی ، تعمید وسیله ای است که خدا با آن همه آثار زندگی و مرگ عیسی را عطا می کند. هر مسیحی فقط یک بار، هنگام ورود به جامعه مسیحیت ، تعمید می پذیرد. تعمید اصولا با گونه ای از شستشو انجام می گیرد. در برخی کلیساها رسم است که با ریختن آب بر سر شخص ، وی را تعمید می دهند. در بعضی کلیساهای دیگر رسم است که شخص برای تعمید به زیر آب می رود و بیرون می آید. کلیساهایی نیز تعمید شونده را به آبهای طبیعت ، مانند نهرها و دریاچه ها، می برند. هنگام تعمید، کشیش این عبارت را که از آخر انجیل متی اقتباس شده است ، می خواند: (تو را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می دهم .) برخی کلیساهای پروتستان تنها به نام عیسی تعمید می دهند. عید پاک مهمترین جشن دینی مسیحیان است که به مناسبت پیروزی حضرت عیسی مسیح (ع ) بر مرگ و برخاستن وی از مردگان ، در سومین روز تصلیب وی نزد مسیحیان برگزار می شود. واژه فرانسوی (پاک ) Paques همان کلمه عبری (پسح ) است که از طریق یونانی و لاتینی به فرانسوی رفته و به مرور زمان به این شکل در آمده است . به گفته انجیلها، به صلیب رفتن و رستاخیز حضرت عیسی (ع ) در ایام عید فصح یهود بوده است . عید پاک نخستین یکشنبه پس از نخستین بدر شدن ماه پس از اعتدال ربیعی است و روی این حساب ، وقوع آن از ۲ فروردین تا ۵ اردیبهشت (۲۲ مارس تا ۲۵ آوریل ) امکان دارد. عید فصح یهود (یاد بود نجات بنی اسرائیل از دست فرعونیان ) که در طی یک هفته از ۱۶ تا ۲۱ (و در خارج فلسطین تا ۲۲) نیسان عبری برگزار می شود، در برخی از سالها با عید پاک مسیحیان مصادف می شود. برخی از مراسم مسیحیان در عید پاک عبارت است از: شب زنده داری ، تلاوت کتب مقدسه ، مناجات و دعا، برگزاری مراسم عشای ربانی ، جستجوی نمایشی جسد عیسی (ع ) و اعلام رستاخیز وی ، جشن و چراغانی ، اهدای تخم مرغ رنگین و... قبل و بعد از عید پاک نیز مراسم عبادی مفصلی دارند که برای آشنایی با گوشه ای از آنها باید در زمان مناسب به برخی کشورهای مسیحی مانند ایتالیا مسافرت کرد و از نزدیک آنها را دید؛ و گرنه که از این مراسم در کتابها داده می شود و حتی فیلمهای آن به شدت غلط انداز است . به هر حال مراسم عید پاک به مراتب از جشنهای کریسمس و اول ژانویه دینی تر است و جنبه عبادی بیشتری دارد و به ترتیب زیر انجام می شود: ۱. هنگام غروب پنجشنبه ، یاد بود شام آخر عیسی برگزار می شود؛ ۲. حدود ظهر جمعه ، مسیحیان خاطره مرگ عیسی بر صلیب را گرامی می دارند؛ ۳. بین غرب شنبه و صبح یکشنبه ، به مناسب رستاخیز عیسی و بازگشت به زندگی تازه جشن عید پاک بر پا می شود. مهمترین این یادبودها جشن عید پاک است که قبلا در غروب شنبه آغاز می شد و در شب ادامه می یافت و خاتمه آن هنگام سپیده دم یکشنبه بود که به گفته اناجیل ، زمان برخاستن مسیح از مردگان بوده است .این در عصر ما مختصر شده و فقط دو تا چهار ساعت طول می کشد. در این مراسم ، تازه مسیحیان پیوستن خود به جامعه مسیحیت را اعلام می کنند و تعمید می گیرند. اعضای قدیمی نیز ایمان خود را، با تعهد به زندگی مسیحی راستین ، تجدید می کنند.

### ۱۳-۲- تایید (یا تثبیت ایمان )

نیمه دوم از سلوک و پیشرفت در زندگی مسیحی تایید نامیده می شود، که آیین دوم از آیینهای هفتگانه است .در نیمه اول (یعنی تعمید) بر نجات از گناه تاکید می شود و طی آن ، خدا با فرد گناهکار آشتی می کند و وی را به زندگی بر اساس ایمان و اطاعت فرا می خواند. ولی در نیمه دوم (یعنی تایید) بر جنبه مثبت ادای شهادت به آنچه خدا به وسیله ای عیسی برای بشریت محقق ساخته است و نیز بر کمک خواستن از روح القدوس برای انجام این وظیفه تاکید می شود؛ زیرا نجات در بخشیدن گناهان منحصر نیست ،

بلکه شامل پیگیری رسالت عیسی برای تغییر جهان طبق اراده نیز می شود. تایید به انسان برای تحمل و انجام مسوولیت در جامعه به گونه ای که شایسته یک مسیحی حقیقی است ، نیرو می بخشد. تایید را اسقف یا جانشین او عطا می کند و اساس آن مسح کردن داوطلب تایید با روغن است ، همراه این عبارت : (روح القدوس را بپذیر، تا بتوانی به مسیح شهادت دهی .) در کلیساهای مختلف ممکن است این عبارت اندکی تفاوت لفظی پیدا کند، ولی اصل معنا باقی می ماند. اگر کسی که به کلیسا می پیوند بالغ باشد، تعمید و تایید را همزمان و به عنوان دو نیمه یک آیین می پذیرد. هرگاه وی در کودکی تعمید یافته باشد، تایید تا زمان بلوغ ، یعنی یک بین ۱۳ تا ۱۶ سالگی ، به تاخیر می افتد. تبرخی کلیساهای پروتستان کودکان را تعمید نمی دهند و می گویند قبل از تعمید، شخص باید از روی آگاهی به پ...ЛЪŞ...از عیسی متعهد شده باشد

### ۱۳-۳- ازدواج مسیحی

مسیحیان ازدواج عبارت را یک امر نمی دانند؛ زیرا ازدواج نشانه محبت خدا به بشریت است . ازدواج عبارت از یکی شدن محبت دو شخص که با یکدیگر برای زندگی مشترک ، همراه با امانت داری متقابل و همکاری ، متعهد می شوند و برای تولید مثل و تربیت فرزندان و رشد آنان در فضای ایمان و محبت به خدا می کوشند. از این رو، مسیحیان ازدواج را همچون رمز و نشانه ای بشری برای شیوه رفتار خدا با انسان به شمار می آورند، همان خدای پاک که انسانها را دوست دارد، به امور آنان اهتمام می ورزد و به وعده های خود به آنان پایبند است . مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح با شاگردانش قرار دهند. به همین علت ، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند.

### ۱۳-۴- دستگذاری ، یا درجات مقدس روحانیت

با آیین دستگذاری ، انسان خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت و در نتیجه ، وقف خدمت به همه بشریت می کند. درجات اصلی روحانیت سه است : ۱. اسقف : وی نماینده مسیح در قلمرو معینی است که قلمرو اسقف خوانده می شود و به نیابت از او تعلیم می دهد، رهبری مراسم عبادی را به عهده می گیرد و خدمت می کند. ۲. کشیش : وی معاون اسقف است و به او در سه وظیفه یاد شده ، در محدوده یک گروه ، کمک می کند. ۳. شماس : وی کلام خدا را تبلیغ می کند و به مساعدت بینوایان ، سالخوردگان ، بیماران و افراد در حال احتضار می پردازد. سایر القاب کلیسایی ، مانند پاپ ، پاتریک ، سراسقف ، کاردینال ، ارشمندریت ، موسیو و غیره نشان دهنده وظائف معینی است و ربطی به آیینهای هفتگانه ندارد.

### ۱۳-۵- اعتراف

مسیحیان در آیین اعتراف از طریق توبه یا آشتی بخشایش الهی را دریافت می کنند؛ زیرا ایشان نیز، مانند مسلمانان و یهودیان ، معتقدند که توبه موجب بخشایش الهی می شود. مسیحیان خداوند این مغفرت را که همواره در دسترس بشر است ، از طریق کارهای نجات بخش عیسی در طول زندگی وی ، برای همگان فراهم کرده است . از آنجا که گناه تنها بی حرمتی به خدا نیست ، بلکه نتایج و پیامدهایی وضعی نیز در سطح جامعه دارد، مسیحیان نشانه بخشایش را در سطح جامعه کلیسایی دریافت می کنند. آیین توبه در طول تاریخ مسیحیت اشکال مختلفی به خود دیده است . در قرون نخست تاریخ کلیسا، توبه به صورت علنی انجام می گرفت . در قرون بعدی ، اعتراف فردی به گناه پا گرفت و مرسوم شد.

### ۱۳-۶- تدهین (مالیدن روغن مقدس به بیماران )

اگر گناه بیماری روح است و موجب سست شدن ارتباط انسان با خدا می شود، بیماری جسمی نیز مشکلی بشری است که حیات زمینی را تهدید می کند. در هر دو حال ، مسیحیان برای شنیدن پیام رهایی بخش خدا آماده می شوند؛ زیرا معتقدند که خدا مسیح را برای عیادت بیماران ، شفا دادن ایشان و آماده کردن آنان در لحظات جان دادن فرستاده است . آیین تدهین بیماران نشان دهنده وجود خدا و محبت اوست و به یاد می آورد که خدا انسانهایی را که به وسیله بیماری مورد امتحان قرار گرفته اند، فراموش نمی کند. به دیگر سخن ، هدف از این آیین آن است که با احساس جانکاه تنهایی و بی کسی بیماران مقابله نماید، مخصوصا در مواردی که جسم فرسوده شده و جان اندک اندک از تن می رود و مرگ فرا می رسد. مسح کردن بیماران با روغن مقدس مسلم می سازد که آنان تنها نیستند، بلکه مسیح با ایشان است و آنان را به سوی خدا رهنمون می شود. همچنین گروهی از برادران ایمانی با او هستند و برای او دعا می کنند.

### ۱۳-۷- عشای ربانی

عشای ربانی در دید فرد مسیحی ، تنها یکی از آیینهای هفتگانه نیست ، بلکه این عمل یکی از مسائل اساسی ایمان و شعائر عبادی مسیحیت است و در عین حال یادبود و بازسازی شام آخر عیسی با شاگردان در شب قبل از مرگ اوست . عیسی در آن عمل ، نان و شراب را به عنوان گوشت و خون خود به شاگردان داد تا آنها را بخورند و بنوشند. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می کنند، باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می شود. همچنین باور دارند همان طور که عهد خدا با قوم یهود توسط خون قربانیها بر کوه سینا استوار گردید، به همان ترتیب ، عهد جدیدی بین خدا و بشریت به وسیله خون عیسی مسیح محکم و استوار شد. هر یک از کلیساهای مسیحی در شعائر و آیینهای برگزاری عشای ربانی ابتکاراتی پدید آورده است ؛ ولی دو عنصر اساسی در همه مراسم ثابت است : ۱. خواندن دو یا سه مقطع از کتاب مقدس ؛ ۲. خوردن قربانی مقدس . هنگام تبرک نان و شراب ، پیشوای مراسم سخنان عیسی در شام آخر را تلاوت می کند. در کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس جز اسقف یا جانشین او یعنی کشیش ، کسی نمی تواند پیشوای مراسم باشد و علاوه بر خواندن کتاب مقدس و خوردن قربانی ، همخوانی و دعای توسل و شکر، همراه با موعظه (که معمولا بر محور مقاطع تلاوت شده و تطبیق دادن آن با زندگی روزمره مسیحیان دور می زند) و مصافحه نیز انجام می شود. بسیاری از پروتستانها عشای ربانی را بسیار مهم می شمارند، به طوری که می گویند برای اجرای درست و کامل آن مراسم ، باید کاملا آماده شد و به همین دلیل ، آن را تنها در برخی از مناسبتها برگزار می کنند و بسیاری از ایشان سالی چهار بار یا ماهی یک بار مراسم عشای ربانی را برپا می کنند. ارتدوکس مراسم عشای ربانی را در روزهای یکشنبه و اعیاد برگزار می کنند، ولی کاتولیکا می گویند عشای ربانی قلب عبادات روزانه است و به همین دلیل ، آن مراسم را هر روز برپا می دارند.

## ۱۴- علل انتشار مسیحیت

دو عامل در رشد و گسترش دین مؤ ثر است : یکی تحمل فشار و آزار و دیگری تبلیغ . دین هنگامی می میرد که وانهاده شود. مسیحیان حدود ۳۰۰ سال رنج کشیدند، آزار دیدند و شهیدان فراوانی تقدیم کردند. شالوده این دین در همین ۳۰۰ سال نهاده شد و دعوت اقوام مختلف در این مدت ، کامیابیهای را همراه داشت . افزایش شمار مسیحیان در امپراطوری روم موجب شد که این دین در نیمه اول قرن چهارم در آن سرزمین رسمیت پیدا کند و بر اثر عامل دیگر یعنی تبلیغ ، به بخش وسیعی از جهان آن روز گسترش یابد. برخی ادیان مانند تبلیغ ندارند و افزایش پیروان را کمال نمی شمارند. ادیانی مانند اسلام و مسیحیت برای مساءله تبلیغ اهمیت

زیادی قائلند. هیاءتهای تبلیغی مسیحیت از روزگار قدیم به سراسر جهان رفته و پدیدآمدن استعمار و تهاجم فرهنگی ، مسیحیت در مشرق زمین گسترش یافته است .

## ۱۵- بروز اختلافات کلامی

مسیحیت در سراسر امپرطوری روم گسترده شد و متفکران ، برای بیان چگونگی ارتباط بین عیسی و خدا از اصطلاحات فلسفی و مفاهیم رایج آن عصر بهره گرفتند و بدین شیوه ، الهیات مسیحی شکل گرفت . برخی مسیحیان نخستین تحت تاءثیر اندیشه های غنوصی (ناستیک )، انسان بودن عیسی را انکار کردند. غنوصیان وی را فرشته ای می دانستند که معرفت اسرارآمیزی از خدا برای بشر آورده است . همچنین گروهی به نام دوکتیسها (ظاهر گرایان ) می گفتند عیسی جسم بشری ندشت و بر صلیب نمرد، بلکه وی فقط از نظر ظاهر به شکل آدمی درآمده بود. کلیساهای مسیحی در قرن دوم ، تعالیم غنوصیان و ظاهر گرایان را باطل و محکوم اعلام کردند و بر حقیقت انسانیت موجود در عیسی اصرار ورزیدند.

## ۱۶- مسیحیت در روم

سرانجام کلیسا برپا و استوار شد، اسقفان هر یک از کلیساهای محلی را بر عهده گرفتند، به معاونت آنان اقدام کردند و شماسان علاوه بر تکفل امور سالخوردگان و بینوایان ، به انواع گوناگون نیکوکاری پیدا شدند که برای خدمت به کلیسا و استواری آن از نعمتهای الهی برخوردار شده بودند: ایشان مبشران ، شبانان ، معلمان و رسولانی بودند که با الهام روح خدا سخن می گفتند. افرادی نیز قدرت معجزه کردن ، شفا دادن بیماران و سخن گفتن به زبانهای مختلف را در خود داشتند. موضع دولت روم در برابر کلیساگاهی مسالمت آمیز بود، ولی غالبا حاکمان رومی به آزار مؤ منان می پرداختند و در نتیجه افراد بسیاری مانند پطرس و پولس کشته شدند. اندک اندک با گذشت زمان برخی مراکز اهمیتی ویژه و قدرتی مخصوص پیدا کردند: رم ، اورشلیم ، اسکندریه و انطاکیه . امور مذهبی این چهار شهر به عهده پاتریکها گذاشته شده بود. همچنین در مناطق یاد شده قلمروهایی فرعی به نام قلمرو اسقف ایجاد شدند که زیر فرمان اسقفان قرار داشتند (کلمه یونانی (اسقف ) به معنای ناظر است ). در قرن چهارم هنگامی که قسطنطین (استانبول ) را بنا کرد، این شهر نیز در زمره اماکن مهمی قرار گرفت که رهبری کلیسای آن در دست یک پاتریک بود. در روزگار قسطنطین (م .۳۳۷ میلادی ) جامعه مسیحیت از یک گروه مورد آزار قدرتهای امپراطوری روم به کلیسای دولتی تحول یافت و حکومت آن را به رسمیت شناخت . بر اثر این تحول ، تغییر و دگرگونی بزرگی کلیسا پدید آمد و بیشتر مردم در امپراطوری بیزانس و امپراطوری روم ، به استثنای یهود، دست کم در ظاهر به مسیحیت در آمدند .هنگامی که جدایی بین کلیساهای شرق و غرب کامل شد هر یک از آن دو منطقه مستقلا مراسم عبادی ، فلسفه ، الهیات و سنت خود را شکل داد. همچنین کلیسای قبطی در مصر، کلیسای سریانی در سوریه و کلیسای نسطوری در عراق و ایران سنتهای قدیمی خود را شکل دادند. هنگامی که در اوایل قرن هفتم میلادی دین اسلام در جزیرهٔ العرب ظهور کرد و حاکمان مسلمانان اداره امور مناطق مسیحی نشین در مصر، شام ، بین النهرین و شمال آفریقا را در دست گرفتند، مسیحیان لازم دانستند به دین اسلام با دیده احترام بنگرند و مسلمانان را یارای ایمان و هموطن ، بلکه غالبا حاکم خود قبول کنند. از سوی دیگر، یوحنای دمشقی که در عصر امویان می زیست ، نخستین کتاب مسیحی را که به بررسی اعتقادات اسلامی می پرداخت ، به رشته تحریر درآورد. در قرنهای یازدهم تا سیزدهم ، دولتهای اروپایی جنگهای صلیبی را به راه انداختند و بر اثر آن ، دشمنی و نفرت نه تنها بین مسلمانان و مسیحیان ، بلکه بین مسیحیان غرب اروپا و مسیحیان بیزانسی تا به امروز بر جای مانده است . ویرانگریها، شکنجه ها و کشتارهایی که مسیحیان در هجوم به قدس (۱۰۹۹ م .) و قسطنطنیه (۱۲۰۴ م .) از خود بروز دادند، بدترین تاءثیر را هم نزد مسلمانان و هم نزد مسیحیان شرق باقی گذاشت .

## ۱۷- جدایی در کلیسا

کلمه جدایی بر انفصال بین دو بخش یا گروه از مسیحیان دلالت می کند و ربطی به اعتقاد ندارد. مهمترین جدایی در تاریخ مسیحیت بین کلیسای قسطنطنیه و کلیسای رم پدید آمد و آن را گاهی جدایی شرق و غرب می خوانند. کلیسای روم می گفت کسانی که کلیساها را رهبری و سرپرستی می کنند، اسقفان جهان هستند که با هم در جسم واحدی تحت اشراف اسقف رم عمل می کنند. به نظر کلیسای قسطنطنیه پنج مرکز برای مسیحیت وجود دارد که از نظر اعتبار و اقتدار برابرند: اورشلیم ، انطاکیه ، رم ، اسکندریه و قسطنطنیه . با وجود این اختلاف نظر پیرامون قدرت ، مسیحیان تابع رم و قسطنطنیه تا قرن نهم همگی متحد بودند. در قرنهای بعدی نیز آن دو کلیسا گاهی از هم جدا می شدند ودوباره با هم آشتی می کردند، تا اینکه سرانجام آخرین جدایی بین رم و قسطنطنیه در سال ۱۰۵۴ م . پدید آمد. شکی نیست که بیشتر جداییهای مذهبی بر اثر اسباب و علل سیاسی پیش می آمد، ولی یک عنصر اعتقادی در جدایی اخیر وجود داشت . کاتولیکها (همچنین پروتستانها) برای اظهار ایمان خود به صدور روح القدس از خدای پدر و عیسای پسر که با هم عمل کرده اند، عبارت (و از پسر) (و به لاتینی : Filoiouge) را به کار می برند؛ در صورتی که ارتدوکسها به عبارت اصلی قانون ایمان بسنده می کنند و عبارت مذکور را به آن نمی افزاید. به عقیده ارتدوکسها روح القدس فقط از خدای پدر صادر شده است . این مساءله در واقع برای علمای الهیات اهمیت دارد و توده مسیحیان این نزاع را چیزی در حاشیه تاریخ مسیحیت تلقی می کنند. در دهه های اخیر تلاش برای وحدت کلیساهای رم و قسطنطنیه شتاب بیشتری یافته است . هر یک از پاپ ژان بیست و سوم ، پل ششم و ژان پل دوم به دیدار دو پاتریک جهانی ارتدوکس ، اتیناگوراس و دیمتریوس در استانبول مبادرت کرده اند و متقابلا این دو پاتریک برای بازدید پاپهای مذکور به رم (واتیکان ) رفته اند. همچنین این دو کلیسا گروههایی را برای برانداختن موانع وحدت ایجاد کرده اند.

## ۱۸- امپراطوری مقدس

با مسیحی شدن قسطنطنی قیصر روم در آغاز قرن چهارم میلادی ، اندک اندک کلیسا نیرو گرفت و دخالت در سیاست را آغاز کرد و این دخالت رو به افزایش نهاد. در سال ۸۰۰ م . پاپ رهبر مسیحیان تاج شارلمانی پادشاه فرانسه را بر سر او گذاشت و با این کار امپراطوری مقدس روم را بنیاد نهاد. از این زمان ، دخالت صریح روحانیون مسیحی در سیاست شروع شد. جنگهای صلیبی و محکمه تفتیش در این دوره بود و این دخالتها سال ۱۸۰۶ رسما ادامه یافت . یکی از ناگوارترین حوادث چند قرن اخیر این است که هرگاه دانشمندان و اندیشمندان مغرب زمین قدمی به سوی ترقی و پیشرفت برداشتند، فریاد اعتراض ارباب کلیسا بلند شد. این رفتار ناپسند چهره تابناک دین را تیره کرد و مردم را وادار ساخت که بر کلیسا بشورند. بر اثر دخالتهای ناروای کلیسا در امور سیاسی و اجتماعی مردم ، دانشمندان و اندیشمندان مغرب زمین به این نتیجه رسیدند که دخالت دین در سیاست تنها به نفع پدران روحانی است و عامه مردم از آن زیان می بینند. مردم نیز که از فشارهای کلیسا ناراضی بودند، این اندیشه را پسندیدند و پس از سالها مبارزه فکری و مسلحانه توانستند خود را از قید کلیسا برهانند. نوشته های علوم سیاسی در اروپای قرون وسطی درباره اینکه کدام یک از کلیسای کاتولیک رومی و پادشاهی مقدس روم برتر است ، بحث می کرد. در قرن سیزدهم توماس آکویناس در کتاب خلاصه الاهیات از نقش کلیسا دفاع کرد و در قرن چهاردهم دانته الیگیری در کتاب پیرامون سلطنت از مسیحیت متحد زیر فرمان امپراتور و پاپ سخن گفت . براثر فشار امپراتور فیلیپ چهارم ، مقر پاپ در سال ۱۳۰۹ م .از رم ایتالیا به شهرآوینیون در فرانسه منتقل شد و این وضع تا سال ۱۳۷۷ م . یعنی قریب هفتاد سال ادامه یافت و از باب تشبیه به تبعید یهودیان به بابل در قرن ششم قبل از میلاد، آن را تبعید بابلی پاپها نامیدند. هنگامی که مقر پاپی به رم برگردانده شد، باز هم پاپهایی در آوینیون برخاستند که بعدا

ناپاپ نامیده شدند. این مساءله که انشقاق بزرگ نامیده می شود، از سال ۱۳۷۷ م . تا ۱۴۱۷ م . یعنی چهل سال ادامه یافت . در اوایل قرن پانزدهم بر اثر شدت گرفتن اختلافات ، سه پاپ در کلیسای کاتولیکها به رقابت برخاستند، زیرا علاوه بر پاپ رم به نام گرگوری دوازدهم و ناپاپ آوینیون به نام بندیکت سوم ، امپراطور فرد سومی را به پاپی برگزید که جان بیست و سوم نامیده شد. بدین شیوه ، مسیحیت در برابر سه مدعی قرار گرفت که هر یک خود را بر حق می دانست و دو حریف دیگر را بر باطل . شورای کنستانس (۱۴۱۴-۱۴۱۸) که برای بررسی این مساءله و برخی مسائل دیگر تشکیل شد، در سال ۱۴۱۷ هر سه مدعی را برکنار کرد و پاپ رهنمود داد که برای کسب قدرت اصول اخلاقی را در نظر نگیرند. در قرن شانزدهم نیکولو ماکیاولی در کتاب لویاتان گفت که قدرت حاکم نباید محدود شود؛ زیرا قدرت وی از قرارداد اجتماعی نشاءت می گیرد و براساس آن حکومت موظف به تاءمین امنیت اجتماعی و فراهم کردن خواسته های مردم است . در همان قرن جان لاک بر این موضوع پافشاری کرد و گفت هرگاه حکومتی از انجام تعهدات خود در قبال مردم سرباز زند، باید آن را سرنگون کرد. قدرت سیاسی پاپ پس از سالها آرامش ، در اواخر قرن هجدهم رو به کاستی نهاد. رهبران فرانسه و ایتالیا از طریق نظامی و مراجعه به آرای عمومی ، کاخها و املاک پاپ را گرفتند و به فرمانروایی سیاسی وی پایان دادند. تسلیم کردن پاپها کار آسانی نبود. از این رو، دولت ایتالیا در قانون تضمینات (۱۸ اکتبر ۱۸۷۰) شماری از کاخها را به پاپ برگرداند و ملزم شد گونه ای حق سیاسی برای وی قائل شود. پاپ قانون تضمینات را نپذیرفت و این امر موجب قطع روابط واتیکان با دولت ایتالیا به مدت شصت سال شد. سرانجام پس از سه سال مذاکره ، معاهده لاتران (۱۱ فوریه ۱۹۲۹) بین واتیکان و ایتالیا به امضا رسید و مساءله رم حل شد. معاهده جدیدی در آوریل ۱۹۸۴ بین واتیکان و ایتالیا به امضا رسید و جایگزین معاهده لاتران شد.

## ۱۹- رهبانیت

از زمان حواریون تاکنون ، برخی مسیحیان به تقلید از مسیح تجرد و زهد را شیوه زندگی خود قرار داده اند. عیسی هرگز ازدواج نکرد و تعلیم داد که افرادی به خاطر ملکوت خدا مجرد به سر خواهند برد (متی ۱۲:۱۹). البته بیشتر رسولان ، از جمله پطرس ، ازدواج کرده بودند، ولی پولس مجرد می زیست و وضع او نادر بود. تجرد در آغاز با عقیده به بازگشت قریب الوقوع عیسی و فرارسیدن روز پایانی ارتباط داشت . با گذشت زمان و روشن شدن اینکه بازگشت اینکه بازگشت عیسی نزدیک نیست ، برخی مسیحیان ، به نشانه حیات جدیدی که باید در مسیح ایجاد کرد و به نشانه روابط جدید در جامعه مسیحیت - روابطی که نه بر قرابت جسمانی ، بلکه بر ایمان به خدا استوار بود - تجرد را برگزیدند. باید یادآور شد که از همان روزگار حواریون ، زندگی زناشویی از دیدگاه مسیحیان راه طبیعی پیروی از مسیح و ادای شهادت به تعالیم او بود. پیوسته در طول تاریخ مسیحیت ، تجرد یک شیوه استثنایی برای افرادی محدود از مسیحیان تلقی شده است که احساس می کنند به طور خاص دعوت شده اند تا حیات ایمانی خود را به آن شیوه ادامه دهند. هنگامی که در قرون نخستین ، طوفان آزارهای سخت بر مسیحیان وزیدن گرفت ، آنان برای پیروی از انجیل در میان آن خطرهای بزرگ گروه کوچکی با روابط تنگاتنگ پدید آورند. هنگامی که در زمان قسطنطین مسیحیت دین فرمانروایان شد و بیشتر شهروندان مسیحیت را پذیرفتند، سطح دینداری مردم به طور طبیعی پایین آمد و بسیاری از مسیحیان به گونه ای زیست می کردند که با تعالیم مسیح و شیوه زندگی او شباهتی نداشت . این دگرگونی وضع اجتماعی حرکت به سوی رهبانیت در صحرا را در پی داشت . البته روشن است که یهودیان پیش از مسیحیان به این کار اقدام کرده بودند و همان طور که در بخش یهودیت گذشت ، گروههایی به نام اسنی قبل از میلاد، دیرهایی را نزدیک قمران در کرانه بحرالمیت تاءسیس کرده بودند. این گروهها عقیده داشتند که جامعه دنیوی به گونه ای با شر آلوده شده است که دست یافتن به نجات در آن ممکن نیست و در تلاش برای دور نگه داشتن اعضای خود از ابتلای به گناه و فساد جامعه به زندگی در صحرا، پناه بردند. در قرنهای سوم و چهارم ، برخی

مسیحیان همان مسلک را پیمودند و شهرهایی ، مانند اسکندریه و انطاکیه را رها کردند و زندگی زاهدانه در بیابان را برگزیده اند تا در گوشه تنهایی به دعا راز و نیاز بپردازند. به محض آنکه شهرت یکی از راهبان مقدس مقیم در صحرا بالا می گرفت ، مردم گروه گروه برای دریافت ارشاد و نصیحت و گذراندن اوقاتی در عبادت و در کنار او، به زیارت وی می رفتند. برخی از این زائران نزد وی می ماندند و شیوه زندگی او را برمی گزیدند. بدین گونه ، نخستین دسته های رهبانی که دارای زندگی مشترک بودند، در اطراف صومعه های ناسکان و گوشه گیران گرد آمدند. این پدیده نخست در بیابان مصر مشاهده شد و به زودی مناطق صحرایی سوریه و جزیرهٔ العرب را فرا گرفت . از پیشگامان تنسک و گوشه گیری در مصر، آنتونی (م . ۳۵۶ میلادی ) و مکاریوس (م . ۳۹۰ میلادی ) بودند که سخت ترین گونه زهد را انتخاب کردند. پاکومیوس (م . ۳۴۶ میلادی ) یاران و شاگردانی گرد آورند و نه صومعه بنا کرد که در هر یک از آنها صد راهب به عبادت مشغول بودند. وی نخستین کسی بود که برای سازماندهی زندگی رهبانی گروهی ، آیین نامه ای تنظیم کرد. در مقابل آنچه گذشت ، برخی از پدران کلیسایی معنا و مفهوم دیگری برای رهبانیت مطرح کردند. آنان به فساد جامعه بشری معتقد نبودند و ترک آن را لازم نمی دیدند. این افراد مشغله زیادی داشتند و فعالانه در بحث و جدلهای الهیات و مسائل سیاسی عصر خود شرکت می کردند. با این وصف ، همه آنان هر چندی یک بار برای دعا و تفکر به صحرا می رفتند، همراه این احساس که با چنین عملی می توان اشتغالات را مهار کرد و به یادآورد که هدف زندگی پیروی کامل از تعالیم انجیل است . باسیل قانونی را برای راهبان وضع کرد که هنوز هم کلیساهای شرقی از آن پیروی می کنند. سپس دیرهای باسیلی در همه مناطق بیابانی سوریه ، جزیرهٔ العرب و مناطق کم جمعیت آناتولی و یونان تاءسیس شد و راهبان به پند دادن و ارشاد شهروندانی که به زیارت ایشان می آمدند می پرداختند و از مسافرانی که در بیابان راه گم کرده یا برای فرار از ظلم و ستم و مشکلات به آنجا آمده بودند، پناهگاه و امکانات استراحت و آرامش آنان را فراهم می کردند.

## ۲۰- اصلاح مذهبی

### اشاره

آفتابهایی نیز زندگی کلیسای کاتولیک را در قرون میانه به پرتگاه نابودی کشاند که شاید زشت ترین و ناهنجارترین آنها سایمونی (Simony) باشد که عبارت بود از فروش منصبهای روحانی و امتیازات کلیسایی . علاوه بر این ، پاپها، اسقفان و کشیشان تقریبا تمام نقشهای مهم کلیسایی را در انحصار خود داشتند و نقش قابل توجهی برای عامه مردم قائل نمی شدند و آنان را در امور دین و ایمان در نادانی باقی می گذاشتند. البته اقداماتی اصلاحی نیز در کلیسای را که چهره کلیسا قرون میانه پدید آمد. برخی از این اقدامات در عین پذیرفتن اقتدار پاپها، اصلاح مفاسدی را که چهره کلیسا را زشت کرده بود، در نظر داشت . برخی دیگر کلیسای کاتولیک را نمی پذیرفت و برای پیگیری یک زندگی مسیحی بهتر و همراه پرهیزکاری بیشتر تلاش می کرد. از این رو، در میان این گروه برخی اوقات افکار و عقایدی پدید می آمد که با ایمان سنتی کلیساها هماهنگ نبود و موجب تکفیر آنان می شد. کلیسا و دولت دست به دست هم دادند و برای زدودن آن بدعتها، شیوه های غالبا بسیار قساوت آمیزی با آنها جنگیدند.

### ۲۰-۱- شورشهای قدیمتر

مشهورترین شورشها بر ضد فساد کلیسا عبارت بود از: نهضت بوگومیلها (در بالکان از قرن دهم تا دوازدهم میلادی )، البیجیها (در جنوب فرانسه در قرنهای دوازدهم و سیزدهم میلادی )، ولدیها (در شمال ایتالیا از قرن دوازدهم تا عصر ما)، وایکلیف (در انگلستان ، در قرن چهاردهم میلادی ) و هوس (در بوهیمیا، در قرن پانزدهم میلادی ). در سال ۱۲۳۲، دادگاههای تفتیش عقاید برای

رسیدگی به بدعتها تاءسیس شد و کسانی که به نظر گردانندگان آن گمراه بودند، اگر حاضر به توبه نبودند، به اعدام محکوم می شدند.

### ۲۰-۲- مارتین لوتر

در حالی که بسیاری از کارگزاران کلیسا مردم را به اصلاح دین فرا می خواندند، جریان بخشش نامه ها غوغایی برانگیخت و شکاف در کلیسای غربی را قطعی کرد. قضیه از این قرار بود که تنی چند از واعظان پرشور، مناطق مختلف اروپا را زبر پاگذاشتند و در همه جا اعلام کردند که هر مؤ منی می تواند با پرداخت مقداری پول به کلیسا خود را از مجازات بازخرید کند و نجات دهد. در این هنگام مارتین لوتر (م . ۱۵۴۶) قیام کرد و در سال ۱۵۱۷ اعلامیه ای مشتمل بر ۹۵ ماده انتشار داد که در آنها با کاتولیکها مخالفت کرده بود. برخی از این موارد عبارتند از: - نجات فقط از راه ایمان به دست می آید؛ - کتاب مقدس تنها منبع ایمان مسیحی است ؛ - نباید معتقد بود عشای ربانی قربانی است ؛ - رهبانیت ونذر کردن برای آن باطل است ؛ - افراد غیر روحانی باید نقش مهمتری در مراسم عبادی و رهبری دینی داشته باشند؛ - کلیساهای محلی باید از کلیسای رم مستقل شوند؛ - برخی اعمال کاتولیکی ، مانند حج ، روزه و اعتراف به گناه باید ترک شود؛ - باید با کارهای غیر قانونی ، مانند فروش بخشش نامه ها و مناصب روحانی برخورد شود. لوتر درصدد بود کلیسا را طبق تعالیم اصلی کتاب مقدس اصلاح کند (و به همین دلیل ، نهضت وی اصلاح انجیلی نامیده شد). وی همچنین می گفت باید به ایمان جامعه مسیحیان نخستین بازگردیم . لوتر فرمانروایان آلمان را تشویق می کرد که سلطه پاپ را مردود شمارند و مردم را به پذیرش اصلاح شده در کشورهای اروپای شمالی (آلمان ، نروژ، سوئد، دانمارک و فنلاند) گسترش یافته است .

### ۲۰-۳- مصلحان دیگر

دیری نپاید که با پدید آمدن اختلاف میان پیروان لوتر در برخی مربوط به ایمان و چنددستگی آنان ، حرکت اصلاح از هم پاشید و برخی از ایشان کلیساهای ویژه ای تاءسیس کردند. زوینگلی (Zwingili) (م .۱۵۳۱) رهبری اصلاح دین در سویس را بر عهده گرفت و در مساءله حضور مسیح در عشای ربانی از لوتر جدا شد. همچنین ژان کالون (Calvin) (م .۱۵۶۴) که یکی از برجسته ترین مصلحان بود، مفهوم روحانیت را مردود دانست واندیشه انتخاب پیشین در رستگاری را به مسیحیت وارد کرد. بیشترین تاءثیر وی در سویس ، هلند، فرانسه و اسکاتلند بود. آناباتیستها یعنی طرفداران تجدید تعمید، نهضت واحدی ایجاد نکرده بودند، بلکه چند گرایش پروتستان که تعمید کودکان را نمی پذیرند و تاءکید بر آن داشتند که فرد باید از روی بینش عیسی را به عنوان منجی بپذیرد، به این نام خوانده شدند. این گروهها بر پرهیزکاری باطنی ، عمل روح القدس در فرد مسیحی ، ساده زیستن ، مسالمت جویی ، نفی خشونت و ابطال سلطه کلیسایی و کشوری اهتمام داشتند. کلیساهایی که از این موج فکری وعقیدتی پدید آمده اند، عبارتند از: کویکرها، موراویها، منونیها و تعمیدیها. کویکرها را دوستان (Friends) یا انجمن دینی دوستان نیز می نامند.

### ۲۰-۴- اصلاح در انگلستان

اصلاح پروتستان در انگلستان ، با یک جدایی که در روزگار هنری هشتم پدید آمده بود، آغاز شد. در حالی که اعتقادات کاتولیکها را قبول داشت ، اقتدار پاپ را رد می کرد و هنوز کلیسای انگلستان با این ویژگی مشخص می شود و با چند کلیسای دیگر در کشورهای مختلف ، کلیساهای آنگلیکان را تشکیل می دهند. در دوران الیزابت اول ، دختر هنری هشتم بسیاری از عناصر عقیده پروتستان به کلیسای انگلستان راه یافت و به طور مشخص نمودهای انگلیسی اصلاح نیز پدیدار شدند: پیوریتنها () که می

خواستند کلیسای انگلستان را به شیوه کالون و پیروانش پاکسازی کنند؛ نهضت متدیستها () که با تلاش جان وزلی () تشکیل یافت و در مقابله با ایمان مبتنی بر الفاظ الهیات ، بر پرهیزکاری باطنی اصرار ورزید. لازم به یاد آوری است که همه این امواج پروتستانی به ایالات متحده آمریکا سرایت کرد و آن کشور اکنون بزرگترین سرزمینی است که اکثر مردم آن پروتستان هستند؛ همچنین امواج مذکور به استرالیا، زلاندنو و آفریقای جنوبی راه یافت و میسیونرها آن را به آسیا، خاورمیانه و آفریقا بردند.

### ۲۰-۵- اصلاح متقابل

کلیسای کاتولیک از روی ناچاری به وارد بودن تعدادی از اتهامات مطرح شده مصلحان اعتراف کرد و بسیاری از پیروان آن کلیسا گفتند که تخلفات مورد اعتراض مصلحان واقعیت دارد و باید بی درنگ آنها را از میان برداشت . از سوی دیگر، کاتولیکها مشاهده کردند که مصلحان ، به دلیل انگیزه اصلاحی خود، عناصر مهمی از ایمان مسیحی را به فراموشی سپرده اند. بر اثر این اندیشه ، نهضتی پدید آمد که برای اصلاح کلیسای کاتولیک از درون می کوشید. این نهضت اصلاح متقابل نامیده شد و دعوت پاپ برای برگذاری یک شروع اصلاحی بین سالهای ۱۵۴۵ تا ۱۵۶۳ نخستین گام برای تحقق آن بود. این شورا به مناسبت شهری که میزبانی آن را برعهده داشت ، شورای ترنت نامیده شد و ارتدوکسها و پروتستانها در آن شرکت نکردند. شورای مذکور به اکثر تخلفات مورد نکوهش مصلحان پایان بخشید و مجددا به منظور اندیشه های مصلحان ، بر تعالیم کاتولیکی سنتی تاءکید ورزید. از جمله کسانی که برای تثبیت اصلاح متقابل می کوشیدند، اعضای راهبانیتهای نوبنیاد، مانند کاپوچیها و ژزوئیتها بودند و همه سعی می کردند کلیسای کاتولیک را از درون ، با اتکا بر قدرت پاپ و نه قیام بر ضد آن ، اصلاح کنند. کشورهایی که فعالیت اصلاحی متقابل در آنها ادامه یافت ، سرزمینهایی با اکثریت کاتولیک بودند؛ مانند اسپانیا، ایتالیا، لهستان و ایرلند.

### ۲۰-۶- واکنش کلیسای ارتدوکس

بحث و بررسی الهیات در دوران امپراطوری بیزانس در کلیسای ارتدوکس شکوفا شد و این شکوفایی که ریشه در سنتهای قدیمی داشت ، تا سقوط قسطنطنیه ادامه یافت . در قرن شانزدهم ، ارتدوکسها لازم دیدند موضع خود را نسبت به مسائل مورد نزاع کاتولیکها و پروتستانها بیان کنند. با آنکه یکی از پاتریکهای قسطنطنیه به نام لوکاریس (م . ۱۶۳۸) به مواضع کالون گرایش بسیار داشت ، کلیساهای ارتدوکس اعلام کردند که در بیشتر مسائل مورد بحث به سنتها وفادار هستند و مواضعی مانند مواضع کلیسای کاتولیک دارند.

### ۲۰-۷- شورای واتیکانی دوم

آخرین شورای جهانی کلیسا شورای واتیکانی دوم بود که به دعوت پاپ ژان بیست و سوم تشکیل شد. این شورا از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ ادامه داشت و هدف آن نوسازی کلیسای کاتولیک به مقتضای نیازهای عصر جدید بود. در این شورا اسقفانی از تمام مناطق جهان شرکت کردند. همچنین ناظرانی از کلیساهای ارتدوکس و پروتستان و مهمانانی از اسلام ، یهودیت و ادیان دیگر حضور داشتند. شورای واتیکانی مذکور شانزده سند منتشر کرد که هدف آنها نوسازی همه مذاهب ایمان و رفتارهای دینی بود. مهمترین تعالیم شورا به قرار زیر است : ۱. منزلت ممتاز کتاب مقدس در ایمان کلیسا؛ ۲. روحانی قلمداد شدن همه مسیحیان ؛ ۳. تعهد به پیگیری تلاش برای وحدت مسیحیت ؛ ۴. تعهد جدی به مبارزه برای برقراری عدالت ، صلح و حقوق بشر؛ ۵. برگزاری مراسم عبادت به زبان محلی ؛ ۶. وجود نجات الهی برای پیروان ادیان دیگر. عنوان یکی از سندهایی که شورا منتشر کرد، چنین است : (اظهار نظر پیرامون رابطه کلیسا با ادیان غیر مسیحی .) بخش مخصوص به اسلام در سند یاد شده ، نخستین منبع کلیسایی است که

در آن موضوع مسلمانان به طور رسمی بررسی می شود. اینک خلاصه ای از آن بخش : – مسیحیان باید به مسلمانان به دیده احترام بنگرند و آنان را ارج نهند؛ – مسلمانان و مسیحیان خدای واحدی را می پرستند که آفریدگار آسمان و زمین ، توانا و مهربان است و با بشر سخن گفته است ؛ – مسلمانان و مسیحیان به طور یکسان می کوشند که تسلیم فرمانهای او باشند؛ – هر دو گروه ایمان خود را به ایمان ابراهیم استناد می دهند؛ – مسلمانان به عیسی به عنوان یک پیامبر تعظیم می کنند و مریم باکره را گرامی می دارند؛ – مسلمانان و مسیحیان در انتظار روز داوری و رستاخیز مردگان هستند؛ – مسلمانان زندگی مبتنی بر اخلاق را ارج می نهند؛ – مسلمانان خدا را می پرستند، بویژه از طریق نماز، روزه و انفاق . اظهار نظر شورای واتیکانی دوم پیرامون اسلام چنین خاتمه می یابد: از آنجا که در طول قرنهای گذشته درگیریها و دشمنی های زیادی بین مسیحیان و مسلمانان پدید آمده است ، شورا مؤ کدا از همگان می خواهد که گذشته را به فراموشی بسپارند و صمیمانه به تفاهم گرایش پیدا کنند و با یکدیگر برای حفظ و تقویت صلح ، آزادی ، عدالت اجتماعی و ارزشهای اخلاقی به سود همه افراد بشر بکوشند. در سال ۱۹۶۵ پاپ پل ششم در واتیکان دبیر خانه گفتگوی ادیان را تاءسیس کرد و پس از آن کمیته ای را برای گفتگو با مسلمانان به آن افزود که از اهداف آن ، تقویت احترام متقابل و ایجاد تفاهم میان مسیحیان و مسلمانان از طریق سخنرانی های علمی ، مطالعات طرحهای مشترک در زمینه امور اجتماعی و جریانات مربوط به توسعه و اخلاق است .

## ۲۱– فرقه مسیحی

### توضیح

مسیحیت مانند هر دین دیگر، فرقه های متعددی دارد که برخی از آنها باستانی و برخی نسبتا تازه هستند، همچنین برخی از آنها پیروان بسیار و برخی دیگر پیروان اندک دارند. مسیحیان فرقه را کلیسا می نامند. در مسیحیت سه فرقه بزرگ و تعدادی فرقه کوچک وجود دارد. تفاوت بعضی از فرقه ها (مانند کاتولیک و ارتدوکس ) با یکدیگر بسیار کم است ، ولی برخی از آنها(مانند کاتولیک و پروتستان ) با هم بسیار تفاوت دارند. هنگام بررسی اصلاح دین با برخی از فرقه های مسیحیت آشنا شدیم . اینک به سه فرقه یا کلیسای بزرگ مسیحیت اشاره می کنیم :

### ۲۱–۱– کلیسای کاتولیک

این فرقه بسیار قدیم است و تاریخ آن به عصر حواریون ، یعنی حدود ۲۰۰۰ سال پیش می رسد. کاتولیک یک رهبر دارند که پاپ (POPE یعنی پدر) نامیده می شود. از آغاز نشر دعوت رسولان حضرت عیسی (ع )، تدریجا پنج کانون بزرگ مسیحیت در اورشلیم ، اسکندریه ، انطاکیه ، قسطنطنیه و رم به وجود آمد. از آنجا که شالوده کلیسای روم به دست پطرس نهاده شد و پولس برای مدتی معلم و رهبر آن بود، آن کلیسا خود را از سایر کلیساها برتر می دید، و تفوق آن بر سایر کلیساهای مسیحی تدریجا مسلم شد. اسقف اعظم آن کلیساها از روی تعظیم پاپ (پا پاس ) خوانده می شد و در مرافعات و اختلافات بین کلیساها از راءی و فتوای وی پیروی می شد. قبل از انتقال قطعی تختگاه امپراطوری به بیزانس ، هنگامی که اسقفهای پنج مرکز فوق پاتریک (پاتریارک ) خوانده می شدند، اسقف رم این لقب را نپذیرفت و همان عنوان پاپ را برای خود کافی دانست و آن را مایه امتیاز شمرد. (واژه (کاتولیک ) (Catholic) در زبان یونانی به معنای جامع است .)

### ۲۱–۲– کلیسای ارتدوکس

این فرقه قریب هزار سال پیش پدید آمد و از نظر عقیدتی با فرقه کاتولیک اختلاف چندانی ندارد. ارتدوکسها رهبری واحد را قبول ندارند و می گویند اسقف رم (پاپ ) می تواند یکی از چند رهبر دینی باشد. کلیسای ارتدوکس علاوه بر پاتریک نشین قدیمی (قسطنطنیه ، اسکندریه ، انطاکیه و اورشلیم )، چهار پاتریک نشین های جدید روسیه ، صربستان ، رومانی ، بلغارستان و گرجستان را نیز در بر می گیرد؛ همچنین کلیساهای قبرس ، یونان ، جمهوری چک ، جمهوری اسلواکی ، لهستان و آلبانی ارتدوکس هستند. مسیحیان ارمنی نیز از نظر عقیدتی ارتدوکس به شمار می روند. ارمنستان نخستین سرزمینی است که مسیحیت را به عنوان دین رسمی خود پذیرفت و آن هنگامی بود که پادشاه این سرزمین ، به نام تیرداد دوم در سال ۳۰۱، به دعوت گریگوری نوربخش ، مسیحی شد. البته کلیسای ارمنی با کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس متحد نیست و رهبر آن کلیسا کاتولیکوس (جاثلیق ) شهر اچمیازین است . ارتدوکسها در برخی مسائل کلامی نیز با کاتولیکها اختلاف دارند؛ همان طور که قبلا گفته شد، ارتدوکسها معتقدند روح القدس تنها از خدای پدر صادر شده است ، در حالی که کاتولیکها و پروتستانها صدور او را هم از خدای پدر و هم از خدای پسر می دانند و این تفاوت مهم است . همچنین وجود مطهر (یعنی پالایشگاه گناهان در عالم پس از مرگ ) را نمی پذیرند. (واژه (ارتدوکس ) (Orthodox) در زبان یونانی به معنای راست کیش است .)

### ۲۱-۳- کلیساهای پروتستان

از حدود پانصد سال پیش تا کنون فرقه های پروتستان بی شماری در مسیحیت پدید آمده اند. پروتستانها به رهبری متمرکز عقیده ندارند و برای روحانیت مسیحی ارزش چندانی قائل نیستند. پروتستانها بسیاری از اعتقادات فرقه های دیگر را رد می کنند و نوعی مسیحیت پیراسته را می پذیرند. البته پروتستانها نیز بسیاری اعتقادات غیر عقلانی ، مانند تثلیث و فدا را همچنان حفظ کرده اند. (پروتستان ) (Protestant) واژه ای فرانسوی است که از زبان لاتینی آمده و معنای آن معترض است .)

## ۲۲- دین مسیح در عصر حاضر

جامعه مسیحیت در آغاز باور داشت که عیسی به زودی با شکوه تمام باز می گردد و به این دلیل آن جامعه بی صبرانه منتظر روز پایانی بود. انتظار مذکور و شوق بازگشت مسیح در بخشهای قدیمتر عهد جدید مانند رساله اول و دوم به تسالونیکیان منعکس شده است ؛ ولی رساله های متاءخرتر مانند رساله اول و دوم به تیموتاؤ س ، رساله به تیطس و رساله های پطرس به تشکیل جامعه و زندگی مسیحی در این جهان اهتمام ورزیده اند. با آنکه اکثریت مسیحیان با گذشت زمان دانستند که بازگشت مسیح نزدیک نیست ، اقلیتی از آنان بر این عقیده باقی ماندند که وی به زودی می آید. ایشان مطالب کتاب مکاشفه یوحنا پیرامون جنگ بین خیر و شر را تفسیر لفظی می کردند و به این علت در انتظار بازگشت نزدیک عیسی به سر می بردند تا وی بیاید و حکومتی هزار ساله ایجاد کند، حکومتی که به روز داوری پایان خواهد یافت . از دیرباز گروههای کوچکی به نام ادونتیست و هزاره گرا در مسیحیت پیدا شدند که تمام کوشش خود را در راه آمادگی برای آمدن عیسی در آخرالزمان مصروف می دارند. باری ، مسیحیت بر اساس اندیشه انتظار موعود پدید آمد و پس از رفتن حضرت عیسی مسیح (ع )، پیوسته مسیحیان در سوز و گداز بازگشت دوباره وی روزگار گذرانده اند. شور و هیجان امید به ظهور آن حضرت هنگام نزدیک شدن سال ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ میلادی میان مسیحیان اوج گرفت . مسیحیت از آغاز تاکنون دینی شدیدا تبلیغی بوده است . مبلغان این آیین به سراسر جهان رفته و کامیابیهایی به دست آورده اند. آنان در آموختن زبانهای مختلف و ترجمه کتاب مقدس و تهیه جزوات تبلیغی رنگارنگ بسیار کوشا هستند. دولتهای غربی نیز از این فعالیتهای تبلیغی حمایت کرده اند.

## کتابنامه

۱. آریان ، قمر، چهره مسیح در ادبیات فارسی ، تهران : انتشارات معین ، ۱۳۶۹. ۲. الدر، جان ، تاریخ اصلاحات کلیسا، تهران : انتشارات نور جهان ، ۱۳۲۶. ۳. امرسون ، هری ، مارتین لوتر، ترجمه فریدون بدره ای ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۶۸. ۴. ترجمه تفسیری کتاب مقدس ، انگلستان ، ۱۹۹۵. ۵. تنیر، محمد طاهر، افسانه های بت پرستی در آیین کلیسا، ترجمه عبدالرحیم خلخالی ؛ تهران : دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۳. ۶. تیسن ، هنری ، الهیات مسیحی ، ترجمه ط. میکائلیان ، انتشارات حیات ابدی . ۷. حکمت ، علی اصغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۸. رامیار، محمود، بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی ، تهران . ۹. رابرتسون ، آرچیبالد، عیسی ، اسطوره یا تاریخ ؟، ترجمه حسین توفیقی ، قم : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۳۷۸. ۱۰. روستن ، لئو، فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکائی ، ترجمه محمد بقایی (ماکان )، تهران : انتشارات حکمت ، ۱۳۷۶. ۱۱. زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۵. ۱۲. سلیمانی اردستانی ، عبدالرحیم ، پسر خدا در عهدین و قرآن ، قم : انتشارات مؤ سسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره )، ۱۳۷۸. ۱۳. فیلسون ، فلوید، کلید عهد جدید، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات نور جهان ، تهران : ۱۳۳۳. ۱۴. کتاب مقدس ، لندن ، ۱۹۰۴. ۱۵. گریدی ، جوان ا.، مسیحیت و بدعتها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی ، قم : مؤ سسه فرهنگی طه ، ۱۳۷۷. ۱۶. مصطفوی ، علی اصغر، اسطوره قربانی ، تهران : انتشارات بامداد، ۱۳۶۹. ۱۷. مولند، اینار، جهان مسیحیت ، ترجمه مسیح مهاجری و محمد باقر انصاری ، تهران : انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸. ۱۸. میشل ، توماس ، کلام مسیحی ، ترجمه حسین توفیقی ، قم : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ، ۱۳۷۷. ۱۹. میلر، ویلیام ، تاریخ کلیسای قدیم ، ترجمه علی نخستین ، تهران : انتشارات حیات ابدی ، ۱۹۸۱. ۲۰. ناس ، جان بی .، تاریخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰. ۲۱. ولف ، کری ، مفهوم انجیلها، ترجمه محمد قاضی ، تهران : ۱۳۴۸. ۲۲. هاکس آمریکایی ، قاموس کتاب مقدس ، تهران : انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷. ۲۳.هوردرن ، ویلیام ، الهیات پروتستان ، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۸. ۲۴. هیوم ، رابرت ای .، ادیان زنده جهان ، ترجمه عبدالرحیم گواهی ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۳. ,(ed).j.A, East Middle the in Religion ,London:Church Christian the of :Cambridge CambridgeUniversity Press, ۱۹۶۹. ۲۵. Arberry, Oxford Publishing Company. ۱۹۷۴. ۲۶. Cross, F.l.(ed), The Oxford Dictionery Oxford University Press. Christianity, Oxford: Company, ۱۹۹۵. ۲۷. Kung, Hans, Christianity, New York: The Continuum Press, ۱۹۹۲. ۲۸. Mcmanners, John (ed), The Oxford Illustrated History of Christianity Oxford University Press, ۱۹۹۲. ۲۹. noll, Mark A., A History of Christianity in the United States and Canada, Company, ۱۹۹۲. ۳۰. Rahner, Karl, Theological Investigations, London: Patron, Longman Todd, Grand Rapids, Michigan: William B. Eerdmans Publishing Company. ۱۹۹۷. ۳۱. Van Voorst, Robert E., Readings in Christianity, Belmont, CA: Wadsworth ۱۹۷۴.

## ۹- عرب قبل از اسلام

### ۱- دیانت اعراب عصر جاهلیت

اعراب دو گانه بودند: قحطانی و عدنانی . اعراب قحطانی قومی سامی و قدیم بودند که در جزیرهٔ العرب و بویژه جنوب آن می زیستند. اعراب عدنانی نسب خود را به عدنان از نسل حضرت اسماعیل (ع ) می رساندند. معروفترین و نیرومندترین قبیله عرب که

قبل از بعد از اسلام رهبری داشت ، قریش بود که از اعراب عدنانی به شمار می رفت . رسول گرامی اسلام (ص ) و خلفای او و بسیاری از بزرگان صدر اسلام از این قبیله بودند. (۵۶) اعراب پیش از اسلام ، قومی صحرانشین و بی سواد بودند و اسلام آن دروه بی فرهنگی را دوره جاهلیت نامید. به همین سبب ، تاریخ مدونی از اعراب جاهلی در دست نیست و آنچه یافت می شود، منقولاتی شفاهی است که پس از ظهور تمدن اسلامی به نگارش در آمده است و دانشمندان عصر ما در پذیرفتن بیشتر آن مطالب تردید دارند. طه حسین دانشمند بزرگ مصر در قرن اخیر به کمک پژوهشگران غربی بسیاری از منقولات مربوط به اعراب جاهلی را نقد کرد و آثاری در این باره پدید آورد. دانشمندی نیز به نام دکتر جواد علی دائرة المعارف بزرگی را به زبان عربی در ده جلد نوشته است که همه جوانب تاریخ و فرهنگ اعراب جاهلی را در بر می گیرد. نام این اثر ارزشمند المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام است . معروفترین دیانت اعراب جاهلیت بت پرستی بود و این مرام حتی میان عدنانیان رواج داشت . برخی از آنان نیز به یهودیت و مسیحیت گراییده بودند.

## ۲- خدایان اعراب

اعراب مانند سایر بت پرستان خدایان فراوانی در اشکال مختلف داشتند. برخی از این خدایان به شکل انسان و حیوان و احیانا ترکیبی از این دو یا سنگهای خاصی با شکل طبیعی بودند. بعضی از خدایان بومی و بعضی برگرفته از اقوام دیگر بودند. معمولا تاریخ نگاران شخصی به نام عمر و بن لحی را بنیانگذار بت پرستی در عربستان می شناسد و معتقدند که وی در سفر شام جمعی را دید که بت می پرستند. هنگامی که از خاصیت آن سؤ ال کرد، پاسخ دادند این بت ما را یاری می کند و بارندگیهای این سرزمین به سبب اوست . این شخص به داشتن بت علاقه پیدا کرد و هبل را از آنان دریافت کرد و به مکه آورد. هبل معروفترین بت ساکنان مکه بود. دانشمندان عصر ما برای این داستان ارزشی قائل نیستند و برای بت پرستی آغازی نمی شناسند. از دیدگاه آنان بت پرستی تکامل یافته طبیعت پرستی است . با این وصف ، بت پرستان حجاز، مانند سایر بت پرستان ، بتهای وارداتی نیز داشته اند و نمونه ای از آن ، ذوالشری (duschara) بود که آن را از نبطیان اردن اقتباس کرده بودند. اعراب در مواردی مفاهیم را به شکل بت مجسم می کردند و آن را می پرستیدند، مانند منات که خدای قضا و قدر بود. خدایانی نیز به شکل حیوانات بودند مانند نسر که به شکل کرکس بود و این خدایان ، اصلی توتمی داشتند.

## ۳- ایمان به الله

به طوری که از آیات قرآن مجید به دست می آید، اعراب جاهلی الله را آفریدگار جهان می دانستند و بت را شریک او قرار می دادند. هنگام عبادت و سوگند خوردن و سایر موارد نام الله و نام بتان هر دو مورد استفاده قرار می گرفت ؛ مثلا در آغاز کارها می گفتند: (باسمک اللهم ) ولی هنگام عبادت و حاجت خواستن به سراغ بتان می رفتند. اختلاف آنان با پیامبر عالی قدر اسلام صلی الله علیه و آله در این بود که آن حضرت از پرستش بتان و نیاز خواهی از آنان نهی می کرد و شرک را باطل می دانست .

## ۴- ارواح آزار دهنده

از لوازم زندگی در بیابانها و دشتهای بیکران توجه و اهتمام به برخی موجودات نامرئی است . عربهای بیابانی نیز به ارواح آزار دهنده بسیار اهمیت می دادند و زندگی خود را به گونه ای تنظیم می کردند که از شرارت آنها محفوظ و از خدمات آنها برخوردار شوند. این مساءله در قرآن مجید (جن :۶) آمده است . آنان معتقد بودند که جنیان به اشکال مختلف در می آیند و گونه هایی از آن به انسان زیان می رسانند. مراجعه به جن گیران و انجام مراسمی برای دلجویی از آن موجودات پیوسته رواج داشته است

. غولان گونه ای از جنیان بودند که در بیابانها می زیستند و احیانا با مسافران همراه می شدند و در موقع مناسب آنان را می کشتند. عفریت خطرناکترین نوع جنیان بود. یکی از اهداف دین اسلام این بود که به مردم بفهماند این موجودات برای بشر سود و زیانی ندارند.

## ۵- صابیان

به نظر می رسد که صابیان در آغاز آیین مشخصی نداشتند و این نام بر آیینهای گوناگونی اطلاق می شد. جالب توجه است که مشرکان عرب در عصر حضرت رسول اکرم (ص ) آن حضرت و پیروان وی را (صابی ) می نامیدند و گاهی برای اظهار اسلام می گفتند: (صباءنا) یعنی (صابی شدیم .)صابیان دو گروهند: گروهی که صبّه و صابئة البطائح ، ماندای ، مغتسله و ناصوری نیز خوانده می شوند، پیرو یک آیین باستانی بوده اند که تحولاتی یافته و گونه هایی از آن در خاورمیانه ظهور کرده است و بازماندگان این آیین در خوزستان و جنوب عراق یافت می شوند. گروهی دیگر از صابیان که به علت کمک به نشر علوم در جهان اسلام شهرت یافته اند، صابیان حران هستند که در آغاز قرن سوم هجری نام (صابی ) را برای خود برگزیدند و به آن مشهور شدند. ابن الندیم در مقاله نهم کتاب الفهرست می نویسد: ماءمون خلیفه عباسی هنگام عبور از حران این جماعت را دید و از آنان پرسید: (چه دینی دارید؟) آنان نتوانستند پاسخ درستی بدهند. ماءمون گفت : (اگر اهل کتاب هستید، باید تعیین کنید از کدام طایفه اهل کتابید و اگر اهل کتاب نیستید، باید موضع خود را مشخص کنید.) مقرر شد آنان تا بازگشت ماءمون از سفر پاسخ خود را آماده کنند. در این میان ، گروهی از ایشان مسیحی و گروهی دیگر مسلمان شدند و گروهی نیز نام (صابئین ) را که در قرآن مجید آمده است ، برگزیدند و بدین شیوه خود را در پناه دولت اسلامی قرار دادند.

## ۶- عقاید و آرای صابیان

صابیان قدیم برای هر یک از سیارات هفتگانه معبدی داشتند و گفته می شود خانه کعبه را معبد سیاره زحل قرار داده بودند. آنان به پرستش ماه نیز اهمیت می دادند. صابیان خود را پیرو حضرت یحیی (ع ) می شمارند، ولی رهبانیت را حرام می دانند. معابد ایشان همیشه کنار رود جاری بنا می شود و تنها روحانیون آنان حق ورود به معابد را دارند. یکی از آداب بسیار مقدس ایشان تعمید است که از یحیای تعمید دهنده به یادگار مانده است . صابیان برای کفاره شدن گناهان خود، تعمیدهای مکرری انجام می دهند.

## کتابنامه

۱. برنجی ، سلیم ، قوم از یاد رفته ، تهران : انتشارات حکمت ، ۱۳۶۷. ۲. حکمت ، علی اصغر، تاریخ ادیان ، تهران : انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵. ۳. زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، تهران : انتشارات سروش ، ۱۳۷۵. ۴. مصطفوی ، علی اصغر، اسطوره قربانی ، تهران : انتشارات بامداد، ۱۳۶۹. ۵. ناس ، جان بی .، تاریخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰. ۶. نوری ، یحیی ، اسلام و عقاید و آراء بشری ، تهران : مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی ، ۱۳۵۳.

## پی نوشتها

۱- المیزان ، ج ۱۰، صص ۳۰۱ - ۳۰۲. ۲- کلکی موعود آخر الزمان است که برای اصلاح جهان ، شمشیر به دست و سوار بر اسب سفید، ظاهر خواهد شد. ۳- معبد سومنات بارها ویران شده و شالوده بنای کنونی آن در سال ۱۹۵۱ نهاده شده است . ۴- شاعری از

روی طنز، چارپایی را مخاطب قرار داده و این رباعی را گفته است : ای رفته و باز آمده (بل هم ) گشته نامت زمیان مردمان گم گشته ناخن همه جمع آمده و سم گشته ریشت زعقب در آمده دم گشته ۵- آداب و شرایط یوگا در کتاب پاتانجالی آمده است و دانشمند بزرگ مسلمانان ابوریحان بیرونی آن را به عربی ترجمه کرده است . ۶- لازم است تاءکید شود که در امثال این امور، شایعات بی اساس و داستانهای بی پایه به مراتب بیشتر از واقع است . ۷- مجله Medicale Presse، ش ۸۳، ۱۴ اکتبر ۱۹۳۶. ۸- این داستان در مثنوی ، دفتر سوم ، ابیات ۱۲۵۹ - ۱۲۶۸ آمده است . ۹- برای مثال رک .: اکمال الدین نوشته شیخ صدوق ، ج ۲، صص ۵۷۷-۶۳۸ و بحار الانوار نوشته علامه مجلسی ، ج ۷۸، صص ۳۸۳-۴۴۴ و ترجمه فارسی آن در عین الحیات نوشته علامه مجلسی و در رساله ای مستقل آمده است . در تحریر عربی این داستان ، نامهای آلارا و بودی ستو به بلوهر و یوذاسف تغییر یافته است . ۱۰- قریب سال ۱۰۰۰ ه .ق . اکبر پادشاه مسلمان هندوستان تحت تاءثیر این آیین و به کمک یکی از دانشمندان عصر خود آیین اکبری را بنیاد نهاد که صلح کل بین ادیان را تبلیغ می کرد. ۱۱- آب دریاچه مذکور در کتابهای مذهبی زردشتیان مقدی شمرده شده است . ۱۲- اصولا اعتقاد به دو مبداء در جهان باستان رایج بوده و گونه ای از آن را مکتب غنوصی می خوانده اند. این لفظ از یونانی می آید و در عصر ما ناستیک (Gnostic)تلفظ می شود. ۱۳- داستان تشکیلات خدای خیر و خدای شر به حدیث جنود عقل و جهل در کتاب الکافی ، نوشته مرحوم کلینی شباهت دارد. ۱۴- امام خمینی ، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۰۹. ۱۵- مشروح اعتقادات مانویان در دو سخنرانی مهم سید حسن تقی زاده آمده و در کتاب مانی و دین او چاپ شده است . ۱۶- این موضوع در سوره یوسف ، آیه ۱۰۰ آمده است . ۱۷- نام وی در احادیث اسلامی عمران و در تورات عمرام بن قهات بن لاوی بن یعقوب است (خروج ۶: ۱۴-۲۰). ۱۸- دفن کننده معلوم نیست و برخی می گویند مقصود خداوند است . ۱۹- از نظر اهل کتاب دریایی که بنی اسرائیل از آن عبور کردند دریای سرخ بود که در مرز مصر قرار داشت . جمعی از مسلمانان این دریا را رود نیل دانسته اند. ۲۰- البلاغی ، محمد جواد، الهدی الی دین المصطفی ، صیدا: مطبعة العرفان ، ۱۳۳۱ ه .ق .، ج ۱، صص ۹۸ - ۹۹. ۲۱- ۲۲ Spinoza, de Benedict, Theologico A - Treatise Political, ch. VIII- ابوالبختری وهب بن وهب که در آغاز عصر بنی العباس بن جعل حدیث اشتغال داشت ، در یکی از احادیث ساختگی خویش ، یاهو را اسم اعظم خدا معرفی کرد و این امر به مذاق صوفیان خوش آمد و آن را ترویج کردند. ترکیب (یاهو) از نظر دستور زبان عربی کاملاـ غلط است و از یهوه اقتباس شده است . یهو و یاهو نام برخی از بتهای خاورمیانه قدیم بوده است . ۲۳- نام برخی از این پیامبران در دعای ام داوود که در روز پانزدهم ماه رجب خوانده می شود، آمده است . ۲۴- این مطلب بر اساس دیدگاه کلامی است و تاریخ قطعی پیشگوییها معلوم نیست . ۲۵- چنان که در ۸، تاءسیس یهودیت گذشت . ۲۶- شنبه را به عبری شبات می گویند و ریشه آن به معنای استراحت کردن و دست از کار کشیدن است ، مانند کلمه (سبت ) در عربی ، واژه فارسی (شنبه ) از شبات گرفته شده است . ۲۷- کلمه سنهدرین از واژه یونانی (سیندریون ) به معنای مجمع می آید. ۲۸- الطبری ، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک ، چاپ لیدن ، ۱۹۶۴، ج ۱، ص ۲۴۰۵. ۲۹- ر.ک .: گنجینه ای از تلمود، ص ۸۴. ۳۰- مثلا به وسیله اصحاب اخدود که در سوره بروج از آنان یاد شده است . ۳۱- نمونه ای از این هشدارها در تفسیر المنار، ذیل آیه ۴۵ سوره نساء آمده است . ۳۲- تاریخ تمدن ، ج ۳، فصل ۲۶. برای تحقیق بیشتر در این مساءله رک .: رابرتسون ، آرچیبالد، عیسی : اسطوره یا تاریخ ؟، ترجمه حسین توفیقی ، قم : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ، ۱۳۷۸. ۳۳- عبدالله بن المعتز، طبقات الشعراء، ص ۱۲۵. ۳۴- همان طوری که پیامبر عالی قدر اسلام نیز در دوران سختی کشیدن مسلمانان در مکه مکرمه به علت فراهم نبودن شرایط دفاع ، ایشان را از هر اقدام مسلحانه ای باز می داشت . ۳۵- برای نمونه رجوع شود به : نحل : ۱۲۶-۱۲۸، مؤ منون : ۹۶، فرقان : ۶۳ و ۷۲ و فصلت : ۳۴-۳۶. ۳۶- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۴. ۳۷- نهج البلاغه ، نامه ۳۱. ۳۸- بحارالانوار ج ۱۴، ص ۲۸۷، این عبارات انجیل در ضمن مواعظ حضرت مسیح (ع ) در آخر کتاب تحف العقول تاءلیف حسن بن شعبه بدون هیچ استنکاری نقل شده است . ۳۹- شعبه آن در تهران (خیابان سی تیر،

جنب کلیسای انجیلی ) پس از سالها فعالیت ، به تصمیم نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ تعطیل شد. از دیدگاه فقه اسلامی ، تبلیغ اعتقادات مسیحی (مانند فدا و تثلیث ) که در اسلام باطل شمرده شده ، در جامعه اسلامی ممنوع است . بدیهی است که اسلام در مقابل این ممنوعیت ، داشتن آن اعتقادات را برای مسیحیان کاملاـ آزاد می داند و گفتگوی اندیشمندان اسلام و مسیحیت را توصیه می کند. نسخه های فراوانی از کتاب مقدس برای استفاده پژوهشگران در کتابخانه های عمده سراسر کشور وجود دارد. ۴۰- انجیل برنابا که مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است و بشارتهای فراوانی به ظهور حضرت رسول خاتم (ص ) در آن یافت می شود، مورد قبول مسیحیان نیست و آن را جعلی می دانند. نام انجیل برنابا در فهرستی که پاپ جلاسیوس اول قبر از بعثت حضرت رسول (ص ) منتشر کرده است ، وجود دارد، ولی مسیحیان می گویند آن انجیل مفقود شده است و ربطی به انجیل برنابای کنونی ندارد. همچنین نوشته ای به نام رساله برنابا نزد مسیحیان وجود دارد که تا اندازه ای مورد احترام آنان است ، ولی باید دانست که رساله یاد شده غیر از انجیل برناباست . ۴۱- میشل ، توماس کلام مسیحی ، ترجمه حسین توفیقی ، قم : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ، ۱۳۷۷، ص ۲۶. ۴۲- بر عکس اعتقاد مسلمانان در مورد بیانگری پیامبر اسلام (ص ) نسبت به قرآن مجید. ۴۳- کلام مسیحی ، صص ۴۳ - ۴۴. ۴۴- عهد عتیق نزد پروتستانها ۳۹ کتاب است ؛ زیرا آنان ۷ کتاب اپوکریفایی را نمی پذیرند. ۴۵- کلام مسیحی ، صص ۴۹-۵۱. ۴۶- مانند نیرنگ آنان در مورد ایمان صبحگاهی به اسلام و بازگشت شامگاهی به یهودیت ، به منظور بر گرداندن ایمان مسلمانان (آل عمران : ۷۲). ۴۷- رک .: بقره : ۱۰۴. ۴۸- رک .: آل عمران : ۶۴. ۴۹- York ۱۹۵۶, PP. ۸۹-۹۱. DaviesAmerican ,A .Powell ,The Meaning of the Dead Sea Scrolls ,New Library ۵۰,- ترکیبهای (ناخدا) به معنای ناو خدا و (کدخدا) در زبان فارسی تقریبا از این قبیل است . ۵۱- ترکیب ادبی (خداوند خانه ) نیز از این قبیل است . ۵۲- همچنین در قرن اخیر، گاندی رهبر انقلاب هندوستان به منظور دلجویی از طبقه رنجدیده نجسها آنان را به فرزندان خدا ملقب کرد. ۵۳- میلر، و.م .،تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران ، ترجمه علی نخستین ، تهران : انتشارات حیات ابدی ، ۱۹۸۱، ص ۲۴۴. ۵۴- مسیحیان انجیل برنابارا قبول ندارند. ۵۵-برای نمونه رک .: بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۸، ص ۳۱۱. ۵۶- طوایفی از عرب مانند عاد و ثمود که از میان رفته اند عرب بائده نامیده می شوند. قحطلانیان عرب عاربه و عدنانیان عرب مستعربه نیز خوانده می شوند و اعراب بیرون جزیرهٔ العرب که پس از گسترش اسلام ، فرهنگ و زبان عربی را پذیرفته اند، نام خاصی ندارند.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از

حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر

که او را زنـده کنـد و از کفر به ایمـان، ارشـاد کنـد، گویی همه مردم را زنـده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشـیرهای تیز بکشد». مسـند زید: امام حسـین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

مرکز تحقیقات رایانه‌ای

قائمیه اصفهان

برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹